



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



آیت الله العظمی محمد علی اراکی (شیخ فتنها و اسوه علم و تقوا)

مؤلف: علامہ رضا کٹر زواری

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیت الله العظمی محمدعلی اراکی شیخ فقها و اسوه علم و تقوا

نویسنده:

غلامرضا گلی زواره

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	آیت الله العظمی محمدعلی اراکی شیخ فقها و اسوه علم و تقوا
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۶	دیباچه
۱۸	پیش گفتار
۲۳	فصل اول: گشت و گذاری در باغ دانش و دیانت
۲۳	اشاره
۲۵	زادگاه و وطن
۲۷	منطقه ای کم نظیر
۲۸	حوزه علمیه اراک
۳۰	نیایان نیکوروش
۳۳	پدر پارسا و دانشور
۴۰	مادر
۴۳	شکوفه ای باشکوه
۴۷	فصل دوم: دانش اندوزی
۴۷	اشاره
۴۹	شراره های شوق
۵۲	در محضر فرزانه ای عالی قدر
۵۴	جرعه نوشی از چشمه حکمت و عرفان
۵۹	کسب فیض از قله فقاقت
۶۰	در بوستان فضل و فضیلت
۶۵	مباحثه با دانشوری زاهد
۶۷	مصاحبت با مدرسی وارسته و مبارز

۷۳	مهاجرت به قم
۷۵	ملاقات با مردی از ملکوت
۷۹	فصل سوم: توانایی های علمی و آموزشی
۷۹	اشاره
۸۱	تدریس
۸۵	دیدگاه هایی درباره حوزه و حوزویان
۸۶	دقت های علمی و فکری
۸۹	مرجعیت
۹۴	نگاشته های گران سنگ
۱۰۰	جنبه های ذوقی و ادبی
۱۰۳	شاگردان
۱۳۱	فصل چهارم: همگامی و همراهی با مشاهیر مبارز
۱۳۱	اشاره
۱۳۳	مجاهد میدان تقوا
۱۳۴	در محضر علمای مبارز
۱۳۷	ارتباط تنگاتنگ با تندیس مقاومت
۱۴۲	افشای شرارت رژیم پهلوی
۱۴۳	منظومه منور
۱۴۸	اقامه نماز جماعت
۱۵۰	برپایی نماز عبادی _ سیاسی جمعه
۱۵۴	آغاز آشنایی با امام خمینی
۱۵۵	حمایت از نهضت اسلامی
۱۵۵	اشاره
۱۵۹	دفاع از امام خمینی و انقلاب اسلامی
۱۶۳	پشتیبانی از نظام اسلامی و مقام معظم رهبری
۱۶۹	فصل پنجم: فضیلت های اخلاقی و خصال عالی

- ۱۶۹ اشاره
- ۱۷۲ آینه صدق و صفا
- ۱۷۲ در وصف مورخان و علما
- ۱۷۹ باران بیداری
- ۱۸۲ ارادت به خاندان طهارت
- ۱۸۵ عابد صالح
- ۱۸۷ تماشای تزکیه
- ۱۸۸ ساده زیستی و قناعت
- ۱۹۰ فرزهایی از فروتنی
- ۱۹۱ همت مضاعف
- ۱۹۳ غیرت دینی
- ۱۹۴ حالات ملکوتی
- ۱۹۶ مشاهده آتش
- ۱۹۶ تشخیص درست
- ۱۹۶ شفای بیماری
- ۱۹۷ پرهیز از مجادله
- ۱۹۸ از قم تا کربلا
- ۱۹۹ فصل ششم: خانواده و فرزندان
- ۱۹۹ اشاره
- ۲۰۱ انتخاب همسر و ازدواج
- ۲۰۳ بانویی شایسته
- ۲۰۳ اشاره
- ۲۰۴ آیت الله حاج شیخ ابوالحسن مصلحی اراکی
- ۲۰۷ دیگر فرزندان و دامادها
- ۲۱۰ بر ساحل کرامت
- ۲۱۳ فصل هفتم: خاموشی مشعل مرجعیت

۲۱۳	اشاره
۲۱۵	کسالت و رنجوری
۲۱۷	رحلت، تشییع و دفن
۲۱۹	مجالس ترحیم و پیام های تسلیت
۲۲۰	سوگ نامه ها و ادبیات ماتم داری
۲۲۲	در رثای فقیهی فرزانه
۲۲۶	فصل هشتم: گزیده ای از بیانات، مواعظ و نصایح
۲۲۶	اشاره
۲۲۸	تدبر در قرآن
۲۲۸	قیام و قعود
۲۲۹	جام بلا برای مقربین
۲۲۹	معنای ولایت تکوینی
۲۳۰	رسول باطنی و ظاهری
۲۳۱	شیطان خارجی و داخلی
۲۳۱	روح و نفس آدمی
۲۳۲	دنیا و آخرت
۲۳۲	هشدار جدی
۲۳۳	سبب عقب افتادگی انسان ها
۲۳۴	قم، حرم اهل بیت
۲۳۴	روحانیت
۲۳۵	میرزای شیرازی عالم اولوالعزم
۲۳۶	منابعی برای پژوهش افزون تر
۲۳۸	فصل نهم: با برنامه سازان
۲۳۸	اشاره
۲۴۰	سخنی با برنامه سازان
۲۴۱	سوژه های برنامه سازی

۲۴۳	گفت و گو با چه افرادی صورت گیرد؟
۲۴۳	پرسش های مسابقه
۲۴۵	پرسش های کارشناسی
۲۴۹	کتاب نامه
۲۴۹	اشاره
۲۴۹	الف) کتاب ها
۲۵۶	ب) مقالات
۲۵۷	ج) سخنان و مصاحبه ها
۲۵۸	د) نشریات و جراید
۲۶۰	درباره مرکز

آیت الله العظمی محمدعلی اراکی شیخ فقها و اسوه علم و تقوا

مشخصات کتاب

آیت الله العظمی محمدعلی اراکی (شیخ فقها و اسوه علم و تقوا)

کد: ۱۷۶۱

گردآوری و نگارش: غلامرضا گلی زواره

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

www.irc.ir info@irc.ir

ص: ۱

اشاره

دبیاچه

دبیاچه

آیت الله اراکی با زندگی زاهدانه و سلوک عاری از تقید و تکلفی که داشت همواره مورد توجه بزرگان بود و آن‌ها همواره به زهد و تقوا و درایت علمی و عملی ایشان اشاره کرده و در گفتار و نوشتار به این مهم تاکید می‌ورزیدند.

او انسی مخصوص با شب و خلوت آن و حضور دوست و جدایی از هرچه غیر اوست داشت و عمر طولانی و با برکتش را بی کم‌ترین خدشه و شائبه‌ای، در طهارت و نزاهت و قداست و معنویت به سر آورد، راه خدا را با گامی استوار و اراده‌ای خلل‌ناپذیر طی کرد و یک قرن دل و جان منور و پاکیزه خود را در برابر جلوه‌های رنگارنگ دنیای فانی تسلیم ناپذیر و تسخیرناپذیر نگاه داشت تا فارغ از هر امر دیگری دل بر آستان حضرت دوست نهاد.

بزرگداشت عالمان دینی به‌عنوان پرچمداران شریعت و پاسداران اندیشه و باور دینی رسالتی دینی و انسانی است و شناخت ارزش فرهنگی و فرزاندگی و اهتمام به آن و گرامی داشت منزلت ایشان گام بلند به سوی فیروزبختی و سرافرازی است.

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما به منظور قدردانی و سپاس از بخشی از خدمات بزرگی که آن عالم بزرگ در مدت یک قرن در صحنه‌های اجتماعی و

سیاسی تقدیم نموده است و به منظور احیای راهی که آن عارف پیموده است و نهاده این راه در پیش پای روندگان آن مجموعه حاضر را تقدیم می‌نماید تا ان شاءالله آغازی باشد و برانگیزد حس هنرمندانه اهالی رسانه را برای احیای اندیشه‌ای ناب، باشد که کمال ایشان باز جسته شود.

گروه پژوهش‌های مناسبتی

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

در روایتی که از ناحیه مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده، آن ذخیره الهی از پیروان خود خواسته در حوادثی که با آن روبه‌رو می‌شوند، به راویان حدیث مراجعه کنند، چرا که آنان از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حجتی بر مردمند. چنان که آن امام همام از سوی خداوند حجتی بر آنان است. (۱) همچنین حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرموده اند: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَيَّ هَوَاهُ مَطِيعًا لَأَمْرِ مُوَلَّاهِ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ» (۲) بر مردم است که از فقهای پیروی کنند که مهار نفس خود را به دست گرفته، دین خود را صیانت و با خواهش های نفسانی مخالفت کنند و فرمان بردار مولای خود باشند.

مرجعیت فقهای شیعه، مقامی است که بر اساس سفارش های ائمه و تأکیدهایی که به دو نمونه اش اشاره کردیم، پس از غیبت کبری عینیت یافت. پیروان اهل بیت با اتکا بر میناها و ضوابطی که ستارگان درخشان آسمان امامت ترسیم کرده بودند، مجتهدانی را مرجع امور شرعی و احکام دینی خود قرار داده اند که غیر از برجستگی های علمی، فقاقت و عدالت،

۱- متن روایت چنین است: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَانْهَمْ حِجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حِجَّاهُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ»، وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۸، ص ۱۰۱، الحیاه، محمدرضا حکیمی و دیگران، ج ۲، ص ۲۹۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱؛ احتجاج، فضل بن علی بن ابی طالب طبرسی، ج ۲، ص ۵۵۳؛ بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۲، ص ۸۸.

ویژگی هایی چون زهد، تقوا، قناعت و خودسازی را در وجود خویش شکوفا ساخته و در تشریح مسائل، به نیازهای زمان و تحولات عصر خویش توجه داشته و پرسش های جدید را با ابتکار و فراست خود، پاسخ گفته اند.

شیعیان، فرامین این بزرگان و قله های اجتهاد را به گوش جان شنیده و از فداکاری و جان نثاری در راه اهداف پاک و مقدسشان مضایقه نکرده اند و از قرن سوم هجری تاکنون، هیچ گاه ارتباط تنگاتنگ مردم با مراجع بزرگوار دچار خلل نگشته است. البته تردیدی نیست که عالمان متعهد و حوزه های علوم دینی در طول تاریخ تشیع، پایگاهی محکم در برابر شیخون های بیگانگان و شیاطین بوده اند و هرگاه مردم را با مرجعی وارسته، بافراست، شجاع و پارسا آشنا کرده اند، محصولات بابرکت و نویدبخشی برای امت مسلمان به ارمغان آورده اند.

شیخ الفقها و المجتهدین، آیت الله العظمی شیخ محمدعلی اراکی از سلسله عالمان پرهیزکار و آگاهی است که در تاریخ معاصر فقه شیعی، حدود یک قرن چون خورشیدی درخشان، پرتوافشانی کرد. او که تندیس دانش، پرهیزکاری و اخلاص بود، در راهبری دینی امت اسلامی به سوی سعادت و پاکی و رشد معنوی و اخلاقی، همت مضاعفی از خود نشان داد. فقیهی که در فهم روح دین، مذاق شریعت و قدرت انطباق مسائل نو با احکام الهی، اعلم بود؛ مجتهدی که شرایط اجتماعی و سیاسی زمان خویش را خوب می شناخت و چندین دهه با عالمان مبارز و مجاهد، مانوس و هم مباحثه بود و در هیچ دوره ای به سرنوشت جامعه اسلامی بی توجه نبود و پاسداری از ارزش های دینی و دستاوردهای قرآن و عترت را از اهم فرایض می دانست. ضمن اینکه با ورع و پارسایی، هرگونه گرایش های فردی و تمایلات نفسانی

را از خویشتن دور کرده و شکوفه های معنویت در مزرعه وجودش روییده بود.

آیت الله اراکی بزرگ مردی از تبار صالحان بود که در عصر تیرگی ها طلوع کرد و افق های تازه ای را نمایان ساخت. او که خود از فقیهان فرزانه عصر خویش به شمار می رفت، در حدود چهار دهه تدریس، مجتهدان و دانشوران و مدرسان بسیاری را تربیت کرد. در روزگاری که آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری برای خنثی کردن یورش های فکری و فرهنگی استبداد، استعمار و مادی گری از نوع شرقی و غربی، نگهبان حریم نور قرار گرفت و حوزه علمیه قم را بنیان نهاد، شخصیت هایی چون آیت الله اراکی با همتی وافر به یاری او شتافتند و استاد خود را در این تلاش سترگ یاری دادند.

نویسنده در سال ۱۳۸۶ خورشیدی، مقاله ای در ترسیم سیمای این مرجع بلندپایه نگاشت که مقدر شد پژوهش ها و بررسی ها ادامه یابد و این نوشتار تا تألیف کتابی گسترش یابد که بحمدالله این مهم انجام پذیرفت و اثر حاضر در نه فصل تنظیم شد. همچنین نویسنده کوشیده فرازهایی از کوشش های آموزشی، علمی، اجتماعی و روابط این بزرگوار را با عالمان معاصرش برای خوانندگان علاقه مند ترسیم سازد. امید آنکه مفید واقع شود.

غلامرضا گلی زواره

ص: ۱۲

سال شمار زندگی آیت الله اراکی

سال قمری

سال شمسی

تولد

۱۳۱۲ ه. ق.

۱۲۷۳ ش

آغاز سوادآموزی

۱۳۲۳ ه. ق.

۱۲۸۴ ش

شروع دانش اندوزی در محضر حاج شیخ عبدالکریم حائری در حوزه اراک

۱۳۳۲ ه. ق.

۱۲۹۳ ش

هجرت به قم

۱۳۴۰ ه. ق.

۱۳۰۱ ش

شرکت در درس آیت الله العظمی سید محمدتقی خوانساری در قم

۱۳۵۵ ه. ق.

۱۳۱۵ ش

آغاز تدریس خارج فقه و اصول در شبستان کتابخانه مدرسه فیضیه قم

۱۳۷۱ ه. ق.

۱۳۳۱ ش

صدور اطلاعیه ای در مخالفت با لایحه انجمن های ایالتی ولایتی رژیم پهلوی

۱۳۸۲ ه. ق.

۱۳۴۱ ش

سفر به عتبات عراق و ملاقات با امام خمینی در کربلا و نجف

۱۳۸۶ ه. ق.

۱۳۴۵ ش

مرجعیت آیت الله اراکی در ۹۷ سالگی

۱۴۰۹ ه. ق.

۱۳۶۸ ش

رحلت

۱۴۱۵ ه. ق.

۱۳۷۳ ش

فصل اول: گشت و گذاری در باغ دانش و دیانت

اشاره

فصل اول: گشت و گذاری در باغ دانش و دیانت

زیر فصل ها

زادگاه و وطن

منطقه ای کم نظیر

حوزه علمیه اراک

نیاکان نیکوروش

پدر پارسا و دانشور

مادر

شکوفه ای باشکوه

زادگاه و وطن

زادگاه و وطن

ایالت جبال را که از اقلیم چهارم است، برای آنکه با عراق عرب اشتباه نشود، عراق عجم نامیده اند. (۱) در متون جغرافیایی، این منطقه به کوهستان، جبل، قهستان و قوهستان هم معروف بوده است و ناحیه ناهموار وسیعی را در برمی گرفته که از غرب به جلگه های بین النهرین و از شرق به کویر بزرگ ایران محدود می شد. (۲) گویا برای نخستین بار، حمدالله مستوفی، این سرزمین را عراق عجم نامید. (۳)

حدود عراق عجم در زمان قاجاریه بدین صورت بود: از شمال به ساوه و زند، از غرب به همدان و ملایر، از جنوب به بروجرد و منطقه کمره و از شرق به قم. (۴) کانون سیاسی و اجتماعی و مرکز حکمرانی ولایت عراق عجم، سلطان آباد عجم بود که یوسف خان سپهدار به سال ۱۲۲۷ ه. ق بنیان نهاد. وی سال ها حاکم عراق عجم و رئیس قشون بود و رفته رفته در مناطق تحت

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۹۹.

۲- لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه: محمود عرفان، صص ۲۰۰ و ۲۰۶.

۳- حمدالله مستوفی، نزه القلوب، ص ۵۱.

۴- تاریخ عراق عجم، محمدرضا و کیلی طباطبایی، ص ۳۶۵.

قلمرو خود، نفوذ و تمکنی پدید آورد و از سوی دولت مرکزی اجازه یافت که شهر جدیدی را در حوزه فرمانروایی خود به وجود آورد. (۱) یوسف خان گرجی که این شهر را بر خرابه های هشت قلعه بزرگ ساخت، درصدد بود پایگاهی برای تجدید سازمان ارتش ایران به وجود آورد. از این رو بر اساس نقشه ای منظم و چهار گوش ساخته شده و باروهایش با برج های متعددی حفاظت می شده است. (۲)

این دژ نظامی در سال ۱۳۱۶ خورشیدی به اراک موسوم شد. (۳) شهر اولیه دارای چهار دروازه در چهار طرف بود و به گونه ای ساخته شده بود که اگر شخصی در میان چهار سوق می ایستاد و مانعی هم در میان نبود، این چهار دروازه را مشاهده می کرد. (۴) شهر اراک که هم اکنون مرکز استان مرکزی ایران است، بین ۴۸ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۵۰ دقیقه و ۱۲ دقیقه طول شرقی و نیز بین ۳۳ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی قرار دارد و از شمال غربی به همدان، از غرب به ملایر، از جنوب به بروجرد، خمین و محلات و از شرق به شهرستان های قم و محلات محدود است. شهر اراک با تهران ۲۹۵ کیلومتر فاصله دارد و خط آهن سراسری از کنارش عبور کرده است. (۵) اراک طبق آمار رسمی سال ۱۳۸۵، جمعیتی افزون بر ۶۱۵۷۰۲ نفر داشته که در وسعتی برابر ۵۵۱۱ کیلومتر مربع پراکنده هستند. استان مرکزی با مساحت ۲۹۱۲۶ کیلومتر مربع به مرکزیت شهر اراک در مرکز ایران است و بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، یازده شهرستان، ۲۸ نقطه شهری، ۱۸

۱- تاریخ عراق عجم، محمدرضا و کیلی طباطبایی، ص ۳۷۶.

۲- ابراهیم دهگان، گزارش نامه، یافقه اللفه، ص ۲۷۱؛ همان مؤلف، تاریخ اراک، ج ۲، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۳- محمدرضا محتاط، سیمای اراک، صص ۲۸ و ۲۹.

۴- گزارش نامه، ص ۲۷۷.

۵- عبدالحسین سعیدیان، سرزمین و مردم ایران، ص ۵۳.

بخش، ۶۱ دهستان و ۱۵۳۹ آبادی دارای سکنه داشته است. این استان از نظر فرهنگی و مذهبی یکی از مراکز اصلی تربیت و پرورش اندیشمندان، فقها، حکما، عرفا و ادباست. (۱)

منطقه اراک تقریباً در مرکز ناحیه تاریخی جبال و در ارتفاع ۱۷۵۹ متری از سطح دریای آزاد قرار دارد. این ناحیه، فلات نسبتاً مرتفعی است که از جنوب و مغرب به کوهستان و از شرق و شمال به دشتی متصل می شود که به کویر میقان می رسد. هوای آن در زمستان ها سرد و در تابستان ها معتدل است. (۲)

منطقه ای کم نظیر

منطقه ای کم نظیر

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای در معرفی این سرزمین فرموده:

... استان مرکزی در حقیقت سرزمین رشد فرهنگی و فکری و خدمات بسیار باارزش فرهنگی و سیاسی است. سرتاسر استان همین خصوصیت را دارد. البته شهرهای قدیمی و کهنی دارد، اما شهر اراک با آنکه خیلی قدیمی نیست و در مقایسه با بسیاری از شهرهای کهن، شهر جوانی است، اما در همین مدت شخصیت های برجسته ای از همین شهر برخاسته اند و هر کدام منشأ آثاری شده اند. این شخصیت ها و ظهور مردان بزرگ از این خطه، نشان دهنده حقیقتی است و آن حقیقت این است که این منطقه از لحاظ استعداد انسانی، منطقه ای ممتاز و کم نظیر است. مرحوم آیت الله حائری از اراک به قم رفت و حوزه علمیه قم را تأسیس کرد. با این حساب، شهر اراک مادر حوزه علمیه است. حوزه قم به دست آن مردی تأسیس شد و به وجود آمد که جاذبه شهر (اراک) توانسته بود او را از مرکز تحصیلات، یعنی نجف و سامرا، به اینجا بکشاند. بزرگان اراک در نجف هم که بودند،

۱- لوح فشرده سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان مرکزی، ویرایش سال ۱۳۸۹.

۲- گروهی از نویسندگان، جغرافیای کامل ایران، ج ۲، ص ۱۱۷۷؛ دائرهالمعارف تشیع، ج ۲، ص ۵۱.

برجسته بودند. مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی محقق بزرگی است که اگر امروز کسی سخنان و تحقیقات او را در مباحث فقهی و اصولی بتواند عمیقاً درک کند، افتخار می کند. مرحوم آیت الله اراکی که در قم ساکن بود از افتخارات شهر اراک بود. امام عزیز در همین شهر استخوان بندی علمی اش به وجود آمد؛ در همین مدرسه ای که امروز به نام شریف او مزین است، درس خوانده و دوران جوانی اش را چند سالی در اینجا گذراند. این مرد بزرگ (امام خمینی) از این استان به حوزه بزرگ قم هدیه شد و حوزه قم این گوهر تابناک را پرورش داد و به ملت ایران هدیه کرد. بنابراین، این هدیه الهی را اول بار اراکی ها و مردم استان مرکزی در درون خود پرورش دادند و به جهان اسلام هدیه کردند، این خصوصیت این شهر بزرگ است. (۱)

حوزه علمیه اراک

حوزه علمیه اراک

نخستین پایگاه علوم دینی اراک هم زمان با ایجاد بنای شهر به وجود آمد که یوسف خان سپهدار در ضلع شمال شرقی چهار سوق آن را ساخت و به مدرسه سپه داری موسوم شد. (۲)

این مدرسه از آغاز مورد توجه فضلا بوده و برای امور عمرانی آن موقوفاتی در نظر گرفته شده است و سازمان اوقاف و میراث فرهنگی در جهت مرمت و حفظ ارزش های تاریخی و جلوه های هنری آن اهتمام ورزیده اند. امام خمینی در یکی از حجره های آن به مدت یک سال اقامت داشته که در ضلع شرقی مدرسه قرار دارد و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به تازگی طرحی برای تزیینات کاشی کاری آن اجرا کرده است. (۳)

مدرسه علمیه آقا ضیاءالدین، در سال ۱۲۸۷ ه. ق به همت حاج حسن

۱- «برگزیده ای از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با مردم اراک»، روزنامه اطلاعات، ۲۵/۸/۱۳۷۹، ش ۲۲۰۶۰، ص ۲.

۲- فصلنامه راه دانش، ش ۷، ص ۴۵.

۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۴۲۱۵، ص ۱۰؛ نشریه آن موج آرام، ص ۹۱.

ملک التجار در ضلع جنوبی میدان اراک ساخته و وقف طلاب علوم دینی شد و از آنجا که آقا ضیاءالدین، فرزند حاج سید محمدباقر، اولین امام جماعت مسجد ضمیمه شده به این مکان آموزشی و دینی بوده، به نام مدرسه آقا ضیاء معروف است. (۱)

حاج محمدابراهیم خوانساری (۱۲۶۰ - ۱۳۲۲ ه. ق) بین سال های ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ ه. ق مدرسه و مسجدی در اراک ساخت. شیخ عبدالکریم حائری در سفر دوم به اراک حجره های این مکان را ساخت و برای تکمیل اجزا و عناصر آن اقدام کرد. آیت الله اراکی در سال ۱۴۱۰ ه. ق شیخ علی اصغر قاضی زاده را که اداره مدرسه را عهده دار بود، موظف ساخت تعمیر و مراقبت از این بنا تلاش کند. (۲)

از آنجا که نامدارانی چون آیات محترم میرزا محمود میثمی اراک (در گذشته ۱۳۰۸ ه. ق)، ملافتح علی سلطان آبادی (در گذشته ۱۳۱۸ ه. ق)، ملامحمدحسین سلطان آبادی (در گذشته ۱۳۱۴ ه. ق)، حاج آقا محسن عراقی (در گذشته ۱۳۲۵ ه. ق)، حاج آقا نورالدین عراقی (در گذشته ۱۳۴۰ ه. ق)، آقا ضیاءالدین عراقی (در گذشته ۱۳۶۱ ه. ق) چند تن از معارف معقول و منقول در حوزه اراک مشغول تحصیل بوده اند، آوازه این حوزه در عتبات عراق انتشار یافت. (۳)

آیت الله حائری که با حاج آقا مصطفی (فرزند آقا محسن اراکی) در حوزه نجف و در درس آیت الله سید محمد فشارکی طباطبایی آشنا شده بود، از طریق وی به اهمیت این حوزه پی برد و بنا به دعوت او و اصرار برادرش میرزا محمود اراکی و نیز تقاضای گروهی از اهالی متدین اراک در سال

۱- فصل نامه راه دانش، ش ۷، ص ۴۵؛ داود نعیمی، افتخارآفرینان استان مرکزی، ج ۱، ص ۴۱۳.

۲- افتخارآفرینان استان مرکزی، داود نعیمی، ج ۱، ص ۴۱۱ و ۴۱۲.

۳- غلامعلی ولاشجردی فراهانی، نام های ماندگار، صص ۳۵، ۴۲، ۴۶، ۴۹ و ۵۲، علی صدرایی خویی، دیدار با ابرار، (ج ۸۲: آیت الله اراکی، یک قرن وارستگی)، صص ۲۱-۲۰.

۱۳۱۶ ه. ق به اراک آمد. در واقع آیت الله حائری با وجود توانایی های علمی و تقوا و پارسایی، از پذیرش مقام مرجعیت، گریزان بود و به گفته خودش می خواست در حوزه اراک خدمتی به اسلام و مسلمین کند. (۱)

وی هشت سال برای ارتقای علمی و گسترش این حوزه کوشید و در سال ۱۳۲۴ ه. ق از اراک به نجف اشرف و سپس کربلا رفت و برای بار دوم و به سال ۱۳۳۲ ه. ق به این شهر بازگشت و درحالی که اداره امور این حوزه بر عهده آقا نورالدین عراقی بود، با وی در جهت احیای این کانون، همکاری گسترده و تنگاتنگی داشت. آوازه تدریس فقه و اصول آیت الله حائری در حوزه اراک به گوش علاقه مندان رسید و آنان از نقاط گوناگون برای کسب معارف دینی به این شهر مهاجرت و در درس مرحوم حائری شرکت کردند و به تدریج حوزه اراک از نظر جنب و جوش علمی، همچون حوزه های نجف و کربلا شد و طلاب آن بیش از سیصد نفر بودند. شخصیت هایی که در این کانون علمی و دینی به شکوفایی استعدادهای خویش پرداختند، به عنوان مشاهیر برجسته ای در جهان تشیع مطرح شدند و گروهی از آنان در مقام مرجعیت و درجات والای علمی، شیعیان جهان اسلام را از مشعل پرفروغ وجود خویش بهره مند ساختند. کاروانی از دانشوران این حوزه همراه آیت الله حائری به قم مهاجرت کردند و آن فقیه فرزانه به کمک همین شاگردانش، حوزه علمیه قم را بازسازی و راه اندازی کرد. (۲)

نیاکان نیکوروش

نیاکان نیکوروش

- ۱- شیخ آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۲، ص ۱۶۴؛ علی کریمی جهرمی، آیت الله مؤسس، ص ۱۰۸؛ مرتضی حائری، سر دلبران، به کوشش: رضا استادی، ص ۱۱۷.
- ۲- عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۱۷۹ و ۱۸۰، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، فقهای نامدار شیعه، ص ۴۳۶؛ مؤسس حوزه (یادنامه حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری)، به کوشش: سید محمد کاظم شمس و دیگران، ص ۴۱.

خاندان آیت الله اراکی اهل فراهان بودند. بخش فراهان به مرکزیت فرمهین از توابع شهرستان تفرش (جزو استان مرکزی) است. فراهان وسیع ترین بخش تفرش است که دارای ۷۴ آبادی است. این قلمرو در شمال اراک و در مجاورت کویر میقان واقع است. آب و هوای معتدل و ملایمی دارد و شامل فراهان بالا، پایین و سادات بوده و گذشته تاریخی آن غنی است و آثار باستانی بسیاری در آن دیده می شود. اباقاخان فرزند هلاکوخان در سیزدهم رمضان سال ۶۶۳ ه. ق در این بخش جلوس کرد. حمدالله مستوفی بنای آن را به طهمورث نسبت می دهد که پادشاه پیشدادیان است. فراهان پیش از این بسیار آباد بوده و کرسی ولایت و مرکز حکمرانی به شمار می رفته است. کربلایی کاظم که حافظ قرآن بوده، از آبادی ساروق منطقه فراهان برخاسته است. حفراوه از روستاهای خوش آب و هوای فراهان سادات بوده که زادگاه بزرگانی چون امیرکبیر، قائم مقام فراهانی و میرزا ابوالقاسم قائم مقام است. (۱)

روستای مصلح آباد که در جنوب فراهان قرار گرفته، به حکمت شخصی به نام سلیمان لو از اهالی قفقاز، در زمان فتح علی شاه قاجار ساخته شده که محمدحسین خان افشار، از نیاکان آیت الله اراکی، برای آبادانی و گسترش آن اقدام کرده است. برخی اعضای این خاندان نیز در این دهکده زیسته اند که به مُصلحی معروف هستند. (۲)

جد پنجم مرحوم اراکی حاج حاتم نام داشته که روستای حاتم آباد در حوالی مصلح آباد به نامش معروف است و گفته اند برخی فرزندان این آبادی را به نام وی ساخته اند. جد چهارم ایشان حاج رضی نام داشته و روستا و قنات رضی آباد

۱- جغرافیای کامل ایران، ج ۲، ص ۱۲۰۸؛ علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۱۱، ص ۱۷۰۳۲؛ سرزمین و مردم ایران، ص ۵۴.

۲- رضا استادی، یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۲۰، ۸۳ و ۸۴.

در کنار حاتم آباد به نام اوست. حاج رضی چهار پسر به نام های جعفر، تقی، غلامعلی و محمدحسین داشته که خاندان عسکری از نسل جعفر بوده اند که علی عسکر نام داشته است. محمدحسین، جد سوم آیت الله اراکی و خاندان های مصلحی، اوحدی و صهباست. در برخی منابع آمده است که محمدحسین افشار، فرزند رضی الدین، اصالتاً از مردم خراسان و ساکن سرزمین سبزوار و از افراد ایل افشار بوده که در دستگاه حکومت قاجار با سمت میرپنجی مشغول خدمت شده است. او ضمن فعالیت های نظامی و سیاسی، به امور ذوقی و ادبی علاقه نشان داده و خود نیز گاهی اشعاری می سروده و چون به شیخ مصلح الدین سعدی تمایل داشته، تخلص مصلحی را برای خویش برگزیده است. محمدحسین در پایان حکومت فتح علی شاه قاجار در سرزمین فراهان اقامت گزید و برخی آبادی های این منطقه که خالصه دولت به شمار می رفته به وی واگذار شد. خود نیز به آبادانی روستایی روی آورد و آن را مصلح آباد نامید و در آن اقامت گزید. اکنون نیز برخی نوادگانش در این دهکده ساکن هستند و فامیل مصلحی را در میان خودشان رواج داده اند.

محمدحسین خان، دارای هفت پسر بود که یکی از آنها به نام احمدیگ، جد دوم آیت الله العظمی اراکی است. افرادی از این خاندان در زمره عالمان، روحانیان و رجال علم، ادب و سیاست بوده اند. احمدیگ که فرزند سوم محمدحسین افشار بوده است، دارای دو پسر به نام های رحمت السلطان و آقا فتح الله بوده است. آقا فتح الله تنها یک پسر به نام حاج میرزا احمد آقا داشته است. از حاج میرزا آقا چهار پسر به نام های میرزا حسین، میرزا حسن، میرزا فتح الله و آیت الله شیخ محمدعلی اراکی باقی ماند. (۱)

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۸۹ و ۸۲، به نقل از: یادداشت های ابراهیم دهگان.

پدر پارسا و دانشور

پدر پارسا و دانشور

شیخ احمد فراهانی اراکی، مشهور به میرزا آقا، فرزند فتح الله فرزند احمد بیگ فرزند محمد حسین از پارسایان و دانشوران اراک به شمار می آید. نام اصلی او احمد است، ولی به میرزا آقا معروف شد؛ زیرا در دوره نوزادی و شیرخوارگی، پدر را از دست داد و در شش سالگی، از نعمت مادر محروم شد و عموی وی در تربیت و پرورش او کوشید و این مربیان به او آقا جان می گفتند که مبادا آن کودک یتیم که از وجود والدین محروم است، آزرده خاطر شود و دلش بشکند. در سنین بالاتر هم وی را به نام اصلی فرا نمی خواند و به میرزا آقا شهرت یافت. (۱)

میرزا آقا که متولد سال ۱۲۵۵ ه. ق در فراهان (روستای مصلح آباد) است، پس از فراگیری مقدمات دانش های ادبی و دینی، شغل دیوانی و دولتی برگزید. او موفق شد نزد عالمان اراک تحصیلات علوم حوزوی را پی گیرد. ملامحمد ابراهیم انجدانی (در گذشته ۱۳۲۲ ه. ق) از جمله استادان اوست. وی نیز در سامرا محضر میرزای شیرازی را درک کرد و رفته رفته به عنوان عالمی عابد، زاهد و متدین، مورد اعتماد عالمان اراک، از جمله آیات و حجج اسلام سیدحسن عراقی، سید نورالدین عراقی، آخوند ملامحمد کبیر (پدر آقا ضیاء الدین عراقی) و حاج شیخ عبدالکریم حائری بود.

میرزا آقا وقتی به عتبات عراق مشرف شد، در حرم سیدالشهدا که دعا مستجاب است، سه دعا کرد. اول اینکه چون از شغل دیوانی و وابستگی به دستگاه قاجار راضی نبود، خداوند شغل مناسبی به وی بدهد؛ دوم موضوع

۱- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، که متن آن در آرشیو بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی موجود است.

ازدواج او انجام گیرد و سوم آنکه پس از مرگ در یکی از مکان های زیارتی به خاک سپرده شود که هر سه اجابت شد. پس از بازگشت، هنر نقاشی به او الهام شد و ذوقش در این بُعد هنری شکوفا گشت و با دختری از خانواده قائم مقام فراهانی وصلت کرد و پس از درگذشت، پیکرش در قم، در کنار بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قبرستان نو، به خاک سپرده شد. میرزا آقا آن چنان در نقاشی مهارت به دست آورد که به میرزا آقا نقاش، معروف شد. همچنین چون بخش های ادبیات و صرف و نحو درس های حوزوی را فرا گرفته بود، به آسانی می توانست از منابع دینی و علمی به زبان عربی استفاده کند. همچنین کتابخانه مفصلی برای خود آماده کرد و تصمیم گرفت به کسوت اهل علم و روحانیت درآید. از این رو، رابط میان عالمان و مشاهیر اراک با برخی کارگزاران دولتی و نمایندگان کشورهای خارجی شد که در اراک دفتر داشتند. حاج میرزا آقا به موازات تلاش های علمی و فکری، در عبادت، تزکیه درون و حالات معنوی نیز به درجات و مقاماتی دست یافت و اهل علم و معرفت، او را عابدی وارسته و زاهدی عالی مقام می شناختند. حاج میرزا احمد شیرازی به آیت الله اراکی گفته بود که یکی از سه نعمتی که خداوند به تو اعطا کرده است، پدرت است که این گونه با اعمال و کردارش و اخلاص و پاکی خویش، اعتماد علما را به خود جلب کرده است. فرزند آیت الله اراکی، مرحوم مصلحی گفته بود که آقا می فرمودند: شما خیر کثیری را از دست دادید که این مرد بزرگ (حاج میرزا آقا) را درک نکردید؛ مردی باکفایت، پارسا و باکیاست که مورد اطمینان جامعه روحانیت اراک بود.^(۱) درباره زیرکی و فراست او نقل کرده اند که دولت انگلستان در اراک

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۹۲-۹۹.

کنسولگری داشت. یک بار که کنسول بریتانیا می خواست با مرحوم حاج آقا محسن اراکی دیدار داشته باشد، بستگان ایشان در این فکر بودند که اگر کنسول بخواهد روی صندلی بنشیند و آقا روی زمین، نوعی اهانت به مرحوم حاج آقا محسن به شمار می آید. کنسول هم عادت به نشستن روی زمین نداشت. حاج میرزا آقا ترتیبی داد که تختی مهیا شود و کنسول و آقا روی آن بنشینند. در نتیجه تدبیر حاج میرزا آقا، این نگرانی برطرف و مشکل حل شد. حاج میرزا آقا در فراهان مقداری املاک زراعتی و باغ داشت و زندگی وی از این راه تأمین می شد. بنابراین در مواقعی که از هنر نقاشی خود هم استفاده نمی کرد، نیاز به مشاغل دیگر نداشت. به همین دلیل با فراغت و آرامش خاطر به عبادت، تهجد، مطالعه در آثار علما و انجام امور خیریه می پرداخت. با توجه به اینکه میرزا آقا اشتیاق فراوانی به کتاب داشت، به برخی کتاب فروشان دوره گرد سفارش کرده بود هر کتاب تازه ای می آورند، به وی ارائه دهند تا اگر موردپسند باشد، برای کتابخانه خود تهیه کند. روزی ایشان سرگرم گرفتن روزنه های درها و پنجره ها برای در امان ماندن از سرمای زمستان بود که کتاب تازه ای برایش آوردند. از کار خویش دست کشید و به کتاب که مجموعه ورام (از ورام ابن ابی فراس) پرداخت؛ همین که آن را گشود، روایتی توجه وی را به خود جلب کرد که مضمونش این بود: همان گونه که قبل از فرا رسیدن زمستان به فکر این فصل هستید، قبل از فرا رسیدن مرگ به فکر این مسافرت باشید. همین اتفاق در روح و روان میرزا آقا تحول شگفتی به وجود آورد و فضای خانواده و محیط تربیتی فرزندانش را تحت تأثیر قرار داد. ایشان به دلیل برخورداری از هنر خوش نویسی به استنساخ برخی آثار مورد علاقه خویش می پرداخت. یکی از این کتاب ها

مجمع المعارف و مخزن العوارف نام داشت که از تألیفات ملامحمد شفیع فرزند محمدصالح است و مطالب و مواعظ آموزنده ای درباره عالم برزخ و قیامت و مواقف آن دارد. او این کتاب را با خط نسخ و نستعلیق زیبا در سال ۱۳۰۶ ه. ق. استنساخ کرد و در خاتمه اش نوشت:

به فرزندان خود وصیت می کنم این کتاب مستطاب را به دست هر نااهلی ندهید. هر کس از مؤمنین و اهل صلاح که رغبت در مطالعه آن نماید، حق منع ندارید و خودتان هم اگر رضایت و خشنودی مرا منظور دارید، از خواندن این رساله شریفه کوتاهی نمی کنید که خیر دنیا و آخرت را درک خواهید کرد. ای فرزندان مکرر شما را در نشست و برخاست با جهال و گمراهان منع کردم و گفتم:

هم نشین تو از تو به باید

تا تو را عقل و دانش افزاید

باز وصیت می کنم که بر خودتان ستم نکنید. پیوسته در محضر علما و خوبان رفت و آمد کنید و از مطالعه کتب احادیث و اخبار ائمه اطهار علیهم السلام دریغ نکنید که این هر دو، دل را زنده می کند. (۱)

آیت الله العظمی شیخ محمدعلی اراکی رحمه الله نقل کرده است:

پدرم وقتی به کربلای معلی مشرف گردید، بر حسب اتفاق مشاهده کرد ضریح مطهر را برداشته و درب سرداب باز است و یکی از اهل علم کاسه ای از تربت مرقد مقدس امام حسین علیه السلام برداشته و دارد از سرداب بالا می آید. مرحوم والد به وی گفته بود: آیا امکان دارد قدری از این تربت به من بدهید. او هم پذیرفته بود و مقداری از تربت قبر مطهر را به ایشان داده بود. آیت الله اراکی می فرمود: بعد از پنجاه سال وقتی در محلی که تربت حضرت سیدالشهدا در آنجا بود، باز می گردید، رایحه عطر آن به مشام ما می رسید.

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۱۰۲ و ۱۰۳، به نقل از: مقدمه و خاتمه کتاب مجمع المعارف و مخزن العوارف (نسخه خطی به قلم احمد بن فتح الله).

یکی از همسایگان ما که با وی، هم مباحثه بودیم، دچار کسالتی شد که به حال احتضار درآمد، به نحوی که وقتی به عیادتش رفتم مرا نشناخت. مقداری از آن تربت به وی دادم که به عنایت حضرت امام حسین علیه السلام حالش رو به بهبودی رفت و سلامتی خویش را باز یافت.^(۱)

میرزا نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام اشتیاق و ارادت ویژه ای داشت و در ناگواری ها و مشکلات، مدام به آن وجودهای پاک و مقدس متوسل می شد. وی نیمی از دارایی های خویش را برای برپایی مجالس سوگواری خامس آل عبا علیهم السلام اختصاص می داد و در مجلس روضه خوانی حالات خوبی داشت و در تمام مدت مراسم سوگواری حضرت امام حسین علیه السلام می ایستاد و حاضر نبود روی زمین بنشیند. توکل او شگفت انگیز بود. در زمان پهلوی اول، بر اثر فشارهای سیاسی رضاخان، به روحانیت هجوم می آوردند و به افراد معمم سخت گیری می کردند و جواز عمامه می خواستند. در آن دوره، ایشان را که سال خورده بود، چندین بار به شهربانی اراک احضار کردند، اما رئیس شهربانی با دیدن چهره نورانی ایشان و سن بالای میرزا، شرمسار می شد و میرزا از در دیگر بیرون می رفت.

وقتی آیت الله اراکی متوجه شد برخی مأموران رژیم پهلوی در این باره برای مرحوم والدش اسباب زحمت فراهم می کنند، از طریق مرحوم شیخ عبدالکریم حائری جواز عمامه ای برای میرزا آقا دریافت می دارد. وقتی آن مجوز را به وی می دهند، به جای تشکر، قدری آزرده می شود و می گوید: می خواهید در توکل من خدشه ای به وجود آورید؟ من درباره این فرمانروای ستمگر به قرآن مراجعه کردم. این آیه آمد: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ

۱- سید محسن خرازی، روزنه هایی از عالم غیب، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.

آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، (۱) اِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ؛ (شیطان) را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر خدا توکل می کنند، سلطه ای نمی باشد. تسلط او تنها بر کسانی است که دوستش می دارند و به خدا شرک می ورزند».

میرزا آقا بر شب زنده داری، نیایش های شبانه و مناجات های سحرگهان اهتمام خاصی داشت. او از ذوق ادبی و شعری نیز برخوردار بود، اما این توان را در جهت مکارم اخلاقی و حمایت از فرهنگ اهل بیت علیهم السلام به کار گرفت. یک رباعی از وی به یادگار مانده که مدت ها مداحان در طلیعه مداحی های خود از آن بهره می گرفتند. این رباعی با الهام از حدیث «من كان لله كان الله له» و نیز حدیث «علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث ما دار» (۲) و با توجه به اینکه نام مبارک حضرت علی علیه السلام با حساب حروف ابجد همانند نمک ۱۱۰ است، سروده شده است:

شاهاتو مع الاهی و الله معک

حبّ تو به ایمان و به کفر است محک

چون نام تو و نمک یکی شد به عدد

حق را شناخت آن که شناخت نمک (۳)

از جُنگی است که افزون بر مطالب پراکنده علمی، کلامی و ادبی، نمونه هایی از اشعار میرزا محمدتقی شیرازی و نامه هایی را که خودش به میرزای شیرازی مجدد نوشته، در آن آمده بود. این مجموعه که به خط میرزا آقا بود، متأسفانه گم شد. میرزا آقا که افزون بر مقامات علمی و عبادی از امکانات مالی بهره ای خوب داشت، منزلش پناهگاه عالمان و بزرگان بود و

۱- نحل: ۹۹ و ۱۰۰.

۲- اخطب خوارزمی، المناقب، ص ۲۲۳.

۳- افتخارآفرینان استان مرکزی، ج ۲، صص ۳۲۲ _ ۳۲۵؛ یادنامه آیت الله العظمی اراکی، صص ۱۰۵ _ ۱۰۸؛ روزنه هایی از عالم غیب، ص ۲۰۵.

همیشه از آنان پذیرایی می کرد. (۱)

آیت الله العظمی اراکی در وصف پدرش گفته است:

... پدرم یکی از بزرگ ترین نعمت های الهی به بنده و دست پرورده مرحوم ملامحمدابراهیم انجدانی و شیخ اصفهانی بود. مرحوم انجدانی از زاهدان عصر خود و مورد علاقه خاص مرحوم شیخ عبدالکریم حائری بوده است. پدرم می گفت آخوند انجدانی مکرراً به من می فرمود که تو ستون مسجد ما هستی، یعنی هر وقت که آخوند به مسجد می رفت پدرم را در مسجد در حال قیام و نماز می دیده است. پدرم نمونه بارزی از مصادیق این آیه بود: «أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا فَاِنَّمَا يُحَذِرُ الْآخِرَةَ». (۲)

کسی که شب را به طاعت خدا به سجود و قیام می پردازد و از عذاب آخرت خوفناک و به رحمت الهی امیدوار است. همچنان که مرحوم حاج احمد شیرازی نیز فرمودند پدرم یکی از بزرگ ترین نعمت های الهی به بنده است. (۳)

آیت الله العظمی سید رضا بهاءالدینی می گوید: پدر ایشان (آیت الله اراکی) در مدرسه خان (قم) برنامه داشت. با پدرشان به فیضیه می آمدند. میرزا آقا به وجود آقای اراکی مبتهج بود. نمی توان حساب کرد که چقدر شادمان بود. با هم راه می آمدند. (۴) آیت الله مصلحی (فرزند آیت الله اراکی) گفته است: «نیازهای اقتصادی ایشان به وسیله پدر که دارای مقداری ملک و زراعت در فراهان بود، تأمین می شد، به طوری که هیچ گونه اندیشه معیشت را نداشت و با خیال فارغ به تحصیل ادامه می داد و موفقیت خود را رهین خدمات پدر

۱- دیدار با ابرار، ج ۸۲، صص ۲۳ و ۲۴.

۲- زمر: ۹.

۳- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۵، ۱۷/۹/۱۳۶۲؛ ص ۱۹، ناصرالدین انصاری قمی، اختران فضیلت، ص ۷۳؛ «در سوگ مهر»، مجله بصائر، سال دوم، آذر و دی ۱۳۷۴، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۴۵.

۴- سلوک معنوی (گفتارها و مصاحبه هایی از آیت الله بهاءالدینی)، تدوین: اکبر اسدی، ص ۱۱۶.

خود می دانست» (۱).

سرانجام این روحانی پارسا در سال ۱۳۵۴ ه. ق برابر با ۱۳۱۴ خورشیدی در ۹۹ سالگی از دار غرور به سرای سرور شتافت و پیکرش در قبرستان نوقم، در حوالی مقبره ملاکاظم (حافظ قرآن) به خاک سپرده شد. (۲)

بنا به نوشته های آیت الله سید محسن خرازی، آیت الله العظمی شیخ محمدعلی اراکی فرموده اند است:

یکی از بستگانم به نام حاج غلام حسین که از بزرگان شاگردان مرحوم حاج میرزا جواد ملکی تبریزی بود، برایم نقل کرد مرحوم پدرم به ایشان گفته بود فلان شب نزد من بیا. وی در شب موعود خدمت پدرم می رسد که مرحوم والد به ایشان می گوید انگشتر پنج تن و تسیح تربت را در اختیار من قرار بده، سپس خوابیده و مدتی بعد از جای خود برخاسته و در حالت ایستاده سلام می دهد و مجدداً بر بستر خود آرام گرفته و جان به جان آفرین تسلیم می کند. (۳)

مادر

مادر

پدر آیت الله اراکی، حاج میرزا آقا، با دختری از خاندان قائم مقام فراهانی ازدواج کرد که فرزند سید عقیل باشد. این بانو علویه آغابیکم جان خانم نام داشت. همسر اول حاج میرزا آقا از دنیا رفته بود و میرزا وی را به عنوان همسر دوم برگزید. محصول این ازدواج، یک پسر به نام شیخ محمدعلی اراکی و دختری به نام خدیجه بود. (۴) بنابراین آیت الله اراکی از طریق مادر از سادات است و به کسانی که از طریق والده، نسب به خاندان عترت و طهارت می برند، شریف

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۱.

۲- افتخار آفرینان استان مرکزی، ج ۲، ص ۳۳۴.

۳- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۲۰۵؛ یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۱۰۶.

۴- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

می گویند. به همین دلیل ایشان در خاتمه کتاب بیع، خود را محمدعلی الشریف معرفی کرده (۱) و در شجره نامه ای که به خط ایشان در تاریخ ۱۳۳۳ ه. ق به یادگار مانده، آیت الله اراکی نسب خویش را از طریق این علویه خانم به حضرت امام سجاد علیه السلام رسانیده است:

محمدعلی فرزند علویه آغاییگم جان خانم دختر سید عقیل، فرزند سید تقی فرزند میرزا شفیع فرزند میرزا سید طاهر فرزند میرزا مسعود فرزند سید حسن زینتی فرزند میرزا زمان فرزند میر لطف الله فرزند میرشمس الدین فرزند محمد سیدحسن فرزند سید شرف الدین حسین فرزند میرلطف الله فرزند تاج الدین فرزند سیدحسن واقف (مدفون در روستای افوشته نطنز) فرزند میر شرف حسین فرزند سید مرتضی اعظم فرزند ابومحمد فرزند میر ابوالفضل فرزند میر اسماعیل فرزند میر ابوطالب فرزند سید محمد فرزند سید حسین فرزند علی فرزند عمرو بن حسن الافطس فرزند امامزاده علی اصغر فرزند حضرت امام زین العابدین. بارگاه جد چهاردهم آیت الله اراکی در توابع شهرستان نطنز (جزو استان اصفهان) زیارتگاه مردم می باشد، وی به سید حسن واقف مشهور و معروف می باشد. (۲)

سید حسن حسینی معروف به سید واقف در سال ۷۸۶ ه. ق در افوشته نطنز به دنیا آمد. پدرش شرف الدین حسین بن ابومحمد نام داشت و این فرزندش ملقب به تاج الدین شد که به دلیل چشم پوشی از دل بستگی های دنیوی و مصرف دارایی های خود در راه خدا و خدمات خیرخواهانه، اهالی او را به نام سید واقف می شناختند. پدرش از بزرگان عرفا و افراد سرشناس نطنز به شمار می رفت که در ترویج مذهب تشیع کوشید و سرانجام در این راه به شهادت رسید. سید حسن به سفارش پدر به مکتب عالم ربانی شیخ

۱- محمدعلی اراکی، کتاب بیع، ج ۲، ص ۴۰۳.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۱۰۸ و ۱۰۹.

علی نطنزی رفت و دانش های آن زمان، به ویژه مباحث عرفانی را در مکتب او آموخت و چون مراتب زهد، پارسایی و دین داری وی به کمال رسید، به جرگه عارفان والا پیوست و دارایی خود را برای امور خیریه وقف کرد. وی با حفلا خاتون دختر احمد ساعد که از کارگزاران وقت در دستگاه تیموریان بود، ازدواج کرد و از او صاحب فرزندى به نام حسین ملقب به شرف الدین شد. شرف الدین حسین، سه پسر به نام های اسماعیل، محمد و نورالله داشته است. از آنجا که تا پایان قرن هشتم هجری، بیشتر مردم نطنز پیرو مذهب شافعی بودند، خاندان سید واقف پنهان و آشکار به تبلیغ مذهب اهل بیت پرداختند و با وجود آزارها و فشارهایی که در این راه دیدند، از فعالیت های ارشادی و روشنگری های خود دست برنداشتند. سرانجام سید واقف پس از ۸۲ سال زندگی، به سال ۸۶۸ ه. ق دیده از جهان فرو بست و در آرامگاهی که حدود چهل سالگی برای خود فراهم کرده بود، به خاک سپرده شد. در این بارگاه افزون بر وی، همسر و برخی افراد دودمانش مدفون هستند. بر فراز مزارش گنبدی سبزرنگ برافراشته شده و در کناره جنوبی غربی افوشته بر روی تپه ای که اطرافش را قلعه باغیاد محصور کرده، واقع شده است. از سید واقف آثاری چون مسجد جامع افوشته، درهای منبت کاری آن، شربت خانه و حمام بر جا مانده که گنجینه بی نظیری را تشکیل می دهد. وقف نامه سال ۸۵۸ ه. ق وی نیز از سندهای کهن و ارزش مند است و متن آن حقایق جالب تاریخی و اجتماعی را روشن می کند. (۱)

آیت الله اراکی در گفت و گویی گفته است:

مادرم از اولاد سید حسن واقف بود که هم اکنون در اطراف نطنز زیارتگاهی

۱- سید حسین اعظم واقفی، میراث فرهنگی نطنز، ج ۲، صص ۵۸ - ۶۰.

بسیار مجلل دارد و در آن نواحی امامزاده ای بسیار معتبر و مورد احترام به شمار می آید و مردم می گویند سید حسن از اولاد امام [سجاد] است و نام پدر مادرم سید عقیل بوده است.

در ادامه آیت الله اراکی از شجاعت و شهامت سید عقیل، با ذکر خاطراتی، سخن گفته است. (۱)

آیت الله مصلحی (فرزند آیت الله اراکی) می گوید:

مادر ایشان علویه بوده و از سادات امام جمعه نطنز، به نام آغاییگم فرزند سید عقیل، از اولاد سید حسن واقف که نسب او به امام زین العابدین می رسد و در مزار فرار او معروف [است] و گنبد و بارگاه دارد و معروف است که سید حسن با یکی از بزرگان هند (از طایفه گورکانیان و تیموریان) وصلت کرده است. (۲)

شکوفه ای باشکوه

شکوفه ای باشکوه

سال ۱۳۱۲ ه. ق فرا رسیده است. ناصرالدین شاه قاجار آخرین سال های حکومت خود را سپری می کند. این ایام برای عالمان و روحانیان با تلخی و مرارت همراه است؛ چرا که قاجارها افراد کاردان را کنار نهاده یا کشته اند. شاه مستبد امتیازهای بسیاری را به بیگانگان واگذار می کند و ایران را دچار وابستگی های سیاسی و اقتصادی می سازد. این وضع، استقلال ایران را به مخاطره افکنده و اقشار گوناگون را تحت فشارهای سختی قرار داده است. یکی از امتیازهایی که به فرهنگ و ارزش های دینی ایرانیان آسیب می رساند، امتیاز تنباکو بود که به موجب آن شرکت رژی، صاحب حق انحصاری تنباکوی ایران و حتی نظارت در زراعت آن شناخته شد. میرزای شیرازی که به پی آمدهای این قرارداد

۱- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۵، ص ۱۹.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۶۲۰ و ۶۲۱.

ننگین و اسارت آور پی برده بود، فتوای تحریم تنباکو را صادر کرد و عالمان بزرگ ایران از جمله میرزا محمدحسن آشتیانی، روحانی بلندپایه تهران، به حمایت از آن برخاستند. بر اثر این حرکت، بازار تهران و تبریز بسته و تعطیل عمومی اعلام شد. سرانجام شاه و امین السلطان از بیم انقلاب مردم و اعلان جهاد عالمان، این امتیازنامه را در ۱۶ جمادی الاول ۱۳۰۹ لغو کردند و شرکت رژی، بساط خود را از ایران برچید. (۱) پیروزی این جنبش برای میرزا آقا فراهانی، افتخار آفرین و نویدبخش بود.

چند ماهی بود که از سامرا خبرهای ناگواری به او می رسید؛ استاد وی، میرزای شیرازی به بیماری سل دچار شده بود و این کسالت هر لحظه افزایش می یافت و او را دچار آسیب های جدی در دستگاه تنفس و قلب و عروق می کرد. (۲)

پایان ماه جمادی الثانی سال ۱۳۱۲ ه. ق است و پاییز سال ۱۲۷۴ خورشیدی به پایان خود نزدیک شده است. در خانه عالم بزرگوار میرزا آقا فراهانی خبرهایی است؛ خانه ای که شکوفه های ایمان و پارسایی در آن، هر بامداد و شامگاه غنچه های خود را می گشودند و نور معنویت سال ها به این خانه حرارت و فروغ می بخشید، اکنون تالائو خاصی داشت. صدای تلاوت روح نواز قرآن کریم از یکی از اتاق ها به گوش می رسید؛ صوتی که جان ها را در فصل خزان، بهاری می ساخت. حاج میرزا آقا وضو ساخت تا خود را به مسجد برساند و نماز مغرب و عشا را به جماعت برگزار کند. روح تشنه اش، خسته از کالبدی که برایش به زندان می مانست، فارغ از امور دنیایی و فناپذیر، در آن فضای ملکوتی سرشار از معنویت می شد. آن شب نماز را که به پایان رساند،

۱- محمدجواد مشکور، تاریخ ایران زمین، صص ۳۵۷ و ۳۵۸.

۲- سید محمود مدنی بجستانی، میرزای شیرازی احیاگر قدرت فتوا، ص ۱۴۶.

دیگر در مسجد نماند؛ به خانه آمد و در گوشه ای از کتابخانه اش نشست و برای همسرش دعا کرد که زمان وضع حملش نزدیک بود. در همان زمان از خداوند خواست به او فرزندی سالم و صالح و شیفته فضایل و مکارم عنایت کند. بانو آغا بیگم جان هم در هجوم دردها، ذکرهایی را زیر لب زمزمه می کرد و از نگرانی های خود می کاست. خورشید ۲۴ جمادی الثانی طلوع کرد، درحالی که پسر میرزا آقا دیده به جهان گشود.^(۱) اطرافیان همسر، خبر نورسیده را به پدر نوزاد دادند و شادباش گفتند. پس از مدتی آن نوباوه را در پارچه ای سفید گذاشتند و نزد پدر آوردند. آن عالم عابد، وقتی کودک خود را دید، خدای را سپاس گفت و با شادمانی وی را در آغوش گرفت و بوسه های محبت را نثارش کرد. بعد زمزمه توحید و صوت فرح زای اذان و اقامه را با گوش وی آشنا ساخت. کودک را محمدعلی نامیدند و چون در سلطان آباد عجم یا عراق عجم یا اراک به دنیا آمده بود، پسوند عراقی و اراکی در نامش دیده می شد و از آنجا که گروهی از خاندانش با نام مصلحی معروف بودند، این فامیل نیز دنبال اسمش اضافه شد. امام خمینی نیز بعدها عنوان شیخ الفقها را برای او برگزید.

۱- دیدار با ابرار، ج ۸۲، ص ۲۶.

محمدعلی، جوانه ای بود روئیده بر شاخه سار تباری که در عرصه های علمی، فکری و فرهنگی درخت تناوری را تشکیل داده بودند. او در محیطی پاک و آغشته به صفای معنوی و سرشار از عواطف پدر و مادری نیکوسرشت بالید و رشد کرد و از کودکی با طهارت روح و کرامت های اخلاقی خو گرفت.^(۱)

محمدعلی از دوران کودکی همواره به فرا گرفتن، خواندن و نوشتن علاقه نشان می داد و گاهی شوق دانش اندوزی را با همان زبان کودکانه خطاب به پدرش ابراز می داشت. آیت الله اراکی درباره گرایش های دوران کودکی گفته است:

از همان اوان کودکی و با سنی کم، شوقی عجیب به کتاب و نوشتن داشتم. یادم می آید یک جزوه کتابی شامل سوره حمد در منزل داشتیم و من در حالی که چیزی از خواندن و نوشتن نمی دانستم و نمی فهمیدم مرتب این کتاب را در دست می گرفتم و ورق می زدم و برای خودم چیزهایی می خواندم.^(۲)

او با وجود این شوق شگفت، تا یازده سالگی نتوانست تحصیل کند تا اینکه عنایت الهی شامل حالش شد و طریق تحصیل علم را فرارویش گشود.

محل نشو و نماي آیت الله اراکی، محله عباس آباد اراک (خیابان عباس آباد) بود که اکنون به خیابان شهید بهشتی موسوم است. در این محله، خانه ای در کنار بارگاه امامزاده ای قرار دارد که ایشان در آن، دوران کودکی و نوجوانی را سپری کرده اند.

شهر نوبنیاد اراک دارای هفت محله بود. در نواحی جنوبی، عباس، نامی برای اولین بار در محاذی کوچه حاج میرزا شمس الدین فعلی قهوه خانه ای ساخت. بعدها در اطراف این قهوه خانه، بناهای جدیدی پدید آمد که به عباس آباد معروف شد و گاهی به نام خوانساری هم خوانده می شود.^(۳)

- ۱- ناصرالدین انصاری، «شیخ الفقها و المجتهدین آیت الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی»، مجله مسجد، سال سوم، آذر و دی ۱۳۷۳، ش ۱۷، صص ۹۷ و ۹۶؛ سعید عباس زاده، شیخ عبدالکریم حائری، نگهبان بیدار، صص ۸۴ و ۸۵.
- ۲- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۵، ص ۱۹.
- ۳- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۹۹.

فصل دوم: دانش اندوزی

اشاره

فصل دوم: دانش اندوزی

زیر فصل ها

شراره های شوق

در محضر فرزانه ای عالی قدر

جرعه نوشی از چشمه حکمت و عرفان

کسب فیض از قله فقاقت

در بوستان فضل و فضیلت

مباحثه با دانشوری زاهد

مصاحبت با مدرسی وارسته و مبارز

مهاجرت به قم

ملاقات با مردی از ملکوت

شراره های شوق

شراره های شوق

آیت الله اراکی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی در پنج سالگی به مکتب رفت و تحت تربیت برادرش آیت الله حاج آقا صابر اراکی، مقدمات خواندن و نوشتن و تلاوت قرآن را آموخت. حاج صابر در عبادت و تقوا مقامی والا داشت و هنگام خواندن قرآن، آن چنان دل و ذهنش دگرگون می گشت که اشک می ریخت. (۱)

آیت الله مصلحی نقل کرده است

مرحوم والد الفبا و قرائت قرآن و عم جزء و غیره را نزد حاجی آقا صابر که پیرمردی نورانی بود، آموخت. این مرد خدا از کوه رود به اراک می آمد. درباره معرفت و ایمان وی گفته اند قرآن کوچکی همراه خود می آورد و از روی آن با جاذبه ای ویژه قرائت می کرد و هنگام تلاوت قرآن قطرات اشک از محاسن او به دامنش سرازیر می گشت. (۲)

آیت الله مصلحی به نقل از آیت الله اراکی گفته است:

ایشان می فرمودند قبل از اینکه پدرم (حاج میرزا آقا احمد فراهانی) به مکه مکرمه مشرف گردد، من در کوچه ها مشغول بازی بودم و حتی تا یازده سالگی سواد کافی نداشتم. در سال ۱۲۳۴ ه. ق. والدیم روانه سفر عبادی _

۱- ناصرالدین انصاری قمی، اختران فقاها، با تعلیقات آیت الله العظمی شبیری زنجانی، ج ۲، ص ۱۱۶۹.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۲.

سیاسی حج شد و چون در آن ایام این گونه مسافرت ها حدود نه ماه طول می کشید، شوهر خواهرم عمادالذاکرین که مرد فاضلی بود و خط بسیار زیبایی داشت، به منظور جبران خدماتی که پدرم درباره ایشان انجام داده بود، همت ورزید که مرا درس و مشق یاد بدهد و مرا تربیت نماید. لذا در این مدت خواندن و نوشتن را تکمیل نمودم. مرحوم عمادالذاکرین می گفت: شما باید گلستان سعدی را با خط خود استنساخ کنید. سطر اول را ایشان نوشت و بقیه اش را تا آخر من نوشتم و بعد کتاب را صحافی کردند. چون پدرم از سفر حج آمد، درحالی که من دوازده ساله بودم، گلستان سعدی را خدمت ایشان آوردم. پرسید این چیست. آقای عمادالذاکرین گفت شما آن را بکشاید. گشودند و مشاهده کردند به خط زیبایی نوشته شده است و چون در صفحه آخر دقیق گردید، دید نوشته شده بود: محمدعلی بن احمد. با شگفتی پرسید محمدعلی شما این را نوشته اید؟ چگونه موفق شدید آن را بنویسید؟ این کتاب در کتابخانه آیت الله اراکی نگاهداری می شد و گویا به طبع هم رسید. (۱)

آیت الله اراکی در گفت و گویی گفته است:

شوهر همشیره ای داشتم به نام آقای عمادی. ایشان مرا در یازده یا دوازده سالگی به درس و تحصیل علوم الهی واداشت. شوق عجیبی به کتاب داشتم. یادم می آید پدرم یک پنج حمد که کتابی بود در اختیارم گذاشت و من درحالی که چیزی از خواندن و نوشتن نمی دانستم و نمی فهمیدم، این کتاب را ورق می زدم و برای خودم چیزهایی می خواندم. این آقای عمادی که خود یکی از نعمت های بزرگ الهی برای من بود، مرا دلالت فرمود به مرحوم حاج شیخ جعفر شیشی که از اوتاد خاص بود و دروس صمدیه، سیوطی، معالم، رسایل و مکاسب را تدریس می فرمودند و ادیب کاملی از هر جهت بود. (۲)

۱- مصاحبه با آیت الله مصلحی، روزنامه رسالت، ۱۰/۹/۱۳۷۳، ش ۲۵۷۸، ص ۴؛ سید نعمت الله حسینی، مردان علم در میدان عمل، ج ۵، صص ۸۵ و ۸۶.

۲- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۵، صص ۱۹ و ۲۰.

آیت الله آقا شیخ جعفر شیشی از عالمان فاضل و پرهیزکار و تربیت یافته مکتب آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری بود. مرحوم حائری بار اول، یعنی از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۴ ه. ق که در اراک به مدت هشت سال مشغول تدریس بود، مرحوم شیشی از محضرش بهره بُرد و در جلسات درسی خود آن چنان استاد خود را ستود که آیت الله اراکی را شیفته او کرد. در اثبات کمالات علمی و اخلاقی این روحانی وارسته همین بس که آیت الله اراکی درباره اش گفته است:

من نزد مرحوم شیخ، رسایل و مکاسب را خوانده ام. او در تقوا و ورع شخص بی نظیری است. او در مدرسه سپهداری تدریس، و تأکید می کرد در اوایل که شاگردان دروس ابتدایی را می خوانند، باید به رساله عملیه فارسی مراجعه کنند و تا درس های متوسطه حوزه را نخوانده اند، مجاز نخواهند بود به رساله های عربی رجوع نمایند. (۱)

آیت الله اراکی مشتاقانه ادبیات و بخش هایی از درس های حوزه را نزد وی آموخت و تا پایان حیات استاد، از محضرش بهره می برد و هرگاه یادی از شیخ جعفر می کرد، او را با اوصافی نظیر ادیب کامل می ستود. (۲)

مرحوم اراکی در جایی از این استادش با عنوان ادیب کامل، عالم عامل و انسان پرهیزگار یاد کرده و افزوده است: «او پرورش یافته مکتب حاج شیخ عبدالکریم حائری می باشد. خیلی پاکیزه و خوب درس می داد. محصلین در سطوح مختلف از صبح تا غروب در مدرسه سپهداری نزدش می آمدند و کمال استفاده را از وی می نمودند». (۳)

۱- افتخارآفرینان استان مرکزی، ج ۲، صص ۳۳۱ و ۳۳۲.

۲- مجله حضور، ش ۵ و ۶، تابستان ۱۳۷۱، صص ۳۷ و ۳۸.

۳- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، موجود در آرشیو بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران.

به گفته آیت الله مصلحی، مرحوم والدشان آیت الله اراکی تحصیلات مقدماتی، صرف و نحو، شرح لمعه، مکاسب و کفایه را خدمت شیخ جعفر خوانده است. (۱)

شیخ عباس ادریس آبادی، معروف به آقا عباس مدرس مشیدی، فرزند حاج شیرعلی از مردم ادریس (شهرستان شازند کنونی) بود. این روحانی فاضل در مدرسه آقا ضیاء الدین اراکی تدریس می کرد و بسیاری از فضلاء این شهرستان در محضرش زانوی ادب بر زمین زده و گوش به تقدیرات او داده اند. روی میز کوچکش از تبصره علامه تا مکاسب و فرائد (رسایل) شیخ انصاری چیده شده بود و بالحن خاص خودش نسبت به شاگردان مهربانی می کرد و انس می گرفت. سطوح را به خوبی تدریس می کرد. برخی شرح حال نگاران گفته اند او از تربیت یافتگان جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی است. امام خمینی شرح لمعه را نزد ایشان خوانده و آیت الله اراکی نیز در سطح حوزه از محضرش بهره برده است. (۲)

در محضر فرزانه ای عالی قدر

در محضر فرزانه ای عالی قدر

آیت الله اراکی پس از به پایان رسانیدن دوره سطح به درس خارج سلطان العلماء عراقی حاضر شد و بخش هایی از خارج فقه و اصول و نیز شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری را در محضرش فرا گرفت و تقریراتی از درس او را نگاشت. آیت الله اراکی می گوید: بعد از ایشان (حاج شیخ جعفر شیخی)، آقای سلطان العلماء وارد اراک شدند. آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی درباره او فرموده بود: «او نور چشم من و قوت بازوی من است.» لذا پیش

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۲.

۲- افتخارآفرینان استان مرکزی، ج ۲، صص ۲۴۸ و ۲۴۹؛ رضا استادی، گروهی از دانشمندان شیعه، ص ۴۶۸.

خودم گفتم کسی را که حاج محمد تقی شیرازی این چنین درباره اش بگوید، باید از فرشتگان باشد. با این وصف به گرد این استاد مثل پروانه ای پر می زدم؛ چرا که ایشان را دوست می داشتم و از حضورشان فیض می بردم. (۱)

شیخ محمد سلطان العلما در سال ۱۲۹۶ ه. ق در شهر اراک دیده به جهان گشود و تحصیلات مقدماتی و مقداری از سطوح فقه و اصول را در زادگاه خویش فرا گرفت، سپس به عتبات عراق رفت و در حوزه درسی آخوند ملامحمد کاظم خراسانی صاحب کفایه الاصول و میرزا محمد تقی شیرازی خارج فقه و اصول را آموخت. بعد از پایان تحصیلات و رسیدن به مقام اجتهاد، به اراک بازگشت و به تدریس، تألیف و فعالیت های ارشادی روی آورد. مهم ترین تلاش خالصانه علمی او تألیف یک دوره اصول فقه با عنوان حاشیه بر کفایه است که در سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ ه. ق هفت مجلد آن در اراک چاپ شده است. حاشیه بر حواشی آخوند خراسانی بر رساله اصاله الصحه رسایل شیخ انصاری، شرح منظومه سبزواری و چند تألیف دیگر در علوم مختلف اسلامی، از آثار وی است. (۲) حاج شیخ محمد سلطان العلما در مسجد اکبر واقع در محله محسنی اراک ضمن اقامه نماز جماعت، جلسات تفسیر قرآن برگزار می کرد که چندین سال پی در پی، ادامه داشت و بسیاری از طلاب فاضل در این درس های تفسیری شرکت می کردند و بهره های شایان توجهی می بردند. (۳) به گفته سید رضا صدر، مرحوم سلطان العلما در حاشیه مفصل خود بر منظومه سبزواری، طی مباحث دقیق، نکات فلسفی و حکمی را ارزیابی، در مواردی دیدگاه های حاج ملاهادی سبزواری را نقد کرده بود. سلطان العلما در مدرسه حاج محمد ابراهیم اراک، معقول و منقول تدریس

۱- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۵، ص ۲۰.

۲- حسن مرسلوند، زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۱، ص ۱۱۲.

۳- افتخار آفرینان استان مرکزی، ج ۲، ص ۵۰.

می کرد. (۱) او طی نیم قرن فعالیت های آموزشی و علمی، موفق شد شاگردان بسیاری تربیت کند که بیشتر آنان جزو مفاخر معاصر به شمار می آیند.

سرانجام این مجتهد وارسته در ۲۱ رمضان سال ۱۳۸۲ ه. ق. دار فانی را وداع گفت و پیکرش پس از تشییع باشکوه در قبرستان اراک به خاک سپرده شد. (۲) به مناسبت درگذشت او ده ها مجلس یادبود در مسجدهای اراک برگزار شد و عالمان و واعظان طی سخنانی مقام علمی و فکری او را ستودند. (۳)

جرعه نویسی از چشمه حکمت و عرفان

جرعه نویسی از چشمه حکمت و عرفان

آیت الله اراکی ارادت و علاقه شدیدی به عارف مجاهد آیت الله آقا نورالدین عراقی (اراک) (۴) داشت و مدتی در درس ایشان حضور یافت. ایشان در گفته ها و نوشته های خود، هر کجا که از این استادش یاد کرده، مقام علمی و معنوی او را ستوده است. این علاقه و اشتیاق آیت الله اراکی به آقا نورالدین در مقدمه ای که بر تفسیرالقران و العقل ایشان نگاشته، نمایان است. او در این دیباچه استادش را چنین معرفی می کند: «آقا نورالدین، فقیهی اهل تتبع، اصولی دقیق، عارف متکلم و مرجعی صاحب، نتوانست که ریاست امور شرعی را عهده دار است».

در معرفی تفسیر وی نیز می نویسد:

تفسیر عالم عارف و مجاهد بزرگوار، مرحوم آیت الله سید نورالدین حسینی عراقی با سبکی نوین می درخشد؛ [زیرا] حاوی نکات دقیق علمی و اشارات و تنبیهاتی است که برای اهل فن و کسانی که به اشاره ای بسنده می کنند و بر

۱- دیدار با ابرار، ج ۸۲، صص ۳۳ و ۳۴.

۲- سید شهاب الدین مرعشی نجفی، الاجازه الکبیره، ص ۱۴۹.

۳- گروهی از دانشمندان شیعه، ص ۴۶۹.

۴- متولد سال ۱۲۷۸ ه. ق.

علوم عقلی و نقلی احاطه دارند، بسیار مفید است. تألیف چنین تفسیری با در نظر گرفتن شرایط خاص زمان آن مرحوم که در مدت دو سال و طی سفر جهادی در اوضاع بسیار نامساعد برای دفاع از اسلام نگاشته شده، به حق از کرامات بی شمار معظم له به حساب می آید و از احاطه و آگاهی او به مبانی تفسیر و مقام شامخ او در علم و عمل و علوم روح و قداست نفس آن یگانه حکایت می کند. (۱)

آیت الله اراکی در جای دیگری یادآور شده است:

ایشان فرد محبوبی بود. با اینکه با حشمت خاصی از جایی به جایی می رفت و از نظر زندگی هم در سطح بالایی بود، او را دوست داشتند و ارادتمندش بودند؛ چون این آثار و اعمال، ذره ای در حقیقت وجودی او اثر نداشت. ببینید حق جویی چه ها می کند. یک روز مرحوم حاج آقا محسن اراکی که فرد متمولی بود، برای دهه عاشورا در بیرون منزل خود چادر بزرگی زده بود و مجلس روضه خوانی داشت و جمعیت اعم از روحانی و غیر آن در آن جمع بودند. آقا سید محمد تقی خوانساری برای بنده نقل کرد در آن روز تا آن ته مجلس، علما و روحانیون بودند. طولی نکشید که آقا نورالدین با سلام و صلوات آمد. وقتی ایشان وارد شد، جمعیت از جای خویش برخاستند و او را راه دادند و وی با کمال حشمت و عظمت در صدر مجلس نشست. نماز شب ایشان دیدنی بود. یکی از اهل منبر به نام آقا سید محمود خوانساری در صدد گردید نماز شب او را ببیند؛ البته صدای العفو العفو ایشان توی کوچه می آمد و مردم می شنیدند. تا آنکه یکی از شب های ماه مبارک رمضان، حاج آقا نورالدین از عده ای که سید محمود خوانساری در میان آنان بود، برای افطار، دعوت کرد. وی گفته است بعد از افطار همه رفتند و من نشستم. وقتی آقا دید من قصد رفتن ندارم، به خادمش گفت دو تا رختخواب بیاور؛ یکی برای خودش و یکی برای من، اما من نمی خواستم بخوابم و قصد دیگری داشتم؛ چرا که می خواستم سحرخیزی او را از نزدیک ملاحظه کنم.

۱- آقا سید نورالدین عراقی، القرآن و العقل، مقدمه و تصحیح: آیت الله شیخ محمد علی اراکی؛ ص ۷ و ۶.

چون سحرگاهان فرا رسید، دیدم از جای برخاست و رفت وضو گرفت و مشغول نماز شب شد. دیدم چنان گریه بر او مستولی گردید که چندین دفعه گلوگیر شد. او تصور می کرد من خوابم. من به چشم خودم دیدم در دهه عاشورا در مجلس روضه خوانی که در منزل خودش از اول آفتاب شروع می شد و تا ظهر ادامه داشت، از آغاز، چندین دستمال جلوی خودش می گذاشت و تمام آنها را از شدت گریه خیس می کرد. از اول تا آخر می گریست و گریه اش تمامی نداشت. روز عاشورا که فرا می رسید، معرکه بود. شخصی به تمام معنا بکاء بود. تصویر او را اغلب مردم در خانه ها نگه می داشتند و تا مدت ها بعد از ارتحالش، بعد از نماز صبح بر آن بوسه می زدند. اهل کشف و کرامت هم بود. در جبهه جنگ با آنکه آتش از آسمان می بارید و هر آن احتمال داشت گلوله ای سر و سینه انسانی را بشکافد، قلم برداشت و تفسیر نوشت. هر کس دیگر، در حرف زدن عادی دچار حواس پرتی می شود، ولی این شخص با کمال دقت، گویی در اتاق خلوتی نشسته و هیچ کس با او کاری ندارد و به نگارش تفسیری مشغول می شود. در هیچ مسئله ای به کتاب مراجعه نمی کرد. این همه استفتائات که می آوردند، یک دفعه نشد که بگوید کتاب را بیاورید ببینم. قلمدان حاضر بود و در همان لحظه جواب را می نوشت، درحالی که چندین مرجع تقلید بلندپایه در آن زمان بودند. شیخ حیدر از مهاجرین قفقاز به اراک بود و خود در تقوا و پارسایی نمونه ای نادر به شمار می رفت. او بازاریان اراک را وادار می کرد از آقا نورالدین تقلید کنند و چون از وی دلیل این امر را پرسیدند، گفت: آن آقایان فقها و مجتهدان در برابر دیدگان من نمی باشند و خبری از آنان ندارم، ولی عدالت آقا نورالدین را پیش چشم خود مشاهده می کنم. اجتهادش هم که مسلّم است. مرحوم آقا شیخ جعفر شیخی، اول صبح درس مسئله می گفت و بعد سیوطی درس می داد. در آن محفل با کربلایی علی آقا آشنا شدم. ایشان نقل می کرد من مجمع المسائلی که به اندازه رسایل شیخ انصاری نزد من بود، آن را به مرحوم آقا نورالدین دادم و گفتم برای من حاشیه کن. در سه شب تمام بر آن حواشی نوشت که مفصل و طولانی بود. این چه

احاطه ای است. گویا تمام مسائل فقهی در ذهنش حاضر بود و نیازی نداشت به اینکه منابعی را ملاحظه کند.^(۱)

آقا نورالدین قلبی پاک و اندیشه ای بیدار داشت و چنین انسان وارسته و صالحی، شایستگی داشت که با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط داشته باشد. آیت الله اراکی می نویسد: «بر اساس مکاشفه ای که بین ایشان و حضرت حجه بن الحسن به وجود آمد، حضرت با تبسم و اظهار لطف به ایشان فرمودند، تو او ایس زمان هستی و خود مؤلف نیز در اشعاری که در آغاز تفسیرش آمده، به این حقیقت اشاره می کند».^(۲)

اینکه مرحوم اراکی چنین شیفته خصال و مکارم اخلاقی و مقام پرهیزکاری و پارسایی آقا نورالدین شده و جاذبه های معنوی وی را در چندین جا ستوده است، نشان می دهد ایشان در محضر وی به فراگیری درس های متداول حوزوی بسنده نکرده و تحت تربیت های ملکوتی وی، در کرامت های عالی، دل و ذهن را شکوفا ساخته و بر اثر انس با این اسوه وارستگی، در تزکیه درون و تصفیه باطن اهتمام ورزیده است.

درباره مقامات علمی حاج آقا نورالدین اراکی باید یادآور شد که تحصیلات مقدماتی را در مدرسه سپهداری اراک آغاز کرد و نزد استادانی چون آخوند ملامحمدامین، تحصیلات را پی گرفت، سپس به عتبات عراق رفت و در حوزه علمیه نجف اشرف با فراستی کم نظیر و ذهنی تابان مراحل درسی را تا رسیدن به درجه اجتهاد پشت سر نهاد. مدرسان بلندپایه این حوزه او را فردی فوق العاده مہذب و دارای استعدادی شگرف یافتند. وی در نجف، محضر استادانی چون حاج میرزا حبیب الله رشتی، آخوند خراسانی، حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و

۱- آینه داران حقیقت، صص ۶۵ _ ۶۷.

۲- «معرفی کتاب القرآن و العقل»، تحریریه مجله حوزه، مجله حوزه، فروردین ۱۳۶۴، ش ۹، ص ۱۵۳.

ملاعلی نهاوندی را درک کرد.^(۱) او در اجازه اجتهادی که آخوند خراسانی برای وی صادر کرد، این گونه معرفی شده است:

... از کسانی که پیکر زیبای خود را به حلیه اجتهاد آراسته اند، زبده ارباب ژرف بینی، صاحب نفس زکیه و اخلاق پسندیده، از برجستگان همگان خود، سید بزرگوار و پرهیزکار T آقا نورالدین فرزند سید محمد شفیع عراقی است که غالب عمر گران قدر خود را در راه تحصیل علوم شرعی گذرانیده است تا جایی که بر اثر زحمت های چندین ساله، واجد قوه استنباط شده و سزاوار است که در اخذ مسائل طبق استنباط خود عمل کند و برای دیگران نیز شایسته تر است که در مسائل حلال و حرام به وی رجوع کنند....

حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی در اجازه اجتهادی که به آقا نورالدین اعطا داشته، این شاگرد خویش را چنین وصف کرده است:

... از کسانی که به مقصود خود رسیده و دو مرتب علوم عقلی و نقلی را به هم ارتباط داده اند و در عین حال به سعادت علم و عمل نایل گردیده و از دانش خود بهره گرفته اند، محقق و فاضل متبحر، دریای ذخیره های علمی و چراغ فروزان دانش، مرد میدان پژوهش و سالک بزرگ راه ژرف اندیشی، سید بزرگوار، شفیق سید نورالدین سلطان آبادی است...^(۲)

آقا نورالدین پس از هفت سال تحصیل در حوزه نجف و رسیدن به مقام اجتهاد، در سال ۱۳۰۶ ه. ق به زادگاه خود (اراک) بازگشت و در این شهر حوزه علمی و درسی تشکیل داد. دانشمندان و مشتاقان از دورترین نقاط به اراک می آمدند تا از محضر نورانی وی بهره گیرند. او رفته رفته ریاست حوزه علمیه و امور شرعی اراک را بر عهده گرفت و به مقام مرجعیت رسید. وی افزون بر تفسیر القرآن و العقل آثار بسیاری در مباحث کلامی، حقوقی،

۱- غلامرضا گلی زواره، «آقا نورالدین عراقی فروغ شریعت»، گلشن ابرار، ج ۳، صص ۳۰۱-۳۰۳.

۲- داوود نعیمی، آیات سرمد، ص ۲۰۳.

حکمت، فقه، اصول و ادعیه دارد. سرانجام این عالم ربانی و عارف راستین در ظهر روز جمعه هفدهم رجب سال ۱۳۴۱ ه. ق به سرای باقی شتافت. (۱)

کسب فیض از قله فقاہت

کسب فیض از قله فقاہت

شیخ جعفر شیشی در جلسات درس خود، مدام از توانایی های علمی، پرتواندیشه ها و حالات عبادی و معنوی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یاد می کرد؛ چرا که این مدرس حوزه اراک در سفر اول مرحوم حائری به این شهر، از محضر وی استفاده های فراوانی کرده بود. بنابراین آیت الله اراکی در همان ایام علاقه مند شد تا با آیت الله حائری ارتباط برقرار کند و از دانش و اندیشه او بهره گیرد. به همین دلیل در سفر دوم حاج شیخ عبدالکریم حائری که از سال ۱۳۳۲ ه. ق صورت گرفت و ایشان در اراک ماندگار شد و حوزه این دیار را بنیان نهاد و سرپرستی کرد، مشتاقانه به درس این استاد می رفت و تا زمانی که او زنده بود، ملازم وی شد. این ایام بابرکت ۲۳ سال طول کشید. (۲) مرحوم حائری وقتی هوش سرشار و نبوغ این شاگردش را دید، به آیت الله اراکی بسیار توجه می کرد و هر زمان که سپری می شد، علاقه اش به او افزایش می یافت. روزی حاج شیخ عبدالکریم حائری به خانه میرزا آقا فراهانی آمد و به وی گفت: پسرت شیخ محمدعلی، جوان فاضل و عالمی است، چرا لباس روحانیت نمی پوشد؟ و در همان روز با دست مبارک خود، آیت الله اراکی را محمم کرد. همین دیدار کوتاه، مقدمه ای شد برای آنکه آیت الله اراکی به ازدواج

۱- داوود نعیمی، آیات سرمد، ص ۲۸۸؛ همو، نورالباقی، صص ۸۷ و ۸۸، «یادی از عالم وارسته آیت الله آقا نورالدین اراکی»، روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۳۶۹/۱۱/۱۵، ش ۳۳۸۷، ص ۱۰.

۲- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۵، صص ۱۸ و ۲۰.

و تشکیل خانواده رغبت نشان دهد و شیخ حائری یکی از بستگان خود را به عقد ازدواج وی در آورد. (۱)

یک بار مرحوم حائری برای شاگردان خود بیان کرده بود که آقا شیخ محمدعلی هرچه را من در سینه ام داشتم، فرا گرفته است. (۲) روابط این استاد و شاگرد از مرزهای متداول علمی و آموزشی فراتر رفته و به ارتباطی عاطفی و همراه با شوق و ارادت قلبی بدل شده بود، به گونه ای که حاج شیخ عبدالکریم حائری در مواقعی به وی می گفت: تو پرورش یافته و دست پرورده من، و حتی فرزند من هستی. آیت الله اراکی بارها یادآور شده است که آیت الله حائری در حق او التفات و لطف ویژه ای داشت. (۳)

آیت الله سید رضا بهاء الدینی می گوید: «آقای اراکی از ابتدا مرد بافضل و تقوا و مورد علاقه حاج شیخ عبدالکریم حائری بود. حاجی شیخ به او خیلی علاقه داشت و این روی پاکی آقای اراکی بود، نه جهات دیگر؛ چون مرد خیلی پاک دامنی بود». (۴)

در بوستان فضل و فضیلت

در بوستان فضل و فضیلت

آیت الله اراکی مربی عالی قدر خود را چنین معرفی می کند:

حاج شیخ عبدالکریم شخص برجسته ای در علم، اخلاق و اعمال بود. صفات نیکان و اخلاق خوبان همه در سرحد کمال و تمام در او موجود بود. لذا خداوند تعالی در حالی وی را به مقام ریاست شرعی و دینی رسانید که او هرگز خیال نداشت در ایران توقف کند. عزم جزم داشت که ساکن در

۱- روزنامه رسالت، ش ۲۵۷۷، ۱۰/۹/۱۳۷۳، ص ۴.

۲- مردان علم در میدان عمل، ج ۵، ص ۸۵.

۳- «یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی»، صص ۳۹۱ - ۳۹۲.

۴- سلوک معنوی، ص ۱۲۶.

عبادت عراق باشد، اما مشیت الهی بر این قرار گرفت که به اراک و سپس قم مهاجرت کند و آن تحولات را در حوزه به وجود آورد. (۱)

حاج شیخ تأکید می کرد طلبه اگر می خواهد ملا شود، باید بر سختی ها مقاومت کند و قیود دست و پاگیر را از بین ببرد. خودش هم این گونه بود. بنده قبل از آمدن ایشان، پشت سرشان برای نماز جا می گرفتم؛ همین جایی که مرقدش است. وقت نماز جمعیت زیادی در انتظارش لحظه شماری می کرد؛ وقتی که می آمد از جای برمی خاستند. با وجود برخی تنگناهایی که رژیم رضاخان فراهم کرده بود و تلخی های رنج آوری که تحمل می کرد، ابتهاج ویژه ای داشت. ایمان و تقوا به او قوت قلب داده بود و در آن شرایط آشفته، عوض اینکه خم به ابرو داشته باشد و اوقاتش تلخ باشد، سیمایی شاداب داشت. (۲)

آیت الله اراکی در باب دانش و اندیشه حاج شیخ نیز مسائلی را مطرح کرده است. او می گوید:

حاجی شیخ در فعالیت های آموزشی و علمی دیدگاه خاصی داشت و می گفت هر یک از این ابواب فقهی نیاز به متخصص دارد. اقوال، دلایل عقلی و نقلی و اجماع آن تتبع زیادی می خواهد و به افراد سریع الذهن، محتاج است و چون عمر انسانی کفاف نمی دهد که در این پنجاه باب فقه به طور شایسته تحقیق کند، پس خوب است برای هر بابی یک شخصی متخصص گردد. (۳)

این مسائل مؤید آن است که آیت الله حائری با نوآوری و اندیشه ای باز برای تحول در حوزه به میدان آمد. او با نگرشی وسیع و به دور از هرگونه جمود و تحجر، می کوشید در حوزه مطالبی عرضه شود و شاگردانی تربیت

۱- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، موجود در آرشیو بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران.

۲- آئینه داران حقیقت، ص ۸۲.

۳- آئینه داران حقیقت، ص ۸۳، مجله پیام حوزه، سال اول، تابستان ۱۳۷۳، ش ۲، ص ۵۴؛ مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله حوزه، ش ۱۲، صص ۴۰ و ۴۱.

شوند که به نیازهای جامعه بیندیشند و مشکلات شرعی، فقهی و کلامی و حقوقی آنان را برطرف کنند و حتی زبان‌های بیگانه را بیاموزند تا بتوانند احکام نورانی اسلام را به جهانیان برسانند. وی اعتقاد داشت طلاب نباید به فقه و اصول بسنده کنند، بلکه آنان را به فراگیری رشته‌های مختلف فرامی‌خواند. از این رو، اکثر شاگردان برجسته ایشان، جامع معقول و منقول بودند و بر بسیاری از مباحث علوم اسلامی احاطه داشتند.^(۱)

شیخ عبدالکریم حائری که در محضر بزرگانی چون میرزای شیرازی، سیدمحمد فشارکی و آخوند خراسانی، زانوی ادب بر زمین زده بود، با پیروی از شیوه آموزشی و درسی شیخ انصاری با ژرف‌اندیشی به تدوین و تنقیح فقه و اصول و بحث‌های اجتهادی پرداخت و موفق شد بسیاری از مباحث استدلالی را بنویسد. آیت‌الله اراکی از شاگردان برجسته اوست که توانست به تقریر مباحث فقهی و اصولی وی پردازد و برخی آثارش را پس از تنقیح و تصحیح چاپ کند.^(۲) درس‌هایی را که ایشان تقریر کرده است، عبارتند از بحث ارث، مکاسب محرمه، بیع و خیارات (در چهار مجلد)، دوره اصول در دو مجلد که چاپ شده‌اند. آیت‌الله حائری، کتابی در فقه استدلالی خالی از حشو و زواید به نام کتاب الصلوه دارد که دارای مباحث مفصل فقهی درباره نماز است و در عصر مؤلف، منقح شد و اصلاحات لازم به همت توسط آیت‌الله اراکی و آیت‌الله سیدمحمد رضا گلپایگانی چاپ شد و به‌عنوان یکی از ارزنده‌ترین کتاب‌های فقهی در دسترس اهل تحقیق و طلاب علاقه‌مند قرار گرفت.

۱- عالمان اسوه در نگاه امام خمینی(ع)، مجله حوزه، سال نهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱، ش ۴۹، ص ۶۲؛ مؤسس حوزه، صص ۴۹ و ۵۰.

۲- محمد محمدی اشتهاردی، خورشید حوزه‌های علمیه، ص ۷۴.

آخوند خراسانی، صاحب کفایه الاصول، وقتی به خانه مرحوم حائری در نجف آمد، متن دست نویس آن را ملاحظه و از آن تعریف و تمجید فراوانی کرد و به آیت الله اراکی گفت: «آیت الله حاج سید حسین بروجردی می فرمود: من کتابی به این پرمغزی و کم لفظی ندیده ام. در این اثر مطالب پیچیده و مشکل در عباراتی کوتاه و با نثری قابل فهم آمده است».^(۱)

شیخ عبدالکریم حائری اثری تحت عنوان درر الاصول دارد که در عصر وی مورد توجه عالمانی چون شیخ زین العابدین گلپایگانی و شیخ محمدحسین غروی قرار گرفت. آیت الله اراکی در درس های خود به اشکالاتی که مرحوم کمپانی در کتاب نهایه الدرایه (حاشیه کفایه الاصول) به کتاب درر الاصول استادش مرحوم حائری کرده بود، پاسخ می داد. او موفق شد تعلیقه ای بر این کتاب بنویسد که چاپ هم شده است.^(۲)

کتاب درر الاصول یا درر الفوائد، شامل همه مباحث علم اصول، جز بحث اجتهاد و تقلید است که آیت الله حائری از تقریرات درس استادش سید محمد فشارکی استخراج و منقح ساخته است و در زمان حیات مؤلف طی سال های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ ه. ق در دو جلد چاپ شد و در دسترس علاقه مندان قرار گرفت.^(۳)

آیت الله مصلحی یادآور شده است:

... یکی از خصوصیات مرحوم والد ما این بود که آنچه از درس مرحوم حاج شیخ دریافت نموده بودند، اینها را ضبط کرده بودند و همان موقع مبنا اختیار کرده بودند، با اینکه در سنین جوانی بودند. ایشان این اواخر نقل می کردند

۱- محمد محمدی اشتهاردی، خورشید حوزه های علمیه، ص ۷۳؛ آیت الله مؤسس، صص ۹۹ - ۱۰۱.

۲- خورشید حوزه های علمیه، ص ۷۵؛ یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۱۵۱.

۳- شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۸، ص ۱۱۸.

اگر استفتایی پیش می آمد، به همان دست نوشته های قدیمی رجوع می کردم، چون اطمینان به آن استنباط های قبلی داشتند و مورد عنایت استاد هم بودند و ایشان هم استاد را بسیار گرامی می داشتند. بعد از آمدن به قم هم در سال ۱۳۴۰ ه. ق به ایشان متصل بودند و کمال استفاده را می نمودند. (۱)

آیت الله مصلحی در جای دیگر اشاره می کند:

معمول این است وقتی طلبه، تازه وارد درس می شود و پنج - شش سالی هم درس می خواند، در این حال اختیار مبنا نمی کند و همچنان مشغول خواندن است، ولی مرحوم والد (آیت الله اراکی) این گونه نبوده اند و این وضع به دلیل خصوصیات استادی همچون شیخ عبدالکریم حائری بوده که به شاگردان شخصیت می داده و به آنها تأکید می کرده است که اکنون باید مطلب را کاملاً دریافت و استنباط کنید و بعد قدم بالاتر بگذارید. یعنی اطراف و جوانب مسئله را امروز کاملاً بررسی کنید و کار امروز را به فردا فرو نگذارید. همین الان باید مسئله را تحقیق نمایید و فتوا بدهید و مبنا داشته باشید و مرحوم آیت الله اراکی این گونه بود و وقتی به دست نوشته های ایشان نگاه می کنیم، می بینیم شسته و رفته و خالی از اطناب ممل و ایجاز مُخل است. بنابراین هر درسی را که می خوانده اند، همان موقع هم از آن فارغ می شده اند، تمام حواسشان در پی ضبط و تحقیق مطالب و اختیار مبنا بوده است.

آیت الله اراکی از استادشان خیلی عجیب تعریف می کردند. می گفتند:

شما او را ندیدید، یدرک و لا یوصف بودند. ایشان (حاج شیخ عبدالکریم) سخت ترین مسائل و پیچیده ترین مباحث را با سهل ترین بیان در اختیار شاگردان می گذاشت، بدون اینکه به حشو و زواید پردازد و مطلب را طولانی کند. همان ابتدا که مرحوم حاج شیخ عبدالکریم به اراک آمدند، تدریس کتاب بیع را شروع کردند و مرحوم ابوی می گفتند که مدت یک هفته به درس استاد حاضر می شده اند و بعد از یک هفته آن مطالب مطرح

گردیده در درس را نوشته و تحویل مرحوم حاجی شیخ داده بودند و از همان ایام استاد به ایشان بسیار علاقه پیدا کرده بودند و می گفتند حاج شیخ گفته بود: من از مطالعه نوشته های شما لذت بردم. این عبارات استاد باعث می گردید شاگرد تشویق گردد. (۱)

آیت الله سید محسن خرازی می نویسد: مرحوم حاج شیخ به آیت الله اراکی توجه خاص داشتند. تمام توجه ایشان به آقای اراکی بوده و حتی اشخاصی که اشکال می کردند، مخاطب جواب، مرحوم اراکی بوده است. پس از درس، مطالب استاد را برای برخی تقریر می فرمودند. مرحوم حاج شیخ برخی نوشته های آقای اراکی را که تقریر درس ایشان بوده، دیده بودند و تحسین فرمودند. آیت الله اراکی می فرمود: «من به آقای حاجی شیخ عشق می ورزیدم و حتی پنج شنبه ها در منزل ایشان حاضر می شدم و هر چه را ایشان به عنوان داستان می فرمود، یادداشت می کردم». (۲)

وقتی مرحوم حائری یزدی، فهم، استعداد، نبوغ و تیزهوشی این شاگردش را دید، وی را از جمله اصحاب خاص خود قرار داد و بازبینی و اصلاح برخی آثار فقهی خود را به وی و مرحوم آیت الله گلپایگانی واگذار کرد. (۳)

مباحثه با دانشوری زاهد

مباحثه با دانشوری زاهد

آیت الله سید احمد خوانساری (۱۴۰۵-۱۳۰۹ ه. ق) فرزند سید یوسف خوانساری پس از فراگیری مقدمات در زادگاهش، شهر خوانسار، در شانزده سالگی و به سال ۱۳۲۵ ه. ق به اصفهان مهاجرت کرد. وی در حوزه پربار این شهر از محضر آیات محترم میر محمد صادق مدرس اصفهانی، آخوند ملا عبدالکریم

۱- مصاحبه با آیت الله مصلحی، روزنامه کیهان، ۱۳۷۴/۹/۱۲.

۲- روزنه هایی از عالم غیب، صص ۳۵۵ و ۳۵۶.

۳- نام های ماندگار، صص ۱۶ و ۱۷.

گری و میرزا محمدعلی تویسرکانی بهره مند شد. پس از چهارسال تحصیل در این حوزه به نجف اشرف رفت و در درس بزرگانی چون آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، میرزای نائینی و سید ابوتراب خوانساری شرکت کرد که در این مدت با آیت الله میر سید علی یتربی کاشانی هم مباحثه بود و پس از رسیدن به درجه اجتهاد در سال ۱۳۳۶ ه. ق به ایران بازگشت و به اراک رفت تا از فیض آیت الله حائری بهره گیرد و در کنار تحصیل به تدریس سطوح پردازد. (۱)

حاج سید احمد خوانساری، فقیهی آگاه، زاهدی کم نظیر و خردمندی کم بدیل بود و در زهد، پارسایی، مراقبت از نفس، سرآمد بسیاری از عالمان بزرگ زمان به شمار می رفت. وقار، متانت، فروتنی بی حد و دیگر سجایای انسانی، او را به صورت شخصیت ممتازی در میان اقرانش در آورده بود. مشهورترین تألیف او کتاب جامع المدارک فی شرح المختصر النافع در هفت مجلد است که حاوی مباحث استدلالی در فقه است. (۲)

آیت الله شیخ محمدعلی اراکی این توفیق را به دست آورد تا در درس آیت الله حائری با این دانشمند وارسته و مرجع تقلید شیعیان هم مباحثه باشد. وی می گفت:

مرحوم خوانساری در دوران زندگی، سختی های فراوانی تحمل کرده بود. مدتی در خوانسار، چند سالی در نجف، نه ماه در دزفول، سال هایی در اراک و سپس در قم و بعد هم در تهران زندگی کرد. با این همه مشقت و سکونت در جاهای متعدد، توانست یک دوره فقه استدلالی را که خلاصه جواهر الکلام و دیگر منابع فقهی می باشد، به رشته نگارش در آورد. ایشان در ایام

۱- حمیدرضا میرمحمدی، ستارگان خوانسار، صص ۷۸ و ۸۱.

۲- احمدرضا کشوری، فرزندگان خوانسار، صص ۳۱ و ۳۲.

تدریس آیت الله حائری در اراک روزی به من گفت بیا با هم کتاب حج را مباحثه کنیم. وقتی بحث ها به پایان رسید، مدتی ایشان را ندیدم تا آنکه معلوم شد به حج رفته است. (۱)

همچنین آیت الله اراکی یادآور شده است:

من مقید بودم مطالبی را که از استادان می شنوم، بنویسم. روزی مرحوم حاج سید احمد خوانساری به من فرمود: سعی کن خودت اهل فکر شوی؛ نوشتن حرف این و آن چندان فایده ای ندارد. بعد از شنیدن گفتار ایشان تا حدودی در نگارش مطالب دیگران سبست شدم. روزی این مطلب را خدمت استادم، مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری عرض کردم. ایشان فرمود نوشتن برای شرح صدر و باز شدن ذهن [تا حدودی] خوب است. من گاهی جریان فکری ندارم و فقط عناوین را می نویسم و به دنبال آن «ان قلت» را می نویسم و جواب آن را برای وقت دیگر می گذارم. (۲)

مصاحبت با مدرسی وارسته و مبارز

مصاحبت با مدرسی وارسته و مبارز

آیت الله سید محمدتقی خوانساری (۱۳۰۵-۱۳۷۱ ه. ق) فرزند سید اسدالله تا پیش از هفده سالگی، زبان و ادبیات عرب و دیگر مبانی و پایه های مقدماتی علوم اسلامی را به همراه مقداری از مبانی فقه و اصول مقدماتی در خوانسار نزد پدر و دیگر استادان حوزه خوانسار فرا گرفت. وی در سال ۱۳۲۲ ه. ق به نجف اشرف رفت و در حلقه شاگردان حوزه این شهر نزد استادانی پرآوازه، دوره سطح را به پایان رساند. آنگاه به محضر عالمانی چون آخوند خراسانی، سید محمدکاظم طباطبایی یزدی صاحب عروه الوثقی راه یافت و از توانایی این دو بزرگوار بهره های فراوان برد. با رحلت صاحب کفایه الاصول سال های بسیاری از محضر آیات عظام میرزا محمدحسین نائینی، شریعت اصفهانی، آقا

۱- ستارگان خوانسار، ص ۱۱۲؛ روزنه هایی از عالم غیب، ص ۲۸۱.

۲- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۲۷۹؛ یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۵۸۰.

ضیاء‌الدین عراقی و شیخ علی قوچانی بهره برد و به مقام اجتهاد نایل آمد. آقا ضیاء‌الدین عراقی در اجازه اجتهادی که برای وی صادر کرد، سید محمدتقی خوانساری را سید اهل تحقیق، افتخار فقها و مجتهدان، اسوه پارسایی و تقوا، کلید گنج‌های ارشاد، و مجتهد عادل و مورد اطمینان معرفی کرده است. (۱) آیت الله خوانساری از نجف به اراک آمد و ضمن بهره‌مندی از درس خارج فقه و اصول آیت الله حائری، خود حوزه درسی تشکیل داد و به تربیت شاگردانی فاضل پرداخت. تألیف آثاری در مباحث فقهی و اصولی، از توانایی علمی و جنبه‌های تحقیقاتی او حکایت دارد. زهد و تقوا، عبادت خالصانه، ساده‌زیستی و فروتنی فوق‌العاده از ویژگی‌های اخلاقی وی است. (۲)

آیت الله اراکی اشاره کرده است:

سبب آشنایی من با مرحوم آقای سید محمدتقی خوانساری این بود که سیداحمد خوانساری در اراک به درس آیت الله حائری می‌آمد. روزی به من گفتند من در درس آقا ضیاء‌الدین عراقی در نجف شرکت می‌کردم و با سید محمدتقی خوانساری مباحثه می‌کردم، اما بحث‌هایی که با ایشان داشتم از درس استاد آقا ضیاء‌الدین مفیدتر بود. او در وضع کنونی در اسارت انگلیسی‌ها در عراق به سر می‌برد. این شناخت مقدماتی از مرحوم خوانساری مدام در نظرم بود تا اینکه یک روز در درس شیخ عبدالکریم دیدم آقا سیدی کنار مرحوم حاج شیخ نشسته؛ بدون اینکه مغلوب هیبت استاد گردد، با ایشان به راحتی صحبت می‌کند. در آن حال سید احمد خوانساری رو به من کرده و گفتند حاج سید محمدتقی خوانساری همین آقا است. این عوامل سبب گردید با او رفاقت تامی پیدا کنیم و ایشان هم با من خیلی لطف و محبت داشتند و قبل از آنکه حاج شیخ عبدالکریم به قم بیایند، ما با مرحوم سید محمدتقی

۱- حسن ایدرم، سید محمدتقی خوانساری بر چشمه ساران حضور، صص ۲۰ _ ۲۸؛ حمیدرضا میرمحمدی، اختران فروزان خوانسار، ص ۹۷.

۲- رضا مختاری، سیمای فرزندگان، صص ۳۰۷ و ۴۶۴.

خوانساری در اراک سالیان متمادی روابط دوستانه ای داشتیم. (۱)

آیت الله سید محسن خرازی نوشته است:

آقای اراکی از کردار و رفتار مرحوم سید محمدتقی خوانساری باخبر شد و نسبت به ایشان مانند یک مرید گردید، به طوری که با هم مباحثه می کردند و حتی در درس مرحوم حاج سید محمدتقی احتراماً شرکت می فرمودند و تا مرحوم خوانساری زنده بود. درس خارج را شروع نکردند و می فرمودند مرحوم خوانساری در خانه دل نشسته بود و غیر از خدا را به دل خویش راه نمی دادند و الان هم اگر ایشان زنده شود، من او را خدمت می کنم و این در حالی است که آیت الله اراکی قبل از مرحوم آقای سید محمدتقی خوانساری درس خارج را نزد مرحوم شیخ عبدالکریم شروع کرده بود. (۲)

ویژگی های اخلاقی، اخلاص و عبادت سید محمدتقی خوانساری برای آیت الله اراکی جاذبه های فراوانی داشت. وی در گفت و گویی یادآور شد:

وقتی درباره نماز از مرحوم خوانساری پرسیدند، گفت: من در نماز که می ایستم، مثل اینکه دارم با خداوند صحبت می کنم؛ این طور حالی به من دست می دهد. برخلاف ماها که با گفتن الله اکبر دنبال کارها و امورات خودمان می رویم و تا نماز را سلام دادیم، دیگر این اشتغالات به پایان می رسد. همه آن نزاع ها در نماز است. هر کس چیزی گم کرده، در نماز می یابد. در جای دیگر حواسش نیست. اما مرحوم خوانساری این گونه نبود. سر و کارش با خالق آسمان و زمین بوده است. می دانست این نماز چه مفهومی دارد. مراقب بود هر خیال و وهمی که می خواهد به دل و ذهنش وارد شود، آن را ارزیابی و بازرسی کند که آیا از شیطان است، برای مراتب معنوی خطر دارد یا خیر. اگر امور رحمانی بود، راهش می داد و در غیر این صورت آن را از قلب خود دور می ساخت. حتی در جبهه جنگ و دوران اسارت در دست انگلیسی ها قلبش آرام بود. آدمی که در اسارت باشد، حتی از فکر خودش هم بیرون می رود، ولی او که از فکر خودش خلاص گردیده

۱- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۲۹۴.

۲- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۵۶.

بود، می خواست دیگری را نجات دهد. (۱)

آیت الله استادی گفته است:

آیت الله اراکی از نظر علمی هم سنگ و هم تراز آیت الله خوانساری بود و در حقیقت هم مباحثه یکدیگر بوده اند و حاشیه بر عروها لوثقی را مشترکاً نوشته اند، اما به خاطر سیادت، بزرگواری و معنویت خیلی قوی، اهل سیر و سلوک بودن و ویژگی های اخلاقی از قبیل صدق، اخلاص و صفا که آیت الله اراکی در سید محمدتقی خوانساری می دید، مرید ایشان شده بود و در جامعه و مصاحبت با ایشان مانند مرید و مراد عمل می کرد و به گونه ای با وی حشر و نشر داشت که برخی افراد که از ماجرا اطلاع نداشتند فکر می کردند مرحوم اراکی یکی از اطرافیان آیت الله سید محمدتقی می باشد. (۲)

پاسخ بسیاری از استفتائاتی که از آیت الله خوانساری می شد، آیت الله اراکی با خط خود (گویا کاتب ایشان است) می نوشت. در درس ایشان مانند یکی از شاگردان شرکت می کرد و افراد مطلع می دانستند که ایشان نمی خواهد نزد خوانساری شاگردی کند. حتی آیت الله اراکی بخشی از درس ایشان را به عنوان تقریرات در سنوات اخیر عمر مرحوم خوانساری نوشت که ضمیمه کتاب طهارت خودشان به طبع رسیده است. این ارادت موجب شده بود که آیت الله اراکی بعد از رحلت ایشان هم یاد آن بزرگوار را از طرقی که برایش میسر بود، زنده بدارد:

۱. جلسه درس ایشان را با وضع بسیار خوبی اداره کرد و ادامه داد.

۲. نماز جماعت دو وعده ایشان را تا اواخر عمر ادامه داد.

۳. نماز جمعه را تا زمانی که توانست اقامه کرد و تعطیل نکرد.

۴. هر روز که برای نماز ظهر و عصر به حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

۱- آینه داران حقیقت، صص ۶۹ - ۷۱.

۲- شرح احوال حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۲۱۹، ستارگان خوانسار، ص ۵۰.

می آمد، مرقد آیت الله خوانساری را هم زیارت می کرد.

۵. تا این اواخر در روزهای عید در منزل آیت الله خوانساری جلوس می کرد تا در آن خانه مانند ایام حیات دنیوی آقای خوانساری باز باشد و یادش تازه شود. این همه علاوه بر اینکه درجات ارادت آیت الله اراکی را به مرحوم خوانساری می رساند، صفا و صمیمیت، وفا و اخلاص آیت الله اراکی را هم به بهترین وجهی ثابت می کند. (۱)

ویژگی های معنوی و حالات عرفانی و روحانی آیت الله خوانساری و نیز اخلاص و فروتنی وی سبب شده بود که جنبه های علمی، آموزشی و تحقیقاتی وی تحت الشعاع قرار گیرد؛ در حالی که در درس خارج وی مباحث فقه و اصول عمیق و دقیق طرح می شد و شایستگی چند، یارای حضور در آن را داشتند. هنگام تدریس، شیوه هایی نو را در مبانی فقهی و اصولی طرح می کرد و با مطالبی روان و رسا و مثال های جالب، مطالب بلند علمی را آسان می کرد؛ این روش باعث می شد شاگردان با نشاط علمی بحث ها را پی گیرند. البته آسان سازی مباحث از نکته سنجی های او در درس نمی کاست. این در حالی بود که کسالت های زندان و اسارت، شادابی آیت الله خوانساری را به تحلیل برده بود، اما او هیچ گاه درس را به بهانه خستگی و بیماری تعطیل نکرد. (۲)

آیت الله العظمی اراکی به این جنبه از کارنامه علمی سید محمدتقی خوانساری توجه داشت و در شرح حالی که به تقاضای میرزا علی واعظ خیابانی برای وی نوشت، یادآور شد: «افاضل اهل علم حوزه، اطراف وجود

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۲۱۹ و ۲۲۰.

۲- مجله مجموعه حکمت، سال اول، ش ۱۲، صص ۲۰ و ۲۱؛ سید محمدتقی خوانساری بر چشمه ساران حضور، ص ۵۲.

شریفش را گرفته، ریاست حضرتش را بر خودشان به جان و دل متقبل گردیدند، به طوری که می توان گفت اکثر فضیله های حوزه چه آنان که به اطراف بلاد متفرق شده و سمت مرجعیت پیدا نموده اند و چه آنان که فعلاً مقیم و ساکن این بلده طیبه (قم) می باشند، همگی از تلامذ وی فقهاً یا اصولاً سطحاً یا خارجاً، منقولاً یا معقولاً به شمار می روند تا مراتب فضلش مشهور آفاق وصیت مقام علمش ظاهر علی الاطلاق گشت و غدوبت بیانش هر قریحه قویم را شیرین و حلاوت لسانش هر سلیقه مستقیمه را اثر ماه معین بخشید». (۱)

جنبه دیگری که علاقه آیت الله اراکی به سید محمدتقی خوانساری را تأیید می کند، این است که آیت الله اراکی یکی از دختران خود را به عقد ازدواج ایشان در آورد و بعد از درگذشت این بانو، دختر دیگر وی به عقد ازدواج سید محمدتقی خوانساری درآمد. (۲)

آیت الله حاج شیخ اسماعیل جابلقی از عالمان اراک و متولد سال ۱۳۱۳ ه. ق از هنگام تحصیل در محضر سلطان العلماء عراقی و حاج شیخ عبدالکریم حائری با آیت الله اراکی هم مباحثه و دوست صمیمی بوده اند. همچنین آیت الله حاج شیخ عبدالرزاق قائینی (۱۳۱۰-۱۴۱۰ ه. ق) با مرحوم آیت الله شیخ محمدعلی اراکی هم مباحثه بود. (۳)

۱- حاج میرزا علی واعظ خیابانی، علمای معاصر، به کوشش و تکمیل: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، ص ۳۳۱.

۲- ستارگان خوانسار، ص ۲۱.

۳- آینه دانشوران، صص ۲۴۶ و ۴۹۸؛ گنجینه دانشمندان، ج ۴، ص ۵۲۴؛ یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

مهاجرت به قم

مهاجرت به قم

اواخر زمستان سال ۱۳۰۰ خورشیدی برابر با ۲۲ رجب ۱۳۴۰ ه. ق بود که آیت الله اراکی به همراه حاج شیخ عبدالکریم حائری و فرزند بزرگ مؤسس حوزه، مرحوم شیخ مرتضی حائری و تنی چند از علمای دیگر که در حوزه اراک درس می خواندند، به جانب قم حرکت کرد. (۱) آیت الله اراکی می گوید:

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم را در آستانه نوروز سال ۱۳۰۱ خورشیدی به قم دعوت کردند و از ایشان خواستند برای احیای حوزه این شهر در قم اقامت گزینند. ایشان از طریق استخاره با کلام حق (قرآن مجید) مشورت نمود و خوب آمد. از این روی حوزه خویش را از اراک به قم انتقال داد. من و آقای حاج سید احمد خوانساری هم استخاره کردیم که به ایشان در قم بپیوندیم، که برای هر دو یک آیه آمد. (۲)

به نظر آیت الله سید محسن خرازی، آیت الله اراکی به تبعیت از شیخ عبدالکریم حائری به حالت مُجردی به قم آمد و در بیرونی منزل ایشان اقامت اختیار کرد و بعد از مدتی در مدرسه خان سکونت گزید. بعد از چند ماهی خانواده را به قم آورد و تا آخرین لحظه در درس حاج شیخ شرکت کرد. (۳) در ذی قعدة سال ۱۳۵۵ ه. ق که آیت الله حائری در گذشت، آیت الله اراکی با نوعی فروتنی در درس سید محمدتقی خوانساری شرکت می کرد (۴) که مدت ۱۶ سال طول کشید. (تا سال ۱۳۷۱ ه. ق.)

آیت الله اراکی در ایام تحصیل در قم با گرفتاری های زیادی روبه رو بود؛ زیرا فضای سیاسی حاکم بر ایران آشفته شد و رژیم رضاخان تلاش های

۱- شیخ عبدالکریم حائری، نگهبان بیدار، ص ۵۰.

۲- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۲۷۶.

۳- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۵۶.

۴- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۵۷.

علمی، فکری، فرهنگی و ارشادی روحانیت را برنمی‌تابید و آنان را در فشار شدیدی قرار داده بود. مشکل دیگر در این دوران این بود که به گفته خودشان بعضی وقت‌ها شهریه قطع می‌شد؛ می‌گفتند مقرری موردنظر نرسیده است. باید چه کار کنیم؟ آنگاه در این مواقع مبالغی از تجار قم قرض می‌کردند تا بتوانند حداقل نصف شهریه را که حداکثر برای هر طلبه دوازده تومان بود، بپردازند. زمان قحطی و گرانی پیش آمد و بر اثر آن نان کمیاب شد و افراد زیادی در صف‌های طولانی جمع می‌شدند تا نانی به اندازه یک آجر که فقط نام نان را داشت بگیرند و رفع گرسنگی کنند. خشک سالی و نیامدن باران و بلاى جنگ جهانی، معضل دیگری بود که تلاش‌های آموزشی طلابی چون او را تحت تأثیر قرار می‌داد. به همین دلیل مردم از آیت الله خوانساری تقاضای اقامه نماز باران کردند. ایشان هم پذیرفت و همراه جمعیتی فراوان به خاک فرج رفت و نماز استسقا را خواند و به دنبال آن باران فراوانی آمد. (۱)

آیت الله اراکی به پیروی از شیخ عبدالکریم حائری می‌کوشید با وجود آشفتگی‌های سیاسی که چون ابرهای تیره‌ای آسمان علم و معرفت را تیره و تار ساخته بود، به‌طور مستقیم موضع‌گیری حساسیت‌برانگیز نداشته باشد و مؤسس حوزه را در شرایطی آرام و به دور از تمایل‌های سیاسی در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی یاری دهد. در واقع او با اینکه از برنامه‌های ضدمذهبی و تهاجم فرهنگی علیه ارزش‌های دینی نفرت عمیقی داشت، تلاش کرد در پرتو بردباری، درایت و رعایت برخی احتیاط‌ها فرهنگ دینی را پاسداری کند. (۲)

۱- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۶، صص ۱۲ و ۱۳.

۲- تشیع و مشروطیت در ایران، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.

اصولاً درباریان و کارگزاران ستم در پی بهانه گیری هایی از حوزه قم بودند و اگر کوچک ترین فریاد اعتراضی از آنجا برمی خاست، به سرکوبی آن می پرداختند و تشکیلات نوپای حوزه را متلاشی می ساختند. آن قدر مراقب اوضاع و احوال بودند و از اجتماعات قم هراس داشتند که وقتی آیت الله حائری درگذشت، اجازه ندادند مجلس فاتحه رسمی برای او بگیرند. ماجرای سرکوبی شدید و خونین قیام حاج آقا نورالله اصفهانی، تبعید و شهادت آیت الله سید حسن مدرس، دستگیری و به زندان افکندن عالم مجاهد شیخ محمدتقی بافقی، قیام گوهرشاد و تبعید حاج آقا حسین قمی و حبس خانگی او، نشان می داد که اختناق شدید است و هر مشعلی که بخواهد روشنی بیافریند، با خشونت خاموش می شود. (۱)

ملاقات با مردی از ملکوت

ملاقات با مردی از ملکوت

عارف کامل و فرزانه پرهیزکار آیت الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی (درگذشته ۱۳۴۳ ه. ق) مقدمات علوم اسلامی را در تبریز که زادگاهش بود، گذراند و سپس برای تکمیل تحصیلات به عتبات عراق رفت و در حوزه نجف از محضر عالمانی چون حاج آقا رضا همدانی، صاحب کتاب مصباح الفقیه، آخوند خراسانی و میرزا حسین نوری استفاده کرد؛ هم زمان نیز به تزکیه و تهذیب نفس پرداخت و برای پیمودن این مسیر در جست و جوی سالک طاهر و وارسته بود که سرانجام توانست به محفل جمال سالکان، آیت الله آخوند ملا حسین قلی همدانی راه یابد. پس از درگذشت این استادش که در سال ۱۳۱۱ ه. ق اتفاق افتاد، ده سال دیگر

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۳۸۱ و ۳۸۲.

در نجف ماند و از برکات حوزه آن بهره گرفت و در سال ۱۳۲۱ ه. ق به تبریز بازگشت و حوزه درس و بحث تشکیل داد، ولی در سال ۱۳۲۹ ه. ق به دلیل شرایط سیاسی، تبریز را ترک کرد و پس از توقیف کوتاه در کنار حرم حضرت عبدالعظیم حسنی، به قم رفت و در این شهر رحل اقامت افکند و به تربیت شاگردان اهتمام ورزید. فیض بابرکت او در قم، شانزده سال استمرار یافت. (۱)

آیت الله اراکی هم زمان با دانش اندوزی در محضر آیت الله حائری از انفاس قدسی میرزا جواد ملکی تبریزی بهره ها برد. (۲) ایشان گفته است:

در اوایل ورود به قم به اتفاق آقا شیخ احمد یزدی در مجالس درس اخلاق حاج میرزا جواد شرکت می کردم و او اصرار داشت که در درس فقه ایشان نیز حاضر گردم؛ اما من عذر آوردم که با وجود اشتغال به درس حاج شیخ عبدالکریم جمع بین هر دو امکان پذیر نخواهد بود. (۳)

آیت الله اراکی در درس اخلاق میرزا جواد نکته مهمی را درباره زندگی اجتماعی و روابط با مردم آموخت و آن این بود که از معاشرت های خود کاست تا وقتش تلف نشود. آیت الله مصلحی در این باره گفته است:

ایشان اهل دید و بازدید و رفت و آمدهای متداول نبود. هیچ جا نمی رفت، بدون استثنا. حتی هنگامی که امام از زندان آزاد گردید، خودش به منزل ایشان تشریف آورد و در این مورد می گفتند از میرزا جواد پیروی می کنند. ایشان با مرحوم میرزا جواد آقا خیلی مأنوس بودند و می گفتند در این رفتار از ایشان تبعیت می نمایم؛ برای اینکه معاشرت ها زیان هایی دارد که هم وقت انسان را می گیرد. خصوصاً مجالست با اهل غفلت که خود موجب غافل

۱- محمد جواد نورمحمدی، شیخ مناجاتیان، صص ۶۰_۶۳.

۲- ناصرالدین انصاری، «در سوگ حضرت آیت الله العظمی اراکی»، مجله آینه پژوهش، سال پنجم، پیاپی ۲۸، آذر و دی ۱۳۷۸، ص ۱۱۳.

۳- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۱۴۰.

گردیدن از حضرت حق تعالی است. دید و بازدید با هیچ کس نداشت، خصوصاً در قم و چون دیگران آداب ایشان را می دانستند، آنان به دیدنش می آمدند، ولی در غیر شهر قم به دیدن افراد می رفتند، چنانکه در تهران دو جلسه به اتفاق ایشان خدمت حضرت امام رفتیم. (۱)

به نظر می رسد آیت الله اراکی افزون بر شرکت در درس اخلاق میرزا جواد، روابط نزدیک تری با این استادش داشته است. آیت الله اراکی نقل کرده است:

یک آقا سید احمد نامی داشتیم که بهش آقا ترک می گفتند. می آمد پشت سر آقا میرزا جواد آقا، برای نماز می ایستاد. ماه رمضان بود. من هم می رفتم. آقا سید احمد گفت: رفتم به دیدن آقا میرزا جواد تا احوال پرسى کنم. وقتی رفتم نشستم، گفت آقا میرزا علی آقا (فرزند میرزا جواد) رفت. گویا بر اثر ابتلا- به بیماری وبا در گذشته بود. حال آقا میرزا علی که بود، چه کمالات و دانش هایی داشت! من او را دیده بودم که چه علم و تقوایی داشت. او با این توانایی ها جانشین پدر می شد، اما در سنین جوانی فوت کرد. (۲)

کشف و کرامتی که آیت الله اراکی از برخی شاگردان میرزا جواد نقل کرده، نشان دهنده آن است که وی ضمن ارتباط با انسان های عارف، به حالات معنوی و عرفانی آنان اعتقاد داشته که برخی از آنان شاگرد مشترک ایشان و میرزا جواد ملکی تبریزی بوده اند. (۳)

۱- صادق حسن زاده، طیب دل ها، صص ۲۰۳ و ۲۰۴؛ شیخ مناجاتیان، ص ۶۴.

۲- طیب دل ها، ص ۲۰۴.

۳- آینه داران حقیقت، ص ۶۳ _ ۶۲.

فصل سوم: توانایی های علمی و آموزشی

اشاره

فصل سوم: توانایی های علمی و آموزشی

زیر فصل ها

تدریس

دیدگاه هایی درباره حوزه و حوزویان

دقت های علمی و فکری

مرجعیت

نگاشته های گران سنگ

جنبه های ذوقی و ادبی

شاگردان

آیت الله العظمی اراکی تا زمانی که آیت الله سید محمدتقی خوانساری در قید حیات بود، یعنی تا سال ۱۳۷۱ ه. ق. ۱۳۳۱ خورشیدی، به تدریس خارج فقه و اصول اقبال نشان نداد. با اینکه از نظر درجات علمی مانند و هم مباحثه آن فقیه فرزانه بود، به دلیل ارادت خاصی که به ایشان داشت، در درس او شرکت می کرد و بخش هایی از درس او را به عنوان تقریرات می نگاشت. این دو بزرگوار حتی حاشیه عروه الوثقی را با همکاری یکدیگر به نگارش درآوردند تا رساله عملیه هر دو باشد. البته در دوران حیات مرحوم خوانساری، آیت الله اراکی سطوح عالی حوزه را درس می داد و شمار فراوانی از طلاب و فضلاء حوزه اراک و قم از محضر درس ایشان در سطوح عالی مثل کفایه الاصول و مکاسب شیخ انصاری بهره می بردند. پس از درگذشت عالم ربانی، مرحوم سید محمدتقی خوانساری، به تقاضای شاگردانشان، مرحوم اراکی کتاب النکاح را که ایشان درس می داد، به عنوان درس خارج پی گرفت و عملاً تمام فراگیران فاضل متوجه این واقعیت شدند که توان علمی و آموزشی مرحوم اراکی دست کمی از آیت الله خوانساری ندارد. این تلاش

ارزشمند حدود ۳۵ سال ادامه یافت. محل تدریس آن عالم وارسته در شبستان در کتابخانه مدرسه فیضیه بود، مقداری هم در یکی از بقعه های صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام صورت می گرفت. (۱)

آنچه آیت الله اراکی در درس خارج تدریس می کرد، عبارت بود از مبحث خارج نکاح، مکاسب محرمه، دو دوره بیع، خیارات، طهارت، اجاره و در آخر حج. دوباره نیز کتاب النکاح را در مدرسه فیضیه درس می داد. افزون بر این سه دوره، اصول را عصرها در همین مکان تدریس می کرد. (۲)

روش های آموزشی

«آیت الله اراکی فقه و اصول را لازم و ملزوم یکدیگر می دانست و به قواعد اصولی کاملاً مسلط بود. در هر مسئله ای که وارد می شد، در آغاز، مقتضای اصل و قاعده را در آن مسئله به طور مشروح بیان می کرد و به مبانی افکار، اندیشه ها و نوآوری های شیخ انصاری معتقد بود و به شدت از آنها دفاع می کرد. از مبانی استدلالی استادش شیخ عبدالکریم حائری دفاع می کرد و به اشکالات شیخ محمدحسین اصفهانی درباره رساله درر الاصول این استاد خود با دلیل های استوار و برهان های متین پاسخ می داد. در فقه و فتوا نیز از دیدگاه علمای سلف پیروی، و در مواقعی برخی از آنها را ارزیابی، نقد و تحلیل می کرد. درباره استناد به روایات، اعتقاد داشت بزرگان فقهای قدمای ما که این اخبار از دست آنها به ما رسیده، بهتر خبر دارند و اگر به روایتی اعتنا نکرده اند، طبعاً مشکلی درک کرده اند. اگر شش نفر از محققان فقهی که به علم و تقوای آنان اطمینان داریم که عبارتند از محقق اول و ثانی، شهید اول و

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۱۷۶ و ۱۷۹.

۲- «فقیه پارسا و ذخیره گرانها»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷/۹/۱۳۸۱، ش ۶۷۹۰، ص ۱۱؛ اختران فضیلت، ص ۷۴؛ دیدار با ابرار، ج ۸۲، صص ۶۷ و ۶۸.

شهید ثانی و فاضلین (علامه و فخرالمحققین) در مسئله ای توافق داشته باشند و بدون تردید و با جزم حکم کنند، ما هم آن را صحیح می دانیم. درباره خواندن مباحث عقلی و حکمت و فلسفه برای محصلی که می خواهد به مقام اجتهاد و فقاہت دست یابد، صرفاً فهم و درک امور عامه را توصیه می کرد؛ چون این مباحث به منزله مدخل و منطق همه علوم است و از احکام وجود بماهو وجود بحث می کند و همین مقدار هم در اصول فقه دخالت دارد و آموزش و فراگیری آن ضرورت دارد. تأکید می کرد اساس کار فقیه، استظهار از کتاب و سنت است که این گونه برداشت ها به فهم عرفی نیاز دارد، درحالی که دقت های فلسفی، ذهن را در فهم روایات و آیات، از حد اعتدال بیرون می آورد»^(۱).

«شاگردپروری، تشویق به اشکال و استفهام، حل مشکلات علمی شاگردان با نهایت فروتنی، از نکات بارز درس آیت الله اراکی بود. ایشان همواره در برخورد با شاگردان و سؤال کنندگان، مردی متواضع و خوش برخورد بود. هر کس در هر شرایطی مشکلات علمی خود را حتی در سطح پایینی با ایشان در میان می نهاد، آن بزرگوار با گشاده رویی پاسخ می گفت و به طلبه می گفت: اگر تا شب با من بحث کنی، حاضریم و جواب می دهم. رفع شبهه از ذهن هر فردی را وظیفه خود می دانست و با بیانات کافی و شافی تا مطلب را برای طرف عیان نمی کرد، آرام نمی گرفت. در بحث ها انصاف را رعایت می کرد. مواردی اتفاق می افتاد که به نکته ای اصرار می ورزید، ولی وقتی بررسی های خود را در بحث با شاگردان ادامه می داد و متوجه می شد موضع گیری کاستی هایی داشته است، از آن برمی گشت و حق

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۱۸۱ _ ۱۸۳.

را به طرف مقابل می داد. در نقل مطالب علمی و ارائه دیدگاه های اهل علم، هرگاه مطلب از خود او نبود، برای ادای حقوق صاحب آن فکر و نظر، نامش را با القاب و رعایت احترام و تکریم بر زبان می آورد. مطالب پیچیده فقهی و اصولی را با بیانی شیوا و رسا و به سهولت تفهیم می کرد.^(۱)

از خصوصیات برجسته درس ایشان این بود که در حد امکان از تکرار و طولانی کردن مطالب خودداری می کرد و باور داشت طلبه باید پیش از حضور در مجلس درس، مواضع اشکال را مطالعه و مباحثه کند، سپس در بحث حاضر شود. به همین دلیل مجلس بحث ایشان برای افراد مبتدی، سنگین و غیرقابل هضم بود، ولی برای طلاب فاضل و زحمت کشیده سودمند. از این رو، محفل علمی ایشان را خارج خارج خوانده اند. افرادی که چند سال پی در پی در درس خارج شرکت کرده و به مراتب بالایی از دانش فقه و اصول رسیده بودند، از محضر درس او بهره وافی می بردند.^(۲) استاد عباس علی عمید زنجانی یادآور شده است:

آیت الله اراکی پس از ورود به قم، مجتهدی مبرز بود. در تدریس تواضع علمی فوق العاده ای داشت. محور درسش نظرات استادش بود. اگر کسی تازه می رسید، تصور می کرد ایشان تقریر درس مرحوم حائری را می نویسد، ولی با دقت نظر معلوم می شد ایشان نظرات خود را در قالب تقویت و تأیید نظر استاد خویش بیان می دارد. سلیقه ایشان در بیان مسائل، ممتاز بود.^(۳)

آیت الله سید محسن خرازی که حدود سی سال با آیت الله اراکی ارتباط داشته است، درباره ویژگی های درس ایشان می گوید:

اشراف و تسلط ایشان بر مباحث کاملاً از تدریس آن مرحوم مشخص می گردید. تمام وقتشان صرف مطالعات عمیق و دقیق و تدریس می شد و در

۱- «فقیه پارسا و ذخیره گرانبها»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷/۹/۱۳۸۱، ص ۱۱.

۲- «فقیه پارسا و ذخیره گرانبها»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷/۹/۱۳۸۱، ص ۱۱؛ «در سوگ مهر»، مجله بصائر، سال دوم، آبان ۱۳۷۴، ش ۱۳، ص ۴۵.

۳- دیدار با ابرار، ج ۸۲، ص ۱۰۷.

این باره تمام توانایی های خویش را متمرکز می ساخت. دیدگاه های بزرگان را نقل و نقد می کرد و از نقل آرای معاصرین هم امتناع نداشت. در نقل کلمات امانت، احترام گوینده و اعتدال و انصاف در بحث را کاملاً مراعات می کرد و می کوشید مسائل مهم بحث دار، موضوعات اساسی و بنیادی را طرح و بررسی نماید و از طرح موضوع های جزئی و فرعی در درس پرهیز می کرد.^(۱)

دیدگاه هایی درباره حوزه و حوزویان

دیدگاه هایی درباره حوزه و حوزویان

آیت الله اراکی بر این باور بود که طلاب باید ضمن تحصیل معارف حوزه، قرآن را با فکر و تأمل در آیات بخوانند و شوق و انگیزه های درونی طلبه، سبب پیشرفت در کارها می شود. طلبه باید به برخی تکلفات دست و پاگیر بی اعتنا باشد و اجازه ندهد هیچ مسئله ای بر درس او اثر منفی بگذارد. ناگواری ها و پیش آمدها نباید به امور آموزشی و علمی صدمه بزند.^(۲) باید محور درس ها و مباحثه ها و تحقیقات در حوزه معارف قرآن کریم، احادیث و فقه سنتی جواهری باشد. از افرادی که استعداد کافی برای فقاقت دارند، باید حمایت شود تا بتوانند با اطمینان خاطر و فراغت به درجات عالی از فقه برسند. تأکید می کرد با توجه به گسترش دامنه مسائل فقهی، دانش فقه مانند سایر علوم تقسیم شود و هر کدام از بحث ها و موضوع های آن، کارشناسی ویژه و متخصص داشته باشد تا بهتر بتوانند نیازها را برطرف کنند زیرا پاسخ گویی به مسائل روزمره و مستحدثه جامعه اسلامی و معضلات و مشکلات علمی که در نصوص به آن تصریح نشده و در آثار قدما یافت

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۱۸۳.

۲- حسن فخرالشریعه، «جلوه هایی از حیات آیت الله العظمی اراکی»، مجله پیام حوزه، سال اول، ش سوم، صص ۵۲ و ۵۳؛ آینه داران حقیقت، ص ۸۹.

نمی شود، مجتهد جامع الاطراف و فقیه صاحب نظر و ژرف نگر را می طلبد که با تسلط به اصول و قواعد فقهی، فروع و مسائل مبتلای جامعه را به اصول و زیربنای قرآنی و روایی ارجاع دهد و حکم خداوند را استنباط کند.

آیت الله اراکی بر استقلال حوزه های علمیه اصرار فراوان داشت و سفارش می کرد، نباید دست اندرکاران و کسانی که بر حوزه ها نظارت دارند، اجازه دهند این کانون علمی و دینی در معرض افکار انحرافی و موارد باطل قرار گیرد و بکوشند از گرایش های نادرست همواره جلوگیری کنند. از آنجا که حوزه باید درباره تأمین نیازهای جوامع اسلامی و حتی جهان جدی باشد، وظایفش بسیار حساس و سنگین و خطیر است و کار افزون تری می طلبد و هرگونه مسامحه و کم کاری، مسئولیت دارد.

مرحوم آیت الله اراکی متذکر این نکته بود که در اداره امور حوزه باید از تشریفات اضافی و تشکیلات غیرضروری پرهیز، و در مصرف وجوهات شرعی کمال احتیاط مراعات شود. امتیاز روحانیت به ساده زیستی و پرکاری است که این اصل باید همواره مورد توجه قرار گیرد. جنبه های اخلاقی و تربیتی طلاب باید به طور کامل در نظر گرفته شود؛ زیرا عالم پرهیزکار و باسواد می تواند مفید باشد و خدمت کند. (۱)

دقت های علمی و فکری

دقت های علمی و فکری

آیت الله اراکی میان میراث علمی و فقهی حوزه نجف، کربلا- و سامرا جامعیت داشت. ایشان از طریق حاج شیخ عبدالکریم حائری اندیشه ها و دیدگاه های مکتب کربلا و سامرا را تحصیل و ارزیابی کرد و به وسیله سید محمدتقی خوانساری میراث علمی نجف به ایشان انتقال یافت. (۲)

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۲۵۲ _ ۲۵۴.

۲- دیدار با ابرار، ج ۸۲، ص ۱۰۶.

دقت آیت الله اراکی در نگارش تقریرات درس های استادش نیز ستودنی است. پیش از آنکه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری به اراک بیاید، تقریرهای فقه و اصول سلطان العلماء عراقی را نوشت که یک سال طول کشید. بعد از آن موفق شد بحث های خارج فقه حاج شیخ عبدالکریم حائری، مخصوص در طهارت، مکاسب، بحث بیع و خیارات را بنویسد. سه یا چهار دوره اصول ایشان را نیز نگاشت. به علاوه آیت الله حائری بحثی در ارث داشت که در اراک مطرح کرد و آیت الله اراکی آن را هم نوشت. بسیاری از مطالب مورد مباحثه با آیت الله سید محمدتقی خوانساری را نیز نگاشت. (۱)

آیت الله اراکی بر اثر انس با مطالعه، تدبر و تفکر در قرآن، حافظه شگفتی داشت و این ویژگی در تبیین مباحث علمی و فکری به وی کمک فراوانی می کرد. (۲)

آیت الله گرامی که از محضر آیت الله اراکی استفاده کرده و این استاد وی با والدش، همسایه بود، می گوید: «حافظه آقای اراکی معجزه الهی بود. در میان علما با این سن و سال، جز آیت الله مرعشی نجفی، حافظه ای به این خوبی ندیده ام. پدر بنده که با وی هم سال بود، در این اواخر حتی فرزندانش را نمی شناخت با اینکه از نظر بُعد ارتباط با خداوند، فردی معنوی بود». (۳)

آیت الله شیخ مرتضی بنی فضل گفته است:

آیت الله اراکی از اول مرجعیت که ۹۷ سال داشت تا آخرین روزهای عمر شریفش، دارای حافظه و هوشیاری لازم [بود]. در همین ایام که عده ای شایع کرده بودند ایشان به دلیل سن بالا دچار فراموشی شده است، به اتفاق

۱- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۶، ص ۱۵.

۲- «فقیه پارسا و ذخیره گرانها»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷/۹/۱۳۸۱، ص ۱۱.

۳- خاطرات آیت الله محمدعلی گرامی، تدوین: محمدرضا احمدی، ص ۲۰.

آیت الله آذری قمی حدود یک ساعت در محضرشان بودیم. سؤالات گوناگونی از ابواب مختلف فقهی پرسیدیم و ایشان با کمال اشراف، حضور ذهن و شادابی، همه را جواب داد. علاوه بر این متوجه شدیم دیدار عمومی هم دارند و گاهی برای افراد سخنرانی می کنند. پس از فرصت به دست آمده، حُسن استفاده را نمودم و در همان جلسه از ایشان به طور شفاهی اجازه روایی خواستم. آیت الله اراکی از طریق استادش مرحوم حاج شیخ عباس قمی و حاج میرزا حسین سلسله اسناد را ذکر نمود و به محمد بن ثلاث صاحب کتب اربعه رسانید. این وضع نشان می داد که معظم له از هوشیاری و حضور ذهن خوبی برخوردار است. (۱)

رئیس کمیته امداد قم آقای اسکندری، نقل می کرد:

روزی به خدمت آیت الله اراکی رسیدم و خودم را معرفی کردم و گفتم اسکندری همدانی هستم. بعد گزارشی از عملکرد کمیته امداد به حضورشان ارائه دادم و ایشان با دقت گوش دادند. آنگاه توصیه هایی فرمودند و من از حضورشان مرخص شدم. دو ماه بعد دوباره به خدمتشان رفتم. به محض اینکه سلام کردم، جواب سلام را دادند و بعد شعر «یارم همدانی خودم هیچ ندارم» را خواندند. دیدم در فاصله این مدت در سنین یک صد سالگی هنوز خاطره دیدار قبلی را در ذهن دارند و مرا فوری شناختند. (۲)

از آثاری که ایشان نگاشته اند است، چندین نکته به دست می آید. این نوشته روان و بدون هرگونه ابهام و پیچیدگی است. به علاوه از حشو و زواید عاری بود، با عباراتی کوتاه مطالب علمی را دقیقاً بیان کرده اند. برخی رساله ها و یادداشت هایی که از آن عالم ربانی به زبان فارسی به یادگار مانده، شامل عباراتی جذاب و ادیبانه است. (۳)

۱- خاطرات آیت الله شیخ مرتضی بنی فضل، تدوین: عبدالرحیم اباذری، ص ۲۷۳.

۲- خاطرات آیت الله شیخ مرتضی بنی فضل، تدوین: عبدالرحیم اباذری، ص ۲۷۳.

۳- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۱۶۶.

آیت الله اراکی در جوانی با نوعی شیفتگی نسبت به معارف اسلامی، چشم به دهان استادان خود می دوخت و با هوش سرشار خود و نبوغ فوق العاده مطالب مطرح شده را ضبط می کرد. در درس خارج نیز این گونه بود و هنگام تعطیلی و فراغت، مباحث استاد را پی گیری و اشکالات را بازبینی کرد.

آیت الله اراکی در مباحث فقهی بیع، مهارت ویژه ای داشت و در هر مسئله ای که به قواعد فقهیه منجر می شد، هیچ کس حریف ایشان نبود. آیت الله شیخ کاظم شیرازی که از نجف به قم آمده بود، با ایشان بحث های متعددی داشت. در پایان گفت و گوهای فقهی و علمی، وی احاطه آیت الله اراکی به علوم نقلی را ستود و افزود: «خیلی متبحر، ملا- و نکته سنج است».^(۱)

مرجعیت

مرجعیت

پس از درگذشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، آیات ثلاث، یعنی آیات محترم سید محمدتقی خوانساری، سید صدرالدین صدر و سید محمد حجت کوه کمره ای، اداره حوزه علمیه قم را به عهده گرفتند. موقعیت علمی این سه بزرگوار به گونه ای بود که پس از درگذشت آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی آنان از مراجع تقلید به شمار می آمدند و رساله عملیه و مقلد داشتند. این وضع تا آمدن آیت الله العظمی بروجردی به قم ادامه داشت، ولی گسترده نبود؛ زیرا مرجعیت مرحوم بروجردی به دلیل ویژگی های علمی و پایگاه اجتماعی قوی، نه تنها در ایران گسترش یافت، بلکه ایشان در جهان تشیع و دنیای اسلام به عنوان مرجع تقلید شیعیان مطرح شد.

۱- «مصاحبه با آیت الله مصلحی»، روزنامه کیهان، ۱۳۷۲/۹/۱۰، ص ۵.

با رحلت آیت الله سید محمدتقی خوانساری در سال ۱۳۷۱ ه. ق، شئون علمی و حوزوی ایشان، از قبیل نماز جمعه، تدریس و... به طور طبیعی به آیت الله العظمی شیخ محمدعلی اراکی انتقال یافت و زمینه مرجعیت برای ایشان فراهم شد.

حاشیه عروهاوثقی و رساله عملیه که به نام مرحوم خوانساری، چاپ شده و در دسترس مردم قرار گرفته بود، در واقع محصول آرای فقهی هر دو بزرگوار (مرحوم خوانساری و آیت الله اراکی) بود، ولی آیت الله اراکی به دلیل زهد، وارستگی و بی اعتنایی به مقام های دنیوی و اندیشیدن به وظیفه، در آن شرایط به مرجعیت رغبتی نشان نداد و احساس وظیفه نکرد. افزون بر این، ایشان باور داشت که آیت الله بروجردی مرجع بلندپایه دنیای تشیع است. از این رو، به دلیل پارسایی و پاسداری از صلابت مقام مرجعیت و جلوگیری از حیف و میل شدن بیت المال در این راستا اقدامی نکرد و به کارهای علمی و آموزشی و خدمات فرهنگی پرداخت. با رحلت حضرت آیت الله حاج آقا سید حسین بروجردی طباطبایی در سال ۱۳۸۱ ه. ق، که هم دوره های آیت الله اراکی به طور طبیعی هم برای حفظ حوزه علمیه قم و هم برای مرجعیت مطرح شدند و مورد قبول عموم شیعیان قرار گرفتند، زمینه ای پدید آمد که ایشان هم مانند دیگران خود را مطرح کند یا به نحوی مطرح شود، که اگر عملی می شد، مورد توجه و اقبال مردم قرار می گرفت؛ ولی باز هم به دلیل ویژگی های اخلاقی اش مطرح نشد و خودش نیز اقدامی نکرد و روش پیشین خود را پی گرفت. البته در بین خواص مقلدانی داشت که از این تاریخ به بعد، با مراجعه حضوری به بیت ایشان یا محل تدریس و اقامه جماعت و جمعه، پاسخ شرعی خویش را کتبی یا شفاهی دریافت می کردند. این وضع

تا هنگام درگذشت امام خمینی ادامه یافت. در این میان گروهی از استادان حوزه لازم دانستند ایشان را در کنار مرحوم آیت الله گلپایگانی و آیت الله خویی به عنوان مرجع تقلید شیعیان مطرح سازند.^(۱) آیت الله شیخ مرتضی بنی فضل می گوید:

وقتی امام رحلت نمود، به شدت نگران مرجعیت بعد از ایشان بودیم. اگرچه تعیین رهبری با موفقیت کامل در مجلس خبرگان انجام گرفت، ولی این موضوع همچنان ذهن ما را به خود مشغول ساخته بود. ناگهان به قلبم الهام گردید که برای این مسئولیت خطیر آیت الله العظمی اراکی سزاوارتر است. این موضوع را با یکی از مدرسین حوزه مطرح کردم و افزودم با همه احترامی که برای آقایان در نجف و قم قائل هستم، ولی به نظر بنده آقای اراکی از هر جهت برای این مسئله لیاقت دارد. از نظر علمی ایشان استاد فقها و مجتهدان است. از جهت تقوا احدی در ایشان شک ندارد. از نظر مسائل روز، مسائل انقلاب و عشق و ارادت نسبت به حضرت امام خمینی در حد اعلی است. به همراه آقایان عبایی خراسانی و واعظی اراکی، خدمت آیت الله حاج شیخ ابوالحسن مصلحی، فرزند ارشد آیت الله العظمی اراکی رسیدیم و با ایشان موضوع را در میان گذاشتیم و گفتیم ما چند نفر از استادان حوزه علمیه قم می خواهیم مرجعیت آیت الله اراکی را مطرح کنیم. ایشان از ما فرصت خواست و با والد معظم صحبت، و آمادگی ایشان را برای پذیرش این مسئولیت خطیر اعلام کرد. ما هم طی اطلاعیه های مشترک و جداگانه ای مرجعیت ایشان را در سطح گسترده ای مطرح کردیم. در این حرکت تاریخی حدود بیست نفر از مدرسین انقلابی حوزه که از شاگردان امام خمینی بودند، تلاش کردند.

از سویی دیگر در حرکتی هوشیارانه و در اولین فرصت، آیت الله اراکی طی تلگرافی خطاب به آیت الله خامنه ای، ضمن تسلیت به مناسبت رحلت

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۲۲۴ و ۲۲۵.

حضرت امام خمینی، انتخاب شایسته ایشان به رهبری انقلاب اسلامی را تبریک گفت که این اقدام در آن شرایط حساس کارساز گردید، به گونه ای که سبب گردید حضرات آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی، میرزا هاشم آملی و... نیز تلگراف مشابیه خطاب به مقام معظم رهبری ارسال نمایند.

مرحوم اراکی در اقدامی دیگر اجازات کتبی و شفاهی حضرت امام را که خطاب به افراد و اشخاص مختلف در استان ها و شهرستان ها صادر شده بود، تنفیذ فرمود. بعد با هماهنگی هایی که صورت گرفت، اصحاب و اعضای بیت امام در بیت آیت الله اراکی مستقر شدند و تصدی امور بیت ایشان را بر عهده گرفتند و بدین ترتیب در مدت کوتاهی مرجعیت آیت الله اراکی در سراسر ایران و حتی خارج از کشور فراگیر شد. البته این خواست خداوند متعال بود که ایشان در آخر عمر شریف از انزوای چندین ساله بیرون بیایند و در سخت ترین شرایط نقش تاریخی خود را به بهترین وجه ایفا نمایند.^(۱)

«هنگامی که ایشان به عنوان یکی از مراجع جهان تشیع مطرح شدند، چون جهات لازم در وجودش جمع بود، با استقبال حوزه ها، علما و مؤمنان روبه رو شد و از این تاریخ مرجعیت رسمی ایشان آغاز شد و پس از رحلت آیت الله خویی و آیت الله گلپایگانی گسترش بیشتری یافت، به طوری که می توان گفت مرجعیت عامه و تامه پیدا کردند.»^(۲)

این در حالی صورت گرفت که ایشان در مواقع متعدد، از پذیرش این مقام دوری می کرد. چنان که گفته اند پس از درگذشت آیت الله بروجردی، وقتی فوج طلاب و مردمان علاقه مند به منزل او مراجعه کردند و با اصرار درخواست می کنند ایشان مرجعیت عامه را بپذیرند، استنکاف کرد و با قاطعیت گفت: من تکلیف خودم را بهتر می دانم؛ اما این بار صلاح انقلاب و مصلحت نظام اسلامی را در نظر گرفت و قبول کرد.^(۳)

۱- خاطرات آیت الله شیخ مرتضی بنی فضل، صص ۲۶۹ - ۲۷۱.

۲- ابوالفضل شکوری، فرهنگ رجال و مشاهیر تاریخ معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳- روزنامه ابرار، دوره دوم، ۲۳ خرداد ۱۳۶۱، ش ۱۷۳، ص ۷.

تلاش گروهی از مجتهدان خبره و باتقوا که به مسائل حوزه و جامعه اسلامی توجه داشتند و به اتفاق آرا و با دوران‌دیشی، این اُسوه زهد و پارسایی و یادگار سلف صالح، یعنی حضرت آیت الله اراکی را مجتهدی جامع شرایط به جامعه معرفی کردند، ستودنی است؛ چرا که در آن موقعیت حساس، مکر دشمنان را خنثی کردند. دشمنان و افراد خناس و اهل نفاق از هر سو چشم دوخته بودند و طمع‌ها داشتند که این حرکت حساب شده در جهت تقویت نظام بسیار اثرگذار بود. (۱)

هنگامی که ایشان از سوی استادان و مدرسان حوزه علمیه قم، مرجع تقلید معرفی شد، سیل تقاضای رساله و نیز استفتائات و سؤالات شرعی به سوی بیت آن فقیه زاهد روانه گردید. در این حال، فرزند فاضل و مجتهد ایشان با آگاهی ای که از مبانی و آرای مرحوم والدش داشت، با همکاری بسیار مؤثر آیت الله خرازی، به کار تصحیح، تنظیم و تکمیل رساله های متعدد آیت الله اراکی و تطبیق آنها با فتاوی آیت الله اراکی که در حاشیه عروه الوثقی منعکس بود و نیز سؤال از پدرشان پرداخت و به فضل الهی موفق شد در این دوران پاسخ گوی مسائل شرعی مقلدان باشد. رساله های عملیه ایشان که به زبان های فارسی و عربی نگاشته شده بود، به چاپ رسید و در اختیار مردم قرار گرفت. آیت الله اراکی با وجود کهولت، ضعف و نقاهت، موفق شد وظایف مرجعیت را به خوبی انجام دهد و پاسخ گوی مسائل شرعی باشد و درباره مسائل تازه اظهارنظر کند؛ زیرا حدود هفتاد سال با کتاب های روایی و فقهی و بحث و تدریس سر و کار داشت و این دوران طولانی برای ایشان

۱- «تقلید مقلدین پس از رحلت امام خمینی»، محمدحسین رحیمیان، مجله پاسدار اسلام، تیر سال ۱۳۶۸، ش ۹۱، ص ۴۵.

چنان تسلط، به خصوص بر قواعد، اصول و کلیات ایجاد کرده بود که در واقع مباحث فقهی را ملکه ذهن ایشان ساخته بود. دوران چند ساله مرجعیت آیت الله سید محمدتقی خوانساری، اثر مراجعات و سؤالات شرعی روزمره مردم به آن بیت و پاسخ گویی کتبی و شفاهی آیت الله اراکی، احاطه این مرد خدا را تقویت کرد. (۱)

نگاشته های گران سنگ

نگاشته های گران سنگ

آیت الله اراکی آثار بسیاری در فقه و اصول و دیگر مباحث اسلامی دارد که برخی چاپ شده و شماری به صورت خطی است. بیشتر نوشته های ایشان بدون نقطه تحریر شده و حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین واعظی (متولد ۱۳۱۶ خورشیدی) که با تألیفات آیت الله اراکی مأنوس بود، آن را برای چاپ و نشر مهیا می کرد. (۲) فهرست این آثار به شرح ذیل است:

۱. کتاب بیع در دو مجلد در زمان مرجعیت آیت الله بروجردی طالب فراوانی داشت. آقای کتابچی صاحب کتاب فروشی علمیه اسلامیة شخصاً به قم آمد و در ملاقاتی که با ایشان داشت، از آن مرحوم خواست که اجازه دهد کتاب بیع را چاپ کند، ولی ایشان خودداری کرد؛ در حالی که با چاپ این کتاب، عنوان، شهرت و حق التألیف نیز به آن مرحوم اختصاص می یافت. حتی در نجف اشرف، امام خمینی به ایشان تأکید کرد که این گونه آثار را چاپ کنید و آیت الله اراکی پاسخ داد فرصت نکرده ام بازنگری کنم، و به فرزندشان، آیت الله مصلحی که همراهشان بود، اشاره کرد و گفت: با ایشان

۱- مردان علم در میدان عمل، ج ۵، صص ۱۴۰ _ ۱۴۲؛ یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۲۲۷.

۲- مصاحبه با آیت الله مصلحی، روزنامه کیهان، ۱۰/۹/۱۳۷۴، ص ۱۱.

است و ما در زمان حیات خود کاری به این امور نداریم. بعد که ایشان به ایران بازگشت، امام پیکی به محضرشان فرستاد که آثار خود را منتشر کنید.

کتاب بیع در دو جلد که حدود هزار صفحه است، به سال ۱۴۱۵ ه. ق به همت مؤسسه انتشارات در راه حق، چاپ شد. در ضمن، بحث نقد و نسیه و احکام قبض که جای اصلی آن بعد از بحث خیار است، ضمیمه جلد دوم کتاب بیع چاپ شده است.

۲. الخیارات به زبان عربی که در سال ۱۳۴۵ ه. ق مؤلف از آن فراغت یافته است. این اثر در سال ۱۴۱۴ ه. ق و در ۶۱۹ صفحه در انتشارات در راه حق چاپ شد.

۳. کتاب الطهاره (عربی)، شرحی بر عروها لوثقی است که در زمان حیات مؤلف آن، یعنی مرحوم سید محمد کاظم یزدی و به سال ۱۳۳۸ ه. ق نوشته شده است. احتمال می رود این نوشتار اولین شرح بر عروها لوثقی باشد. جلد اول کتاب حاضر را مؤسسه در راه حق قم به سال ۱۴۱۵ ه. ق در ۷۱۲ صفحه و با قطع وزیری به چاپ کرده است. در مجلد اول، این مباحث دیده می شود: اقسام آب ها، نجاسات دوازده گانه، احکام نجس و متجنس. جلد دوم کتاب طهارت، حاوی بحث دماء ثلاثه است مؤسسه انتشارات در راه حق به سال ۱۴۱۵ ه. ق که در ۱۸۵ صفحه وزیری، چاپ کرده است.

۳. حاشیه بر کتاب عروها لوثقی: این اثر محصول مباحثه های علمی و فقهی آیت الله اراکی با مرحوم سید محمد تقی خوانساری است که در زمان مرجعیت مرحوم خوانساری، به نام وی و در دوران اخیر مرجعیت آیت الله اراکی به نام ایشان چاپ شده است.

۴. رساله فی الدماء الثلاثه و احکام الاموات و التیمم: این رساله در واقع تقریرهای بحث آیت الله خوانساری است که در نیمه اول سال ۱۳۶۶ ه. ق

تألیف شده است. این مطالب به انضمام بحث احکام اموات و تیمم که این دو بحث هم احتمالاً از تقریرات سید محمدتقی خوانساری است، در ۳۰۸ صفحه ضمیمه جلد دوم کتاب طهارت، چاپ شده است.

۵. رساله فی الاجتهاد و التقليد به زبان عربی است که آیت الله اراکی در چهارم رجب الحرام سال ۱۳۴۲ ه. ق از تألیف آن فراغت یافته است. این اثر در ۸۵ صفحه ضمیمه جلد دوم کتاب بیع چاپ شده است.

۶. رساله فی الارث (به زبان عربی) به نظر می رسد این رساله تقریر بحث های آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در حوزه علمیه شهر اراک باشد. نوشتار حاضر را مؤسسه در راه حق در ۲۴۵ صفحه و به سال ۱۴۱۳ ه. ق چاپ کرد. این رساله دارای یک مقدمه در بیان مصارف اموال میت (شش مورد) و شش فصل است که به ترتیب در آنها این مطالب بحث شده است: مقتضی ارث و موانع آن، عول و تعصیب، حجب الاخوه، حرمان زوجه از بخشی از میراث، حکم عقد غیر دائم از حیث ارث، میراث خنثی.

۷. رساله فی نفقه الزوجه (به زبان عربی) مؤسسه در راه حق این اثر را در پنجاه صفحه و به سال ۱۴۱۳ ه. ق، ضمیمه رساله ارث چاپ کرده است.

۸. تعلیقه علی دُرر الفوائد (به زبان عربی) در زمان حیات حاج شیخ عبدالکریم حائری نوشته شده است. این اثر را دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در سال ۱۴۰۸ چاپ کرده است.

۹. رساله فی الاجتهاد و التقليد (به زبان عربی) تقریرهای درس استادش، مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری است که آیت الله اراکی در پنجم ماه جمادی الثانی سال ۱۳۵۷ ه. ق از آن فراغت یافته است. این رساله در سی صفحه، ضمیمه تعلیقه علی دُرر الفوائد چاپ شده است.

۱۰. اصول فقه تقریر بحث آیت الله شیخ محمد سلطان العلاماست که حجمی به اندازه کتاب معالم الاصول دارد و هنوز چاپ نشده است.

۱۱. کتاب النکاح، تقریر درس استادش، مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری است و هنوز به صورت خطی نگاهداری می شود. دست نوشته کتاب در ۳۵۸ صفحه وزیری است که در روز شنبه دهم شعبان المعظم سال ۱۳۴۸ ه.ق از آن فراغت یافته است.

۱۲. دوره اصول فقه (به زبان عربی) به ترتیب کتاب دُرر الاصول مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری و با نظر به آن. این کتاب که در واقع تقریرات درس مرحوم حائری است، در دو جلد، در قم، در مؤسسه در راه حق به چاپ رسیده است. جلد اول و دوم، شامل ۱۲۰۰ صفحه است. در جلد اول، مباحث الفاظ، قطع و ظن آمده و جلد دوم، حاوی مباحث اصول فقه است، آیت الله اراکی بر جلد دوم این اثر تعلیقاتی نگاشته که به انضمام جلد دوم چاپ شده است.

۱۳. یک دوره اصول فقه به زبان عربی و در دو جلد، با قطع خشتی منتشر، و به خط آیت الله اراکی، که به ترتیب کتاب کفایه الاصول و با نظر به آن نگاشته شده است.

۱۴. المكاسب المحرمه (به زبان عربی): این کتاب را آیت الله اراکی در ایامی که به درس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری می رفت، به نگارش درآورد. زمان تألیف آن سال ۱۳۵۵ ه.ق است. از ویژگی های این کتاب آن است که در هر بحثی، ابتدا روایات مورد نظر را نقل و شماره گذاری و در طول بحث به آنها اشاره کرده است. ربا در قرض، ربا در معاملات، رشوه، یاری رسانیدن به ستمگر، تصویر ذوات ارواح، سحر و جادو، غنا، غیبت و... از مباحث مهم این اثر است. اثر حاضر را مؤسسه انتشارات در راه حق قم در ۲۶۵ صفحه و به سال ۱۴۱۳ ه.ق در قطع وزیری چاپ کرد.

۱۵. رساله فی الخمس (عربی) نیز در سال ۱۳۵۵ ه. ق تألیف و در سال ۱۴۱۳ ه. ق، ضمیمه مکاسبه محرّمه، در مؤسسه در راه حق چاپ شده است. رساله یادشده چهار موضوع را دربر گرفته است: خمس در ارباح به عین تعلق می گیرد یا به ذمه، حکم مالی که از غیر معتقد به خمس به انسان انتقال می یابد، موضوع خمس در ارباح، مباحثی درباره مؤنه در چهار محور.

۱۶. کتاب الصلوه: این کتاب در ۴۵۳ صفحه وزیری و به خط آیت الله اراکی در دو مجلد صحافی شده است. مباحث آن در واقع تقریرات درس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری است. این نوشتار از آغاز صلوه تا بحث حکم الاجزاء النسبیه را دربر می گیرد و چون کتاب صلاه مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به قلم خود ایشان در یک مجلد و نیز تقریرات درس صلوه آن مؤسس حوزه به قلم شاگرد دیگرش مرحوم حاج میرزا محمود آشتیانی در سه مجلد، چاپ شده است، این کتاب تاکنون منتشر نشده است.

۱۷. رساله ای در نماز جمعه

۱۸. یادداشت هایی در مباحث کلامی، اعتقادی و تاریخی که برخی از آنها را آیت الله رضا استادی در کتاب یادنامه آیت الله اراکی درج کرده است.

۱۹. رساله فی اثبات ولایه مولانا امیرالمؤمنین که در ضمیمه تفسیر القرآن و العقل چاپ شده است.

۲۰. رساله ای در علل عقب ماندگی انسان ها: در این رساله مختصر، ولی پرمحتوا، مرحوم آیت الله اراکی این نکته را بررسی کرده که چرا انسان با وجود استعدادهای سرشار و کرامت های ویژه و فطرت سالم، در حالت جهل و گمراهی باقی می ماند و ترقی معنوی و ایمانی به وی دست نمی دهد. این مسئله در چهار محور بررسی شده است.

۲۱. رساله ای در ولایت تکوینی چهارده معصوم علیهم السلام: آیت الله اراکی در این رساله ضمن اشاره بر دلیل اعتقاد بر ولایت تکوینی معصومین (ائم هدی)، به برخی شبهه ها که فرقه هایی چون وهابیان مطرح کرده اند، و نیز برخی اشکال ها و توهم ها که در این باره بر برخی افراد مطرح شده، با دلیل های استوار جواب داده شده است.

۲۲. رساله در رفع اشکال اعاده معدوم، این رساله که ضمیمه تفسیر القرآن و العقل چاپ شده، دارای مطالبی کلامی است که بر اساس دلایل عقلی و نقلی تبیین شده اند.

۲۳. رساله در حقانیت مذهب تشیع، شامل مطالبی درباره ائمه هدی، اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیروی امت مسلمان از آنان و نیز مباحثی درباره مهدویت است.

۲۴. کلمه حول تفسیر القرآن و العقل و مؤلفه که در آغاز این تفسیر درج شده است. یادآور می شود این اثر با اهتمام سید علی صالحی اراکی و مقابله، تصحیح و تهذیب و تعلیق های حجج اسلام سید حسین موسوی کرمانی و شیخ علی پناه اشتهاردی چاپ شده است.

۲۵. شرح حال آیت الله حاج سید محمدتقی خوانساری که به سفارش حاج میرزا علی واعظ خیابانی به نگارش درآمد و در کتاب علمای معاصر به قلم این عالم مورخ چاپ شد.

۲۶. استفتائات (فارسی) در ۲۶۴ صفحه وزیری به سال ۱۳۷۳ در قم چاپ شده است.

۲۷. توضیح المسائل: رساله عملیه امام خمینی است که با فتاوی آیت الله اراکی تطبیق، و بارها چاپ شده است.

۲۸. المسائل الواضحه، ترجمه رساله توضیح المسائل به زبان عربی است که در دو مجلد (جلد اول ۳۶۲ صفحه، جلد دوم ۱۹۴ صفحه وزیری) در قم به سال ۱۴۱۴ ه. ق انتشار یافته است.

۲۹. مناسک حج به زبان فارسی و عربی که بارها منتشر شده است.

۳۰. احکام جوانان (به زبان فارسی) که چندین بار به چاپ رسیده است.

۳۱. زبده الاحکام (به زبان عربی). (۱)

جنبه های ذوقی و ادبی

جنبه های ذوقی و ادبی

در میان نیاکان آیت الله اراکی شخصیت هایی بوده اند که از نظر ادبی، توانایی های ذوقی خویش را بروز داده اند. جدش در شعرهایی که می سرود، تخلص مصلحی را برای خود برگزید. یکی از عموزادگان ایشان در سروده های خود، تخلص صهبا را انتخاب کرد. پدرش، مرحوم میرزا احمد فراهانی هم با شعر مأنوس بوده است. آیت الله اراکی نیز علاقه ویژه ای به اشعار آموزنده و حاوی نکته های اخلاقی و پند و اندرز داشته است. او در مواقعی از اطرافیان و خویشاوندان خود می خواست اشعاری از ادیبان و عارفان مشهور ایران را برای وی بخوانند. خود آن مرحوم اشعار بسیاری را زمزمه می کرد که معمولاً آدمی را از خواب غفلت بیدار و به مسائل معنوی و روحانی علاقه مند می کرد، مثل این سروده ها:

خوردن ز بهر زیستن و ذکر گفتن است ج

تو معتقد که زیستن از بهر خوردن است

۱- این کتاب شناسی با توجه به منابع ذیل تنظیم گردیده است: یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۱۶۴-۱۷۴؛ پیام حوزه، سال اول، ش ۲، تابستان ۱۳۷۳، ص ۴۶؛ مجله آینه پژوهش، آذر و دی ۱۳۷۳، ش ۲۸، ص ۱۱۴؛ مجله بصائر، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۴۶؛ ماهنامه مسجد، ش ۱۷، ص ۹۶؛ عبدالحسین جواهر کلام، تربت پاکان قم، ج ۳، صص ۳۹۶ و ۳۹۷.

ای مصحف آیات الهی رؤیت

وی سلسله اهل ولایت مویت

سرچشمه زندگی لبِ دل جویت

محراب نماز عارفان ابرویت

عمر برف است و آفتاب تموز

اندکی مانده خواجه غزه هنوز

خواب نوشین بامداد رحیل

باز دارد پیاده را ز سیل

من که آخر ببایدم بردن

رخت از این کاروان سرای دو در

به نیالوده کام بگذارم

این سرای غرور را یکسر

چون خدای خواهد که غفاری کند

میل بنده جانب زاری کند

خلق را با تو بد و بدخو کند

تا تو را ناچار رو آن سو کند

علمی بطلب که تو را فانی

سازد ز علایق جسمانی

علمی که مجادله را سبب است

نورش ز چراغ دیو لهب است

گرگ اجل یکایک از این گله می برد

این گله را نگر که چه آسوده می چرد

رفیقانم برفتند از چپ و راست

تدارک بین که فردا نوبت ماست

از خود آیت الله اراکی هم سروده هایی در مدح و منقبت خاندان عصمت و طهارت به زبان فارسی و عربی در دست است.

یکی از آنها سروده ای درباره حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است:

منبع صدق و صفا برج عفت و عصمت ج

فاطمه معصومه کوست اصل جمله مکارم

بحر عطا و سخا سماء فضل و فتوت
مرقد پاکش بود مطاف عُرب و اعاجم
مخزن علمِ حق، کنز معارف یزدان
شمس و قمر مرو را چه نو کردند و خادم
در بر قدرش پس است قدر سعه افلاک
مات مقامات او عقول سبع عوالم
اخت امام عمه امام بنت ائمه
نور حق از قبه مُنیر او متراکم
هر که تواند زند به دامن او چنگ
رسته ز ابجار هم و محنت متلاطم... (۱)

شاگردان

شاگردان

۱. آیت الله سید مهدی کشفی (۱۳۱۶ _ ۱۴۰۰ ه.ق): وی پس از تحصیل علوم جدید نزد ادیب تهرانی و آقا شیخ علی رشتی، به فراگیری علوم ادبی عربی پرداخت. در سال ۱۳۴۱ ه.ق به قم رفت و در خدمت حاج شیخ فاضل، حاج شیخ عبدالکریم حائری، سید محمدتقی خوانساری، میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی و میرزا علی اکبر حکمی یزدی، معقول و منقول را فرا گرفت. (۲)

در زمانی که آیت الله اراکی به تدریس سطح حوزه مشغول بود، وی محضر ایشان را درک کرد. آیت الله اراکی یادآور شده است:

آقا سید مهدی کشفی، فرزند سید ریحان الله و نوه آقا سید جعفر کشفی که در کوچه ما (در قم) منزل داشت، با دایی یا دایی زاده آیت الله طالقانی به نام

آقا سید محی الدین، نزد بنده مکاسب می خواندند. این آقا سید مهدی، در این اواخر از شاگردان ویژه آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی گردید و به درس او علاقه مند بود و به او اخلاص و ارادت زیاد داشت. (۱)

آیت الله یعسوبی به نقل از آیت الله اراکی گفته است: «آقا سید مهدی کشفی به قدری مورد عنایت حاج شیخ عبدالکریم حائری بود که تا او نمی آمد، درس را شروع نمی کرد». (۲)

آیت الله سید حسین بدلا درباره ایشان گفته است:

بخشی از فقه را نزد آقا سید مهدی کشفی خواندم. آن مرحوم دارای صفات حمیده و ملکات پسندیده بود. در مقامات علمی هم پیشرفت هایی کرد. در تهران جلسات تبلیغی خوبی داشت و جوانان بسیاری را تحت پوشش فعالیت های ارشادی خود قرار داد. به همین دلیل وقتی به قم آمد، درس ایشان مورد توجه قرار گرفت و شاگردانشان در یکی از بقعه های صحن مطهر حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از محضرش استفاده می کردند. (۳)

سید علیرضا ریحان یزدی می نویسد: «در فقه، اصول و علوم ریاضی تدریس می کنند و در علوم غریبه از قبیل نقطه و حروف و اعداد و فلکیات از شاگردان مرحوم میرزا جهان بخش اند». (۴)

۲. آیت الله حاج شیخ عبدالجواد عاملی سدهی (متولد ۱۳۲۳): ایشان مقدمات و مقداری از سطوح فقه و اصول، مباحث کلامی و حکمت و فلسفه را در اصفهان از محضر استادانی چون جلال الدین همایی، میرزا احمد مدرس، شیخ علی یزدی، سید علی نجف آبادی، میر سید محمد نجف آبادی، شیخ محمدرضا جرقویه ای، حاج سید مهدی دُرچه ای، شیخ محمود مفید، شیخ محمد خراسانی،

۱- آینه داران حقیقت، صص ۸۳ و ۸۴؛ طیب دل ها، ص ۲۰۵.

۲- محمدجواد نورمحمدی، ناگفته های عارفان، ج ۱، ص ۵۲.

۳- هفتاد سال خاطره از آیت الله سید حسین بدلا، ص ۶۷.

۴- سیدعلی رضا، ریحان یزدی، آینه دانشوران، ص ۲۱۳.

میرزا علی آقا شیرازی، حاج آقا رحیم ارباب و حاج شیخ محمد رهنانی فرا گرفت. وقتی به قم مهاجرت کرد، به درس حاج شیخ عبدالکریم حائری و سید محمدتقی خوانساری و سپس حاج آقا سید حسین بروجردی رفت و از وجود این بزرگان بهره برد. همچنین او از مهم ترین شاگردان آیت الله اراکی در مقطع سطح عالی است. وی چند سال در عصر مرجعیت آیت الله بروجردی برای تدریس به کرمانشاه رفت و وقتی به قم بازگشت، ضمن اینکه خود از مدرسان و علمای نامدار حوزه این شهر بود، از درس خارج آیت الله اراکی بهره برد. علامه سید محمدحسین حسینی تهرانی، امام موسی صدر، آیت الله محمدرضا مهدوی کنی، سید مصطفی خمینی، آیت الله محمدی گیلانی از مهم ترین شاگردان وی هستند. (۱) ایشان در ۲۲ اسفند ۱۳۶۷ درگذشت.

۳. آیت الله حاج سید عبدالوهاب بتولی رشتی (متولد ۱۳۳۴ ه. ق): ایشان پس از فرا گرفتن مقدمات و بخش هایی از سطوح در زادگاهش رشت، به قم مهاجرت کرد و سطوح نهایی را نزد آیت الله اراکی و دیگران خواند. آنگاه از درس آیات عظام حاج سید محمدتقی خوانساری، سید محمد حجت کوه کمره ای و حاج آقا سید حسین بروجردی بهره مند شد. او بعدها در درس خارج آیت الله اراکی نیز حضور یافت. وی در سال ۱۳۷۰ ه. ق به تهران رفت و در آنجا به تلاش های علمی، آموزشی و ارشادی روی آورد. (۲)

۴. آیت الله حاج میرزا احمد زیارتی (۱۲۸۲-۱۳۵۹ خورشیدی): پدر حجت الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی زیارتی است. ایشان درس های ابتدایی و مقدماتی را نزد والدش مرحوم سید محمدصادق زیارتی سمنانی و

۱- مصاحبه با استاد حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی، مجله حوزه، تیرماه ۱۳۶۵، ش ۱۵، صص ۲۱-۲۳.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۱۷۸ و ۱۷۹.

نیز در محضر پدر همسرش خواند و به قم رفت و از محضر حاج شیخ عبدالکریم حائری، سید محمدتقی خوانساری و شیخ محمدعلی اراکی استفاده کرد تا آنکه به درجه علمی اجتهاد رسید. آنگاه به تهران رفت و در مدرسه خان مروی به تدریس روی آورد. به سال ۱۳۶۶ ه. ق. / ۱۳۲۶ خورشیدی به سنگسر (مهدی شهر) از توابع استان سمنان بازگشت و به فعالیت های تبلیغی و مبارزه با فرقه ضاله بهائیت پرداخت. او در سال ۱۴۰۰ ه. ق. / ۱۳۵۹ خورشیدی در ۷۸ سالگی رحلت کرد. (۱)

۵. آیت الله حاج سید محی الدین طالقانی: وی پس از خواندن مقدمات در دوره نوجوانی (شانزده سالگی) به تهران آمد و سطوح را نزد میرزا محمدطاهر تنکابنی و حاج سید ابوالحسن طالقانی (پدر آیت الله سید محمود طالقانی) خواند و در سال ۱۳۴۲ ه. ق. به قم رفت و از درس آیات محترم حاج شیخ عبدالکریم حائری، سید محمدتقی خوانساری و شیخ محمدعلی اراکی، تا سال ۱۳۵۱ ه. ق. بهره مند شد. در همین سال بنا به تأکیدهای مؤسس حوزه، مرحوم آیت الله حائری به تهران رفت و تا پایان عمر در این شهر به انجام وظایف دینی و علمی پرداخت. آثار الاعمال، آثار المعاصی و شرح دعای ندبه جزو آثار اوست. (۲)

۶. آیت الله سید محسن خرازی (متولد ۱۳۱۶ خورشیدی در تهران): وی تحت تربیت و آموزش آقا شیخ محمدحسین زاهد قرار گرفت و با درگذشت او به حوزه درسی آیت الله احمد مجتهدی پای نهاد. از سال ۱۳۳۵ خورشیدی به قم رفت و دوره سطح را نزد آیات گرامی ستوده، اعتمادی، شیخ محمد

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۱۷۸.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۱۷۷.

شاه آبادی، میرزا علی مشکینی و سلطانی طباطبایی فرا گرفت. در حکمت و کلام نیز نزد آیت الله شیخ محمد شاه آبادی شاگردی کرد. از سال ۱۳۴۱ خورشیدی به بعد، در درس خارج آیات عظام محقق داماد، گلپایگانی و فرید اراکی حضور یافت. در درس خارج آیت الله اراکی تا پایان عمر ایشان حضور داشت و حدود سی سال با این استاد مأنوس بود. از مهم ترین تلاش های فرهنگی و ارشادی او تأسیس مؤسسه در راه حق است. وی در سال ۱۳۵۹ به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد. در دوره های دوم، سوم و چهارم، نماینده مردم استان تهران در مجلس خبرگان رهبری بود. آیت الله خرازی از زمان تحصیل علوم حوزوی به تدریس مشغول بود. هم اکنون نیز مشغول تدریس فقه و اصول، کلام و تفسیر در حوزه است. از ایشان آثار بسیاری در مباحث کلامی، فقهی، تفسیری، اخلاق، حکمت و نیز حواشی متعددی بر آثار فقهی و اصول علمای متقدم و معاصرش، در اختیار است. (۱)

۷. آیت الله حاج آقا محمد شاه آبادی (متولد ۱۳۳۹ ه. ق) فرزند آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی است که مقدمات، ادبیات و سطوح را نزد والد بزرگوارش و علمای تهران آموخت و در درس خارج معقول و منقول پدر شرکت کرد. پس از درگذشت مرحوم شاه آبادی، چندی به جای او مسجد و محراب و حوزه درسی را اداره کرد، سپس به قم هجرت کرد و سال های متمادی از درس آیت الله اراکی بهره برد، سپس خود حوزه درسی تشکیل داد. ایشان افزون بر احاطه عالی بر مباحث فقه و اصول، در حکمت و عرفان نیز توانایی علمی فوق العاده ای دارد و به تازگی، برخی آثارش در این زمینه چاپ شده است. ایشان جزو دوازده مجتهدی بود که در تأیید مرجعیت امام خمینی

۱- خاطرات آیت الله حاج شیخ رضا استادی، تدوین: عبدالرحیم اباذری، ص ۳۱؛ یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۱۸۱ - ۱۹۱.

نامه ای نوشتند و امضا کردند و در این راه سختی ها و گرفتاری های بسیاری متحمل شد. آقا محمد شاه آبادی با رژیم پهلوی دوم به مبارزه پرداخت و حقایقی را درباره جنایت رضاخان و فرزندش محمدرضا پهلوی افشا کرد. (۱)

۸. آیت الله حاج شیخ محمدتقی ستوده (متولد ۱۳۴۰ ه. ق در شهر اراک) ایشان مقدمات و سطوح اولیه را در اراک خواند، سپس به قم هجرت کرد و در حوزه این شهر سطوح عالی را فرا گرفت. آنگاه در درس خارج آیات عظام حاج آقا حسین بروجردی، سید احمد خوانساری، سید محمدرضا گلپایگانی، سید محمد محقق داماد و حاج شیخ محمدعلی اراکی حضور یافت و از محضر این استادان بلندپایه بهره برد. خود نیز حوزه درسی تشکیل داد و حدود چهل سال به تدریس شرح لمعه، رسایل، مکاسب و کفایه الاصول پرداخت. صدها نفر از طلاب و فضیلابی حوزه نیز از درس او بهره گرفتند. (۲)

۹. آیت الله حاج شیخ محسن حرم پناهی (متولد ۱۳۳۷ ه. ق): ایشان پس از تکمیل مقدمات و سطح، از محضر آیات محترم سید محمدتقی خوانساری، سید محمد حجت کوه کمره ای، حاج آقا حسین بروجردی، سید محمدرضا گلپایگانی و شیخ محمدعلی اراکی استفاده کرد. در درس تفسیر و فلسفه علامه طباطبایی نیز حاضر شد و مبانی علمی خویش را استوار کرد هم زمان به تألیف و تدریس روی آورد و در مبارزات مردم ایران علیه رژیم ستمگر پهلوی پیشتاز بود. راه اندازی انجمن امر به معروف و صندوق قرض الحسنه، اعزام مبلغ به نواحی محروم، دستگیری از درماندگان و نیازمندان و سامان دهی جوانان برای گفت و گو با پیروان فرق و مذاهب، از تلاش های

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۱۸۶؛ خاطرات آیت الله حاج شیخ رضا استادی، صص ۹۹ و ۱۰۰.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۱۸۶.

اجتماعی، فرهنگی اوست. وی در رجب ۱۴۲۳ ه. ق درگذشت و پیکر پاکش در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دفن شد. (۱)

۱۰. آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی (متولد ۱۳۳۹ ه. ق): آن فقید سعید، مقدمات و مقصداری از قوانین و شرح لمعه را نزد روحانی محل خود، مرحوم حاج شیخ یحیی تقوی فراگرفت و در ۱۳۶۰ ه. ق / ۱۳۲۰ خورشیدی به قم آمد و سطوح را نزد حضرات آیات مرعشی نجفی، شیخ مرتضی حائری، عبدالرزاق قاینی و سید صادق شریعتمداری آموخت. در سطوح عالیه نیز محضر سید احمد زنجانی، شیخ محمدعلی حایری کرمانی و گلپایگانی را درک کرد و در حکمت و کلام، تفسیر و عرفان، شاگرد سید احمد خوانساری، علامه طباطبایی و امام خمینی بود. خارج فقه و اصول را از محضر آیت الله بروجردی، شیخ محمدعلی اراکی و سید محمدرضا گلپایگانی فراگرفت و از ایام تحصیل، به تدریس و تألیف روی آورد. وی از اعضای گروه تدوین کتاب جامع احادیث الشیعیه بود و بسیاری از تقریرات استادان خود را نگاشت و شرح و تعلیقاتی بر عروه الوثقی و وسیله النجاه دارد. ایشان پس از درگذشت آیت الله اراکی امام جماعت مدرسه فیضیه را عهده دار بود. سرانجام در سه شنبه ۱۸ تیر ۱۳۸۷ درگذشت و در قم دفن شد. (۲)

۱۱_ آیت الله شیخ رضا استادی (متولد ۱۳۱۶ خورشیدی): ایشان تا دوازده سالگی، دوره شش ساله ابتدایی را خواند و تا شانزده سالگی سرگرم کسب و کار بود. آنگاه به تحصیل علوم دینی اقیال نشان داد، در حوزه تهران از محضر آیات محترم شیخ عبدالکریم حق شناس، حاج شیخ احمد مجتهدی، شیخ هادی مقدس، میرزا عبدالعلی تهرانی و مرحوم حاج ملامحمدجعفر بهره برد، سپس به

۱- گنجینه دانشمندان، ج ۲، صص ۱۳۴ و ۱۳۵؛ اختران فضیلت، صص ۲۸۹ و ۲۹۰.

۲- اختران فضیلت، صص ۸۸ و ۸۹.

قم رفت. حدود هفت سال درس‌های سطح را در محضر عالمانی چون شیخ محمد شاه آبادی، شیخ نوری، محمدتقی ستوده، ناصر مکارم شیرازی، حاج سید محمدباقر سلطانی بروجردی طباطبایی، عبدالله جوادی آملی، جعفر سبحانی و ابوالقاسم خزعلی آموخت. در درس خارج فقه و اصول از حوزه درسی آیات محترم سید حسن فرید اراکی، سید محمد محقق داماد، سید ابوالقاسم خویی، امام خمینی و شیخ محمدعلی اراکی بهره‌های فراوانی برد. ایشان اکنون به تدریس فقه، اصول، مباحث کلامی، تفسیری مشغول است و افزون بر تدریس، به تألیف، ترجمه، تصحیح و تحقیق پرداخته است. فهرست نگاری نسخه‌های خطی و تلاش در جهت برگزاری همایش‌های علمی و فرهنگی، سخنرانی‌های آموزنده و تبلیغ و منبر، از دیگر برنامه‌های آیت الله استادی است. وی این توفیق را داشت که افزون بر آنکه مدتی به درس خارج فقه و اصول آیت الله اراکی می‌رفت، با ایشان ارتباط و انسی ویژه داشت و به مناسبت‌های مختلف به خدمت این مرجع عالی قدر می‌رفت. (۱)

۱۲. آیت الله سید محمدباقر سلطانی طباطبایی (متولد ۱۳۳۲ ه. ق.): معظم له پس از فراگیری مقدمات و سطوح اولیه در زادگاهش بروجرد، به سال ۱۳۳۸ ه. ق، به حوزه علمیه قم آمد و دانش معقول و منقول را در مدت هفت سال، از محضر آیات عظام، سید صدرالدین صدر، سید محمدتقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، آقا شیخ محمدعلی حائری قمی، سید احمد خوانساری و میرزا محمدعلی شاه آبادی فرا گرفت. به سال ۱۳۵۵ ه. ق به نجف اشرف رفت و در حوزه این شهر، مدت دو سال نزد آیات بزرگوار سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی و شیخ محمدحسین اصفهانی بود، سپس در ۱۳۵۷ ه.

۱- خاطرات حاج شیخ رضا استادی، صص ۲۸ و ۲۹، ۴۵ _ ۶۰، ۱۰۴ و ۱۰۵؛ دانشنامه قرآن پژوهان ایران، به کوشش: سعید بهمنی، ج ۱، ص ۴۷.

ق. به بروجرد بازگشت. سال بعد به مشهد مقدس رضوی رفت و یک سال از بحث های فقهی، کلامی و تفسیری میرزا مهدی اصفهانی بهره بُرد. در سال ۱۳۵۹ ه. ق. به قم آمد و به تدریس رسایل، مکاسب و کفایه پرداخت. مجلس درس وی آکنده از فضلا و طلاب بود. همچنین در درس خارج فقه و اصول و جلسات استفتای آیت الله بروجردی شرکت کرد و مورد توجه آن مرجع عظیم الشأن قرار گرفت. آیت الله سلطانی طباطبایی از شاگردان برجسته آیت الله اراکی در خارج فقه و اصول است. تألیفاتی در مباحث منقول از وی به یادگار مانده است. ایشان که پدر همسر مرحوم، حاج سید احمد خمینی است، در اولین دوره مجلس خبرگان قانون اساسی و خبرگان رهبری به نمایندگی مردم استان لرستان برگزیده شد و بر مواد قانون اساسی نظارتی دقیق داشت. او همواره و در همه شرایط از نظام اسلامی، انقلاب و رهبر کبیر آن حمایت کرد. این مجتهد پرآوازه در ۳۱ خرداد ۱۳۷۶ به سرای باقی کوچ کرد و پیکرش در جوار مرقد امام خمینی در تهران، دفن شد. (۱)

۱۳. آیت الله علی کریمی جهرمی (متولد ۱۳۲۰ خورشیدی): ایشان پس از تحصیل نزد استادانی چون شیخ عباس علی شاهرودی، میرزا هاشم آملی، سید محمدرضا گلپایگانی و شیخ محمدعلی اراکی در مقطع سطح و خارج حوزه، به مقام اجتهاد دست یافت و سالها در مدرسه آیت الله گلپایگانی و مسجد رضوی، به تدریس تفسیر و برخی مباحث کلامی و فقهی پرداخت. نمونه هایی از تأثیر و نفوذ قرآن، سیمای عباد الرحمن در قرآن، القرآن و العتره، رازهای آسمانی، نظام اخلاقی اسلام، تجلی انسان در قرآن، بانوی ملکوت،

در مکتب امام حسین علیه السلام، سیمای پرهیزکاران، آیت الله مؤسس و ده ها اثر دیگر در زمره تألیفات ایشان است. (۱)

۱۴. آیت الله محمد یزدی (متولد ۱۳۱۰) وی پس از تحصیلات مقدماتی به فراگیری معارف دینی روی آورد و مقدمات را نزد پدر خود آموخت. در مدارس کاسه گران، ملا عبدالله، صدر و جده بزرگ اصفهان، محضر استادانی چون حجج اسلام ابطحی، محمدحسن عالم نجف آبادی، عباس علی ادیب را در ادبیات و مقداری از سطح درک کرد. هم زمان با ورود آیت الله بروجردی به قم، رهسپار این شهر شد و سطح عالی را نزد آیات محترم سید حسین بدلا، سلطانی طباطبایی، ابوالفضل زاهدی، شیخ مرتضی حائری و مرعشی نجفی به پایان رساند و سال های متمادی در درس خارج فقه و اصول آیات عظام بروجردی، محمدعلی اراکی، امام خمینی، گلپایگانی، میرزا هاشم آملی و عباس علی شاهرودی شرکت کرد و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از برخی استادان خود شد. همچنین از درس تفسیر و حکمت علامه طباطبایی، سید رضا صدر و مباحث اخلاقی آیت الله فرید اراکی بهره برد. از همان ایام تحصیل خود نیز به تدریس فقه، اصول، فلسفه و اخلاق پرداخت و آثاری چون تقریرات درس آیت الله بروجردی، امام خمینی و شیخ محمدعلی اراکی را نگاشت. کتاب هایی چون گمشده شما، حسین بن علی را بهتر بشناسیم، آیات الاحکام فی القرآن، مجمع الرسائل، تفسیر سوره حمد و... از تألیفات اوست. وی در نهضت امام خمینی و مبارزات مردم ایران علیه استبداد و استعمار، بسیار فعال بود و به سبب فعالیت های سیاسی علیه رژیم پهلوی، بارها دستگیر و

۱- به کوشش سعید بهمنی، دانش نامه قرآن پژوهان ایران، ج ۱، صص ۲۷۶ و ۲۷۷؛ و پژوهش های نگارنده.

زندانی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این مسئولیت ها را عهده دار بود: رئیس دادگاه انقلاب اسلامی قم، رئیس دفتر امام خمینی، نماینده مجلس شورای اسلامی از قم در دوره اول و از تهران در دوره دوم، نماینده مجلس بازنگاری قانون اساسی، عضویت در شورای نگهبان، نماینده مجلس خبرگان رهبری در دوره های دوم و سوم از تهران، رئیس قوه قضائیه بعد از رحلت امام در دو دوره، و امام جمعه موقت تهران. ایشان هم اکنون ریاست جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را بر عهده دارد. (۱)

۱۵. آیت الله سید مهدی یثربی (۱۳۸۵-۱۳۰۴ خورشیدی): وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال ۱۳۲۰ خورشیدی، به فراگیری ادبیات و مقدمات علوم دینی پرداخت و تا سال ۱۳۲۷ در حوزه ای که به دستور برادرش آیت الله میر سید علی یثربی در کاشان بنیان نهاده شده بود، فراگیری سطوح حوزه را پی گرفت. در این سال رهسپار حوزه علمیه قم شد و پس از تکمیل سطح عالی حوزه، به حوزه درس آیات محترم سید محمد محقق داماد، سید محمدرضا گلپایگانی، امام خمینی، بروجردی و اراکی راه یافت و از درس تفسیر علامه طباطبایی بهره برد و خود در این دوران به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۳۸ خورشیدی به کاشان بازگشت و سرپرستی حوزه و تصدی امور شرعی و ارشادی این منطقه را پذیرفت و برای سامان دهی وضع تبلیغ در کاشان و توابع، دفتر اعزام مبلغ را راه اندازی کرد. به موازات این تلاش ها، خدمات اجتماعی گسترده ای نیز انجام داد.

آیت الله یثربی در نهضت امام خمینی و مبارزه با رژیم استبدادی پهلوی و

۱- میرزا محمد کاظمینی و سید محمد کاظم مدرسی، دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۲، صص ۹۹۶ و ۹۹۷؛ گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۶۱۰؛ خبرگان ملت، دفتر دوم، صص ۶۵۴ - ۶۶۷.

نیز ستیز با جلوه های فرهنگ غربی و تبلیغات زهر آگین فرقه های منحرف، فعالیت های چشمگیری داشت. در زمان اوج گیری انقلاب اسلامی، منزل او، پناهگاهی برای بسیاری از شخصیت های مبارز، معروف و مورد تعقیب رژیم پهلوی بود. بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، در عرصه های گوناگون فرهنگی، ارشادی و اجتماعی فعال بود و به مبارزه با گروهک های ضدانقلاب پرداخت و در دفاع مقدس در جبهه ها حضور یافت. وی در سال ۱۳۵۸ خورشیدی بنا به حکم امام خمینی به سمت امام جمعه کاشان، و در اردیبهشت سال ۱۳۶۲، بر اساس فرمان امام، به سمت نمایندگی ولی فقیه در این منطقه منصوب شد. نمایندگی مجلس خبرگان رهبری در سه دوره پی در پی از استان اصفهان، از دیگر مسئولیت های اوست. وی سرانجام در هشتم مهر ۱۳۸۵ خورشیدی به سرای باقی کوچ کرد.^(۱)

۱۶. آیت الله صادق احسان بخش (۱۳۰۹-۱۳۸۰ خورشیدی): ایشان پس از سپری کردن آموزش های مکتب خانه و دوره ابتدایی در سال ۱۳۲۴ خورشیدی، وارد حوزه علمیه مهدویه رشت شد. مقدمات و بخشی از سطح متوسط را نزد استادانی چون علم الهدی، سید حسن بحر العلوم، کاظم صادقی، حسین همدانی و رفیع خورگانی فرا گرفت. آنگاه به قم رفت و ادامه سطح متوسط را نزد آیات محترم شهید صدوقی، محمد لاکانی و منتظری آموخت. در سطح عالی نزد آیات گران قدر مرعشی نجفی، سید محمدباقر سلطانی و مجاهد تبریزی شاگردی کرد و فلسفه، تفسیر و عرفان را از علامه طباطبایی، سید رضا صدر، فکور یزدی و علامه طباطبایی آموخت. استادان درس خارج فقه و اصول وی آیات عظام شیخ مهدی مازندرانی، سید حسین بروجردی، امام خمینی، محمدعلی اراکی و

۱- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۲، صص ۹۹۴ و ۹۹۵؛ اختران فضیلت، صص ۹۱۱ و ۹۱۲.

گلپایگانی بودند که از آنان اجازه‌هایی دریافت کرد. وقتی به درجه اجتهاد رسید، در حوزه علمیه قم و رشت به تدریس پرداخت. مهم‌ترین اثر این روحانی فاضل، کتاب آثار الصادقین است که در ۳۲ جلد تدوین شده است.

هنگام ورود آیت‌الله کاشانی به ایران، به فعالیت‌های سیاسی اقبال‌نشان داد و با فداییان اسلام همکاری داشت. در نهضت امام خمینی به دلیل افشاگری علیه رژیم پهلوی و مخالفت با برنامه‌های نظام طاغوتی، چندین بار دستگیر و روانه زندان شد. او در سال ۱۳۳۹ خورشیدی در شهر رشت اقامت گزید و سه سال بعد، به نمایندگی امام خمینی در استان گیلان، برگزیده شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شورای انقلاب و کمیته مرکزی رشت را تشکیل داد. در نهم بهمن ۱۳۵۹، نمایندگی ولی‌فقیه در گیلان و امام جمعه رشت را بر عهده گرفت. در ۲۱ فروردین ۱۳۶۱ در مسجد کاسه‌فروشان رشت، ترور شد و به درجه جانبازی نایل آمد. خدمات اجتماعی، عمرانی، رفاهی و فرهنگی وی در رشت و توابع، گسترده و ستودنی است. در دفاع مقدس بارها در جبهه‌ها حضور یافت و در عملیات‌های گوناگون شرکت می‌کرد. با درگذشت وی در ۱۳۸۰ خورشیدی حجت‌الاسلام والمسلمین زین‌العابدین قربانی، سمت امام جمعه رشت را بر عهده گرفت. (۱)

۱۷. آیت‌الله محمدحسن فقیه احمدی (۱۳۸۹-۱۳۲۹ خورشیدی): فرزند ملا احمد و متولد طرزجان از توابع تفت یزد است. او مقدمات را نزد پدر یاد گرفت و سطوح را در حوزه علمیه یزد و قم، نزد حضرات آیات آیت‌اللهی، علومی، شهید صدوقی و سید محمدباقر سلطانی طباطبایی به پایان رساند. بعد از آن در درس خارج فقه و اصول آیات عظام گلپایگانی، محمدعلی اراکی، سید علی بهبهانی، شیخ محمد فکور و حاج شیخ مرتضی حائری

حضور یافت. وی تفسیر، حدیث، حکمت هیئت، ریاضی و عرفان را در محضر علامه طباطبایی، رفیعی قزوینی، میرزا ابوالحسن شعرانی، حکیم الهی قمشه ای و علامه شهید مرتضی مطهری فرا گرفت. آنگاه به تألیف و تدریس در علوم معقول و منقول در حوزه و دانشگاه پرداخت. حواشی بر مناسک شیخ انصاری و مناسک امام خمینی، حاشیه بر سراج العباد شیخ انصاری و زبده الاحکام امام خمینی از جمله آثار اوست. او در نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، حضوری فعال داشت و مدتی در خارج از کشور، در کنار امام خمینی بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی امام امت به سمت امام جمعه بروجرد منصوب شد. آن عالم ربانی پس از ده ها سال تلاش علمی، آموزشی و معنوی و تربیت ده ها نفر از شاگردان فاضل، یک شنبه هفتم شهریور ۱۳۸۹ که با ایام لیالی قدر مصادف بود، بر اثر سانحه رانندگی در مسیر قم به یزد، جان به جان آفرین تسلیم کرد. مقام معظم رهبری در پیام تسلیتی که به مناسبت رحلت وی صادر کرد، تلاش های خالصانه و صادقانه وی در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی را ستود. (۱)

۱۸. آیت الله سید عباس خاتم یزدی (۱۳۴۹-۱۴۲۲ خورشیدی) آن عالم مبارز در دوران کودکی، نزد پدرش، حاج سید یحیی احمدآبادی، به فراگیری قرآن و دروس مقدماتی پرداخت. با درگذشت پدرش، حجت الاسلام والمسلمین سید علی محمد وزیری سرپرستی وی را بر عهده گرفت. وی تحت نظر این بزرگوار تحصیل علوم دینی را پی گرفت. سید عباس، ادبیات عرب و سطوح حوزه را نزد آیات محترم سید جلال علومی، سید علی محمد کازرونی، سید علی اکبر علوی و سید جلال آیت اللهی تفتی فرا گرفت. در سال ۱۳۳۴

۱- میرزا محمد کاظمینی، دانشنامه مشاهیر یزد، صص ۵۵ و ۵۶؛ نشریه افق حوزه، ش ۲۸۰، ۱۳۸۹/۶/۱۷، ص ۶۰۴.

خورشیدی به قم مهاجرت کرد و در حوزه این شهر سطوح عالی را از محضر آیات گران قدر سید حسن مدرس یزدی، فکور یزدی، شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی و شیخ محمد فکور احمدآبادی یاد گرفت، سپس به درس خارج آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، اراکی (۱)، محقق داماد و شیخ عباس علی شاهرودی حاضر شد. در سال ۱۳۳۹ خورشیدی به عتبات عراق رفت و در حوزه نجف به مدت هیجده سال از بحث های علمی و فقهی آیات بلند مرتبه سید ابوالقاسم خویی، سید محسن حکیم، شاهرودی، امام خمینی، میرزا حسن یزدی و حاج سید یحیی یزدی، بهره برد و عضو شورای استفتای امام خمینی بود. به نمایندگی از رهبر کبیر انقلاب در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ خورشیدی، روانه حج شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عضویت دفتر استفتای امام خمینی درآمد و پاسخ گویی به استفتائات و سؤالات شرعی و فقهی بر عهده اش نهاده شد. وی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نماینده مردم یزد در مجلس خبرگان رهبری و دبیر شورای سیاست گذاری ائمه جمعه بود و در حوزه علمیه قم، به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت. تقریرات درس اصول آیت الله خویی و درس فقه امام خمینی تألیف اوست. ایشان در شهریور ۱۳۸۰ خورشیدی / ۱۴۲۲ ه. ق سرای فانی را وداع گفت و پیکرش در قم دفن شد. (۲)

۱۹. حجت الاسلام والمسلمین قربانعلی دُرّی نجف آبادی (متولد ۱۳۲۴ خورشیدی در نجف آباد): قربانعلی دُرّی، فرزند اسدالله، پس از گذراندن دوره ابتدایی و سال اول متوسطه (نظام قدیم) در سال ۱۳۳۸ خورشیدی به

۱- خاتم یزدی مدتی عضو دفتر استفتائات آیت الله اراکی بوده است.

۲- خاتم معرفت، صص ۱۷ _ ۲۵؛ اختران فضیلت، صص ۳۲۸ و ۳۲۹؛ دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۱، صص ۳۲۵ و ۳۲۶.

فراگیری علوم دینی روی آورد و وارد حوزه علمیه نجف آباد شد و در مدرسه مرحوم ریاضی اقامت گزید. مقدمات و بخشی از سطح را نزد حضرات آیات عباس ایزدی، غلام حسین منصور و سید محمود مدرس آموخت. در ۱۳۴۰ خورشیدی هم‌زمان با درگذشت آیت الله بروجردی به قم رفت و به تکمیل سطوح حوزه و فراگیری حکمت پرداخت. او مباحث مهمی از اسفار ملاصدرا را در محضر علامه طباطبایی، عبدالله جوادی آملی و ابراهیم امینی آموخت و در درس خارج فقه و اصول آیات عظام سید محمد محقق داماد، سید محمدرضا گلپایگانی، مرتضی حائری یزدی، سید علی فانی اصفهانی، محمدعلی اراکی و سید علی بهبهانی شرکت کرد. کتاب های انسان، اسلام و بهره وری، فرهنگ و توسعه از دیدگاه امام خمینی، حکومت اسلامی در نهج البلاغه، مقدمه ای بر مالیه عمومی در اسلام، اندیشه های اقتصادی شهید مدرس، استراتژی درازمدت جمهوری اسلامی ایران و مقاله های بسیاری، از جمله آثار ایشان است. دُرّی نجف آبادی هم زمان با آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی در سال ۱۳۴۲ خورشیدی به فعالیت های مبارزاتی بر ضد رژیم پهلوی روی آورد و به هدایت مردم، ترویج شریعت و بیان افکار، اندیشه ها و فتواهای امام پرداخت. مسئولیت های او پس از پیروزی انقلاب اسلامی عبارتند از: مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی در اراک، نماینده امام در استان چهارمحال بختیاری، دادستان انقلاب اسلامی در این استان، نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره های دوم، چهارم و پنجم از تهران، دبیر هیئت عالی گزینش، رئیس هیئت مدیره و دبیر هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی قم، عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، امام جمعه موقت شهر ری، نماینده مجلس خبرگان در دوره دوم از استان ایلام و در دوره سوم از استان تهران، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزیر اطلاعات جمهوری

اسلامی ایران، رئیس دیوان عدالت اداری، دادستان کل کشور. او هم اکنون امام جمعه اراک و نماینده ولی فقیه در استان مرکزی است. (۱)

۲۰. حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محمدی نیک ری شهری (متولد ۱۳۲۵ خورشیدی): ایشان پس از تحصیل مقدمات و سطوح، در درس آیات عظام محمدعلی اراکی، حسین وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی و سید محمدرضا گلپایگانی شرکت کرد و به درجه اجتهاد نائل شد. نقش‌ها و فعالیت‌های او عبارتند از: نمایندگی ولی فقیه و سرپرست حجاج از سال ۱۳۷۰، نماینده مردم تهران در مجلس خبرگان رهبری در دوره دوم و سوم، تولیت آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران. برخی از آثارش عبارتند از: اهل البیت فی الکتاب و السنه، میزان الحکمه، اهل بیت در قرآن و حدیث، علم و حکمت در قرآن و حدیث، فلسفه وحی و نبوت، مبانی شناخت و... (۲)

۲۱. حجت‌الاسلام والمسلمین غلام حسین رحیمی (متولد ۱۳۱۴ خورشیدی): وی فرزند غلام علی که بخشی از مقدمات را از پدر فرا گرفت، در ۱۳۳۰ خورشیدی به اصفهان رفت و پس از خواندن بخشی از سطح در حوزه این شهر، عازم قم شد و سطح را نزد آیات محترم مصطفی اعتمادی، محمدتقی ستوده، سید محمدباقر سلطانی، جعفر سبحانی، حسین نوری همدانی و... گذراند. در حکمت و مباحث تفسیری و کلام، نزد آیات گرامی علامه طباطبایی، علی مشکینی، محمد محمدی گیلانی و دکتر محمد مفتاح شاگردی کرد. آنگاه از درس‌های خارج آیات عظام بروجردی، عباسعلی شاهرودی،

۱- خبرگان ملت، دفتر اول، صص ۲۰۴ - ۲۱۰؛ دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۱، ص ۳۵۸.

۲- دانشنامه قرآن پژوهان ایران، ج ۱، ص ۳۱۳.

سید محمد محقق داماد، امام خمینی، گلپایگانی، محمدعلی اراکی، مرعشی نجفی، مرتضی حائری یزدی، منتظری، میرزا هاشم آملی، ناصر مکارم شیرازی و نوری همدانی، بهره برد.

رحیمی در دوران انقلاب اسلامی، در سفرهای تبلیغی به سخنرانی، افشاگری علیه رژیم پهلوی، و تکثیر و پخش نوار سخنرانی ها و اعلامیه های حضرت امام خمینی و مراجع عظام پرداخت و بارها تعقیب شد تا اینکه ساواک وی را دستگیر و بازداشت کرد. وی مدتی امامت جمعه دشتستان برازجان را عهده دار بود و در ۱۵ شهریور ۱۳۶۰ خورشیدی، به سمت امام جمعه شهرستان تفرش منصوب شد و مدتی در این مسئولیت به فعالیت های آموزشی و ارشادی مشغول بود. از غلام حسین رحیمی کتاب های آموزنده به سبک داستانی و عبرت آمیز که معمولاً مخاطب آنها نوجوانان و جوانان هستند، منتشر شده است. (۱)

۲۲. حجتالاسلام والمسلمین غلامرضا سلطانی (متولد ۱۳۲۲ خورشیدی): او فرزند عطاءالله اشتهاردی است که پس از فراگیری مقدمات علوم اسلامی در زادگاهش اشتهارد، در سال ۱۳۳۶ خورشیدی وارد حوزه علمیه قم شد و پس از به پایان بردن دروس سطح، نزد آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و محمدعلی اراکی به تحصیل دروس خارج پرداخت. در مباحث تفسیری، اخلاقی و فلسفی نزد برخی استادان، نکاتی را آموخت. کتاب های معاد یا آخرین سیر تکاملی انسان، درس هایی از اقتصاد اسلامی، تکامل در پرتو اخلاق از اوست.

وی در ایام نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی، با سخنرانی های خود به افشاگری علیه رژیم پهلوی پرداخت و در برگزاری راهپیمایی های شهر اشتهارد

حضوری فعال داشت. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سمت امام جمعه این دیار منصوب شد. همچنین با سمت قاضی و حاکم شرع شهرستان کرج و بخش های اطراف آن به فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۶۳ به نمایندگی از مردم کرج به مجلس شورای اسلامی راه یافت. وی هنگامی که با عده ای از علما برای دیدار با رزمندگان، از تهران عازم اهواز بود، بر اثر اصابت موشک رژیم بعث به هواپیمای حامل او، به شهادت رسید. پیکرش بعد از تشییع باشکوه در کرج و تهران، در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد. (۱)

۲۳. آیت الله سید کاظم نورمفیدی (متولد ۱۳۰۹ خورشیدی) وی نخست در مکتب خانه، قرآن را آموزش دید. آنگاه به مدرسه رفت و تا کلاس ششم ابتدایی درس خواند. در سال ۱۳۳۱ خورشیدی وارد حوزه علمیه عمادیه گرگان شد و مقدمات را نزد حجج اسلام نبوی و سید عبدالرسول میرکریمی فرا گرفت. در سال ۱۳۳۵ خورشیدی عازم مشهد شد و از محضر ادیب نیشابوری دوم بهره گرفت و در سال ۱۳۳۶ خورشیدی به حوزه علمیه قم رفت و پس از گذراندن دوره سطح، از حوزه درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سید محمد محقق داماد، امام خمینی، سید محمدرضا گلپایگانی، محمدعلی اراکی و شیخ مرتضی حائری بهره برد. هم زمان نیز از مباحث عقلی و فلسفی شهید مطهری استفاده کرد. با تحصیل در حوزه علمیه قم و گرگان، به تدریس علوم دینی اشتغال یافت و به دلیل تبلیغ و ترویج مرجعیت امام خمینی و شرکت فعال در نهضت اسلامی به رهبری ایشان، تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. در سال ۱۳۵۲ خورشیدی با اصرار مردم گرگان به آنجا رفت و با تشکیل نشست های درس تفسیر و نهج البلاغه، مبارزات خود را پی گرفت. به همین دلیل در سال

۱۳۵۶ خورشیدی به دو سال تبعید محکوم شد و مدتی در مریوان و بندر لنگه، به سر برد. ایشان در سال ۱۳۵۸ خورشیدی، به نمایندگی امام خمینی و امامت جمعه گرگان منصوب شد. همچنین نماینده مردم مازندران در دوره های اول و دوم مجلس خبرگان رهبری و نماینده مردم استان گلستان در دوره سوم مجلس خبرگان رهبری بود. در تابستان سال ۱۳۶۰ ترور شد و دو نفر از محافظان وی به شهادت رسیدند. همچنین همراه هیئتی در سال ۱۳۶۱ به مناسبت روز جهانی قدس و برای تبیین مواضع جمهوری اسلامی ایران به پاکستان سفر کرد که در یورش گروهی از مزدوران استکبار زخمی شد. راه اندازی حوزه علمیه امام خمینی برای برادران و مکتب الزهرا علیها السلام برای خواهران در گرگان، بنیان نهادن صندوق قرض الحسنه ویژه طلاب استان گلستان در قم و مشهد و نیز صندوق قرض الحسنه برای دانشجویان، بازسازی مسجد جامع گلشن و... از دیگر خدمات وی است. (۱)

۲۴. آیت الله سید محمدعلی موسوی جزایری (متولد ۱۳۲۲ خورشیدی): موسوی جزایری در شش سالگی به مکتب خانه رفت و برخی علوم مقدماتی و قرآن را آموخت. سپس وارد حوزه علمیه شوشتر شد و نزد پدرش، علامه سید محمدتقی شوشتری و دایی خود آیت الله سید محمدحسن آل طیب به فراگیری علوم دینی پرداخت. بعد از گذراندن مقدمات، سطح و بخشی از خارج فقه و اصول در حوزه شوشتر عازم عراق شد و در نجف اشرف، مدارج علمی را نزد علمایی گران قدر چون سید محمدجعفر مروج، سید جعفر جزایری، سید محمدباقر صدر، سید علی سیستانی، روحانی، شهید

۱- خاطرات آیت الله نورمفیدی، تدوین: غلامرضا خارکوهی، ج ۱، صص ۷۵ - ۸۵، ج ۱، صص ۹۴۵ و ۹۴۶.

میرزا علی غروی تبریزی، سید علی بهشتی، سید ابوالقاسم خویی و امام خمینی پیمود. در پایان سال ۱۳۵۰ به دستور رژیم بعث عراق، ناگزیر از این سرزمین خارج شد و به قم رفت و از محضر آیت الله اراکی و آیت الله حسین وحید خراسانی بهره برد و از این بزرگواران اجازه اجتهاد دریافت کرد. در سال ۱۳۵۳ به اهواز رفت و در این دیار به فعالیت های تبلیغی، ارشادی، آموزشی و فرهنگی روی آورد. موسوی جزایری در اهواز و در مسجد جزایری، نشست های اعتقادی و تفسیری تشکیل داد که رفته رفته این مکان به پایگاه جوانان مذهبی و انقلابی و کانونی برای مبارزه با رژیم پهلوی بدل شد. رساندن پیام امام خمینی به جامعه روحانیت، راه اندازی راهپیمایی در اهواز، ارتباط با هسته های انقلابی در کارخانه ها و اداره ها و رهبری آنها، سخنرانی و افشاگری ضد رژیم پهلوی، از دیگر فعالیت های مبارزاتی اوست. موسوی جزایری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت مجلس خبرگان قانون اساسی درآمد و در تصویب قوانین مهمی چون اصل ولایت فقیه، نقش برجسته ای داشت. او هم زمان با شروع جنگ تحمیلی، فعالیت های خود را در زمینه دفاع مقدس متمرکز کرد. موسوی در سال ۱۳۵۹ از سوی حضرت امام به نمایندگی ایشان در خوزستان و امام جمعه اهواز منصوب شد و افزون بر اداره امور فرهنگی تبلیغی استان، خدمات فراوانی در زمینه های اجتماعی و ارتباطی و عمرانی انجام داد. وی در سه دوره پی در پی، از سوی مردم استان خوزستان به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد. (۱)

۲۵. محمدحسین اسکندری فرزند محمدعلی، متولد ۱۳۲۴. (۲)

۱- خبرگان ملت، دفتر اول، صص ۴۷۰ _ ۴۸۳؛ دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۲، ص ۸۶۲.

۲- دانشنامه قرآن پژوهان ایران، ج ۱، ص ۵۱.

۲۶. علی حسین احمدلو، فرزند اسماعیل، متولد روستای کهک علیا از توابع ساوه در سال ۱۳۱۰. (۱)
۲۷. ابراهیم احمدی احمدآبادی متولد احمدآباد اردکان یزد در سال ۱۳۳۸. (۲)
۲۸. محمدحسین فقیه احمدی فرزند ملااحمد، متولد روستای طرزجان از توابع شهر تفت یزد. (۳)
۲۹. روح الله بیانی فرزند مهدی، متولد روستای شهاب الدین در نکای مازندرانی در سال ۱۳۲۶. (۴)
۳۰. حسن رجبی نویسی فرزند علی، متولد روستای نویس از توابع قم در سال ۱۳۱۴. (۵)
۳۱. سید مهدی غضنفری فرزند میرزا حسن، متولد سال ۱۳۱۳ در سبزوار. (۶)
۳۲. محمدجواد کشمیری فرزند مهدی، متولد ۱۳۲۰ در رفسنجان. (۷)
۳۳. عبدالزهرا کعبی، متولد یکی از روستاهای اهواز در سال ۱۳۳۶. (۸)
۳۴. محمدباقر منطقی متولد ۱۳۱۴ در شهر قوچان. (۹)
۳۵. سید مرتضی موسوی فرزند سید محمود، متولد روستای کوشک از توابع خمینی شهر در سال ۱۳۱۸. (۱۰)
۳۶. سید ضیاءالدین نجم الهدی، فرزند سید عبدالبانی، متولد روستای کهدوئیه از توابع یزد. (۱۱)

-
- ۱- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۱، ص ۳۹.
 - ۲- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۱، ص ۴۸.
 - ۳- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۱، ص ۵۲.
 - ۴- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۱، ص ۱۶۷.
 - ۵- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۱، ص ۳۹۰.
 - ۶- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۲، ص ۶۱۰.
 - ۷- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۲، ص ۶۸۶.
 - ۸- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۲، ص ۶۸۹.
 - ۹- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۲، ص ۸۱۹.
 - ۱۰- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۲، ص ۸۴۷.
 - ۱۱- دانشنامه ائمه جمعه کشور، ج ۲، ص ۹۲۵.

۳۷. محمدعلی نوروزی فرزند حسین، متولد روستای کله سر از توابع رزن همدان، در سال ۱۳۱۸. (۱)

۳۸. سید محمد موسوی خوئینی متولد سال ۱۳۲۰ خورشیدی در قزوین. (۲)

۳۹. محمدرضا مؤیدی قمی فرزند محمود، متولد سال ۱۳۲۰ در قم. (۳)

۴۰. شیخ محی الدین حائری شیرازی (امام جمعه سابق شیراز و مدرس حوزه علمیه قم).

۴۱. شیخ محمدحسن مسجد جامعی

۴۲. شیخ علی رضا الهی (داماد آیت الله اراکی)

۴۳. سید محمدباقر خوانساری (فرزند آیت الله سید محمدتقی خوانساری).

۴۴. شیخ محی الدین فاضل هرنندی

۴۵. سید حسین برقی

۴۶. سید محمدباقر موحدی ابطحی

۴۷. شیخ مهدی صادقی ملایری

۴۸. حاج شیخ علی حیدری نهاوندی

۴۹. سید حسین موسوی کرمانی

۵۰. سید اسماعیل موسوی زنجانی (امام جمعه سابق زنجان)

۵۱. آیت الله مرتضی مقتدایی (رئیس حوزه علمیه قم)

۵۲. شیخ جلال طاهر شمس گیلانی

۵۳. شیخ اصغر قاضی زاده

۵۴. شیخ علی اوسط هاشمی همدانی

۲- خاطرات آیت الله استادی، ص ۱۷۰.

۳- دانش نامه قرآن پژوهان ایران، ج اول، ص ۳۳۷.

۵۵. سید محمد موسوی اصفهانی

۵۶. سید رضا فاطمی تویسرکانی

۵۷. شیخ علی ثابت همدانی

۵۸. شیخ نیری همدانی

۵۹. سید علی ابطحی اصفهانی

۶۰. شیخ اسدالله عندلیب

۶۱. شیخ ابوالقاسم محبوب جهرمی

۶۲. شیخ حسن شریعتی کاشانی

۶۳. حسین واعظی اراکی

۶۴. سید عطاءالله معنوی

۶۵. سید علی هاشمی بجنوردی که مورد توجه ویژه آیت الله اراکی بود.

۶۶. سید عبدالاحد رضوی

۶۷. شیخ جواد رضوی

۶۸. شیخ محمدتقی دانش آشتیانی

۶۹. شیخ محمدشریف رازی (مؤلف گنجینه دانشمندان و آثار الحجّه)

۷۰. شیخ عزیزالله علی مردانی نهاوندی

۷۱. سید محمدعلی علوی گرگانی

۷۲. شیخ مجدالدین محلاتی شیرازی

۷۳. شیخ مهدی حائری تهرانی

۷۴. شهید شیخ بهاء‌الدین محمدی عراقی

۷۵. شیخ عباسعلی عمید زنجانی (ریاست سابق دانشگاه تهران)

۷۶. شیخ محمدحسن معزی تهرانی

۷۷. حاج شیخ غلامرضا صلواتی اراکی

۷۸. حاج سید حسن آل طه

۷۹. شیخ ابوالحسن مصلحی اراکی (فرزند آیت الله اراکی) [\(۱\)](#)

۱- یادنامه حضرت آیت الله اراکی، صص ۱۹۲ - ۱۹۴؛ دیدار با ابرار، ج ۸۲، صص ۷۱ - ۷۴؛ آینه پژوهش، ش ۲۸، ص ۱۱۳؛
مجله مسجد، ش ۱۷، ص ۹۵؛ مجله پیام حوزه، ش ۳، ص ۴۵.

فصل چهارم: همگامی و همراهی با مشاهیر مبارز

اشاره

فصل چهارم: همگامی و همراهی با مشاهیر مبارز

زیر فصل ها

مجاهد میدان تقوا

در محضر علمای مبارز

ارتباط تنگاتنگ با تندیس مقاومت

افشای شرارت رژیم پهلوی

منظومه منور

اقامه نماز جماعت

برپایی نماز عبادی _ سیاسی جمعه

آغاز آشنایی با امام خمینی

حمایت از نهضت اسلامی

پشتیبانی از نظام اسلامی و مقام معظم رهبری

مجاهد میدان تقوا

مجاهد میدان تقوا

آیت الله اراکی بر اثر انس با ذکر، عبادت و شب زنده داری، قرآن و نهج البلاغه، بر نفس اماره غلبه پیدا کرده و در راه حق گام برداشته بود و در جبهه جهاد اکبر و به تعبیری جهاد افضل، قهرمان و فاتحی فرزانه به شمار می رفت. البته این نبرد سنگین با نفس سرکشی و تزکیه درون و تصفیه باطن، با پشتوانه استواری از آگاهی، بصیرت، معرفت و ایمان عمیق قلبی همراه بود. ایشان تعلقات غیرخدایی را ترک گفت و روی دل، تنها به سوی درگاه الهی کرده و حب الهی را در کانون دل خویش شعله ور ساخته بود و در تمام رخدادها، قدرت بی منتهای پروردگار را در ماورای ظواهر مشاهده می کرد. از این رو، هیچ گونه اندوه و هراسی به دل وی راه نمی یافت و از آنجا که دل خود را با عبادت و راز و نیاز با خداوند و اخلاص و تزکیه صادقانه به پایگاه محکم توحید و تقوا وصل کرده بود، با شدیدترین توفان های سیاسی و اجتماعی هم تزلزلی در دل و ذهنش راه نمی یافت. آیت الله اراکی کارگزاران ستم و عوامل استکبار و مروجان فساد و تباهی نمی هراسید، بلکه نفرت و انزجار خویش را از این سیاهی ها اعلام می کرد. دیدگاه ایشان درباره جدایی راه حق از مسیر باطل این گونه است: «نصیحت یعنی راه حق؛ تمیز دادن راه حق از راه باطل.

حق یک راه است، [اما] راه باطل حساب ندارد. وقتی که راه راست را از چپ و کج و معوج تشخیص دادی، [باید] از آن پیروی کنی، نه اینکه عالم بی عمل باشی و راه را فهمیده باشی و برخلافش بروی». (۱)

ایشان در اطلاعیه ای که به مناسبت رحلت امام خمینی صادر کرد، ضمن ابراز تأسف از این ضایعه اسف انگیز نوشت: «... امیدواریم همچون گذشته دست غیبی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بر سینه نامحرمان زده و فکر شیاطین و کفار و اعدای اسلام را نقش بر آب فرماید و عزت و عظمت مسلمین را افزوده نماید...». (۲)

در محضر علمای مبارز

در محضر علمای مبارز

آن بزرگوار به دلیل خودسازی و اهتمام در پارسایی و پرداختن به تلاش های علمی و فکری و تربیت طلاب و نیز بر اثر ویژگی های شخصیتی و رفتاری، به طور مستقیم در عرصه های سیاسی و اجتماعی گام نهاد، ولی قراین بسیاری وجود دارد که ایشان کارنامه سیاه ظالمان و باتلاق های فاسد استکبار و کارگزاران استعمار را بر نمی تابید و از گذشته ها و رویدادهای معاصر یاد می کرد و از علمای مبارز حمایت می کرد و آنان را می ستود. در عوض وقتی از سلطان ها سخن می گفت، گزارش سیاه کاری های آنان را با تلخی و رنج و اندوه در ذهن خود مرور می کرد.

حادثه تلخ و ناگواری که در اولین سال های تحصیل در اراک ذهن او را به خود مشغول کرد و آن را ضایعه ای دردناک نامید، شهادت شیخ فضل الله

۱- نصایح آیت الله اراکی در دیدار با برخی از طلاب در ۲۰/۲/۱۳۶۴؛ یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۳۵۴ و ۳۵۵.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳/۳/۱۳۶۸، ش ۲۹۰۷، ص ۱۱.

نوری بود: «من آن وقت سیوطی می خواندم، پیش شیخ جعفر شیشی که از علمای اصفهان بود. صحبت [از] دار مرحوم شیخ بود. بنده اوایل تکلیف بودم. ایشان می گفت چرا به دار زدند، لااقل تبعید می کردند.» (۱)

آیت الله اراکی گزارش دیگری از این ماجرا را این گونه نقل کرده است:

حاج شیخ مهدی مازندرانی که انسان باوفا، اهل فضل و علم و از شاگردان مخصوص شیخ فضل الله نوری بود، وقتی شرح حال و چگونگی دار زدن استادش را می گفت، مردم های های گریه می کردند، مثل روضه. او یک شرح مفصلی می گفت. من که نبودم شیخ فضل الله را چگونه دار زدند، اما از مرحوم سیدمحمدتقی خوانساری شنیدم همان شب که ایشان را فرمایش می خواستند به شهادت برسانند، از سوی سفیر روس به وی پیغام می رسد، اگر اجازه بدهید بیرقی در خانه شما بزنند؛ فردا احدی جرأت نمی کند به سایه شما نگاه بد کند. حاج شیخ فضل الله می گوید من نان و نمک اسلام را خورده ام، حالا بروم زیر پرچم شما؟! هرگز. وقتی می خواستند دارش بزنند، اوضاع آینده را شرح داد و یادآور شد می خواهند زن های شما را بی حجاب کنند، شراب را مثل دوغ سر کوچه ها بفروشند همین طور از فسادهایی که اتفاق می افتد، می گفت. یک نامه ای هم برای مرحوم آخوند خراسانی نوشت و در آن به وی متذکر گردید این مشروطه ای که شما تأسیس کرده اید، این گونه منحرف شده است و تلگراف هایی را هم به شما نسبت می دهند که به تهران نمابر کرده اید. آخوند جواب می دهد که _ بنده خطش را دیده ام _، نوشته بود مشروطه ای که ما خواسته بودیم آن است که آمر به معروف و ناهی از منکر باشد و ستم را کاهش دهد. تلگراف هایی که به این جانب نسبت داده اند، اصلاً از آنها اطلاعی ندارم. برای مقاصد خانمان ویران کن خودشان بوده است. آری آنها انگور خواسته بودند، ولی تبدیل به شراب کردند. (۲)

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۳۳۷.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۳۹۵ و ۳۹۶.

آیت الله اراکی پس از فراگیری مقدمات و سطح در اراک، به محضر استاد مجاهد و مبارز دیگری می رود و از میان ده ها استاد حوزه اراک، او را برمیگزیند و به وی ارادت پیدا می کند؛ او آیت الله سید نورالدین موسوی اراکی است. (۱) با زبانه کشیدن آتش جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م / ۱۳۳۴ ه. ق بیشتر نواحی ایران به اشغال متفقین درآمد. از سوی دیگر حکومت مرکزی در آستانه سقوط و تزلزل قرار گرفت. مرحوم آقا نورالدین اراکی، همگام و همراه با دیگر عالمان مبارز، همچون شریعت اصفهانی، میرزا محمدتقی شیرازی و سید محمدتقی خوانساری، فتوای جهاد علیه استعمار جهانی داد و با جمعی از مردم متدین و مجاهد اراک در جهاد شرکت کرد. او خود شرح این هجرت و دفاع را در رساله ای نوشته که یکی از شاگردانش به نام ابراهیم دهگان که در این مهاجرت هم شرکت داشته است، آن را به فارسی برگردانیده و با عنوان نور مبین چاپ کرده است.

آقا نورالدین پس از زحمات و صدمات فراوان، توسط روس ها دستگیر و با کشتی انگلیسی به باتوم و تفلیس منتقل شد. در پایان وی را به ایران بازمی گردانند. مهاجرت و مسافرت جهادی او حدود چهل ماه طول کشید. در همان زمان افراد مغرض، اشکالاتی بر قرآن مجید وارد شد و مدعی بودند در این کلام نورانی، مطالبی است که عقل نمی تواند بپذیرد. آن عارف متقی، در این سفر، با وجود فشارهای سیاسی و اجتماعی و موقعیت جنگی و نداشتن منابع، کمر همت بر بست و با بصیرت علمی و عقلی، قلم به دست گرفت و تفسیری نگاشت که آیات

قرآن را از دیدگاه عقل سلیم بررسی کرد و جز هفده جزء از قرآن، بقیه از بین رفته است. (۱)

آیت الله اراکی که محبوبیت، اقتدار معنوی و خصال ملکوتی این عالم عامل و عارف مجاهد را ستوده، از جنبه های مبارزاتی و شجاعت و اطمینان قلبی آقا نورالدین این گونه یاد کرده است:

رفت به جبهه جنگ و لباس سربازی پوشید. عمامه را کنار گذاشت و تفنگ برداشت و مسلح شد، مثل سرباز و رفت به جبهه. خودش می گفت گلوله توپ نزدیک من می افتاد و چیزی نمانده بود که به من اصابت کند، ولی خدا نخواست. در نبرد مشغول بود تا اسیر شد. چهار سال اسیر انگلیس بود. هر کس باشد قلبش دگرگون می شود، ولی این مرد با اینکه او را به دریا و صحاری بردند و در بین اسرایی زندگی کرد که آدم خوار بودند، قلبش آرام بود و حتی دیگر اسرا را به آرامش دعوت می کرد. (۲)

در همان جبهه جنگ که غرش هواپیماها و توپ ها، گوش فلک را کر می کرد، قلم و کاغذ برداشت و تفسیر قرآن نوشت. حیف که این تفسیر به آخر نرسید و اشتغالات نگذاشت به آخر برسد. (۳)

ارتباط تنگاتنگ با تندیس مقاومت

ارتباط تنگاتنگ با تندیس مقاومت

اشتیاق آیت الله اراکی به استاد دیگرش مرحوم آیت الله خوانساری که در واقع هم مباحثه او به شمار می رفت، ستودنی است. این دو بزرگوار در همه مجالس و محافل با هم بودند و علاقه متقابلشان زبانزد خاص و عام بود. ارادت مرحوم اراکی به آن عالم مجاهد نیز افزون بر خیرهای معنوی به دلیل

۱- نورالباقی، صص ۲۵ - ۲۷.

۲- آینه داران حقیقت، صص ۶۹ - ۷۰.

۳- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله حوزه، ش ۱۲، صص ۲۳ و ۲۴.

مبارزه های ایشان با استبداد و استعمار بود؛ ارادتی که سبب شد به درس وی برود و او را به دامادی خود برگزیند، درحالی که آن دو هم درس بودند و هفت سال تفاوت سن داشتند. (۱)

آیت الله میرزا ابوالحسن اراکی، فرزند آیت الله اراکی یادآور شده است:

ظاهراً علاقه ایشان به مرحوم خوانساری، همان مبارزات ایشان بود که مدتی در جبهه جنگ بودند و به فتوای مرحوم میرزا محمدحسین نائینی در جنگ ثوره عراق شرکت کرد و در آنجا چند سال اسیر شده بودند. مرحوم خوانساری مرد بسیار شجاعی بودند. حضرت والد می فرمودند بعد از آمدن آیت الله بروجردی به قم، بارها من و آقای خوانساری خدمت آقای بروجردی می رسیدیم و می گفتیم آقا الان وقت قیام و مبارزه ماست. قدرت رضاخان از بین رفته است. محمدرضا هم تازه روی کار آمده است. وقت خوبی است که شما از قدرت خودتان استفاده کنید و جلو این خلاف شرع ها را بگیرید. (۲)

مرحوم خوانساری از قیام فداییان اسلام به رهبری نواب صفوی حمایت می کرد و آیت الله اراکی هم در این باره نظر مساعدی داشت و آرزو می نمود مجاهدان سلحشور بساط تیرگی های استبداد را بر هم بریزند. (۳)

آیت الله استادی نقل کرده است که مرحوم اراکی می فرمود: «همین که فداییان اسلام به آیت الله خوانساری پناه آوردند، ایشان هم به آنان پناه دادند و مدتی هم در منزل ایشان سکونت داشتند». (۴)

آیت الله کریمی جهرمی می گوید:

این جانب از سال ۱۳۵۲ ه. ق بعد از ورود به جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم و سکونت در منزلی مجاور منزل معظم له (آیت الله اراکی) با ایشان

۱- گنجینه دانشمندان، ج ۲، صص ۶۴ - ۶۵.

۲- «گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین ابوالحسن مصلحی»، روزنامه رسالت، ۱۰/۹/۱۳۷۳، ش ۲۵۷۸، ص ۴.

۳- دیدار با ابرار، ج ۸۲، ص ۸۳.

۴- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۰۷.

آشنا می باشم و در ایام قیام شهید گران قدر نواب علیه ستمگری محمدرضا خانی به ملاحظه تشویق و جانب‌داری معظم له در معیت مرحوم خوانساری، از حرکت فکری برادران فداییان اسلام، به علو همت و روح نترس ایشان در پایداری و مقاومت در برابر ظلم و تعدی، چگونگی ارج نهادن او به انقلاب و رهبری آن و نظام اسلامی و قبول و تسلیم در برابر آن بر مبنای ضوابط فقهی، آگاهی دارم. (۱)

آیت الله خرازی از آیت الله میرزا ابوالحسن اراکی نقل کرده است که پدرم فرمود با مرحوم خوانساری خدمت مرجع وقت جهان تشیع (مرحوم آیت الله حاج آقا حسین بروجردی) رفتیم. ایشان دو زانو خدمت آقا نشست و گفت: آقا امروز شاه ضعف دارد و وقت اقدام است. مردم متدین هم با هستند. آقای بروجردی گفت: بیم آن می رود که ضربه ای به روحانیت وارد کند و می ترسم خاتمه روحانیت باشم. (۲)

آیت الله اراکی از آیت الله خوانساری چنین یاد می کند: «بعد از وفات حاج شیخ جعفر در محضر شریف آیت الله سید محمدتقی خوانساری، اعلی الله مقامه الشریف بودم. ایشان هم شخصیت عجیبی بود. مجاهد فی سبیل الله بود و مقامی بس عظیم داشت و هم مقداری مرا کفایت فرمود». (۳)

آیت الله خوانساری در صحنه های سیاسی زمان خویش از روحانیان پیشتاز بود. او در نهضت ملی شدن صنعت نفت، انتخابات مجلس در سال ۱۳۷۱ ه. ق، مبارزه علیه کشف حجاب و نبرد علیه دولت بریتانیا حضوری فعال داشت. امام خمینی درباره اش گفته است: «سید محمدتقی خوانساری به حبس رفت. اسیرش کردند و بردند به خارج و ایشان می فرمودند ما را

۱- مجله پاسدار اسلام، ش ۹۲، ص ۲.

۲- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۵۳.

۳- نشریه کیهان هوایی، ۱۴/۴/۱۳۶۸، ش ۸۳۵، ص ۱۹.

انگلیسی‌ها [در حبس] می‌شمردند و می‌گفتند: آنها آدم خورند»^(۱).

شهید دکتر بهشتی چنین گفته است:

ایشان در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۳ ه. ق، در همان ایام نبرد ملت قهرمان ایران با استعمار اروپایی و غربی رسماً وارد میدان شدند تا نشان دهند که مرجعیت و روحانیت و قدس و تقوا، تعهد در برابر وظایف سیاسی ایجاد می‌کند، نه بی‌تفاوتی و از کنار مسائل عبور کردن. ما پیش‌گامانی این چنین داریم.

این روحانی سلحشور در جنگ بین الملل اول که عراقی‌ها به یاری دولت عثمانی شتافتند، به رهبری روحانیت آگاه علیه استعمار بریتانیا به مبارزه برخاست و همگام با میرزا محمدتقی شیرازی و سید مصطفی کاشانی در این جنگ حضور یافت و همچون رزمنده‌ای کارآزموده و شجاع با دشمن اسلام و مسلمانان جنگید. بعد از سقوط عراق آیت‌الله خوانساری که در جنگ مجروح شده بود، دستگیر و [به] جزیره هندوچین واقع در آسیای جنوب شرقی تبعید شد. چهار سال متوالی در چنگال استعمارگران در اسارت به سر برد.^(۲)

آیت‌الله اراکی حتی وقتی به نماز باران که مرحوم خوانساری اقامه فرمود، اشاره می‌کند، آن را به موضوعی سیاسی پیوند می‌زند و می‌گوید:

در همان اوقاتی که متفقین اطراف قم را محاصره کرده بودند و از این سو تا خاکفرج و از آن طرف تا امامزاده شاه جمال مملو از چادرهای آنان بود، به دلیل خشک‌سالی، مردم قم که غالباً کشاورز بودند، نیاز مبرمی به باران داشتند؛ اما علاوه بر اشغال ایران و بلائی جنگ جهانی اول، مرتب ابرها می‌آمدند، ولی یک قطره باران نمی‌آمد. در این شرایط مردم از مرحوم خوانساری که در زمره مراجع ثلاث قم بود، مصراً تقاضا کردند نماز

۱- کوثر (مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی)، ج ۱، ص ۳۰۷؛ صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۴۳.

۲- «نجوم امت (۳) آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری»، مجله نور علم، مهر ۱۳۶۳، ش ۶، ص ۹۹؛ هفتاد سال خاطره از آیت‌الله سید حسین بدلا، صص ۶۲ و ۶۳؛ حاج سید موسی شیرازی زنجانی، جرعه‌ای از دریا، صص ۵۶۶ و ۵۶۷.

استسقا را برپا کند. سرانجام به دلیل اصرار مردم و احساس تعهد این دانشور متدین نسبت به خواسته های آنان، وی پذیرفت که این سنت را احیا نماید. از آن سو، افراد فتنه انگیز و اهل نفاق و تفرقه، نزد فرمانده سپاهیان اشغالگر رفته و گفته بود قرار است جمعیتی با تجهیزات لازم فردا بیایند و چاه آب شما را مسدود سازند! بر حسب اتفاق این چاه در همان منطقه ای بود که می خواستند نماز باران بخوانند. این افراد با غضب و غیظ رفتار می کردند. آن چنان که کسی نمی توانست حتی با آنها سخنی بگوید، حتی شاه هم جرئت نمی کرد به اینها اعتراض کند. خبر دروغ آن فاسق، متفقین را وادار کرد که در خاکفرج توپ سوار کنند و لوله اش را به سوی پل نشانه رفته بودند تا به محض مشاهده جمعیت شلیک کنند. روز جمعه بسیاری حرکت می کنند تا به پل می رسند که از آنجا به خاکفرج بروند. مسئول متفقین به توپچی ها دستور آماده باش می دهد، اما لحظه ای درنگ می کند و می گوید بینم می خواهند چه کار کنند و با دوربین نگاه می کند و مشاهده می کند تمام علما در ابتدای جمعیت در حال حرکتند و عمامه های خود را از سر برداشته و با پای برهنه می آیند. (آیت الله اراکی با آن جمع روحانی بوده است) نه بیلی و نه کلنگی دارند. با خود نجوا می کند: آخر پر کردن چاه که به وسایلی نیاز دارد، پس چرا ذکر می گویند و گریه می کنند. جمعیت با آن گستردگی از جلوی آنان عبور می کند. نماز در روز جمعه اقامه گردید، اما روز شنبه هم باران نیامد، ولی شب یکشنبه حدود چهار ساعت باران می بارید. آیت الله خوانساری نقل می کرد چون می دانستم این اطراف از متفقین آکنده است و امروز گویی اسلام و کفر با هم مقابله دارند و این نماز حکم رویارویی ایمان با منکران حقیقت می باشد و به پیروزی دیانت بر اهل کفر طبق وعده قرآن اطمینان داشتیم، به اقامه نماز باران رضایت دادم. [آیت الله اراکی می افزاید] وقتی به برکت آن نماز، نعمت الهی بر زمین خشک قم فرو فرستاده شد، رئیس متفقین برای آقا پیغام فرستاد شما که با خدای آسمان و زمین ارتباط دارید، برای ما هم دعایی بکنید. ما خسته شدیم از بس دور از خانه و زندگی خویش به سر می بریم. (۱)

۱- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ۱۳۶۳/۱۰/۱، ش ۱۲۶، صص ۶۱-۶۲؛ یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۰۲؛ مأخذ قبل، صص ۵۷-۵۸.

افشای شرارت رژیم پهلوی

افشای شرارت رژیم پهلوی

آیت الله اراکی از زمان پهلوی، به عنوان عصر سیاهی یاد می کند و (۱) با تأثر یادآور می شود که رضاخان اول متصدی امور اسب های دربار قاجاریه بوده و بعد به سربازی می رود _ در همین دوران شراب هم می خورده است _ ، کم کم از سربازی به سرهنگی می رسد و با وزیر جنگ و با بیگانگان همدست می شود و آنان از وی می خواهند اگر پیرو ما بودی، تو را به سلطنت می رسانیم. رضاخان هم می پذیرد تا احمدشاه را از سلطنت خلع کند و خود پادشاه شود. در آغاز ظاهرسازی کرد و حتی به حاج شیخ عبدالکریم حائری گفت: من مقلد شما هستم. کم کم ناراستی و دروغ او آشکار شد و با سنت های دینی و شعائر اسلامی به مبارزه برخاست. کشف حجاب کرد. مردم را به کلاه شاپو و لباس متحدالشکل ملزم کرد. چقدر روسری ها را پاره و چقدر زنان را اذیت کردند. رضاخان مثل گربه ای که از کار خودش واهمه دارد و می ترسد مبادا صاحب خانه متوجه شود و او را به چوب بکشد، به این طرف و آن طرف نظاره می کرد که اگر اثری از صاحب این کشور پیدا شد، فرار کند. این رضاخان هم دید با مملکتی چند میلیونی می خواهد مخالفت کند و آنها را از دین برگرداند و آنگاه با خیال راحت مردم را چپاول کند. این، آبرو و تمام هستی آنان را به تمام معنا غارت کند و چون علما مزاحم او بودند، می خواست آنان را سرکوب کند. آقا سید حسن مدرس یک اعتراض کرد و به وی گفت این کار را نکن؛ ایشان را دستگیر کرد و به حالت تبعید به خواف و کاشمر فرستاد و سرانجام آن مجتهد والامقام را به شهادت رسانید. (۲)

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۳۳۹.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۳۸۰ و ۳۸۱.

آیت الله اراکی از برخورد رژیم با مجاهد بزرگ، شیخ محمدتقی بافقی هم با ناراحتی یاد می کند:

رضاخان و مأموران، شیخ محمدتقی بافقی را به دلیل اعتراض به کشف حجاب خانواده اش [خانواده رضاخان] در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه قم، دستگیر کرد و او را پای ایوان آئینه به پشت خوابانیده و با دست منحوسش، توسط تازیانه ای، بنا کرد به زدن بر پشت حاج شیخ محمدتقی. آخرش او را به زندانی بردند که بسیار تاریک بود، به نحوی که روز و شب آن مشخص نبود و حتی خوابیدن برایش مشکل بود. وی را مدام برای استنطاق می بردند، ولی نتوانستند اعتراف از او بگیرند، اما چه بلاها که بر آن روحانی مجاهد وارد شد. خداوند رحمتش کند. (۱)

آیت الله اراکی در جای دیگری یادآور می شود:

رضاخان و فرزندش می خواستند اصل دین را ریشه کن کنند که علما به آنان چنین اجازه ای را ندادند. فرزند از پدر عبرت نگرفت تا آنکه چوب ملت بر سرش فرود آمد و فرار را برقرار ترجیح داد. وقتی مراجع ثلاث رحلت نمودند، میدان را خالی دید و خوش حال شد که حالا می تواند خواسته های پدرش را پیگیر باشد. روز به روز افراد دهری مسلک و مادی گرا را روی کار می آورد و می خواست آثار و مفاخر دین و قرآن و سنت را از بین ببرد که ناکام گردید. (۲)

منظومه منور

منظومه منور

راه اندازی حوزه علمیه تلاشی سترگ و حیاتی برای دفاع از ارزش های دینی و معنوی بود. این حرکت مقدمه ای برای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران به شمار می آمد. علما و روحانیان تربیت یافته در کانون دیانت و

۱- ابوالفضل شکوری، سیده صالحان، ص ۳۵۰؛ مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۶، ص ۱۲.

۲- آئینه داران حقیقت، ص ۸۷؛ یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۳۸۴ و ۳۸۵.

معرفت با آگاهی های علمی و سیاسی که به دست آوردند، موفق شدند جامعه را به بصیرت برسانند و آنان را علیه استبداد نظام شاهنشاهی و استکبار بسیج سازند و در برابر توطئه ها و تبلیغات سوء دشمن به مقابله برخیزند. پدید آمدن این چشمه خیر و برکت چنان اهمیتی دارد که امام خمینی درباره بنیان گذار آن می گوید: «اگر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم [حائری] در حال حاضر زنده بود کاری را انجام می دادند که من انجام داده ام و تأسیس حوزه علمیه کمتر از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران نبود».^(۱)

آیت الله اراکی که از برگزیدگان شاگردان مؤسس حوزه علمیه قم بود، با استادش مرحوم آیت الله حائری در این برنامه همکاری های گسترده ای داشت و به حمایت از وی برخاست. ایامی که این تلاش بزرگ صورت می گرفت، با دوران پرتلاطم حکومت رضاخان و زورگویی، اجحاف، ستمگری و خفقان آن همراه شد و برنامه هایی که آن طاغوت وابسته به غرب اجرا کرد، برای ایشان جان کاه بود. روحانی وارسته ای که تحمل مشاهده خلافتی معمولی را ندارد، اکنون می نگرد که ستمگری کفرپیشه، دین اسلام و نوامیس امت مسلمان را مورد تهاجم قرار می دهد؛ مقدمات دینی، یکی پس از دیگری در معرض تهدید و حتی زوال است و زمامدار خطرناک و مغروری که از سوی استعمار انگلستان حمایت می شود، به سنت های مذهبی و شعائر تشیع و احکام شریعت اهانت می کند. راستی او چقدر از این حوادث آزرده می شد و مشاهده چنین منظره هایی، به چه میزان روح لطیف او را نگران می ساخت؟ رژیم سفاک پهلوی، جامعه روحانیت را محدود ساخته و سخت ترین فشارها بر طلاب را در برنامه کار خود قرار داده بود.^(۲)

۱- مجله حوزه، سال نهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱، ش ۴۹، ص ۶۲.

۲- آیت الله مؤسس، ص ۸۷؛ حمید بصیرت منش، علما و رژیم رضاخان، صص ۱۳۶ _ ۱۴۵.

در چنین فضای آشفته‌ای، هرگونه قیامی با شکست و سرکوبی خونین و نابودی تشکیلات حوزه، مواجه می‌شد، چنان‌که خیزش شهید مدرس، حاج آقا نورالله اصفهانی و آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و نیز قیام گوهرشاد را سرکوب کردند. بنیان‌گذار حوزه و شاگردانی که او را در فعالیت‌های گسترده آموزشی، علمی و فرهنگی یاری می‌دادند، در چنین معرکه‌ای خوفناک قرار گرفته بودند. آیت‌الله اراکی از قول دکتر مدرسی (از پزشکان قم) نقل کرده بود: «رضاشاه به من گفت اگر کسی از حوزه علمیه قم کوچک‌ترین اعتراض می‌کرد، به جایی می‌فرستادمش که عرب‌نی می‌اندازد».^(۱)

از این رو آیت‌الله اراکی هم به پیروی از حاج شیخ عبدالکریم حائری، تشخیص می‌دهد که در این وضع آشفته، پایداری و هرگونه فریادی، دور افتادن از هدف و نرسیدن به مقصد است. وی همچون مؤسس حوزه، به دلیل حفظ مصالح حوزه قم، خاموشی و سکوت را برمی‌گزیند. این شیوه مقتضای دیانت، صلابت و تقوای آن بزرگوار است. سکوت آن مشعل نورانی و پروانه‌هایی که بر گردش حلقه زده بودند، نشانه خمودی و دل‌بستگی به دنیا نبود؛ زیرا آنان در اوج پارسایی و وارستگی قرار داشتند. افزون بر این، آنان میزان امکانات و قدرت طرفین را سنجیده بودند و می‌دیدند بدون داشتن وسایل و نیروی کافی، آشکار ساختن مخالفت و به راه انداختن نبردی نابرابر، سودی ندارد. از این رو، مشیء دیگری را در پیش گرفتند. پاسداری از حوزه علمیه و مایه گذاشتن از جان برای بازسازی این تشکیلات، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود که ایجاب می‌کرد خشم ستمگران و دشمنان را برنینگیزند.

کاروانی که آیت‌الله حائری طلایه دار آن بود و آیت‌الله اراکی و گروهی از

۱- مصاحبه آیت‌الله اراکی با بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، موجود در آرشیو این بنیاد.

عالمان برجسته دیگر در این جمع می درخشیدند، متوجه این حقیقت شدند که آن جرثومه فساد و تباهی در پی بهانه می گردد و از لجاجت و خودکامگی دست بر نمی دارد و شرایط قیام علیه او به هیچ عنوان فراهم نیست. از این رو، حفظ حوزه علمیه را مهم ترین وظیفه دانستند و تکلیف و چاره ای جز این نداشتند. آنان در دوراهی مبارزه با سلطانی ستمگر و پاسداری از حوزه بودند و بر اساس قانون انتخاب بین اهم و مهم، تشخیص دادند که اهم، حفظ حوزه است. البته این سکوت ها گاهی با اعتراض هایی که به اوضاع فرهنگی _ اجتماعی کشور صورت می گرفت، شکسته می شد. متن تلگراف آیت الله حائری که در ۱۱ تیر ۱۳۱۴ خورشیدی خطاب به رضاشاه مخابره کرده بود، چنین بود: «... اوضاع حاضر که برخلاف قوانین شرع مقدس و مذهب جعفری است موجب نگرانی داعی و عموم مسلمین می باشد. امید است رفع اضطراب عموم ملت شیعه بشود...» (۱).

پاسداری از شعائر مذهبی، موضع گیری شدید در برابر تغییر لباس روحانیان و آزمون طلاب، مخالفت با طرح دولت درباره اوقاف، اعتراض به ماجرای کشف حجاب، خدمات رفاهی به طلاب و مردم، اقدام در جهت اصلاح ساختار آموزشی حوزه، اهتمام در امر مسلمانان فلسطین و دعوت به وحدت، از دیگر تلاش های سیاسی _ اجتماعی مؤسس حوزه بود (۲) که شخصیت هایی چون مرحوم اراکی و دیگران، حامی این موضع گیری ها بودند یا آنکه با استادشان در این عرصه ها همکاری هایی داشتند. به همین دلیل برخی منابع یادآور شده اند که اقدام مهم آیت الله اراکی، همراهی با مؤسس حوزه علمیه قم در تأسیس مرکز نشر و آموزش معارف اسلام و تشیع است. در آن اوضاع تیره و تاریک بود که این

۱- خورشید حوزه های علمیه، ص ۹۳.

۲- دیدار با ابرار، ج ۸۲، صص ۷۷ و ۷۸.

درخت تناور که ریشه در آسمان داشت، به ثمر رسید. (۱)

شیوه آیت الله حائری و حواریون او همچون مرحوم اراکی این بود که با وجود دوران‌دیشی و اطلاع از تمایل‌های سخت ضد‌مذهبی، ارزش‌های دینی و سنت‌های مذهبی را در پرتو بردباری، درایت و احتیاط پاسداری کنند. البته این روش، حائری و یارانش را از برخی فعالیت‌های اجتماعی، مانند بنیان‌گذاری اولین کتابخانه عمومی و نخستین بیمارستان به سبک جدید و ایجاد گورستانی عمومی، خانه‌سازی برای بینوایان و بی‌خانمان‌های شهر و دیگر خدمات سودمند برای مردم باز نداشت. خصال نیک اخلاقی، کرامت‌های انسانی و دلسوزی برای جامعه سبب شد که طلاب و طبقات دیگر نسبت به این جمع متدین و مسئول، ارادت بورزند. (۲)

در شب نهم صفر سال ۱۳۵۳ ه. ق، سیل ویرانگری از سه نقطه شهر به سوی مناطق مسکونی این دیار سرازیر شد و خانه‌های بسیاری را ویران و گروهی را آواره ساخت. آیت الله حائری به کمک آیت الله اراکی و دیگر شاگردانش، مرکز اعانه‌ای تشکیل داد و از مردم کمک خواست که مبالغ چشمگیری جمع‌آوری، و برای تعمیر خانه آسیب‌دیدگان هزینه شد. همچنین در مبارک آباد (واقع در کوچه رهبر و اطراف آن) مجتمعی مسکونی با پنجاه عمارت ساخت که به افراد بی‌خانمان، اختصاص یافت. در یکی از سال‌هایی که قحطی، زندگی نیازمندان قم را تهدید می‌کرد، دارالاطعامی راه‌اندازی شد که در آنجا به نیازمندان غذا می‌دادند و به بینوایان رسیدگی می‌کردند. (۳)

۱- علما و رژیم رضاخان، صص ۲۴۹-۲۵۷.

۲- تشیع و مشروطیت در ایران، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۳- سید محمدجواد مَهری، «پاسداران بزرگ اسلام (حاج شیخ عبدالکریم حائری بنیان‌گذار حوزه علمیه قم)»، مجله پاسدار اسلام، مرداد ۱۳۶۳، ش ۳۲، صص ۵۳ و ۵۴؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۱۷۶.

کاروان دیانت و معرفت که مؤسس حوزه در رأس آن بود، با دیدی ژرف و اندیشه ای متین، موضع گیری های مدبرانه ای در پالایش سوگواری ها و مراسم مذهبی داشت. حتی به لزوم نظم در حوزه، تقسیم کار، مشاغل روحانیت و اعزام مبلغ و لزوم آشنایی مبلغان به زبان های فرانسه و انگلیسی توجه کرد. مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری درصدد بود در این باره اقدامی انجام دهد، ولی برخی جوسازی کردند که می خواهد سهم مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را صرف افرادی بکند که می خواهند زبان بیگانه فراگیرند. (۱)

آیت الله حائری، خورشیدی بود که از افق عتبات عراق طلوع کرد و نهایت درخشندگی و تابش خود را در شهر مقدس قم بروز داد و مرحوم آیت الله اراکی، آیت الله گلپایگانی و ده ها شخصیت دیگر، ستارگان منظومه این شمس دانش و معنویت بودند. شیخ عبدالکریم و حامیان و یارانش، حوزه ای را بنیان نهادند که به گفته آیت الله اراکی، خداوند متعال از طرف حضرت حسین بن علی علیه السلام خواسته که این برنامه به نحو احسن انجام گیرد. ایشان در این باره می گوید: «بنیان حوزه علمیه قم به نظر و توجه اباعبدالله الحسین علیه السلام گذاشته شده و چیزی که حضرت اباعبدالله بنیان نهاده باشد امریکا و روس و بالاتر از آنها نمی توانند آن را از بین ببرند». (۲)

اقامه نماز جماعت

اقامه نماز جماعت

با ارتحال آیت الله العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری، کسی که می توانست امامت نماز جماعت در شهر مقدس قم را به عهده بگیرد، آیت الله اراکی بود؛ زیرا در زمان حیات ایشان، هر وقت آقای خوانساری به دلایلی نمی توانست

۱- آیت الله مؤسس، ص ۴۷؛ مهدی بروجردی، درد بی درمان، ص ۲۸.

۲- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۶، ص ۱۴.

برای امامت نماز جماعت حاضر شود، آیت الله اراکی این کار را انجام می داد. به علاوه شدت مصاحبت و ارادت و علاقه ای که مرحوم شیخ محمدعلی اراکی به آیت الله خوانساری داشت، سبب شده بود هیچ کس از ایشان به آیت الله خوانساری نزدیک تر نباشد. از این رو، جانشینی یکی به جای دیگری، امری طبیعی و مورد قبول همگان بود. همچنین اعتقاد و اعتمادی که حوزویان، به خصوص مُدرسان و فضلاهی برجسته نسبت به پارسایی، عدالت و وارستگی آیت الله اراکی داشتند، این دو عامل را تقویت می کرد.

آیت الله اراکی حدود ۳۵ سال در محراب نماز جماعت، مقتدای مشتاقان وصال قرب الهی و برآورنده آرزوی سالکان شریعت محمدی در این عروج ملکوتی و جمع عارفانه بود. وی نخست در کنار بارگاه حضرت آیت الله حائری در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به اقامه جماعت پرداخت و پس از آن در بقعه شاه عباسی حرم (مسجد امام خمینی) فریضه ظهر و عصر را و در مدرسه فیضیه تا چند سال، نماز مغرب و عشا را اقامه کرد. (۱)

نماز مدرسه فیضیه از حیث کمیت و کثرت شرکت نمازگزاران، جزو پرجمعیت ترین نماز جماعت های قم بود و از جنبه کیفی و محتوا، بدون مبالغه می توان گفت که بی نظیر بود. اقتداکنندگان به آیت الله اراکی، اهل علم، مدرسین عالی مقام حوزه، مجتهدان برجسته و گروهی از پارسایان و وارستگان بودند؛ حرکتی عبادی و اجتماعی که مؤمنانی چون امام خمینی، علامه طباطبایی، حاج سید احمد زنجانی، سید محمد محقق داماد در آن حضور می یافتند. محتاط ترین افراد به لحاظ میزان اعتماد به عدالت امام

۱- دیدار با ابرار، ج ۸۲، ص ۸۳؛ یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۲۱۲.

جماعت، بدون هیچ گونه دغدغه ای در این نماز شرکت می کردند. نماز جماعت ظهرها خلوت تر بود؛ ولی آنچه جلب توجه می کرد، این بود که آیت الله اراکی برای اقامه نماز، با آنکه باید در گرمای طاقت فرسای تابستان، پیاده از منزل به حرم می آمد، با همان شوق و علاقه می آمد. منظور ایشان رضایت الهی و ثواب اخروی بود، نه جمعیت و شکوه و جلال ظاهری، این ویژگی، اخلاص فوق العاده و زلالی روح ایشان را نشان می دهد. (۱)

برپایی نماز عبادی _ سیاسی جمعه

برپایی نماز عبادی _ سیاسی جمعه

تا پیش از هجرت آیت الله حائری به قم، در این شهر مقدس و مذهبی، نماز جماعت اقامه نمی شد. در همان اوایل، مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد ارباب، به ایشان پیشنهاد می کند نماز جمعه را احیا کنند. مرحوم حائری جواب می دهد باید این موضوع را به بحث بگذاریم. پس از بحث و تدریس صلات جمعه، نظرش به وجوب تخییری آن تعلق می گیرد. در این حال باز اقامه نماز جمعه را به مرحوم حائری یادآور می شوند، ولی چون رضاخان اجتماعات دینی را ممنوع شده کرده بود، خودش برای اقامه آن حاضر نمی شود، اما می فرماید اگر آیت الله حاج شیخ عباس قمی آن را برپا کند، من هم شرکت می کنم، ولی این برنامه عملی نمی شود. در سال ۱۳۵۳ ه. ق حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و در سال ۱۳۵۵ ه. ق، حاج شیخ عبدالکریم به سرای باقی کوچ می کنند.

آیت الله خوانساری بنابر فتوای خود، برقراری نماز جمعه را احتیاط واجب می دانست. این دیدگاه فقهی و اجتهادی نشان می دهد که فقاقت ایشان با درک سیاسی و توجه به مسائل اجتماعی آمیخته بود؛ زیرا برپایی

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۲۱۳.

نماز جمعه با برکات و ثمراتی که دارد، بهترین راه تحکیم مبانی ارزش های قرآنی در جامعه است. سرانجام پس از سال ها که این سنت پسندیده، مهجور مانده بود، به همت این فقیه فرزانه، در سال ۱۳۲۰ خورشیدی برابر با ۱۳۶۰ه.ق در مدرسه فیضیه برگزار شد. حضور وسیع مردم در این نماز عبادی _ سیاسی و پیوستن چند تن از ائمه جماعت شهر قم به این جمع باشکوه معنوی، بر عظمت آن افزود، به گونه ای که مدرسه فیضیه گنجایش نمازگزاران را نداشت. از این رو مکان جدید و دومین مسجد جامع شهر، یعنی مسجد امام حسن عسکری علیه السلام برای این عبادت تعیین شد. این نماز نه تنها اشتیاق مردم قم را برمی انگیزد، بلکه شمار زیادی از علاقه مندان را از شهرهای مجاور، مانند کاشان، تهران و اراک، به قم فرامی خواند. آنان با وجود محدودیتی که از نظر وسیله نقلیه داشتند، به هر زحمتی که بود، خود را به این جمع ملکوتی می رساندند. (۱)

آیت الله حاج شیخ ابوالحسن مصلحی، آقازاده آیت الله اراکی در این باره می گوید:

مرحوم خوانساری بعد از نماز بارانی که اقامه کرد و مؤثر واقع شد و قم را از خشک سالی نجات داد و نیز عظمت مذهب، دیانت و روحانیت را به نمایش گذاشت، شدیداً مورد توجه اقشار گوناگون مؤمنین قرار گرفت. از همین رو، افراد زیادی به نماز جمعه اش می آمدند. در همان ایام، روزهایی که مرحوم خوانساری کسالت داشت پدرم به جای ایشان اقامه نماز جمعه می کرد و گاهی که آیت الله خوانساری دیر می آمد به ایشان اقتدا می کرد و خطاب به پدرم می فرمود: شما در خطابه و تهییج نمازگزاران از من قوی ترید. بعد که حضرت آیت الله بروجردی به قم آمدند و دیدگاهی خاص درباره اقامه نماز

۱- سید محمدتقی خوانساری بر چشمه ساران حضور، صص ۶۲ و ۶۳.

جمعه داشتند، آیت الله خوانساری صلاح ندانست آن را ادامه دهد. لذا به پدرم فرمود) شما اقامه کنید. از آن به بعد نماز جمعه در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام قم از سوی پدرم اقامه می گردید. (۱)

آیت الله استادی یادآور شده است:

این حرکت عبادی باشکوه که نمونه آن حتی در جهان تشیع وجود نداشت، تا زمان هجرت مرجع عالی قدر شیعیان، مرحوم آیت الله بروجردی به شهر قم ادامه یافت. ایشان این بحث را تقویت کردند که اقامه جمعه از مناصب امام معصوم است و گرچه مانع برگزاری آن نگردیدند، اما برخی بررسی ها و ارزیابی ها به آنجا رسید که احتیاط در ترک آن است و از این جهت از شرکت کنندگان در نماز جمعه مرحوم خوانساری کاسته شد. در چنین وضعی آیت الله اراکی، گاه گاهی و این اواخر به صورت مداوم به جای آیت الله خوانساری امامت جمعه را به عهده گرفت. ایشان تا چند سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نماز جمعه را در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و در برخی اوقات در ماه مبارک رمضان کنار مرقد حاج شیخ عبدالکریم حائری و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در صحن بزرگ بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام اقامه، و شرکت کنندگان را از مواعظ و نصایح عبرت آمیز، آموزنده و بیدارکننده خود مستفیض می نمود. خطبه های این نماز که سال ها ادامه داشت و در واقع درس قرآن، نهج البلاغه، آموزش تقوا و اخلاق بود، برای شرکت کنندگان بسیار ارزش داشت و به آن فوق العاده اهمیت می دادند و حتی تا این اواخر برخی استادان و مشاهیر حوزه در آن شرکت می کردند. (۲)

ایشان همانند یک جلسه درس برای خطبه های نماز جمعه وقت می گذاشت و مباحث آن را مطالعه و ارزیابی می کرد و معمولاً غالب مباحث، متکی بر خطبه های نهج البلاغه بود. هر کس از ایشان می خواست وی را

۱- ستارگان خوانسار، ص ۴۰.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۲۱۷ و ۲۱۸.

نصیحت کند، آیت الله اراکی می گفت: تشریف بیاورید به نماز جمعه. آیت الله اراکی نماز جمعه را واجب تخییری می دانست و علاقه داشت در نظام جمهوری اسلامی، اقامه آن گسترش یابد.

آیت الله مصلحی می گوید:

رفته رفته نماز جمعه رونق افزون تری گرفت و با جمعیت زیادتری برگزار گردید و تا موقعی که امام خمینی به قم آمد، استمرار یافت. امام خمینی در ایام اقامت در قم، روزی به منزل آیت الله اراکی رفت. بعد از احوالپرسی و مقدمات متعارف و متداول، آیت الله اراکی به ایشان گفت: در وضع کنونی نظام اسلامی اقتدار دارد و شرایط برای اقامه نماز جمعه مهیا می باشد. امام پذیرفت و البته رفته رفته این سنت فراموش شده در سراسر کشور برپا شد. امام در آن جلسه از مرحوم اراکی خواست همچون گذشته به اقامه نماز جمعه ادامه دهد که بر اثر ازدحام جمعیت به صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام انتقال یافت. (۱)

به حق باید آیت الله اراکی را احیاگر مراسم عبادی _ سیاسی نماز جمعه در قم دانست. این مرد بزرگ، بیش از سی سال این عبادت را اقامه کرد و روح و جان هزاران نفر را که در میان آنان ده ها دانشور، مجتهد و مدرس حوزه دیده می شد، معطر ساخت و با استفاده از سخنان حضرت علی علیه السلام، با دلی سوزان و زبانی شیوا، آتش خوف الهی را در قلب حاضران برافروخت و اشک از دیدگان ایشان جاری ساخت. در واقع روزهای جمعه، نماز گزاران شاهد سخن گفتن واعظی متعظ و عالمی عالم بودند که سخنانش از دل برمی آمد و بر دل ها می نشست. (۲)

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۲۲۱؛ محمدجواد نورمحمدی، ناگفته های عارفان، دفتر دوم، ص ۶۶۶؛ مردان علم در میدان عمل، ج ۵، ص ۱۲۶.

۲- تربت پاکان قم، ج ۳، صص ۱۷۲۳ و ۱۷۲۴؛ فرهنگ رجال و مشاهیر تاریخ معاصر ایران، ج ۱، ص ۳۰۲.

آیت الله اراکی در این اواخر درباره امامت پیرمرد کثیرالسن، شبهه ای داشت که آیا اجازه دارد به خواندن نماز ادامه دهد یا خیر. به همین دلیل، نماز جمعه را در این اواخر ترک کرد. آیت الله اراکی در این باره می گوید:

من نماز جمعه را واجب تخیری می دانم و از خیلی سال ها قبل هم بنا بر حکم خودم اقامه می کردم؛ تا وقتی دیدم برای من پیرمرد اشکال دارد. عذر خواستم که دیگر سال خورده شده ام، اما باید دانست آثار اجتماعی خوبی دارد و از سنت های ائمه اطهار علیهم السلام است که هر جمعه جمعیتی را جمع کنند و نصایح و مواعظ را به گوش آنان برسانند. آنچه مناسب وقت و زمان عصر است، از مسائل سیاسی و اجتماعی را باید گوشزد کرد. (۱)

آغاز آشنایی با امام خمینی

آغاز آشنایی با امام خمینی

آیت الله اراکی حدود شصت سال با امام خمینی، انس و الفت داشته است. او درباره چگونگی این آشنایی می گوید:

امام خمینی مدتی در اراک بوده اند و در حوزه این شهر تحصیل می کرده اند و حتی منبر هم می رفته اند، ولی در آن ایام با ایشان آشنا نبودم؛ اما وقتی در قم بودیم معارفه تامی پیدا کردیم و یکی از هم صحبت های بنده بودند. گاهی اتفاق می افتاد از منزل تا میدان کهنه قم، حوالی شاهزاده حمزه، این راه را دو به دو طی می کردیم و ضمن صحبت ها و مباحثه ها برمی گشتیم و این مسئله کثیراً اتفاق افتاده بود. با هم خیلی مأنوس بودیم. آن اوایل که به قم آمدم، ایشان از من خواست تفسیر صافی فیض کاشانی را برایشان درس بگویم. چند شبی تدریس کردم، اما دیگر ادامه ندادم. امام هم اصراری نکرد. اوایل آشنایی ما این گونه بود. (۲)

آیت الله اراکی در جایی دیگر اشاره می کند: «با ایشان در اوایل خیلی مأنوس بودم، هر هفته از خانه ام تا میدان کهنه با هم برای تهیه سوخت

۱- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۶، ص ۱۵.

۲- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۵، صص ۱۹ و ۲۰.

می رفتیم و بوته و چوب گردو برای سوخت ناهار و شام تهیه می کردیم. هنگامی که آیت الله خوانساری در بستر بیماری قرار گرفت، امام به عیادت ایشان آمد. تا اینکه آن بزرگوار وقتی به همدان رفت، در این شهر رحلت نمود. پیکرشان را از همدان به سوی قم حرکت دادند و عده ای از روحانیان هم به استقبال جنازه آمده بودند. در بین راه قم و تهران، به آقا یونس که رسیدند، پیاده شدند. من هیچ کس را ندیدم این قدری که امام خمینی گریه می کرد، بگریید. شانه هایش بالا و پایین می رفت، در حالی که با یکدیگر هیچ نسبتی نداشتند. صرفاً عرق دینی داشت. این مرد متدین است. سرتا پا برای دفاع از دین حاضر است. حتی برای کشته شدن هم حاضر بود. وقتی کتاب اسرار هزار ساله را آقای حکمی نوشت، چون مقدسات دینی و شعائر مذهبی را مورد تهاجم قرار داده بود، امام خمینی بر اساس همان غیرت دینی کتاب کشف اسرار را در ابطال دیدگاه های او نوشت»^(۱).

«یک روز من احتیاج به مبلغی پول پیدا کردم. در حرم بودیم. به ایشان گفتم: آیا امکان دارد ده تومنی برای من پیدا کنی؟ پاسخ داد) صبر کن. به سرعت رفت و آن پول را آورد و تقدیم کرد. خیلی رثوف و مهربان است»^(۲).

حمایت از نهضت اسلامی

اشاره

حمایت از نهضت اسلامی

پس از ارتحال آیت الله بروجردی و آیت الله کاشانی، رژیم پهلوی تصور کرد برای رسیدن به برنامه های ضد اسلامی، زمان مناسبی است. در ۱۴ مهر ۱۳۴۰ خورشیدی، شاه و اسدالله علم که در پی فرصتی مناسب بودند، قانون انجمن های ایالتی و ولایتی را تصویب کردند. نقشه این بود که جلوه های

۱- مصاحبه با استاد بزرگوار آیت الله العظمی اراکی، مجله حوزه، دی ۱۳۶۴، ش ۱۲، ص ۲۸.

۲- آئینه داران حقیقت، صص ۸۶ و ۸۷.

مذهبی در این لایحه کنار گذاشته شود و مقدمات قانونی جهت تغییرات موردنظر فراهم آید. در متن تصویب نامه، قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و نیز برای تصدی بسیاری از سمت های کشوری مانند قضاوت، با صراحت حذف شده بود. در مراسم سوگند در مجلس شورای ملی، به جای قرآن مجید، کتاب آسمانی قید شده بود. تصویب این لایحه برای علمای اسلام، تحمل ناپذیر بود و این حرکت، نبرد علیه مقدسات دینی به شمار می آمد و مبارزه با آن تکلیفی شرعی بود. مراجع تقلید و علمای بزرگ حوزه قم، برای چگونگی رویارویی با این لایحه، جلسه تشکیل دادند و به دنبال آن در اعتراض به این مصوبه، تلگرافی به شاه مخابره کردند. واکنش شدید روحانیان که امام خمینی در رأس آنان قرار داشت، رژیم را وادار به عقب نشینی کرد و سرانجام در آذر ۱۳۴۱ آن را لغو کرد.^(۱)

آیت الله اراکی بارها می گفت کاری که امام خمینی انجام می دهد، من تأیید می کنم. در همان موقعی که امام در مخالفت با لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی اعلامیه ای صادر کرد، آیت الله اراکی هم در این باره اعلام موضع گرفت و در اطلاعیه ای یادآور شد: «راجع به تصویب نامه مشتمل بر سه مطلب معهود، عدم موافقت آن را با موازین شرع انور و عدم رضایت و نگرانی عمومی مسلمین جهان اعلام می دارد، ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۸۲ ه. ق. محمدعلی العراقی».^(۲)

در آن هنگام، آیت الله سید مصطفی خمینی از سوی امام به منزل ایشان آمد و به خاطر این اعلامیه ابراز شادمانی کرد. در ماجرای قیام سال ۱۳۴۲

۱- سید حمید روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۷۴؛ علیرضا امینی، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، صص ۲۶۰ - ۲۶۴.

۲- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۱۰۱.

خورشیدی، هنگامی که امام پرچم دار مبارزه با طاغوت بود و یک بار تصویری از ایشان در خیابان ارم قم نصب شده بود، آیت الله اراکی در حال بازگشت از مدرسه فیضیه، آن را مشاهده کرد و چون نگاهش را از عکس گرفت، این جمله را بر زبان آورد: «سوگند می خورم اگر صاحب این عکس در کربلا- می بود، جزو یاران حضرت اباعبدالله و شهدای کربلا- به حساب می آمد. وقتی به منزل آمدند و فرزندش ابوالحسن اطلاعیه های امام را برایش خواند، از شدت شوق و نشاط بر غیرت امام تحسین می نمود و اشک از دیده ها بر گونه هایش می ریخت. قبل از دستگیری امام خمینی توسط عوامل رژیم پهلوی دوم، آیت الله اراکی به اطرافیان خود گفت: از قول من به امام خمینی بگویید بنابر آنچه در روایات معصومین وارد گردیده است، در رأس هر صد سال، تجدد و احیاء برای مذهب می آید. من تمام علما را مورد ارزیابی قرار دادم و جز ایشان احیاء برای اسلام نیافتم. ایشان مجدد دین اسلام در قرن حاضرند».^(۱)

آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی در خاطره ای اظهار داشت:

در سال ۱۳۴۲ خورشیدی که آغاز نهضت اسلامی ایران بود، همراه آیت الله حاج آقا روح الله کمالوند، به حضور آیت الله اراکی شرفیاب شدیم. ایشان ضمن بیانات خود با اشاره به آیت الله کمالوند گفت: این همانم شما یعنی حاج آقا روح الله اگر در روز عاشورا در کربلا- حاضر بود، حتماً در صف اول یاران وفادار حضرت سیدالشهدا قرار می گرفت و به فیض شهادت نائل می آمد. یک بار هم که امام در بستر بیماری قرار گرفته بود و آیت الله اراکی به عیادتش آمد، همین عبارت را درباره رهبر کبیر انقلاب بر زبان جاری ساخت و نیز نقل شده است که در هنگام ملاقات با امام، مرحوم اراکی به

۱- «جلوه هایی از حیات آیت الله العظمی اراکی»، مجله پیام حوزه، سال اول، پاییز ۱۳۷۳، ش ۳، ص ۵۱؛ مجله حضور، خرداد ۱۳۷۲، ص ۱۱.

وی فرمود: شما در این قیام همان کاری را کردید که جدّ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با عمرو عبود کرد» (۱).

آیت الله شیخ ابوالحسن اراکی می گوید:

وقتی مرحوم والد امام را به عنوان احیاگر معرفی کردند، خدمت امام رفتیم و این ماجرا را خدمتشان گفتم. امام فرمودند: به ایشان بگویید برایم دعا کنند که این گونه باشم. بعد از تبعید امام به نجف اشرف، یک سال بعد به اتفاق به عتبات عراق رفتیم و در مدت اقامتشان در نجف اشرف، میهمان امام خمینی بودیم. این در حالی بود که آیت الله اراکی از سوی رژیم پهلوی تحت فشار قرار گرفته بود و از سوی دیگر، افراد دیگری از وی تقاضا کرده بودند برای پذیرایی و ضیافت آماده هستیم، ولی وی نپذیرفته بود، اما با افتخار میزبانی امام را قبول کرده بود. در این ایام حاج آقا مصطفی که به آیت الله اراکی علاقه داشت، به خدمت ایشان می رسید و با یکدیگر در موضوعات گوناگون صحبت می کردند. در همین سفر، روزی برای چندمین بار به امام گفتند، به نظر می آید که شما مجدد المذهب هستید و سپس مجددهای مذهب در هر قرن را برشمرده تا به قرن پانزدهم رسید و خطاب به امام گفت: به نظر شما مجدد المذهب قرن خامس عشر هستید. امام تبسمی نمود و فرمود: دعا کنید این گونه باشد. (۲)

البته برخی منابع یادآور شده اند که نخستین دیدار آیت الله اراکی با امام خمینی، در سفر عتبات عراق در کربلا صورت گرفت. هنگامی که ایشان وارد حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام شد، امام در حال خروج از حرم بودند که همدیگر را دیدند و یکدیگر را در آغوش گرفتند. در این حال آیت الله اراکی به گریه افتاد.

آیت الله اراکی خود به این ماجرا اشاره کرده و گفته است:

۱- مردان علم در میدان عمل، ج ۴، ص ۲۶۰.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۲۳۳.

ما مشرف شدیم به عتبات عالیات در حرم حضرت ابوالفضل العباس؛ توی رواق بودیم، جمعیت زیادی ازدحام کرده بودند، گفتند آقای خمینی اینجا است، به یکدیگر رسیدیم و با هم معانقه کردیم. این اولین ملاقات بود بعد از مدت مدیدی که همدیگر را ملاقات نکرده بودیم. گفتم: هر که با سادات درافتاد و رافتاد. امام خمینی گفتند: بگو با آل علی هر که درافتاد و رافتاد. امام دست بنده را گرفت و آن را فشار داد و رفت. بعد آقای شهاب الدین اشراقی، دامادشان، در محل اقامت ما آمد و گفت: امام فرمودند وقتی آیت الله اراکی این عبارات را بر زبان جاری ساخت، بغض گلویم را گرفت و چون نتوانستم بایستم، زود حرکت کردم. (۱)

دفاع از امام خمینی و انقلاب اسلامی

دفاع از امام خمینی و انقلاب اسلامی

آیت الله اراکی به مناسبت های گوناگون و در موقعیت های بسیار، از امام خمینی و خیزش امت مسلمان به رهبری او تجلیل کرده است. از جمله فرموده است:

ما در مدت پنجاه سال که با این شخص بزرگ آشنایی پیدا کردیم، جز تقوا، دیانت، سخاوت، شجاعت، بزرگی نفس و قلب، کثرت دیانت و جدیت در علوم نقلی و عقلی و مقامات عالی و... در او نیافتیم. ایشان مرد جلیلی است و او را به جلالت شناختم. بسیار مرد پاکی است. پاکی نفس دارد. پاکی ذاتی و درونی دارد و این بر همه خلق، معلوم شده است. مردی باتقوا به تمام معنا و فداکار اسلام به تمام معنا. این مرد قد مردانگی علم کرد و در مقابل کفر ایستادگی نمود. البته ید غیبی هم با او همراهی نمود، به طوری که کارهایش محیر العقول بود. او (حضرت امام) جان بر کف گذاشته است و برای تبلیغ قرآن و دین حنیف اسلام جانبازی می کند. خداوند یک قوه غریبی در این مرد قرار داده که به هیچ احدی نداده است. همچنین جرئت و شهامتی به وی داده که به کمتر کسی داده است. او مانند جدش علی بن ابی طالب است و

داستان عمر بن عبدود را در اذهان زنده می‌کند. این همه قلدرها در دنیا نعره و فریاد می‌زنند، ولی او ابداً ترسی به دل راه نمی‌دهد. ان شاءالله خداوند از چشم بد محفوظش بدارد و آنچه می‌خواهد و در دل دارد، خداوند نصیبش کند. البته امت مسلمان ایران از این نعمت عظمایی خدایی قدردانی می‌کند و ان شاءالله تعالی در پیروی از او با جان، مال، ید و لسان و هر قوه‌ای که در اختیار دارند، کوتاهی نکنند و خدای نکرده به واسطه افکار شیطانی نسبت به ایشان ظلم عظیمی به نفس خود نمایند. (۱)

ایشان در جای دیگری می‌گوید:

امروز [زمان حیات امام خمینی] جماعت دنیا که رئیس آنان امریکا و شوروی است و سایرین؛ همه که دست بسته آنان هستند، همگی در یک طرفند و آقای خمینی، تنها. امتحان بزرگی است. قسم می‌شود خورد به والله که این مرد نیک‌نفس آدمی است و هیچ غرضی جز ترویج دین ندارد. او در برابر زورگویی‌های رژیم پهلوی ایستاد و نگذاشت به دیانت لطمه‌ای بزند. اگر نبود نهضت حضرت سیدالشهدا و آن شهادت‌های بنی‌هاشم، اسلام حفظ نمی‌شد و این وضع ادامه یافت تا به ماها رسید. امیدوارم این نهضت هم از طرف خدا باشد و ترحمی از خداوند باشد و ان شاءالله به جایی برسد. (۲)

وقتی از ایشان پرسیدند: امام مکرر فرموده است که برای حل و فصل امور قضایی نیاز به قاضی است. وظیفه روحانیت در این باره چیست؟ جواب داد: «این موضوع به امام خمینی برگشت دارد؛ زیرا کسی است که بسط ید و نفوذ کلمه دارد، نفوذش به تمام اعماق مملکت رفته و اوست که باید اشخاص شایسته‌ای را در این امر تعیین کند». (۳)

آیت الله خرازی نقل کرده است: «آیت الله اراکی گفته بود امام خمینی

۱- سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی به روایت جمعی از فضلا، مصاحبه و تنظیم: رضا جوادی، ج ۶، صص

۱۱ _ ۱۵؛ امیررضا ستوده، پا به پای آفتاب، ج ۳، صص ۲۱۵ _ ۲۱۷.

۲- آینه داران حقیقت، صص ۸۷ و ۸۸؛ مجله حوزه، ش ۱۲، صص ۴۴ و ۴۵.

۳- همان.

طاغوت ۲۵۰۰ ساله را از ایران بیرون راند، پس ما باید او را حمایت کنیم»^(۱).

آیت الله اراکی در خاطرات خود نوشته است:

خداوند متعال در برهه های گوناگون تاریخی به شهر قم نظر رحمت داشته است و هرگونه قصد سوئی را که ستمکاران درباره این دیار داشته اند، قطع کرده است. در اخبار و احادیث، مطالب زیادی در مدح قم و اهل آن آمده است؛ و حتی وارد شده است اگر تمام اطراف را فتنه فرو گیرد، بر شما باد به قم که بلا از آن دور شده است؛ یا فرمودند از این شهر، علم به اطراف منتشر می گردد و از اینجا حجت بر خلق تمام می شود و داریم می بینیم همین طور است. وسیله ظاهری او مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری گردید. فعلاً هم آقای خمینی است. بی دینی، اطراف را گرفته بود و دشمن می خواست اهل ایران را به خودشان ملحق کنند، ولی خداوند متعال این وضع را نخواست و سایر شهرهای ایران به برکت قم که امام خمینی از آن برخاست، نجات پیدا کرد. حالا معلوم می شود که صدق فرمایش های اهل بیت چگونه دارد ظاهر می گردد که فرموده اند بر شما باد به قم و اطراف آن.^(۲)

«یک زمانی آیت الله اراکی به دلیل کسالت، در بیمارستان قلب تهران و بعد در بیمارستان شهید لباف نژاد بستری شد. در تمام این مدت مورد توجه خاص امام قرار گرفت و رهبر کبیر انقلاب به پزشک معالج ایشان فرموده بود: شما عبادت بزرگی را انجام می دهید که برای درمان این مرد خدا همت می ورزید. بعد امام به فرزند آیت الله اراکی سفارش کرده بود: وقتی والدتان از بیمارستان مرخص شد، به طور جدی از ایشان مراقبت کنید. بعد از اینکه آیت الله اراکی از بیمارستان مرخص، و معالجات مؤثر واقع شد، ایشان به اتفاق فرزند، آیت الله شیخ ابوالحسن اراکی به محضر امام رسیدند. همین که

۱- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۴۰.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۳۷۹.

آیت الله اراکی از در اتاق محل اقامت امام وارد شد، گفت: «السلام علیک یا بن رسول الله بابی انت و امی» و بعد نسبت به امام ابراز علاقه زیادی کرده و درباره این تکریم و اشتیاق و ارادت، فروتنانه گفت: من خود لا-یق نمی باشم، اما افتخار می کنم فرزند کسی هستم که به سادات زیاد احترام می گذاشت و خود را خادم فرزندان حضرت زهرا علیها السلام معرفی می نمود». (۱)

شدت علاقه ایشان به حضرت امام خمینی، در اطلاعیه ای که وی به مناسبت ارتحال حضرت امام در ۱۴/۳/۱۳۶۸ صادر کرد، به خوبی هویدا است:

بسم الله الرحمن الرحيم. ان الله و انما اليه راجعون. با قلبی آکنده از غم و اندوه و چشمی گریان، ضایعه اسفناک و فقدان دردناک مرحوم مغفور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی طاب ثراه را اولاً- به ساحت مقدس حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سپس به حوزه های علمیه و علمای اعلام و عموم مؤمنین و بیت معظم له، به خصوص فرزند گرامی ایشان، جناب حجت الاسلام جناب حاج سید احمد خمینی تسلیت می گویم. فقدان این مرد بزرگ که حقاً مجدد المذهب فی القرن الحاضر است، مصیبتی است جبران ناپذیر. امروز اسلام و مسلمین پشتوانه بزرگی را از دست داده و امیدواریم همچون گذشته دست غیبی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بر سینه نامحرمان زده و مکر شیاطین و کفار و اعداء اسلام را نقش بر آب فرماید و عزت و عظمت مسلمین را افزوده نماید. اکنون چاره ای نمی بینیم، جز اینکه به حضرت رب العالمین پناهنده شویم و از درگاه حضرتش رحمت و مغفرت و علو درجات آن امام معظم و پیشوای مکرم را تقاضا می نمایم. الاحقر محمد علی العراقی. (۲)

-
- ۱- روزنامه رسالت، ۱۰/۹/۱۳۷۳، ش ۲۵۷۸، ص ۴؛ مجله پیام حوزه، پاییز ۱۳۷۳، ش ۳، ص ۵۲؛ روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۵۷؛ سید عبدالله فاطمی نیا، شرح و تفسیر زیارت جامعه کبیره، ص ۳۵۰.
 - ۲- روزنامه جمهوری اسلامی، سه شنبه ۲۳/۳/۱۳۶۸، ش ۲۹۰۷، ص ۱۱.

پشتیبانی از نظام اسلامی و مقام معظم رهبری

پشتیبانی از نظام اسلامی و مقام معظم رهبری

آیت الله اراکی در موقعیت حساس پس از رحلت امام خمینی که دشمنان سوگندخورده اسلام از هر سو چشم طمع به انقلاب دوخته بودند و نقشه‌هایی خطرناک در ذهن بیمار و قلب آلوده خود طراحی می‌کردند، خردمندان در جهت حفظ نظام اسلامی کارهای مهمی انجام داد و ضمن پیامی، رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای را تأیید، و حمایت خود را از آن رهبر فرزانه اعلام کرد. در فرازی از این پیام آمده بود:

... انتخاب شایسته جناب عالی به مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران، مایه دلگرمی و امیدواری ملت قهرمان ایران است. شکی نیست که در موقعیت حساس کنونی، حفظ نظام جمهوری اسلامی که از اهم واجبات شرعی است، متوقف به این امر مهم می‌باشد. اینک این جانب با ابتهال و تضرع به درگاه ربوبی و با استغاثه به ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، دوام تأییدات و توفیقات آن جناب را در انجام این مسئولیت بسیار سنگین خواستارم. بدیهی است در متشابهاات امور شرعی و مسائل مهم مملکتی، مشورت با مراجع عظام و علمای اعلام راهگشای همه خواهد بود. (۱)

مقام معظم رهبری نیز در پاسخ به تلگرام آیت الله العظمی اراکی نکاتی را مطرح کرد که فرازی از آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحیم، محضر شریف مرجع بزرگوار، آیت الله العظمی آقای اراکی... از تعبیرات محبت آمیز و ادعیه زاکیه آن جناب نسبت به این جانب و توصیه صوابی که فرموده اید، صمیمانه سپاسگزارم. این جانب با استمداد از تفضلات و توفیقات الهی و با توسل به ذیل عنایات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تصمیم قاطع دارم که در جهت تحقق حاکمیت اهداف مقدسه اسلامی و استقرار کامل حاکمیت شرع مبین که آرزو و وصیت رهبر فقید و عزیزمان

می باشد، تمامی تلاش ممکن را به کار برده و همه نیروها را در آن راه بسیج می نمایم. از آن جناب تقاضا دارم که این جانب را همواره مشمول دعوات زاکیه خود قرار دهید. (۱)

پس از تأیید رهبری مقام معظم رهبری، اقدام مهم دیگر آیت الله اراکی تنفیذ احکام صادره از سوی امام خمینی بود. جمعی از نمایندگان حضرت امام از محضر ایشان خواستند، نظر مبارک خویش را درباره اجازات کتبی امور حسبه و اخذ وجوه شرعی که حضرت امام خمینی به ائمه محترم جمعه و علمای مورد اعتمادشان در حوزه علمیه قم و شهرستان ها داده اند، بیان فرمایند. آیت الله اراکی در پاسخ فرمودند: «این جانب کلیه اجازات کتبی را که حضرت امام به نمایندگان و علمای مورد اعتمادشان داده اند، با همان کیفیت تنفیذ می نمایم». (۲)

در زمینه جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، دیدگاه آیت الله اراکی این بود که چون در این نبرد، اسلام و مسلمانان مورد تهاجم واقع شده اند، شرکت در آن و تقویت رزمندگان، ضرورت دارد.

وقتی از ایشان پرسیدند نظر خود را درباره جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی بیان کنید، پاسخ داد:

نظریه من هم مثل امام خمینی است. ایشان و تمام علما نظرشان این است که هرگاه اسلام در خطر باشد، باید تمام مسلمان ها در مقام دفاع برآیند. دولت های خارجی دست به دست هم داده اند و می خواهند اسلام را سرنگون کنند و این آیین را از میان بردارند و چون دیدند حقیقت اسلام در مذهب شیعه اثنا عشری است، با آن به دشمنی برخاستند. از این روی باید در مقام دفاع برآمد و به هر شکل و به هر نوع که امکان دارد، اسلام راستین را حفظ کرد.

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲/۳/۱۳۶۸، ش ۲۹۰۶، ص ۱۱.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲/۳/۱۳۶۸، ش ۲۹۰۶، ص ۱۱.

جنگ هم همان دفاع است و پاسداران هم همان رزمندگان هستند که از این حقیقت اسلام حمایت می کنند و تمامشان مؤید و منصورند ان شاءالله تعالی. (۱)

آیت الله اراکی در موقعیت های حساس که نظام جمهوری اسلامی نیاز به حمایت و تقویت داشت، از هیچ گونه کوششی فروگذار نمی کرد. ایشان در پیامی درباره انتخابات مجلس خبرگان در ۱۵/۷/۱۳۶۹ یادآور شد:

چون حفظ این نظام از گزند حوادث، موقوف است به حضور خبرگانی که در مواقع حساس به وظیفه خود اقدام نمایند، بنابراین شرکت در انتخابات مجلس خبرگان و تعیین افراد صالح یکی از وظایف اسلامی و اساسی هر فرد مسلمان می باشد. امید است مردم مسلمان با حضور فعال خود در این امر مهم، همچون گذشته، دین خود را به اسلام ادا نموده و در تثبیت این نظام مقدس که ضامن اجرای احکام نورانی اسلام است کوشا باشند. (۲)

همچنین در آستانه برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی این پیام را صادر کرد:

اهتمام به امور مسلمین و محرومین از اهم وظایف اجتماعی و دینی هر فرد مسلمان است و اهمیت آن به قدری است که تارک آن غیر مسلم شمرده شده است و همچنین نظارت بر حسن اجرای امور مملکتی و جلوگیری از کج روی ها و انحرافات به اندازه اصل نظام مقدس جمهوری اسلامی اهمیت دارد و این اهتمام و نظارت برای آحاد افراد ممکن نیست، مگر با انتخاب نمایندگان صالح و متدین که این وظیفه را به نمایندگی از طرف موکلین خود به عهده بگیرند و به خوبی انجام دهند. بنابراین شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی و گزینش افراد صالح و متدین از اهم وظایف اسلامی و اجتماعی است، به خصوص در مقطع حساس کنونی که با فروپاشی نظام الحاد و کفر بلشویکی و نوید شدن محرومان از نویدهای دروغین کمونیست ها، چشم امید آنان به ام القرای جهان اسلام (ایران) دوخته

۱- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۵، ص ۱۵.

۲- روزنامه کیهان، ۱۵/۷/۱۳۶۹، ش ۱۴۰۱۶، ص ۲.

شده و با توجه به اینکه هرچه گرایش جهانیان به این مشعل هدایت بیشتر می شود، توطئه استکبار برای خاموش کردن این نور الهی، بیشتر و اهمیت شرکت در انتخابات، مضاعف می گردد، پیام من به ملت رشید و بیدار ایران این است که بدون اعتنا به وسوسه خناسان، با شرکت گسترده و فعال در این انتخابات، رشد مذهبی و سیاسی خود را بار دیگر به اثبات رسانده، مشتی محکم بر دهان یاهو گویان و دشمنان اسلام کوبیده و دوستان انقلاب را در سراسر جهان امیدوار سازند. (۱)

فرازی از پیام ایشان درباره انتخابات رئیس جمهوری چنین است:

از آنجا که حفظ نظام اسلامی ایران و اجرای احکام نورانی قرآن و دفاع از ارزش های معنوی که از اهم فرایض است، بستگی کامل به مجریان متعهد و اسلام شناس و مقاوم دارد، لازم است آحاد ملت در انتخاب رئیس جمهوری متعهد و باایمان و شایسته کوشش و سعی کامل بنمایند که این وظیفه ای است الهی و بیانگر رشد و شخصیت دینی و معنوی جامعه ما و مشتی محکم است بر دهان یاهو گویان و دشمنان داخلی و خارجی و استعمار خون خوار و جهان خوار که در کمین نشسته و زوال و اضمحلال این نظام مقدس را آرزو می کنند. امید است رئیس جمهور منتخب در شرایط حساس کنونی، بدون هیچ گونه مسامحه و اعمال نظرهای شخصی در اجرای احکام نورانی اسلام که همان منویات امام راحل رحمه الله و مقام معظم رهبری است، موفق و مؤید باشند. (۲)

آیت الله ابوالحسن اراکی (مصلحی) می گوید:

[مرحوم والد] بارها می فرمودند حفظ نظام واجب است و در این جهت خودشان هم در تمام صحنه ها حاضر بودند و در تمام انتخابات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مثل انتخابات مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، ریاست جمهوری و غیره [، شرکت می کردند] حتی در این راستا

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۹/۹/۱۳۷۳، ص ۲.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۹/۹/۱۳۷۳، ص ۲.

اعلامیه هم می دادند و در بعضی مواقع که عده ای تشکیکاتی مطرح می کردند، ایشان می فرمودند بدون اعتنا به وسوسه های خناسان شرکت کنید. (۱)

آیت الله اراکی در پاسخ به نامه مورخ ۲۵/۷/۱۳۷۱ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، یادآور شد:

استقلال حوزه ها همواره باید حفظ شود؛ امام خمینی بر آن تأکید زیادی داشتند، مقام معظم رهبری [نیز] بر آن اصرار دارند. در عین حال که حوزه های علمیه وظیفه دارند نیازهای نظام اسلامی را از نظر فقهی، فرهنگی و سیاسی تأمین نمایند، با نظام در ارتباط باشند «ذَلِكَ بَانَ اللَّهُ مُجَارَى الْأُمُورِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ». بدیهی است پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی نظام کفر و الحاد جهانی و بازگشت کشورهای اسلامی به آغوش اسلام، موقعیت حوزه های علمیه قم نسبت به تأمین نیازهای جهانی و جوامع و کشورهای اسلامی بسیار بااهمیت شده است و می رود که به خواست خداوند متعال همان پیشگویی امام صادق علیه السلام درباره مرکزیت قم برای دانش و انتشار آن به سراسر جهان و اتمام حجت به همه افراد انسان ها لباس عملی بیوشد. (۲)

۱- «جلوه هایی از حیات آیت الله العظمی اراکی»، مجله پیام حوزه، سال اول، ش ۳، صص ۵۰ و ۵۱.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۲۵۳.

فصل پنجم: فضیلت های اخلاقی و خصال عالی

اشاره

فصل پنجم: فضیلت های اخلاقی و خصال عالی

زیر فصل ها

آئینه صدق و صفا

در وصف مورخان و علما

باران بیداری

ارادت به خاندان طهارت

عابد صالح

تماشای تزکیه

ساده زیستی و قناعت

فرازهایی از فروتنی

همت مضاعف

غیرت دینی

حالات ملکوتی

مشاهده آتش

تشخیص درست

شفای بیماری

پرهیز از مجادله

آئینه صدق و صفا

آئینه صدق و صفا

آیت الله اراکی در اخلاص و صفا زبانه‌زد خاص و عام؛ و در تقوا و تعهد، سرآمد روزگار؛ و در آگاهی و آشنایی با فرزندانگانه پرهیزکار و پارسا، بی‌مانند بود. آن جامع دانش و فضیلت از مفاخر فقه، ادب و کمال و در زمره ستارگان درخشان حوزه‌های علمیه به شمار می‌آید و به حق باید وی را «بقیه‌السلف الماضین، شیخ‌الفقها و المجتهدین و أسوه‌العلماء الربانیین» نامید؛ شخصیتی که حدود یک قرن در بیت علم، فضل و وارستگی زیسته و کمالات علمی خویش را به زیور حلم، تواضع و زهد آراسته بود.

سیمای منورش حکایت از انس او با عبادت و تزکیه، و نگاه نافذش، نشان از بصیرت و فراست، همراه با ایمانش داشت. بیان آمیخته با حلاوتش، نشانه هدایت و تربیت؛ و قد خمیده اش، یادآور سنگینی بار علم و تقوا بود. وجود روحانی اش، نشانه شخصیت عظیم و کمالات نفسانی و کرامت‌های عالی انسانی بود، و محضر گرم، عالمانه و باصفای وی که همراه با جاذبه‌ای روحانی بود، در روح و روان افراد، نشاطی معنوی ایجاد می‌کرد.

در وصف مورخان و علما

در وصف مورخان و علما

سید علی‌رضا ریحان یزدی که خود ناظر تلاش‌های علمی و آموزشی آیت‌الله اراکی بوده است، می‌نویسد:

آقا شیخ محمدعلی عراقی، فرزند حاج میرزا آقا فراهانی است. در همان اوقات که حوزه علمیه [اراک] به قم انتقال یافته بود، ایشان نیز از علمای مهاجر بودند و از خَصَّیصین آیت اللهی [حاج شیخ عبدالکریم حائری] به شمارند؛ چه بیشتر تحصیلات ایشان خدمت معظم له بوده و امروز از مدرسین و دانشمندان موثق حوزه به شمارند. (۱)

آیت الله سید محمدتقی خوانساری که با وی انس بسیاری داشته و در مباحثه‌ها و بررسی‌های فقهی به کمالات علمی و اخلاقی آیت الله اراکی پی برده بود، درباره او گفته است:

... کوه طلا- و خاکستر در نظرش یکسان است. شش دانگ حواسش در امر تحصیل و مطالعه و بحث است. ایشان الحق از مصادیق بارز «وَمَنْ يُدْكَرْ كَمَ اللَّهُ رُؤْيَتْهُ وَ يَزِيدُكُمْ فِي الْعِلْمِ مَنْطِقَهُ» هستند. حافظه غریبی دارد که فکر می‌کنم بر اثر انس با مطالعه و تدبر و تفکر در قرآن است. (۲)

هم مباحثه او، آیت الله سید احمد خوانساری نیز چنین گفته است: «... ایشان گنجینه علم حاج شیخ [عبدالکریم حائری] است». (۳)

مؤلف کتاب رجال قم: «[آیت الله اراکی] از دانشمندان و پارسایان بسیار متواضع و فروتن قم است. او اکنون [نیم قرن قبل] از استادان حوزه علمیه قم است». (۴)

شیخ محمد شریف رازی

این مرد بزرگوار که مجسمه علم و پیکره صفا و سادگی است، از اقران بسیار نزدیک مرحوم آیت الله سید محمدتقی خوانساری و از مفاخر اسلام و عالم تشیع و به خصوص حوزه علمیه قم و از برجسته‌ترین شاگردان مرحوم

۱- آئینه دانشوران، ص ۱۷۲.

۲- «فقیه پارسا و ذخیره گرانها»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷/۹/۱۳۸۱، ش ۶۷۹۰، ص ۹.

۳- مجله پیام حوزه، ش ۳، پاییز ۱۳۷۳، ص ۵۵.

۴- محمد مقدس زاده، رجال قم، ص ۵۳.

آیت الله حائری می باشد. معظم له [که] قدیمی ترین اصحاب و تلامذه مرحوم آیت الله حائری است اکنون [۱۳۷۴ ه. ق.] از جمله اساتید مفید حوزه علمیه است. حقاً مجلس بحث و درس فقه و به خصوص اصول ایشان که این کمترین هم افتخار شرکت و حضور آن را دارم، از دروس خارج استدلالی و اجتهادی بسیار پرارزش حوزه علمیه [قم] است. محاسن آداب و محسنات اخلاقی معظم له که علم خود را به حلم و تواضع آراسته نموده بیش از وصف و تعریف ما می باشد. (۱)

استاد محمد شریف رازی در اثر دیگر خود، گنجینه دانشمندان (۲) شرح حالی از آیت الله اراکی آورده است که چون شبیه این مطالب است، از درج آن خودداری کردیم.

آیت الله سید محمدرضا گلپایگانی:

من خدا را شکر می کنم که زنده ماندم و شاهد تجلیل از ایشان هستم. همیشه تأسف می خوردم که چرا از این عالم بزرگوار تقدیر لازم به عمل نمی آید. (۳)

آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری:

هر آنچه نزد پدرم (حاج شیخ عبدالکریم) بوده است، نزد ایشان یافت می شود. (۴)

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای:

این عبد ممتحن خدا و عالم زاهد و پارسا و این ذخیره گران بهای الهی در روزگار ما و این بقیهالسلف الصالح و یادگار اساطین علم و عمل و تقوا از

۱- محمد شریف رازی، آثار الحجه، ج ۲، صص ۶۸ و ۶۹.

۲- محمد شریف رازی، آثار الحجه، ج ۲، صص ۶۳ - ۶۵.

۳- مجله مسجد، ش ۱۷، ص ۹۷.

۴- مجله مسجد، ش ۱۷، ص ۹۷؛ مردان علم در میدان عمل، ج ۵، ص ۱۴۲.

جمله برگزیدگانی بود که عمر طولانی و پربرکتی را بی کمترین خدشه و شائبه ای در طهارت و نزاهت و قداست و معنویت به سر آورده، راه خدا را با گامی استوار و اراده ای خلل ناپذیر طی کرد و یک قرن، دل و جان منور و پاکیزه خود را در برابر جلوه های رنگارنگ دنیای فانی، تسلیم ناپذیر و تسخیرناپذیر نگاه داشت. در امتحان های دشواری که در یک زندگی صد ساله و در حوادث بزرگ و کوچک آن، در برابر هر کسی قرار می گیرد، مانند کوه استوار و بی تزلزل باقی ماند. هرگز به دنیا و مقام و جلال آن نیندیشید و هرگز احساسات شخصی، ایشان را از شناختن و پیمودن راه خدا باز نداشت. به سوی شهرت و محبوبیت و مقبولیت قدمی برنداشت و آنگاه که مقدس ترین و گرامی ترین نوع شهرت و محبوبیت، با انتخاب شدن از سوی میلیون ها انسان مؤمن به مرجعیت تقلید، به سراغ او آمد، با آن بسی کریمانه و بزرگ منشانه روبه رو شد. اگرچه حاجت مردم را [در این راستا] برآورد و آنان را در راه خدا دستگیری کرد، اما خود همان عبد محتاج رحمت الهی باقی ماند و دل خاشع و روح پارسای خود را با محبت الهی و ولایت اولیای معظم خدا بیش از پیش پیوند زد... (۱).

آیت الله عبدالله جوادی آملی:

فقاہت شیخ الفقہا، حضرت مستطاب آیت الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و صیانت نفس معظم له و نزاهت حضرتش از هوا و هوس و اطاعت از ساحت قدس مولای غیب و شہود، مورد گواہی است. کامل ترین نماز که در صفوفش علما، فضلا و طلاب حضور داشتند، نماز ایشان بود. بعضی از محققان دیرباور که به هر کسی اقتدا نمی کردند، در کمال طمأنینه نفس به ایشان اقتدا می کردند. مدرسه فیضیه سال ها شاهد پرشکوه ترین نماز جماعت

علما به امامت ایشان بوده است. این بزرگ مرجع جهان تشیع یک قرن را به عنوان عبد ممتحن الهی امتحان داد. اینکه شیخ الفقها دست به قلم [ببرد] و فتوا بدهد، لطف خدای سبحان در این برهه زمان و مدد غیبی بود. هیچ کس فکر نمی کرد که در آستانه یک قرن عمر، کسی که اهل زهد و تقوا بود و اصلاً اهل مرجعیت و فتوا نبود، قلم به دست گیرد و فتوا بدهد. (۱)

آیت الله العظمی شیخ محمدتقی بهجت فومنی در روز ارتحال آن مرجع یگانه، با حزن وافر گفت: «ارتحال آیت الله اراکی در این زمان و در این شرایط مانند این است که پنجاه مرجع تقلید، یک زمان از دنیا رفته باشند». (۲)

آیت الله رضا استادی که مدت مدیدی به درس خارج فقه و اصول آیت الله اراکی می رفت و با ایشان انس و الفت داشت، ضمن اشاره به زندگی ساده و زهد آیت الله اراکی، از درس و بحث و نماز جماعت وی سخن گفته و یادآور شده است:

ایشان نماز ظهر و عصر را در بخش جنوب غربی حرم، آنجایی که شاه عباس مدفون است، اقامه می کرد. اینجا برخلاف نماز مغرب و عشا که در فیضیه اقامه می کردند و جمعیت انبوهی از طلاب و فضلا و مدرسان شرکت می کردند، مأمومین اندک بودند و اغلب با چند نفر نماز را اقامه می کردند، درعین حال با چه شوقی ظهرها از خانه تا حرم برای اقامه نماز و زیارت پیاده می آمدند. رفتار و کردارشان واقعاً برای همه درس اخلاق بود. به نماز در حرم خیلی اهمیت می داد. همیشه بعد از نماز به زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و توسل مقید بود. نماز جمعه اش هم واقعاً درس اخلاق بود. (۳)

آیت الله محمدتقی مصباح یزدی:

یکی از امتیازات آیت الله العظمی اراکی، جامعیت بین موارث علمی نجف و کربلا و سامرا بود. از دیگر خصوصیاتش اینکه زندگی توأم با قناعت و زهد

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲/۳/۱۳۶۸، ش ۲۹۰۶، ص ۱۱.

۲- دیدار با ابرار، ج ۸۲، ص ۱۰۸.

۳- خاطرات حاج شیخ رضا استادی، ص ۱۰۵.

و سادگی داشتند، در تهذیب اخلاق زبانزد بودند و هر کس که با ایشان کمترین معاشرتی داشت، متوجه می شد که وی بر هوای نفس، غالب شده است. (۱)

آیت الله شیخ جعفر سبحانی، این گونه به ویژگی های اخلاقی آیت الله اراکی اشاره کرده است:

چند ویژگی در این بزرگوار بود، اولاً- انسان کم حرفی بود. مادامی که الزامی نبود، سخن نمی گفت که حاکی از یک نوع حساب در زندگی است و ثانیاً ساده زندگی می کرد و زندگی زاهدانه عجیبی داشت و همه علما و شخصیت های بزرگ پشت سر ایشان نماز می خواندند و در عدالت و تقوایش همگی متفق بودند. (۲)

استاد سید عبدالله فاطمی نیا:

خیلی پاییند مستحب و واجب بود. وقتی به ایشان پیشنهاد کردند نماز جماعت را به خاطر ضعیف ترین افراد اقتداکننده به امام جماعت، کوتاه تر بخواند، پاسخ داد من اضعف از خودم کسی را سراغ ندارم. ایشان رابطه روحی قوی با اولیا داشت، مخصوص با حاج آقا سید حسین قمی. عشق به ائمه داشت. وقتی نام مقدس ائمه بر زبان جاری می گردید، اشک از دیدگانش جاری می گشت. (۳)

آیت الله سید محسن خرازی که با وی همسایه و مانوس بوده و مدت سی سال از محضرش بهره برده است، می گوید:

ما نزدیک ۲۸ سال با ایشان در ارتباط بودیم. یک ذره هوای نفس در او مشاهده نکردیم. حتی زیر بار مرجعیت نمی رفت. زمام مقام در دستش بود. از تقدم کسی و تأخر خود ناراحت نمی شد و از تقدم خود خوش حال نمی شد. این ناشی از نفس مطمئنه او بود. مجالس ایشان خیلی سودمند بود.

۱- دیدار با ابرار، ج ۸۲، ص ۱۰۶.

۲- مجله پیام حوزه، پاییز ۱۳۷۳، ش ۳، ص ۴۷.

۳- دیدار با ابرار، ج ۸۲، ص ۱۰۹، به نقل از: مصاحبه تلویزیونی.

با افراد انس می گرفتند. با افراد در هر مجلسی صحبت می کردند. داستان ها، کرامات، اخلاقیات و معارف را بیان می کردند. هیچ گاه در مجلسش لغو و بیهوده دیده نشد. موعظه، پند و تعلیم بود. (۱)

استاد آیت الله عباس علی عمید زنجانی:

ایشان در ردیف شاگردان درجه اول شیخ عبدالکریم حائری بودند. هم دوره های ایشان بسیاری از فقها و مراجع بودند که از دنیا رفته اند. همه آنان به مقام والای آقای اراکی معترف بودند و سابقه ایشان را ملحوظ می داشتند. در سال های ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ خورشیدی، مکرر به خدمتشان می رسیدم. بارها نام از پدرش می برد و تأسف می خورد و خود را در مقابل تقوای پدرش کوچک می دید.

بعد از ورود به قم، مجتهدی برجسته بود. در تدریس تواضع علمی فوق العاده ای داشت. همچنین مقام شیخ الفقهایی از مبرزترین خصالش بود. به دلیل قدمت در تحصیل و فقاوت و قداست و تقوا و پاکی ای که داشت، سلمان زمان و شایسته مرجعیت مطلقه بود. عمر بابرکت او از نمونه هایی [است] که در سلف صالح می بینیم؛ چه از نظر پاکی و چه از نظر زهد و وارستگی از دنیا. زندگی بسیار ساده، اما روحی بزرگ به فراخی رضوان خدا داشت. (۲)

مرحوم آیت الله محمدحسن احمدی فقیه یزدی: «آیت الله اراکی از بزرگان علما و فقها بوده و نمونه بارز زهد و تقوا و حجت عظمی در صیانت نفس از هوا و هوس و اطاعتش از ولی الله اعظم مورد گواهی خاص و عام است». (۳)

برخی منابع نوشته اند که (۴) امام خمینی درباره آیت الله اراکی گفته است: «اگر ایشان در صحنه کربلا حاضر بودند، عدد شهدای کربلا به ۷۳ نفر

۱- دیدار با ابرار، ج ۸۲، ص ۱۰۵؛ روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۵۷.

۲- دیدار با ابرار، ج ۸۲، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۳- ویژه نامه رحلت حضرت آیت الله اراکی، روزنامه کیهان، ۹/۹/۱۳۷۳، ص ۲.

۴- از جمله: مردان علم در میدان عمل، ج ۵، ص ۱۴۲؛ اختران فقاوت، ج ۲، ص ۱۱۷۵.

می رسید»، ولی به نظر می رسد این سخن را آیت الله اراکی درباره امام خمینی گفته است. چنان که در کتاب پا به پای آفتاب (۱) به این نکته اشاره شده است. بنابراین مؤلفانی که دچار این خطا شده اند، ضرورت دارد در طبع بعدی کتابشان، این نکته را اصلاح کنند تا این نقل اشتباه به منابع بعدی سرایت نکند.

یک بار استاد امجد به خدمت آیت الله اراکی رسیده بود؛ در همان تابستانی که چند ماه بعدش ایشان دار فانی را وداع گفت. از ایشان پرسیدند آقا محصول این صد سال عمر شما چه بود. آیت الله اراکی در پاسخ، این شعر را خواند:

آنچه من با خویش کردم هیچ نابینا نکرد

در میان خانه، صاحب خانه را گم کرده ام

به آن مرجع عالی قدر گفته شد: آقا بیشتر بفرمایید. این بار شعر ذیل را خواند:

کارساز ما به فکر کار ماستفکر ما در کار ما آزار ماست (۲)

باران بیداری

باران بیداری

آیت الله اراکی بر این باور بود که ثقلین، ارثی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امت مسلمان داده شده است. ما باید با آن آشنا شویم و حق آن را ادا کنیم، ولی متأسفانه با وجود این دو ثقل گران مایه، متوجه شرق و غرب و دنبال روش آنان هستیم. مگر قرآن و عترت کفایت نمی کند که به دنبال این و آن هستیم. از موجودی خود غفلت داریم یا نمی خواهیم استفاده کنیم. (۳)

۱- پابه پای آفتاب، ج ۴، ص ۲۱۷.

۲- ناگفته های عارفان، ج ۲، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.

۳- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۵۹.

«ایشان با قرآن کریم انس مستمری داشت. روزانه یک جزء قرآن و در ماه مبارک رمضان سه جزء قرآن تلاوت می نمود. به مباحث تفاسیر قرآن هم علاقه وافری داشت و در بین آنان به تفسیر جوامع الجامع مراجعه می کرد و چون آیت الله سید محسن خرازی پرسیده بود به چه دلیل این کتاب را برای مطالعه انتخاب فرموده اید، پاسخ داد: چون مختصر و مفید است. روزهای جمعه خطبه های نهج البلاغه را برای ایراد خطبه های نماز جمعه مطالعه و بررسی [می کرد]، و فرازهایی از آن را برمی گزید و با استناد به آنها، حقایق عبرت انگیز و هشداردهنده را مطرح می کرد».^(۱)

به برکت انس با قرآن و منابع روایی دلی بیدار داشت. گاه که قاریان قرآن و نوجوانان با لحن خوش، آیاتی از کلام خدا را در حضورش تلاوت می کردند، منقلب، و اشک از دیدگانش بر محاسن سپیدش جاری می شد؛ به گونه ای که حاضران را متأثر می ساخت. افراد با تماشای سیمای نورانی این مرد الهی که تحت تأثیر تلاوت آیات قرآن دگرگون و از خود بی خود شده بود، مجذوب صدق و اخلاص او می شدند. آری او قلب پاکی داشت که وقتی برایش قرآن می خواندند، بر ایمانش افزوده می شد.^(۲) مردان خدا و اولیای امر، همیشه خود را در محضر ربوبی مشاهده می کنند و مدام خود را مقصر می دانند که مبادا در پیشگاه حضرت باری تعالی دستی خالی داشته باشند. به همین دلیل، در معاشرت با مردم، تبسم بر لب دارند، ولی حزنی عمیق بر دل و ذهن آنان سایه افکنده است و اصولاً هر چه معرفت و بصیرت افزون تر باشد، این خوف افزون تر است و آیات قرآن و مضامین نهج البلاغه بانگ بیدارباشی برای آنان خواهد بود.^(۳) هر گاه به مناسبتی، گروهی

۱- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۵۷؛ نام های ماندگار، ص ۱۸؛ مجله آینه پژوهش، ش ۲۸، ص ۱۱۴.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۵.

۳- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۷.

در محضرش حاضر می شدند، با تکیه بر آیات قرآن و خطبه ها و حکمت های نهج البلاغه، برای آنان پندهایی دل نشین و آموزنده می گفت و تا توان داشت در دیدار با قشرهای گوناگون، به تناسب حال و میزان درک و فهمشان، نکاتی عبرت آمیز در قالب تمثیلات، قصص و گاهی اشعار پند آمیز بیان می کرد. گویا خود را موظف می دید مطالبی را به گوش آیندگان برساند و آنچه از آموخته ها در سینه به ودیعه سپرده بود، به دیگران منتقل کند. حتی اگر مسئولان و کارگزاران نظام به حضور ایشان می رسیدند، برای آنان نیز از قرآن و عترت سخن می گفت و سفارش می کرد برای رفع مشکلات بندگان خدا و محرومان و رسیدگی به امور شیعیان اهتمام جدی داشته باشند و در هیچ شرایطی کوتاهی نکنند.^(۱)

آیت الله سید محسن خرازی می گوید: «حوالی شهریور ۱۳۷۳ خورشیدی خدمت آیت الله اراکی رسیدم. ایشان اشعار اُزری را می خواند و آه و ناله می کرد و ما را متوجه خدا، عالم برزخ و حساب و کتاب دنیای باقی می ساخت».^(۲) در اواخر عمر هرچند که به ظاهر در سلامتی به سر می برد، این اشعار را زیاد می خواند.

عن قریب است که از ما اثری باقی نیست

شیشه بشکسته و می ریخته و ساقی نیست

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۸.

۲- روزنه هایی از عالم غیب، صص ۳۵۷ و ۳۵۸.

آیت الله اراکی ارادت بسیاری به آیت الله شیخ محمدحسین غروی اصفهانی داشت و در روزهای وفات و عید، دیوان اشعار این فقیه زاهد را می خواند و به شدت می گریست. به دیوان حافظ و برخی سرودهای بیدارکننده علاقه داشت و گاهی وقت ها از نوادگانش می خواست اشعاری از این شاعر بزرگ را برایش بخوانند که از جمله این سروده بود:

سال ها دل طلب جام جم از ما می کرد

آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد

گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم

گفت آن روز که این گنبد مینا می کرد(۱)

ارادت به خاندان طهارت

ارادت به خاندان طهارت

«علاقه آیت الله اراکی به اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ریشه خانوادگی داشت و از خاندانش به وی [رسیده] و با... روح و روانش آمیخته شده بود. البته او این شوق را به وسیله معرفت و بصیرت، عمیق تر [کرد]. هنگام ذکر مصائب ائمه اطهار و اولیای خداوند، از خود بی خود می شد. هرگاه در منزل تنها بود و مجلس روضه ای برقرار نبود، خود به کتب مقاتل و اشعار مرثیه مراجعه می کرد و برای خویشتن روضه می خواند و زار زار می گریست. با اینکه در این اواخر از میزان شنوایی او کاسته شده بود و گاهی اوقات صدای واعظ و سخنرانی را به درستی و دقیقاً نمی شنید، هنگام ذکر مصیبت گریه می کرد. بعد از پایان مجلس سوگواری از ایشان می پرسیدند: آیا تمامی مطالب را شنیدید؟ جواب می داد: به خوبی نمی شنیدم، ولی نزد خودم مطالب را به مناسبت، مجسم و حدیث نفس می کردم».(۲)

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۵.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۶.

هنگام تشریف به بارگاه ائمه هدی در عتبات عالیات عراق، سرزمین حجاز و حرم حضرت امام رضا علیه السلام در مشهد رضوی، زیارت جامعه کبیره را، در حال قیام و به حالت بکا می خواند و چندین بار در حین خواندن، عینکش را پاک و با دستمال، چشم هایش را خشک می کرد. گاه زیارت خواندن او یک ساعت طول می کشید، ولی احساس خستگی نمی کرد و با قدی خمیده و در دوره پیری و با وجود ضعف شدید مزاج، این همت توأم با شوق وی، سبب تعجب زائران و ناظران می شد. (۱)

استاد حاج محمدرضا الطاقی نشاط نقل کرده است:

یک بار در حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بودم. بنده ایستادم بینم آیت الله اراکی چه کار می کنند. ایشان معمولاً بالاسر می ایستاد و عصا را زیر چانه اش می گذاشت و چون نمی توانست به راحتی بایستد، دو دست را می گذاشت روی عصا و با قد خمیده شروع می کرد به خواندن زیارت جامعه کبیره. دقت کردم دیدم هنگام خواندن زیارت جامعه اشک ایشان جاری شد، اشکی که از گونه ها و محاسن عبور کرد و آمد روی دست ها و از دستان او به سوی عصا و از عصا به زمین رسید؛ این گونه اشک می ریخت. به ساحت مقدس امام حسین علیه السلام ارادت ویژه ای داشت و به محض شنیدن مصائب آن حضرت، سرشک غم از دیدگانش می بارید و تحمل شنیدن کوچک ترین اهانت به آن امام مظلوم را نداشت. یک بار که کتابی درباره سالار شهیدان چاپ شده و در آن مطالبی دون از شأن امام معصوم درج شده بود، به شدت برآشفته و ناراحتی خویش را از این بابت آشکار ساخت. (۲)

وقتی احساس کرد برخی فرقه های منحرف می خواهند در ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تردید ایجاد کنند، رساله ای در اثبات امامت و ولایت

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۶؛ ناگفته های عارفان، ج ۲، ص ۱۳۶.

۲- مجله آینه پژوهش، ش ۲۸، ص ۱۱۳.

آن حضرت نگاشت که ضمیمه تفسیر القرآن و العقل چاپ شده است. در مدح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به این اشعار
علاقه داشت که در میان نوشته های ایشان درباره مکاسب محرمه به دست آمد:

ای مهین بانوی نه خانه خلاقِ قَدَم

ای تو بانوی همه کشور ملک و ملکوت

سرّ ناموس رسول مدنی خاتم

ای تو خاتون همه ملک عرب تا به عجم (۱)

بارها به اطرافیان و شاگردان خویش می گفت: «هرگاه مشکلی پیدا می کنم، یک دور تسبیح صلوات می فرستم و ثواب آن را
نثار ائمه اطهار می کنم. آنگاه مشکل من به آسانی حل می شود. البته این کار را بیشتر در مورد مشکلات علمی انجام داده
ام.» (۲)

در بیستم اردیبهشت ۱۳۶۴ در دیدار با برخی طلاب تأکید کرد که آدم باید سعی اش این باشد که مثل عمر و عاص نشود و این
را از خدا بخواهد. مخصوصاً وقت افطار و سحر در ماه مبارک رمضان که وقت استجاب دعاست، از خدا بخواهیم علاقه ما به
امیرالمؤمنین و یازده فرزندش باقی بماند. این باید عمده حاجت ما در هر وقت باشد. اوقاتی که به مشاهد مشرفه، مشهد
رضوی و سایر مشاهد می رویم، بهترین حاجت که بخواهیم، عافیت در دین است که ما را در دین محفوظ بدارد و از شر
شیطان و نفس اماره و هوس ها حفظ کند. (۳)

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۳۰.

۲- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۶۳.

۳- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۳۵۶.

آیت الله اراکی به سادات و فرزندان پیامبر و ائمه بسیار ارادت داشت و برای آن بزرگواران حرمتی ویژه قائل بود؛ به گونه ای که خود، خدمت به همسر علویه بیمارش را بر عهده گرفت و نیز آیت الله سید محمدتقی خوانساری را به دامادی خویش برگزید. (۱)

آیت الله حاج شیخ ابوالحسن مصلحی گفته است:

حضرت والد علاقه عجیبی به سادات داشتند و این موروثی پدرشان بود که می فرمودند پدرم یک سطر دعا برای همه ذریه های پیامبر اکرم درست کرده بود و بعد از [هر] نمازی می خواند. مدام می فرمود: من خود لایق نیستم، اما افتخار می کنم فرزند کسی هستم که به سادات، زیاد احترام می گذاشت. (۲)

عابد صالح

عابد صالح

«شب زنده داری، گریه های شبانه، مناجات در سحرگاهان، مداومت بر نوافل و خواندن ادعیه معروف و معتبر، از عادات پسندیده و مستمر آیت الله اراکی بود. بخش مهمی از اعمال روزانه اش عبادت بود و هیچ کاری ایشان را از ذکر الهی بازمی داشت. از خانه که برای تدریس در مدرسه فیضیه می آمدند، در طول راه یا به پرسش های شاگردان پاسخ می دادند یا به ذکر و تسبیح مشغول می شدند. هنگام اقامه جماعت، نماز را طول می داد، عده ای از نمازگزاران می گفتند لطفاً مقداری قنوت، رکوع و سجود را مختصر و کوتاه کنید. آقای اراکی خطاب به آنان می گفت: اگر منظورتان رعایت حال مأمونین ضعیف است، من از همه ضعیف ترم. ایشان را باید به حق احیاکننده مراسم عبادی _ سیاسی نماز جمعه در شهر مقدس قم معرفی کرد؛ چرا که در عصر تیرگی های ناشی از ستم رژیم

۱- مجله آینه پژوهش، ش ۲۸، ص ۱۱۳.

۲- روزنامه رسالت، ۱۳۷۳/۹/۱۰، ش ۲۵۷۸، ص ۴.

پهلوی، به مدت سی سال این آیین پرشکوه را اقامه کرد و طی آن دل و ذهن و روح و روان صدها انسان را که در بین آنان عالم و اهل فضل دیده می شدند، عطر آگین می ساخت. (۱)

آیت الله خرازی نوشته است: «آیت الله اراکی معمولاً دو ساعت به اذان صبح برمی خاستند و با توجه، به عبادت و تهجد و مناجات با خدای خود می پرداختند و در شب های جمعه دعای کمیل را در قنوت می خواندند». (۲) بر خواندن دعای امین الله مداومت داشت. (۳)

آیت الله مصباح یزدی یادآور شده است: «از برجستگی های شخصیت ایشان این بود که در عمل به وظایف شرعی به هیچ وجه غفلت نمی کردند، در وظایف عبادی شان از انواع عبادات، نوافل و مستحبات و رعایت آداب شرعی فروگذار نمی کردند». (۴)

آیت الله استادی می نویسد:

آری، اولیای خداوند هنگامی که سرگرم مناجات با محبوب حقیقی می شوند از خود غافل می گردند و از عالم ماده و عوارض آن بی خبر می شوند. به همین سبب مقام معظم رهبری می فرمود: شرح حال این مرد بزرگ و به تصویر کشیدن زوایای زندگی پر از معنویت ایشان را عارفی دل سوخته و شاعری زبردست می تواند و باید بنگارد. (۵)

قلبی رئوف و مهربان داشت و هر کس به او التماس دعا می گفت، خود را موظف می دید که در حق وی دعا کند. به همین دلیل نام خودش و پدرش را از او می پرسید. (۶)

۱- «جلوه هایی از حیات آیت الله العظمی اراکی»، مجله پیام حوزه، سال اول، ش ۳، صص ۴۹ و ۵۰.

۲- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۵۶.

۳- ناگفته های عارفان، ج ۲، ص ۱۵۴.

۴- روزنامه رسالت، ۱۳۷۳/۹/۱۳، ش ۲۵۷۹، ص ۴.

۵- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۶.

۶- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۵.

تماشای تزکیه

تماشای تزکیه

از ویژگی های برجسته آیت الله اراکی این بود که به وسیله تزکیه و تصفیه درون و زدودن غبارهای گوناگون از روح و روان خود، بر تمامی گرایش های نفسانی غلبه یافت و جان پاک خویش را در برابر جاذبه ها و جلوه های فناپذیر انسانی، پایدار و تسلیم ناپذیر ساخت. برای کسب رضایت الهی، بر احساسات شخصی و تمایلات فردی پا نهاد و برای رسیدن به محبوبیت های اجتماعی و حتی شهرت ممدوح گامی برنداشت، بلکه در این مسیر عقب نشینی کرد. با اینکه حدود هشتاد سال قبل نوشته هایی ارزشمند در فقه و اصول و مباحث کلامی تألیف کرده بود که همگی تازگی و جذابیت داشت، طالب فراوانی داشت و فضلا و طلاب به وی اصرار می کردند که آنها را چاپ کند، ولی ایشان با کمال بی اعتنایی خودداری می کرد و می گفت برای چاپ و یادگاری نوشته ام. در نماز جماعت، کثرت و قلت جمعیت مأمومین برای او فرقی نداشت. گاه نماز جمعه و جماعت را با انبوه کثیری از علما و فضلا و متدینین در مدرسه فیضیه و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام می خواند و گاهی هم با معدودی انگشت شمار. برای او این دو حالت تفاوتی نداشت. در درس هم گاهی شاگردانش اندک بودند که برایش فرقی نمی کرد. از شهرت و مقام گریزان بود و گامی برای مرجعیت و ریاست امور شرعی برنداشت؛ با اینکه زمینه آن با چاپ آثارش فراهم بود. (۱)

هیچ گاه جاذبه های مادی این عالم که اهل دنیا را فریفته و به خود مشغول داشته و سبب غفلت است، در دل آیت الله اراکی رخنه نکرد، چراکه او خود را از هر چه رنگ تعلق داشت، رها ساخته بود. به راستی نور شمع های دودآلود نمی تواند در برابر پرتوافکنی خورشید خودنمایی کند و کسی که با

عالم عرشی انس دارد و در فضای عالم قدس گردش می کند، به این امور فانی و ناچیز اعتنایی ندارد. «یکی از بزرگان می گفت روزی در مدرسه فیضیه به آیت الله اراکی گفتم: آقا با این وضع ساده ای که شما می آید و می روید، هیچ وقت به مقام مرجعیت نمی رسید. ایشان در پاسخ عباى خود را تکان داد و گفت: من گرد و غبار این مقام را از عبايم ريخته ام. هرگاه برای افتا به ایشان اصرار می شد، می فرمود علمای اسلام بحمدالله هستند. به آنان مراجعه کنید»^(۱).

آیت الله میرزا ابوالحسن مصلحی اراکی در خاطره ای گفته است:

پدرم نسبت به وضع خودش و زندگی و حتی لباس و غذا هیچ توجهی نداشت و هیچ گاه نگفت فلان غذا نامطبووع است یا درست طبایخی نشده است، زیرا تمام توجه او به مسائل معنوی و عبادی بود. وقتی در مدرسه فیضیه بسته شد، در مسجد کوچکی نماز می خواند و این وضع تغییری در روحیه ایشان به وجود نیاورد.^(۲)

شخصی از اهالی شیراز در قم به منزل آیت الله اراکی رفته و به وی گفته بود، بنده از ارادتمندان شما هستم. مرحوم اراکی گفته بود: خود را معرفی کنید. آن شخص گفت: آل طیب هستم. آن مرجع وارسته به وی گفت: دعا کنید من از آل شیطان نباشم.^(۳)

ساده زیستی و قناعت

ساده زیستی و قناعت

مرحوم آیت الله اراکی، روزگار را به دشواری می گذراند. آیت الله سید محمد تقی خوانساری، زمانی بخشی از هزینه زندگی وی را از راه عبادت استجاری تأمین می کرد، ولی بعد از ارتحال این مرجع از هیچ یک از مراجع و

۱- «جلوه هایی از حیات آیت الله العظمی اراکی»، مجله پیام حوزه، سال اول، ش ۳، صص ۴۹ و ۵۰.

۲- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۵۳.

۳- ناگفته های عارفان، ج ۲، ص ۲۰۲.

علما و جهی نمی پذیرفت. امام خمینی مبالغی برایش می فرستاد، ولی او خودداری می کرد. با اینکه مکرر از ایشان تجلیل و تمجید و بارها در مصاحبه ها و اعلامیه ها او را تأیید می کرد. (۱)

«کسانی که با زندگی آیت الله اراکی و فرزند ارشدش آیت الله مصلحی آشنا بوده اند، می دانند پیش از دوران مرجعیت آیت الله اراکی، خانه و زندگی آنان در حد مردم متوسط بود و در این ایام همان وضع قبلی ادامه داشت و این والد و ولد از کنار بیت المال و وجوهات شرعیه با کرامت انسانی عبور کردند و هیچ گاه دامن آنان به امور مادی، رفاه طلبی و عافیت جویی آلوده نشد و این از افتخارات مذهب تشیع، علمای ربانی و حوزه های علمیه شیعه است که همواره این گونه شخصیت های زاهد و پارسا در رأس امور قرار می گیرند که زندگی ساده آنان برای همگان سرمشق خوبی می تواند باشد». (۲)

آیت الله استادی می گوید:

آیت الله اراکی با آن همه عظمت علمی، زندگی ساده ای داشت. وضع مالی ایشان نامناسب بود، به خصوص قبل از مرجعیت. اوضاع رفاهی ایشان بیشتر ناراحت کننده بود، زیرا رفت و آمد مردمی نداشت و به حداقل ممکن بسنده کرده بود. در چند سال آخر عمر که به مقام مرجعیت رسید، تا حدودی در منزل و محل سکونت او تغییراتی به وجود آمد و این دگرگونی هم، برای رفاه مردمی بود که به دیدنش می آمدند و در بیت شریف او در رفت و آمد بودند، و الا در طول یک قرن زندگی می توانم بگویم ایشان و خانواده اش هیچ وقت در رفاه نبودند. (۳)

آیت الله مصباح یزدی یادآور شده است: «ایشان بسیار ساده زندگی

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۴.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۲۲۷ و ۲۲۸.

۳- خاطرات حاج شیخ رضا استادی، ص ۱۰۵.

می کردند. موارد زیادی پیش آمده بود که وجوهی به ایشان تقدیم کرده بودند و ایشان از گرفتن آن اجتناب داشتند و به مقداری که حداقل نیازشان را برآورده کند، قناعت می کردند»^(۱).

خانه آیت الله اراکی در هنگام مرجعیت همان منزل چهل سال قبل ایشان بود و در این ایام، زندگی او تغییری نیافت.^(۲)

فرازهایی از فروتنی

فرازهایی از فروتنی

این مرد بزرگ، نماز جماعت خود را در مسجدی کوچک (مسجد امام خمینی، حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام) اقامه می کرد و تا آیت الله سید محمدتقی خوانساری زنده بود، به احترام ایشان از تدریس و برگزاری نماز جماعت پرهیز، و پیوسته پشت سر ایشان حرکت می کرد.^(۳) با اینکه ده سال از امام خمینی بزرگ تر بود و از نظر سوابق تحصیلی بر ایشان تقدم داشت، وقتی به محضرش می رسید، در سلام کردن بر رهبر کبیر انقلاب پیشی می گرفت و اجازه نمی داد امام بر او سلام کند.^(۴)

با اینکه بر مراجع، فقها و مدرسان حوزه علمیه قم تقدم داشت و همه قبول داشتند او از سابقین حوزه اراک است و از اول با مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری بوده است و آنها بعد از وی آمده بودند، ولی در برابر علمایی چون آیت الله گلپایگانی متواضع بود و ریاست شرعی آنان را قبول داشت و از دنیا به درس و بحث و تربیت شاگردان فاضل قناعت کرده بود.

۱- مجله پیام حوزه، سال اول، ش ۳، ص ۴۶ و ۴۷.

۲- مجله آینه پژوهش، ش ۲۸، ص ۱۱۴؛ نام های ماندگار، ص ۱۸.

۳- مجله آینه پژوهش، ش ۲۸، ص ۱۱۴.

۴- «فقیه پارسا و ذخیره گرانبها»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷/۹/۱۳۸۱، ش ۶۷۹۰، ص ۹؛ پیام حوزه، پاییز ۱۳۷۳، ش ۳، ص ۵۰.

در غیاب افراد، از نیکویی های آنان سخن می گفت و مدام برای سلامتی آنان دعا می کرد و هر وقت افرادی از طرف بزرگان حوزه به محضرش می آمدند، از آنان احوالپرسی می کرد و بر ایشان سلام می فرستاد و دعایشان می کرد. از معاصران متأخر خود در درس اسم می برد و حتی نقل قول می کرد و مثلاً می گفت آیت الله گلپایگانی این انتقاد را بر درس حاج شیخ عبدالکریم حائری داشت و بعد دیدگاه ایشان را مطرح می کرد و از اینکه نام معاصران را در مباحث علمی و فقهی بر زبان آورد، ابایی نداشت. (۱)

البته در ادامه، دیدگاه خود را نیز می گفت و اگر پاسخ آن اشکال، کاستی هایی داشت، می گفت ما این پاسخ را از استاد نپسندیدیم. یکی از علمای حوزه گفته است: «آیت الله اراکی را مدت ها می دیدم که بعد از نماز مغرب و عشا از مدرسه فیضیه به سوی صحن مطهر می رود و بر سر مرقدی نشسته و برای صاحب آن، فاتحه ای می خواند. پرسیدم آیا ایشان از بستگان شما هستند؟ پاسخ داد: خیر، بلکه این شخص متوفی، منقبتی از دریای مناقب امیرالمؤمنین برای من باز گفت که تا آن وقت به گوشم نخورده بود. اکنون به پاس حرمت وی و اینکه چیزی به من یاد داده است، هر شب برایش فاتحه می خوانم». (۲)

همت مضاعف

همت مضاعف

آیت الله اراکی همواره اوقات زندگی خویش را به آموختن و آموزش دادن، تألیف، حفظ و قرائت قرآن، مطالعه، عبادت، تفکر در جهان هستی و آفرینش اختصاص داده بود. (۳)

۱- «مصاحبه آیت الله شیخ ابوالحسن مصلحی»، روزنامه کیهان، ۱۳۷۴/۹/۱۰، ص ۷.

۲- مجله پیام حوزه، سال اول، ش ۳، ص ۴۸.

۳- اختران فضیلت، ص ۷۵.

به فرمایش آیت الله سبحانی، آیت الله اراکی گزیده گو بود و مادامی که ضرورتی نمی دید، سخنی نمی گفت و این نشانه حسابگری در زندگی است. (۱)

افرادی که با ایشان معاشرت داشتند، متوجه می شدند که ایشان برای غلبه بر خواهش های نفسانی، همت فوق العاده ای داشت و بر اثر این اهتمام بااهمیت، موفق شده است به آرزوهای شخصی و لذات دنیوی پشت کند. البته گفتن و نوشتن این مسائل آسان به نظر می رسد، ولی کسی که بخواهد یک قرن با پاکی و وارستگی زندگی کند و در این مدت آلوده نشود، کاری بزرگ انجام داده است و خداوند متعال چنین توفیقی را به وی ارزانی داشت. (۲)

آیت الله اراکی همگام با تزکیه و فعالیت های علمی و آموزشی در همه زمینه های فردی و اجتماعی، از وظایف اسلامی و شرعی غافل نبود. آداب دینی و معاشرتی را درباره اهل خانه، حقوق همسر، فرزندان، همسایگان، خویشاوندان، دوستان، آشنایان، شاگردان و اطرافیان مراعات می کرد. این اهتمام نیز کار آسانی نبود و نشانه دقت، فراست، تدبیر و ایمان و پارسایی ایشان بود. (۳)

در بحث با دیگران، انسانی منصف بود و در تدریس، رعایت امانت را لازم می دانست. آن مرجع فقید هر سخنی را در درس به نام صاحب نظریه و با حفظ آداب و القاب ذکر می کرد. چه بسا از مطلب خویش برمی گشت و می فرمود: حق با فلانی است. (۴) این ویژگی نشان دهنده فضایل اخلاقی آن بزرگوار است و نیز این واقعیت را به اثبات می رساند که دست یافتن به افکار و نظر دیگران و یافته های علمی متقدمان و معاصران، به بررسی های پژوهشی نیاز دارد و این

۱- مجله پیام حوزه، سال اول، ش ۳، ص ۴۷.

۲- روزنامه رسالت، ۱۳/۹/۱۳۷۳، ش ۲۵۷۹، ص ۴.

۳- روزنامه رسالت، ۱۳/۹/۱۳۷۳، ش ۲۵۷۹، ص ۴.

۴- آینه پژوهش، ش ۲۸، ص ۱۱۴.

روند جز با جست‌وجو و مراجعه به منابع متعدد به دست نمی‌آید.

«آیت الله اراکی در زندگی فردی، انسان منظمی بود و از افراط و تفریط پرهیز می‌کرد و تا چند سال پیش از رحلت، چای نمی‌خورد و تا حد امکان از داروهای شیمیایی استفاده نمی‌کرد. بین دو وعده غذا، چیزی نمی‌خورد. خوراکش را غذای ساده ای چون نان و ماست و آبگوشت تشکیل می‌داد و با برداشت کم، بازدهی فراوانی داشت»^(۱).

«صبر و پایداری ایشان نیز ستودنی بود؛ یکی از دخترانش در هیجده سالگی درگذشت. آیت الله اراکی در ماجرای مرگ فرزندش، ابراز نگرانی و ناراحتی نکرد، درحالی که مادر دختر به شدت ناراحت بود و حتی به مرحوم اراکی می‌گفت گویا شما از فوت دخترتان غمی ندارید، زیرا اصلاً گریه نمی‌کنید. این مقام صبرش بود. از جزع و فزع به شدت پرهیز می‌کرد. راضی به رضای الهی بود و مقام توکل او بسیار قوی بود. او این مقامات را به برکت عبادت و تهجد و خودسازی به دست آورده بود و همت بسیاری در راه شکوفایی چنین فضایی از خود بروز داد»^(۲).

غیرت دینی

غیرت دینی

این عالم وارسته، از آنجا که دل را به نور توحید پرفروغ ساخته، و تجلیات اسمای الهی در اعماق وجودش پرتوافشانی می‌کرد، اهل مجامله و مسامحه نبود و اگر خلاف شرعی مشاهده می‌کرد، برآشفته می‌شد و بدون ملاحظه و وا همه و صرف نظر از هرگونه مقام و عنوانی که شخص خاطی داشت، به وی پرخاش، و نهی از منکر می‌کرد. هرگاه سخنی برخلاف قرآن و سخن معصومان، یا اهانت و

۱- مجله پیام حوزه، سال اول، ش ۳، ص ۴۹.

۲- مصاحبه با آیت الله مصلحی اراکی، روزنامه کیهان، ۱۰/۳/۱۳۷۳، ص ۷.

جسارتی به حریم ولایت و باورهای شیعه می شنید، در خطبه های نماز جمعه، موضع گیری، و از حریم خاندان عصمت و طهارت و حقانیت تشیع دفاع می کرد و گاهی که حالت دفاعی به خود می گرفت، به شدت عصبانی می شد و کنترل خود را از دست می داد و بی اعتنا به پی آمدهای سخنان خود، سرسختانه حمله می کرد و آنچه را حق تشخیص می داد و دفاع از آن را لازم می دید، مطرح می کرد و در این مسیر از هیچ کس ابایی نداشت.

آیت الله مصلحی می گوید: «روزی در منزل یکی از خویشاوندان در تهران میهمان بودیم و به این مناسبت عده ای دعوت شده بودند. صاحب خانه به آیت الله اراکی اظهار ارادت و تواضع می کرد و بسیار شادمان بود و به دلیل رعایت مقام معنوی و علمی این میهمانش برای تدارک وسایل پذیرایی، زحمات زیادی تحمل کرده بود، اما چون یکی از بانوان خانه هنگام پذیرایی از حجاب درستی برخوردار نبود، آیت الله اراکی ناگهان فریاد برآورد و خروشید و بدون ملاحظه، صاحب خانه را متوجه خلاف و خطای خود کرد و با قاطعیت، وظیفه خود را در جلوگیری از منکری آشکار، با شهامت و صلابت انجام داد» (۱).

حالات ملکوتی

حالات ملکوتی

آیت الله اراکی در راه تهذیب نفس چنان پیشرفت کرده بود که هیچ علاقه و میلی که معارض با حب خداوند و خشنودی پروردگار باشد، در وجودش نمانده بود. توجه او به خداوند و اشتغال به یاد حضرت حق در واقع روح تمام طاعات، عبادات، ارزش های اخلاقی و فضایل انسانی او را تشکیل

می داد. او درحالی که سرگرم ذکر لفظی بود، به معانی الفاظ هم توجه داشت و این ویژگی به دل و اعماق وجودش نیز راه یافته بود. محصول این ارتباط معنوی آن بود که حتی لحظاتی غفلت از ذکر حق را بر خود روا نمی دانست و در همه احوال، خدا را یاد می کرد. به علاوه میل و گرایش او به سوی لذات مادی و دنیوی به شدت کاهش یافته بود. آیت الله اراکی برای اینکه این وضع ملکوتی ادامه داشته باشد و حضور قلبی او افزون تر شود، بر مناجات، تهجد، تضرع و تذلل به درگاه الهی استمرار می ورزید. سحرخیزی، گریه های شبانه و نوافل اذکارش در دل شب، ضمن اینکه در صفای نفس او مؤثر بود، ایشان را ثابت قدم می ساخت و از قید اسارت در خود رها می کرد. توجه وی به درگاه الهی در واقع نوعی ارتباط قلبی با قدس و ملکوت است و آشکار است که در این اتصال باطنی، مواهب معنوی فراوانی نصیب او شد، از ثمرات این پیوند پایدار، آرامش و اطمینان قلبی و روانی بود و چون دل و ذهن را به پایگاه استواری متصل ساخته بود، در توفان ها و رویدادهای نگران کننده، آرام بود. این آرامش درونی ناشی از توجه خالصانه و صادقانه به خداوند، نوری بر دلش تابانید و آن را حیاتی نو بخشید و از انواع ظلمت ها و کدورت های حاصل از توجه به غیر حق رهانید. همچنین یاد خدا نوعی بصیرت و روشنایی در دل وی پدید آورد که در پرتو آن از گزند مداخله های شیطان نجات یافت و تشخیص حق برایش آسان تر شد. این نورانیت درونی، وی را از هرگونه تردید و تزلزلی بیرون آورد و برای درک و دریافت حقایق والا- مهیا ساخت. اینک نمونه هایی از این حالات ملکوتی که برای آیت الله اراکی اتفاق افتاده است، از نظر خوانندگان خواهد گذشت.

مشاهده آتش

مشاهده آتش

آیت الله مصلحی از پدرش مرحوم اراکی نقل کرده است که ایشان می فرمود: «در ایام تحصیل در اراک به قبرستانی رفتم؛ همان مزاری که در کنار امامزاده و جنب منزل مسکونی ایشان در خیابان عباس آباد فعلی اراک قرار داشت. در آن حال با چشم خود دیدم از قبری شعله های آتش به سوی بیرون کشیده شده بود». (۱)

تشخیص درست

تشخیص درست

آیت الله سید محسن خرازی نوشته است: «از فرزند ارشد آیت الله اراکی شنیدم که فرمود مکرر نکته ای را می خواستم خدمت مرحوم والد بگویم، اما هنوز نگفته، ایشان درباره اش صحبت می کرد. یکی از ائمه جمعه یادآور شده است که می خواستم برای سفری تبلیغی خدمت ایشان استخاره ای بکنم، اما موضوع آن را مطرح نکرده بودم که آیت الله اراکی در ضرورت تبلیغ و اهمیت این فعالیت، مطالبی را بیان کرد و در خاتمه فرمود: آیا باز هم می خواهی استخاره کنی؟ همچنین برخی افراد خدمت ایشان رسیده بودند تا برای موفقیت در درس و بحث دستورالعملی بگیرند، اما هنوز خواسته های خود را اظهار نکرده بودند که آن مرحوم، ایشان را در این زمینه راهنمایی، و توصیه هایی را درباره تعلیم و تربیت گوشزد می کرد». (۲)

شفای بیماری

شفای بیماری

آیت الله اراکی برای آیت الله سید محسن خرازی نقل کرده بود: «من دو عارضه

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۵۹۲.

۲- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۵۲.

داشتم که سخت از آن نگران و ناراحت بودم. اول اینکه هر سال چشم درد می گرفتم و دوم اینکه دستانم در فصل زمستان متورم و خشک می شد و ترک می خورد. من این دو کسالت را با آنکه آزارم می داد، بر زبان نمی آوردم، ولی هر دو کسالت به عنایت و فضل حضرت امام رضا علیه السلام و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برطرف گردید، به طوری که هم اکنون بحمدالله اثری از آنان وجود ندارد. من مانند مرحوم شیخ ابوالقاسم کبیر قمی، بر اساس روایت: «استعینوا فی قضاء الحوائج بکتمانها»، حاجت خود را کتمان کردم و بر زبان جاری نساختم، ولی امام هشتم و خواهرش از روی لطفی که به من داشتند و دارند، مرا شفا دادند».^(۱)

آیت الله اراکی در جای دیگر این کرامت را چنین بیان کرده است: «دستم باد می کرد و قاش قاش می شد و همیشه باید خاک همراهم باشد تا با آن تیمم کنم، زیرا به دلیل این بیماری قادر نبودم وضو بگیرم و معالجات هم اثر نداشت، تا اینکه به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام متوسل گردیدم و ملهم گردیدم که به زودی بهبود خواهم یافت و این گونه شد».^(۲)

پرهیز از مجادله

پرهیز از مجادله

آیت الله جوادی آملی خاطرنشان ساخته است: یکی از خاطرات خوب دوران تحصیلی بنده، توسلی بود که آیت الله اراکی تعلیم می دادند. ما با طلاب مباحثه می کردیم تا اینکه بحث به نماز جمعه رسید که رفته رفته از حالت طلبگی بیرون رفت، البته از سنت و سیره بیرون نرفت. بعد از پایان مباحثه با پریشانی و پشیمانی، استغفار و استعاذه به منزل آمدم و به انجام فریضه ظهر

۱- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۱۱۳.

۲- دیدار با ابرار، ج ۸۲، ص ۱۱۲.

و عصر مبادرت کردم. با همان انکسار و نگرانی درونی طبق معمول خوابیدم، به خواب نرفتم اما چشمانم بسته بود، ناگهان مشاهده کردم صحنه ای در روبه رویم قرار دارد و عده ای از آقایان طلاب علوم دینی شرف حضور دارند.

خدمت آیت الله اراکی رسیدم و مورد احترام حاضران واقع شدم و به تحیت آنان پاسخ دادم. بنده از نزدیک هیچ گونه معارفه ای نداشته ام، ولی در همین حالت هنگام جواب دادن به تحیت، با چهره ای آشنا و با آهنگی خیرخواهانه آیه ای را تلاوت کردند. آن قدر این حالت شیرین و گوارا بود که به اضطراب قبلی پایان داد و به اندازه ای گران مایه بود که می خواستم همان حالت تداوم یابد، یعنی همان لحظه بین خواب و بیداری؛ ولی متأسفانه دولت مستعجل بود، سپس برخاسته، بعد از وضو دو رکعت نماز گزاردم و ثواب آن را در صورت قبول به روح مطهر سید المرسلین و روضه منور به صدیقه طاهره و ارواح طیبه ائمه، پدر و مادر، اساتید و تمام اصداقا اهدا کردم». (۱)

از قم تا کربلا

از قم تا کربلا

یکی از خدمه حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که پیشتر خادم حرم امام حسین علیه السلام در کربلا بود، گفت: «بعد از ارتحال آیت الله اراکی در رؤیایی مشاهده کردم که در حرم حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام هستم و خادمان، همه آماده اند و در نزدیکی مرقد امام حسین علیه السلام قبری حفر کرده اند و می گفتند این قبر مربوط به آیت الله اراکی است. گفتم: آخر ایشان را در قم و در جوار بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دفن کرده اند. گفتند: نه ایشان را به اینجا می آورند». (۲)

۱- مصاحبه با حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی، مجله کیهان فرهنگی، سال دوم، ش ۹، آذر ۱۳۶۴، ص ۱۵.

۲- روزنه هایی از عالم غیب، ص ۳۵۳.

فصل ششم: خانواده و فرزندان

اشاره

فصل ششم: خانواده و فرزندان

زیر فصل ها

انتخاب همسر و ازدواج

بانویی شایسته

بر ساحل کرامت

انتخاب همسر و ازدواج

انتخاب همسر و ازدواج

آیت الله اراکی در جوانی و هنگامی که نزد مرحوم حاج شیخ جعفر شیشی درس می خواند، از طریق وی با آیت الله حائری آشنا شد که به تازگی در اراک، حوزه درسی تشکیل داده بود. یک روز مرحوم حائری همراه آقا شیخ مهدی بروجردی به منزل پدر آیت الله اراکی آمدند. آن موقع ایشان با وجود اشتغال به تحصیلات حوزوی، عمامه بر سر نداشت و چیزی دور سر خویش می بست. آیت الله حائری پرسید: چرا این پسران (شیخ محمدعلی) به کسوت روحانیت در نمی آید؟ میرزا احمد فراهانی گفت: این فرزندم موضوع مهم تری دارد. شما تشویق کنید که آن حل شود. آیت الله حائری پرسید: چه چیزی است؟ میرزا احمد گفت: وقتی به وی می گوئیم ازدواج کن، می گوید می خواهم درس بخوانم و ملا شوم و امکاناتی ندارم که معاش خانواده ای را تأمین کنم. مخارج خودم هرگونه ای باشد، برگزار می شود؛ همسر که انتخاب کنم و بعد فرزنددار شوم، چگونه زندگی آنان را اداره کنم با وجودی که می خواهم به تحصیلات خود ادامه بدهم. حاج شیخ عبدالکریم گفت: عجب، پس یک روز باید به خانه ما بیایی تا ببینم علتش چیست که نمی خواهی تشکیل خانواده بدهی. آیت الله اراکی

می گوید با وجود اینکه فاصله منزل ما تا خانه مرحوم حائری طولانی بود، پیاده این راه را طی کردم. ایشان تا مرا دید، گفت: برای چه نمی خواهی همسر برگزینی؟ اگر خوف از معاش است که رزق و روزی اهل علم با خداوند متعال است و ازدواج هم نه تنها مانع تحصیل نیست، بلکه با وجود فراهم ساختن فضای آرام بخش، به امر درس و بحث کمک می کند. آنکه می دانستم حاج شیخ با قرآن استخاره نمی کند، گفتم اگر روز جمعه بین الطلوعین با قرآن استخاره کردید و خوب آمد، حاضرم. مرحوم حائری پذیرفت و گفت: حاضرم. روز جمعه با آنکه هوا هنوز روشن نشده بود، رفتم به مسجدی که نماز جماعت می خواند. قرآنی را که با خود برده بودم، به ایشان دادم تا با آن استخاره کند. قرآن را گشود. بسیار خوب آمده بود: بسم الله الرحمن الرحیم. بهتر از این نمی شد.

حاج محمدابراهیم خوانساری (۱۲۳۲-۱۲۹۷ خورشیدی) از بازرگانان متدین، نیکوکار و معروف ایران بود که مکان های بسیاری در اراک ساخته است، از جمله: مدرسه علمیه، مسجد، آب انبار، حمام های متفرقه و قلعه ای بزرگ. وقتی وی درگذشت، دختری از او باقی ماند که چند سال از آیت الله اراکی که آن موقع ۲۴ ساله بود، کوچک تر بود. مادر آیت الله اراکی به خواستگاری این دختر رفته بود، اما خانواده وی از پذیرش این پیوند اکراه داشتند. وقتی حاج شیخ عبدالکریم متوجه شد که شیخ محمدعلی می خواهد با این دختر ازدواج کند، گفت: به به، او که از خودمان است. توضیح اینکه همسر دوم آیت الله اراکی، دختر همین محمدابراهیم خوانساری بود. (۱)

۱- در کتاب خورشید حوزه های علمیه ادعا شده است این فرد، حاج میرزا رحیم خوانساری نام داشته که اشتباه است (ص ۱۹۸).

آیات محترم، حاج شیخ مرتضی حائری و دکتر مهدی حائری و نیز کبرا خانم، همسر آیت الله سید محمد محقق داماد، فرزندان این دختر هستند.

وقتی مرحوم حائری به این ماجرا پی برد، خود به خواستگاری رفت و در جواب وی گفتند: دختر که سهل است، ما هستی خود را نثار قدم شما می کنیم. (۱)

بانویی شایسته

اشاره

بانویی شایسته

همسر آیت الله اراکی، بانویی متدین، خوش خو و نیکو روش بود و مرحوم آیت الله اراکی از وی بسیار راضی بود و بارها می گفت: به قول یکی از بستگانم، مرحوم حاج میرزا احمد شیرازی، این زن یکی از نعمت های خداوند بود که به من اعطا شد. برای نمونه، به صفای روح این بانو اشاره می شود: «در دو فرسخی اراک، بارگاه امامزاده سید محمد عابد وجود دارد که از نوادگان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می باشد. این شخصیت بسیار باکرامت بود و نقل کرده اند آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی (عارف معروف) موقعی که در اراک بوده است، پیاده به زیارت این مرقد می رفته است و گفته می شود آخوند به برکت و لطف این بزرگوار، به مقامات معنوی و عرفانی رسید و هنگامی که در عتبات عراق اقامت داشت، به برخی زوار بارگاه امام حسین علیه السلام که به ایران بازمی گشتند، می گفت اگر شما در اراک به زیارت سید محمد عابد بروید، من در اینجا از طرف شما به زیارت بارگاه حضرت امام حسین علیه السلام می روم. ابوالحسن فرزند آیت الله اراکی به چشم درد سختی مبتلا شد و درمان های عادی در معالجه دیدگانش بی فایده بود. این بانو به زیارت آرامگاه سید محمد عابد رفت و در این باره به آن بزرگوار متوسل شد. بلافاصله چشم فرزندش بهبود یافت، به گونه ای که موجب شگفتی

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۳۹۴؛ خورشید حوزه های علمیه، ص ۱۹۸، ستارگان خوانسار، صص ۲۱ _ ۲۲.

آشنایان و اطرافیان شد»^(۱). محصول این ازدواج، سه پسر و شش دختر بود^(۲) که عبارتند از:

آیت الله حاج شیخ ابوالحسن مصلحی اراکی

آیت الله حاج شیخ ابوالحسن مصلحی اراکی

«وی روز شنبه غزه ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۳ ه. ق / شهریور ۱۳۴۳ در شهر قم دیده به جهان گشود. هنگام سفر آیت الله سید محمدتقی خوانساری به مکه معظمه، آیت الله اراکی از ایشان خواست زیر ناودان طلا دعا کند که توفیق نصیب این فرزند شود و نیز راه مرا ادامه دهد و قره‌العین من باشد. مرحوم اراکی افزوده است: چون مرحوم خوانساری، انسانی باصفا و باوفا بود، یقین دارم که فراموش نکرده و دعایش که مستجاب الدعوه است، رد نمی شود و مکرر به شیخ ابوالحسن می گفت: اگر به جایی برسی نتیجه دعای آن مرد بزرگ است»^(۳).

ابوالحسن پس از تکمیل دروس دبستان با اصرار مرحوم سید محمدتقی خوانساری به دبیرستان رفت و بعد از به پایان رساندن مقطع متوسطه در دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد، ولی بنا به اصرار پدر که با تحصیلات رسمی و جدید وی موافق نبود، فراگیری دانش حقوق را ناتمام گذاشت و به تحصیل علوم دینی روی آورد. پس از آموختن مقدمات، دروس سطح را خدمت آیات محترم حاج شیخ محمدتقی ستوده، حاج شیخ غلام رضا صلواتی، میرزا علی مشکینی، حاج شیخ محمد شاه آبادی و دیگران فراگرفت و از درس خارج فقه و اصول امام خمینی، سید محمد محقق داماد استفاده کرد. وی از درس والدش در این مقطع، به مدت سی سال بهره برد^(۴).

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۸۰.

۲- ستارگان خوانسار، ص ۲۲.

۳- افتخارآفرینان استان مرکزی، ج ۲، صص ۳۶۵ و ۳۶۶.

۴- رضا استادی، نوزده ستاره و یک ماه (شرح حال چند نفر از فقها و حکما)، ص ۴۰۳.

ایشان چند ماهی به عتبات عراق مشرف شد و در حوزه نجف اشرف، از محضر آیات عظام سید ابوالقاسم خویی و حاج شیخ حسین حلی کسب فیض کرد. درس های حکمت و تفسیر قرآن را از علامه سید محمدحسین طباطبایی فرا گرفت. همچنین از جلسات مباحث اخلاقی آیت الله حاج شیخ عباس تهرانی که جمعه ها در کتابخانه مدرسه حجتیه قم برقرار بود و نیز درس اخلاق شب های جمعه مرحوم حاج آقا سید حسین فاطمی قمی که در منزلشان برگزار می شد، استفاده می کرد. آنگاه به تدریس سطوح عالی روی آورد و چند سالی در مدرسه حقانی، مدرسه شهیدین و نیز جامعه الزهراي قم به تدریس مکاسب، کفایه و تفسیر قرآن مشغول بود و هم زمان با آیات محترم سید محسن خرازی و شیخ رضا استادی، به مباحثه در مسائل فقهی و تألیف متون فقهی اشتغال داشت. (۱)

در زمان مرجعیت مرحوم والدش، موقتاً برای انجام چندین کار مهم، درس و بحث را رها کرد. از جمله این کارها، تنظیم رساله توضیح المسائل ایشان، زیر نظر والدش و با تأیید ایشان بود. توضیح المسائل امام خمینی توسط چند نفر از فضلا با فتاوی آیت الله اراکی در حاشیه عروها لوثقی تطبیق شده بود، ولی چون این حاشیه تمام مسائل رساله توضیح المسائل را نداشت، برای تکمیل آن به اتفاق آیت الله خرازی، مسائل را تنظیم و در نهایت از مرحوم والد نظرخواهی و دیدگاه فقهی ایشان را درج کردند. تهیه مناسک حج و استخراج فتاوی و نظرات آیت الله اراکی در این باره، به همین نحو انجام شد. همچنین استفتائات بسیاری که از سراسر ایران و خارج از کشور به بیت مرحوم اراکی می رسید، هر جا لازم بود، از خود ایشان استفتا می شد و نظر می دادند. گاهی نیز مرحوم مصلحی به کمک

حجج اسلام شیخ مهدی صادقی ملایری، خیرالله سلیم زاده و آیت الله خرازی، مدارک مسائل موردنظر را تهیه می کردند. در نهایت به نظر آیت الله اراکی می رسید و ایشان پاسخ می نوشت. از آنجا که آیت الله مصلحی به مبانی علمی و فقهی مرحوم والد آشنایی و احاطه کامل داشت و نیز با بیان و شیوه سخن ایشان و نیز گفت و گو با مرحوم والدش آشنا بود، برای پاسخ استفتائات در بسیاری موارد لازم بود کتاب های بسیاری برای آیت الله اراکی بخواند و گاهی می شد که درباره موضوعی به ویژه مسائل جدید، چندین روز بحث و تبادل نظر می شد تا به نتیجه نهایی و صدور فتوای قطعی و جزمی برسد. آیت الله مصلحی این فتاوی را در دفتری مخصوص ضبط کرده است. با درگذشت مرحوم آیت الله اراکی، مجالی برای تدریس آیت الله مصلحی پدید آمد و دوباره به این فعالیت علمی و آموزشی روی آورد. (۱)

محصول مباحثات علمی آیت الله مصلحی با آیات محترم، خرازی و استادی، دو کتاب به نام های الحکومه الاسلامیه و التوازن الاسلامی است. همچنین تقریرات درس فقه و اصول آیت الله اراکی، از دیگر تألیفات مرحوم مصلحی است. (۲)

آیت الله مصلحی، عالمی عامل و خوش خلق بود که بیت رفیع مرجعیت را با کرامت و عزت اداره کرد و توان خود را برای خدمت به پدرش به کار گرفت و پس از درگذشت ایشان آثار آیت الله اراکی را احیا کرد. (۳)

آیت الله استادی می گوید:

این جانب سال های طولانی با آیت الله مصلحی آشنا بودم و مدتی هم در

۱- افتخار آفرینان استان مرکزی، ج ۱۲، صص ۳۶۵ _ ۳۶۶؛ نوزده ستاره و یک ماه، صص ۴۰۴ _ ۴۰۵.

۲- خاطرات آیت الله شیخ مرتضی بنی فضل، ص ۲۷۰.

۳- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۱۹۸.

مباحثه ایشان با آیت الله خرازی شرکت و استفاده می کردم؛ اما ارادتی که به ایشان داشتم، در این چند سال دوران مرجعیت والدشان چندین برابر شد؛ زیرا در این دوران که جداً برای ایشان امتحانی بزرگ بود، بسیار خوب از این آزمون بیرون آمد و خدمات شایان توجهی انجام داد. (۱)

آیت الله مصلحی سرانجام به بیماری سختی مبتلا شد و در هفتاد سالگی و در سه شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۴ خورشیدی / ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۲۶ ه. ق درگذشت و روح پاکش به سرای باقی شتافت. پیکرش در ۱۹ خرداد ۱۳۸۴ با حضور علما، فضلا، طلاب، زائران و دیگر قشرها تشییع، و پس از نماز آیت الله محمدتقی بهجت بر آن، در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، در کنار پدرش دفن شد. (۲)

از مرحوم مصلحی سه فرزند به نام های حاج شیخ احمد، آقا حامد و آقا محمد به یادگار مانده که هر سه نفر به تحصیلات حوزوی مشغولند. (۳)

دیگر فرزندان و دامادها

دیگر فرزندان و دامادها

آیت الله اراکی غیر از ابوالحسن، دو پسر داشت: حاج محمدابراهیم مصلحی که مدت ها ریاست راه آهن ناحیه اراک را بر عهده داشت. وی شش پسر دارد: سعید که مهندس است، مسعود، حمید (دکتر)، مجتبی (دکتر داروساز)، محسن (دکتر) و مجید (دکتر).

دکتر علی مصلحی که سال ها در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل بود و موفق شد در رشته حقوق تا سطح دکترا تحصیل کند و به عنوان استاد دانشگاه مشغول فعالیت های علمی و آموزشی شود. (۴) از شش دختر آیت الله

۱- اختران فضیلت، ص ۷۹۸.

۲- مجله آینه پژوهش، سال ۱۶، خرداد و تیر ۱۳۸۴، ش ۹۲، ص ۱۱۲.

۳- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۹۰.

۴- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۹۰.

اراکي، دو دختر يکي پس از ديگري به عقد مرحوم آيت الله سيد محمد تقی خوانساری درآمدند که اين موضوع شدت علاقه مرحوم اراکي به ايشان را نشان می دهد. آيت الله بدلا ياد آور شده است:

مرحوم آقای خوانساری دچار عارضه ها و کسالت هايی شد و در ضمن به دليل اينکه همسران سال خورده ای داشت، با توجه به نیاز ايشان به سرپرست، آيت الله اراکي برای حل اين معضل و با توجه به مشکلات آقای خوانساری که با آنها روبه رو بود، يکي از دختران خود را با کمال ميل به عقد ازدواج وی در آورد و خانواده دختر نیز از آنجا که افراد بامعرفتی بودند، با اين امر موافقت کردند. اين دختر به دليل بيماری از دنيا رفت. چندی پس از اين ماجرا آيت الله اراکي از روی عشق و علاقه ای که نسبت به خوانساری داشت، دختر ديگرش را به عقد ايشان در آورد تا سرپرست داشته باشد. (۱)

دومین داماد آيت الله اراکي، حجت الاسلام والمسلمین سيد حاجی آقا فرحی اراکي است که از سادات حسینی بود. وی از نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد، ولی به دليل فعاليت های سياسی و مبارزه با رژیم پهلوی اول، در بهار جوانی دستگیر و زندانی شد و يک سال زیر فشار شکنجه های گوناگون، روزگار پر مشقت و سختی را سپری کرد. بعد از رهایی از زندان، به دليل رنج هايی که تحمل کرده بود، موفق نشد تحصیلات حوزوی را پی گیرد، ولی به خدمات اجتماعی علاقه نشان داد و به گرفتاران و درماندگان کمک کرد. وی تا حد توان گره گرفتاران را گشود. او در ۲۲ سالگی داماد آيت الله اراکي شد. محصول اين ازدواج، سه پسر و دو دختر بود. سيد علی (متولد ۱۳۱۷ خورشیدی) فرزند اول است. وی بعد از گذراندن دبستان و دبیرستان با توفيق الهی و بر اثر ارشادهای حاج شيخ عباس تهرانی، به حوزه علمیه قم گام نهاد و پس از طی دوره سطح، در درس

خارج فقه و اصول آیات محترم گلپایگانی و میرزا هاشم آملی شرکت کرد و از درس تفسیر و حکمت علامه طباطبایی بهره برد. آنگاه خود به تدریس، تحقیق و تتبع در علوم اسلامی علاقه نشان داد. تألیفات او عبارتند از:

۱. تحریرات الاصول (تقریر درس های اصول آیت الله میرزا هاشم آملی)

۲. رساله لباس مشکوک (تقریر آیت الله بهاری همدانی از درس فقه حجت کوه کمره ای) که با تصحیح و تزییل ایشان به طبع رسیده است.

۳. دین و وجدان که مجموعه نفیسی از جلسات دینی و معنوی شیخ عباس تهرانی است که وی با قلم روان و جذاب در قالب کتابی تدوین و به چاپ رسانده است.

۴. مصطلحات فقه دارای حدود هزار و پانصد واژه فقهی که بررسی شده اند.

۵. بررسی و تحقیق درباره نهضت حسینی که دفتر نشر فرهنگ اسلامی آن را چاپ کرده است.

مهندس سید محمد مهدی فرحی، متولد ۱۳۵۱ خورشیدی و سید محمد حسین فرحی (کارمند بازنشسته و متولد ۱۳۲۴ خورشیدی) از دیگر فرزندان سید حاجی آقا فرحی هستند.

دختر دیگر آیت الله اراکی، به عقد ازدواج حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ قوام اسلامی جاسبی، فرزند حاج ملاحسین جاسبی در آمد. این روحانی فاضل که مقداری از عصر حاج شیخ عبدالکریم حائری را درک کرده بود، در دهه های اخیر از ملازمان درس مرحوم آیت الله مرعشی نجفی بود و در ایام تبلیغ منبر می رفت. صراط المؤمنین، شرح و ترجمه رساله حقوق حضرت امام سجاد علیه السلام، کرامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، بشاره المؤمنین در تاریخ قم و قمین و

نوشته های دیگر که هنوز به چاپ نرسیده اند، از دیگر آثار وی است. او در سال ۱۳۶۶ خورشیدی در هفتاد سالگی درگذشت و در باغ بهشت قم دفن شد. مرحوم حاج آقا جعفر اشراقی، نوه دختری مرحوم حاج میرزا محمد ارباب نیز یکی از دختران آیت الله اراکی را به همسری خویش برگزید. وی که سال ها در بانک ملی قم خدمت می کرد، تحصیل کرده، متدین، فاضل و ادب دوست بود و با علما و اهل فضل معاشرت داشت. وی نیز در سال ۱۳۵۶ خورشیدی از دنیا رفت و پیکرش در باغ بهشت قم به خاک سپرده شد. دیگر داماد آیت الله اراکی، آیت الله حاج شیخ علیرضا الهی قمی است که تحصیلات حوزوی را در خارج فقه و اصول نزد آیت الله اراکی با موفقیت گذرانید. ایشان از فضلا و استادان حوزه علمیه قم است که تألیفاتی در علوم منقول خصوص فقه و اصول دارد. حاج میرزا اسماعیل امینی، فرزند علی محمد خان امینی که مادرش خواهر همسر آیت الله اراکی بود، به افتخار دامادی آیت الله اراکی درآمد. ایشان نیز از فرهنگیان خدوم و ساکن اراک است. (۱)

بر ساحل کرامت

بر ساحل کرامت

برخی شاگردان آیت الله اراکی از معظم له خواستند، ماجرای تشریف دخترشان را خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان کنند. مرحوم اراکی یادآور شد:

این دخترم به احکام شرعی و موازین دینی آگاه بود و نسبت به آنها پای بندی نشان می داد. بنده از دوران کودکی وی، مراقب حالات تربیتی و شکوفایی اخلاقی او بودم. چندی قبل می خواست به مکه معظمه برود، ولی شوهرش نمی توانست همراه او برود. پسرش هم راضی نشد که با وی به سرزمین حجاز سفر کند. سرانجام مقدر شد در معیت آیت الله حاج آقا موسی

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۱۳۷ و ۱۳۸؛ افتخارآفرینان استان مرکزی، ج ۲، ص ۲۶۹؛ نوزده ستاره و یک ماه، صص ۳۹۰ و ۳۹۱.

زنجانی و خانواده ایشان به سفر عبادی سیاسی حج بروند. هنگام خداحافظی این دختر، از اینکه تنهاست، اظهار نگرانی می کرد و می گفت با این وضع چگونه اعمال حج را به جای آورم. من به او یاد دادم که ذکر «یا حفیظ» و «یا علیم» را زیاد بگوید. او هم خداحافظی کرد و روانه عربستان شد. روزی که از این سفر مقدس بازگشت، خاطره ای جالب برای من نقل کرد که شرح آن این گونه است: موقع طواف خانه خدا من معطل ماندم و مشاهده کردم با این ازدحام و تراکم جمعیت، قادر نخواهم بود طواف را انجام دهم. از این روی در کناری به انتظار ایستادم. ناگهان صدایی شنیدم که کسی گفت: ایشان امام زمان است. پشت سر آن حضرت می توانی طواف خود را انجام دهی. در این موقع دیدم بزرگواری در میان حاجیان جلوست و دور او حلقه ای زده شده که هیچ کس قادر نبود به آن حلقه وارد شود، اما من موفق شدم وارد آن حلقه شوم. حتی دستم را به عبای ایشان گرفتم و مکرر نسبت به حضرت ابراز محبت می کردم و چون داخل این حلقه شدم، هفت بار دور خانه خدا را بدون هیچ ناراحتی طواف کردم. از دخترم پرسیدم در مرتبه بعد، چگونه طواف کردی؟ گفت: به دنبال آقا طواف کردم. در پایان مرحوم اراکی فرمود: من به صدق و راستی این دختر یقین دارم و او این رویداد را برای کسی، حتی آقا موسی زنجانی هم نگفته بود. (۱)

فصل هفتم: خاموشی مشعل مرجعیت

اشاره

فصل هفتم: خاموشی مشعل مرجعیت

زیر فصل ها

کسالت و رنجوری

رحلت، تشییع و دفن

مجالس ترحیم و پیام های تسلیت

سوگ نامه ها و ادبیات ماتم داری

در رثای فقیهی فرزانه

کسالت و رنجوری

کسالت و رنجوری

آیت الله اراکی در پایان عمر، افزون بر پی آمدهای ناشی از سال خوردگی، از برخی بیماری ها رنج می برد. از آنجا که در ۹۷ سالگی به مقام مرجعیت رسیده بود، فعالیت های علمی و فکری او و نیز آمد و رفت پی در پی مراجعان به بیت معظم له، بر مشقت های او می افزود. همسرش که غم خوار و دلسوز او بود، چند سال پیش از درگذشت وی، از دنیا رفت و این رخداد آن مرحوم را به شدت متأثر ساخت. با وجود این، می کوشید فعالیت های خود را تعطیل نکند و ارتباطات مردمی را ادامه دهد و در دیدارهایی که مردم و اهل فضل و ادب با وی داشتند، آنان را از مواعظی سودمند برخوردار سازد. نمونه آنها دیدار شاعران و اهل قلم با آن فقیه فرزانه است. آنها از نصایح ایشان بهره مند شدند. این ملاقات یک سال پیش از رحلت آیت الله اراکی صورت گرفت.

استاد محمود شاهرخی رحمه الله از این جمع نورانی چنین یاد می کند:

چه دل نشین و روح افزاست، دیدار مردان خدا؛ همانان که به مدد تهذیب و ترکیه از قید هوای نفس رسته اند و به جهان حقیقت پیوسته اند. دلشان گنجینه اسرار است و جانشان مشرق انوار و این معنا را کسی درمی یابد که روزی توفیق چنین دیداری را یافته باشد و به چنین موهبتی مفتخر آید. در خلال شب های شعر فیضیه به محضر آیت الله اراکی مشرف شدیم. چه دیداری

سخت بهجت خیز و عبرت انگیز؛ دیدار مردی بزرگ که آثار گذشت زمان بر سیمای مبارکش پدیدار بود و انوار معنویت از پیشانی روشنش ساطع. او مظهر روحانیت سخت کوش شیعه می باشد که در طول قرن ها، پاسدار مرز شریعت و آیین بوده اند. در اتاقی محقر و ساده تر از ساده، آن بزرگ را دیدار کردیم که با ضعف مفرط مزاج، لباس رسمی پوشیده و بر روی چهارپایه ای استقرار یافته بود. پس از به جای آوردن معارفه، از محضر ایشان تقاضا شد که سخنانی در جهت ارشاد و ارائه طریق شاعران و اهل قلم بیان کنند و آن بزرگ که علم و عرفان و اندیشه و احساس را به هم آمیخته است، سخنانی مبسوط و مواعظی رسا و بلیغ ایراد کرد که همگان را سخت متأثر ساخت و تحت تأثیر بیانات ایشان، حاضران سرشک از دیدگان جاری ساختند. آری آن چنان روح در اهتزاز است که بدنی نحیف و بیمار را بر سر پا نگه می دارد تا جویبارهای معارف و مکارم را به سوی دشت های تشنه جاری سازد. (۱)

آیت الله اراکی در پرتو آن بصیرت معنوی که به برکت ترکیه به دست آورده بود، به خوبی احساس می کرد که زمان کوچ به سرای ابدی فرا رسیده است. چند ماه پیش از ارتحالش، شبی پس از نماز مغرب و عشا، نوه خود، احمد فرزند میرزا ابوالحسن مصلحی را فراخواند و گفت: «کتاب نصاب الصبیان را بیاور. در پشت این کتاب شعری با خط ثلث بسیار زیبا نوشته شده بود که آیت الله اراکی از وی خواست این شعر را بخواند، او بعد از دقت زیاد و دست به دست گرداندن، موفق شد آن را بخواند:

خوش آن که در دو جهان گوشه غمی دارد

همیشه سر به گریبان و ماتمی دارد

گویا ملهم شده بود که روزهای آخر عمرش سپری می شود. (۲) جنبه های

۱- ساغر مینایی (گزارش و یادبود اولین شب شعر فیضیه)، به کوشش: محمود شاهرخی، صص ۳۱ _ ۳۶.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، ص ۶۲۶.

معنوی ایشان در اوج قرار داشت، ولی تن خاکی نمی توانست این عظمت روحانی را بیش از این حمل کند. از این رو، اعضا و جوارح آیت الله اراکی در نهایت فرسودگی قرار داشت. ضایعات، بیشتر متوجه دستگاه گردش خون و قلب و عروق بود و خون رسانی به اندام هایش مختل شد. سرانجام در اول آبان سال ۱۳۷۳ در پی ضایعه عروقی و عارضه خونی، در بیمارستان شهید رجایی تهران بستری شد.^(۱)

رحلت، تشییع و دفن

رحلت، تشییع و دفن

تلاش پزشکان در بیمارستان قلب شهید رجایی تهران اثرگذار نبود و سرانجام آیت الله اراکی پس از ۳۸ روز بستری در ساعات آخر روز سه شنبه هشتم آذر ۱۳۷۳ خورشیدی برابر با ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۱۵. ق میهمان عرشیان شد و به سرای باقی کوچ کرد. این مرجع عالی قدر پس از یک قرن زهد و اخلاص و تلاش های علمی و فکری، به سوی افلاکیان و فضای بی کران رضوان الهی پر کشید و ندای ارجعی را لبیک گفت و مؤمنان و شیعیان را در اندوه فراق خود در ماتمی عمیق فرو برد.

با انتشار خبر در گذشت آن عالم ربانی و پیر پارسا و پایدار، تمام شهرهای ایران رنگ اندوه به خود گرفت و همگان جامه سیاه بر تن کردند و به سوگواری پرداختند. دولت جمهوری اسلامی، روز چهارشنبه نهم آذر را تعطیل رسمی و یک هفته نیز عزای عمومی اعلام کرد. در شهر قم و توابع و نیز استان مرکزی، دو روز تعطیل رسمی بود. مراسم تشییع پیکر پاک آن مرجع بزرگوار در تهران، بعد از نماز ظهر و عصر روز چهارشنبه، از

۱- تربت پاکان قم، ج ۳، ص ۱۷۲۵.

بیمارستان شهید رجایی به سوی میدان راه آهن تهران صورت گرفت. در این مراسم رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت و دیگر مقامات کشوری و لشکری حضور داشتند و مردم نیز از محله های گوناگون شهر و برخی توابع تهران، برای شرکت در این مراسم به جمعیت تشیيع کننده پیوستند و جلوه های باشکوهی از ارادت و احترام قلبی و شوق درونی را نسبت به مقام والای مرجعیت و فقهای بلندپایه شیعه به نمایش گذاشتند که پس از مراسم تشیيع امام خمینی و آیت الله العظمی سیدمحمدرضا گلپایگانی، نظیر نداشت.

پیکر مطهر آن عارف زاهد و پیر فرزانه، با قطار به شهر مقدس قم انتقال یافت و علاقه مندان به دیانت و روحانیت، به محض ورود جنازه ایشان به قم، تا منزل آن مرحوم، پیکر را حمل کردند تا خویشاوندان، یاران و شاگردان، آخرین توشه را از دیدار آن خرمین فضیلت و معرفت برگیرند. صبح پنج شنبه، مراسم تشیيع پیکر آن عزیز به حق پیوسته در قم، از مقابل مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام، واقع در ورودی شمالی قم و حوالی پایانه مسافربری، شروع شد. از این مسجد تا حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مملو از سوگوارانی بود که برای آخرین وداع با مرجع نیکو خصال خود اجتماع کرده بودند. ازدحام به گونه ای بود که هنگام ورود به حرم، شش نفر زیر دست و پا ماندند و در راه اعتلای شعائر دینی و پاس داشتن مقام مرجعیت، جان باختند. مراسم نماز بر پیکر آیت الله اراکی، به امامت عارف سالک و مرجع وارسته حضرت آیت الله شیخ محمدتقی بهجت فومنی رحمه الله در صحن بزرگ حرم مطهر برگزار شد، سپس جنازه آن جامع فضل و فضیلت و تندیس مقاومت و پایداری در جوار مرقد یاران سفر کرده اش،

مجاور قبر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری و آقا سید محمدتقی خوانساری که مدام مشتاق دیدارشان بود، در آرامگاه ابدی خود آرام گرفت. (۱)

مجالس ترحیم و پیام های تسلیت

مجالس ترحیم و پیام های تسلیت

پس از پایان مراسم خاک سپاری در مسجد اعظم قم، یک هفته از صبح تا شب و تا هفته ها، شب ها آیین های بزرگداشتی برای این فقیه فقید برگزار می شد. همچنین از طرف مقام معظم رهبری به این مناسبت مجلس باشکوهی در مسجد اعظم برپا شد که مراجع عظام، علمای اعلام، مدرسین حوزه ها، شخصیت های علمی، فرهنگی و سیاسی، زائران و دیگر قشرها در آن حضور یافتند. همچنین مجلس فاتحه ای از سوی مقام معظم رهبری و با حضور معظم له و خاندان و بازماندگان آیت الله اراکی و شخصیت های مذهبی، اداری و سیاسی در مدرسه عالی شهید مطهری تهران برگزار شد. در سراسر کشور و حتی شهرها و روستاهای دوردست نیز، مجالس و محافل بی شمار برپا گردید. در پاکستان و کشمیر، سه روز عزای عمومی اعلام شد. در هند و بنگلادش، مسلمانان به سوگ نشستند. در لبنان عزای عمومی اعلام شد و در ترکیه شیعیان این کشور مجالس ترحیم برگزار کردند. در دمشق نیز با شرکت علاقه مندان و شیعیان، محفل باشکوهی برپا شد.

مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان رهبری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ریاست جمهوری اسلامی ایران، هیئت دولت، رئیس مجلس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ریاست قوه قضائیه، سید احمد خمینی و نیز نهادها، تشکل ها، احزاب و شخصیت های کشورهای اسلامی، به مناسبت ارتحال آیت الله اراکی،

۱- روزنامه های کیهان، اطلاعات و جمهوری اسلامی، سه شنبه ۹/۹/۱۳۷۳ و نیز ۱۰/۹/۱۳۷۳؛ مردان علم در میدان عمل، ج ۶، صص ۳۵۷ _ ۳۶۰.

پیام های تسلیتی صادر کردند. در فرازهای از پیام تسلیت مقام معظم رهبری آمده بود:

بسم الله الرحمن الرحيم. انالله و انا اليه راجعون. با تلخ کامی و اندوه اطلاع یافتیم که عالم ربانی، فقیه اهل بیت عصمت و طهارت، شیخ الفقها و المجتهدین مرجع اعلاى شيعه، حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمدعلی اراکی دار فانی را وداع گفته، جهان تشیع را به سوگ خود نشانید... اکنون آن جان پارسا به ملکوت پیوسته و آن دامان پاک از عالم ماده برچیده شده است. او از حقیقت «لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» برخوردار و به مجاورت ارواح مطهر اولیا و صلحا سرافراز است، ولی جهان تشیع و حوزه های علمیه عزادارند. این جانب این ضایعه بزرگ را به ساحت قدس حضرت ولی الله الاعظم، ارواحنا فداه و به فرزند گرامی و فاضل و بیت شریف ایشان و نیز به عموم شیعیان جهان و ملت بزرگ ایران به ویژه به علمای بزرگ اسلام و حوزه های علمیه مخصوصاً حوزه عظیم الشان قم که این بزرگوار یکی از بنیان گذاران و استوانه های آن بودند، تسلیت می گویم. (۱)

سوگ نامه ها و ادبیات ماتم داری

سوگ نامه ها و ادبیات ماتم داری

پس از رحلت آیت الله اراکی، مقالات و مطالب بسیاری در سوگ و عزای آن عالم عامل نوشته شد که به گزیده هایی از آنها اکتفا می کنیم:

«چه صبور و سنگین و متعالی رفت او که وجودش سراسر خیر و برکت بود؛ او که اهل معرفت، حکمت و ایمان، و عقیده ای الهی و آسمانی بود. پرتو نور الهی، بنده ای شیدای حق، مایه خیر و برکت، بزرگ و فرهیخته، سلامش باد آن بنده صالحی که عمرش و وجود گرامی اش سراسر زهد، دانش و تقوا بود. سلامش باد! می شنویم صدای پای کاروانیان را، می شنویم؛ اینان قامت بهار را بر

دوش گرفته اند و با خود به غربت سرای خاک می برند، گویی خورشید در تمام کوچه های زندگی غروب کرده است. حنجره زمان از پس بغضی ناشکفته می سوزد. خدایا بگو دل با هجوم این درد چه کند و به کدام سو بگریزد:

ما را به سوگ خویش به ماتم نشانند و رفت

در بارگاه قدس فلک آرمید و رفت

بار دیگر تار و پود جان گسست

امت اسلام در ماتم نشست

آسمان دیشب عجیب بی قراری می کرد. خورشید اول صبح دوست نداشت طلوع کند و غبار غم شهر را فرا گرفته بود و بغض دردناک در شهر پیچید، تنها یک کلام بود: انا لله و انا الیه راجعون». حجت وحیدی

□□□

امروز جهان تشیع در سوگ رادمردی از فقیهان، عزادار است؛ رادمردی که یک قرن زندگی پربرکتش را وقف اعتلای اسلام و ارشاد مسلمین کرد. او خورشیدی جان فروز در آسمان فقاهت بود که با غروبش ثلمه ای جبران ناپذیر بر اسلام ناب محمدی وارد شد.

شیخ الفقها و المجتهدین حضرت آیت الله العظمی محمدعلی اراکی، از منادیان راستین دین مبین اسلام در قرن حاضر به شمار می رفت و جلوه ای از انوار الهی بود که با تابش خود، دل و جان رهروان طریق حق و حقیقت را روشنی می بخشید. آفتابی پرفروغ بود که در بیتی از بیوت علم و تقوا طلوع کرد و بی آنکه جویای نام و مقام باشد، انوار فقاهت و درایتش که برگرفته از سرچشمه انوار تابناک ائمه معصومین بود، جهان تشیع را فرا گرفت.

امروز، روزی است که جهان تشیع در سوگ رحلت پاسدار رشید دین

مبین سیه جامه بر تن کرده و خاک مصیبت بر سر می ریزد. «سلام علیه یوم ولد و یوم مات و یوم یبعث حیاً».

عباس خوش عمل

□□□

عالم تشیع مرثیه خوان و عزادار روح پاکی شد که در تمام مدت حیات دنیوی خویش، دل به مظاهر فانی و جلوه های آنی دنیا نبست و دل و روح خویش را از هر خدشه ای و پیرایه ای که رنگ تعلق این جهانی داشت مزگا و مصفا نموده و عمری را در طاعت و عبودیت ذات احدیت و غور در دریای عرفان، معرفت، علم و اندیشه گذرانید. سوای مراتب علمی و جهات فقهی و حوزوی، آن عالم ربانی، اوج صفا و طهارت باطن بود که به حد اعلای خود می درخشید. روح متعالی و بلندش در این حصار تنگ عالم سفلا نمی گنجید و مرغ جاننش در هوای صحبت یار، پرپر می زد. از خود گذشته بود تا خدای خود را در آینه دل پاک خویش شهود کند. در انتظار دیدن روی یار، یک قرن، دنیا و قیل و قالش را تحمل و عاقبت روح ملکوتی اش به مبدأ و منشأ خویش رجعت کرد و تا بر دوست پر گشود. (۱)

در رثای فقیهی فرزانه

در رثای فقیهی فرزانه

ثلمه عظمای دین احمد است

ای دل من، درد بی درمان بد است

روز مرگ نغمه بلبل رسید

چاوش ماتم به شهر گل رسید

دست مرگ از شاخه گل را چیده است

بوی ماتم در زمین پیچیده است

مخزن الاسرار پاکی رفته است

آیت الله اراکی رفته است

سال ها محو نگار عشق شد

مرجع شیعه شکار عشق شد

آیت اللهی به سوی ماه رفت

سوی میقات لقاءالله رفت

زهد و تقوا بود در ایشان تمام

مرجعیت داشت او بعد از امام

هر که عاشق زین عزا بر سر زده است

مهربانی چون کبوتر پر زده است

مرجع شیعه است چون گُل در کفن

وا مصیبت، وا فغان، یابن الحسن

اتفاق افتاد آخر حادثه

یک هزار و سیصد و هفتاد و سه (۱)

* * *

لاله کو تا عقده دل وا کند

دیده دل ز خون دریا کند

۱- شعر از حجت وحیدی است، نگاه کنید: یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۶۷۳ و ۶۷۴.

زهر فرقت قسمت سوسن شده

سینه نسرین سراسر غم گرفت

در عزای باغبان ماتم گرفت

مرگ را مغلوب کرده باغبان

پیشرفته پیش تا باغ جنان(۱)

۱- شعر از شاعر معاصر شجاع الدین ابراهیمی است، روزنامه رسالت، ۱۳/۹/۱۳۷۳.

فصل هشتم: گزیده ای از بیانات، مواعظ و نصایح

اشاره

فصل هشتم: گزیده ای از بیانات، مواعظ و نصایح

زیر فصل ها

تدبر در قرآن

قیام و قعود

جام بلا برای مقربین

معنای ولایت تکوینی

رسول باطنی و ظاهری

شیطان خارجی و داخلی

روح و نفس آدمی

دنیا و آخرت

هشدار جدی

سبب عقب افتادگی انسان ها

قم، حرم اهل بیت

روحانیت

میرزای شیرازی عالم اولوالعزم

منابعی برای پژوهش افزون تر

تدبر در قرآن

تدبر در قرآن

«باید قرآن را با فکر و تأمل خواند به جهت اینکه کلام خالق آسمان و زمین و خالق بشر و خالق انبیا و مرسلین است، این کلام اوست و او این کلام را ترتیل کرده، ببینید چقدر جامع است اگر کسی فکر و تدبر در آن بکند حالش منقلب می شود و از کسالت و بی توفیقی روحی نجات می یابد»^(۱).

قیام و قعود

قیام و قعود

«برای هر عضوی از اعضای بدن وظیفه ای است. این چنین وظایف و احکامی در هیچ دین و مذهبی که به این جامعی باشد، اصلاً وجود ندارد. وقتی می گوید: «ایاک نعبد و ایاک نستعین»، باید متوجه باشد که مقابل چه کسی ایستاده است. باید متوجه باشد که تمامی اعضا در عبادت او باشد، در بندگی او، خضوع و خشوع او باشد و دست خضوع به طرفش دراز کنند. سجده ای که می کند، رکوعی که می رود، قیامی که شروع می کند، قعودش همه و همه در خضوع او باشد. اگر مغز سر مشغول نباشد، اینها همه هیچ می شود و از بین می رود. باید بفهمد که با چه کسی دارد حرف می زند، بفهمد با خدایی

۱- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله حوزه، ش ۱۲، صص ۳۸ و ۴۵.

که خالق آسمان و زمین و مشرق و مغرب است، روبه رو گردیده است، اگر این کار را کرد می شود: «تنهی عن الفحشا و المنکر» (۱).

جام بلا برای مقربین

جام بلا برای مقربین

«در بزم خداوند و محضر باری تعالی و بارگاه قدس کسی جلوتر و مقرب تر از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست، بلکه آنان علت غایت وجود هستند و هر نعمتی که به سایر خلق می رسد، به طفیلی اینهاست. چرا که بین خالق و مخلوق واسطه فیض هستند. معذک می بینیم که بر آنها چه آمده و هیچ کسی از آنها نبوده، مگر آنکه با شهادت از دنیا رفته است یا با سم کشته شده اند یا با شمشیر به قتل رسیده اند. پس خوشا به حال کسانی که اقتدا کنند به افضل خلق و رؤسای خلق و به علت غایی خلق، تمام نعم خدا و وسایط فیض خدا، همچنان که واسطه های فیض الهی شربت شهادت نوشیدند آنها اقتدا کنند به این بزرگواران» (۲).

معنای ولایت تکوینی

معنای ولایت تکوینی

«ولایت تکوینی چهارده معصوم علیهم السلام این نیست که درباره مسیح علیه السلام نصارا می گویند: خداوند در جسم او حلول کرده، مانند روغن در بادام یا متحد گردیده است با هیکل او و نه آن است که حکما قائلند ربط حادث به قدیم نشاید جز به توسط واسطه ای که بین مادی و مجرد قرار گیرد، بلکه مراد این است که خدای متعال ایشان را مظهر قدرت کامل خود قرار داده است و بسط امور را به ید ایشان داده که آنها قدرت بر کل شیئی دارند و متصرف در

۱- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۶، صص ۶۲ _ ۶۳.

۲- مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی اراکی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۲۶، ص ۶۲.

جميع کونيات می باشند: «يفعلون ما يشاؤون و يحكمون ما يريدون» و این عقیده از کثرت معجزات و خوارق عادت که به طور یقین بروز کرد که از حد تواتر هم اخباری که در این موضوع به ما رسید بالا-تر شد. البته ما غلوی درباره چهارده معصوم نکرده ایم، چنان که نصارا درباره حضرت عیسی کردند و نه نقصی در ربوبیت ذات باری تعالی جلت عظمته وارد آوردیم، چنان که حکمای قائلین به عقول عشره وارد کردند». (۱)

رسول باطنی و ظاهری

رسول باطنی و ظاهری

«خداوند متعال به واسطه لطف و کرمش که نسبت به افراد بشر داشته است، بر آنها عقلی به ودیعه گذارده که به منزله پیغمبر داخلی او را راهنمایی می کند، عقلی که در او قرار داده، همیشه به حکم وجدان و فطرت از او می پرسد از کجا آمده ای و برای چه آمده ای و به کجا می روی؟ به او می گوید نباید در اعماق شهوات و لذت های دنیا فرو برود. علاوه بر این، پیغمبر خارجی هم برای او فرستاده است. یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که تأیید می کنند آن ندای درونی عقل، وجدان و فطرت را، از اول تا آخر همین مطلب را گوشزد می کنند که نباید توهم کرد این خدای حکیم کار بیهوده ای کرده و بی جهت این همه خلق را روی زمین آورده است، یکی غالب و یکی مغلوب، یکی ظالم دیگر مظلوم و یکی با کمال صعوبت زندگی می کند و یکی در کمال رفاه روزگار می گذراند و این هر دو به یک سبک در روی این زمین زندگی کنند و بعد از این بمیرند و هیچ گونه پرسش و سؤال و جوابی برای اینها نباشد. آیا هیچ عاقلی به عقل خود می پسندد که چنین کاری که بیرون از اصول حکمت است، به خداوند مدبر حکیم نسبت دهد». (۲)

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۴۰۵ و ۴۰۶.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۳۷۱ و ۳۷۲.

شیطان خارجی و داخلی

شیطان خارجی و داخلی

«نفس اماره از یک طرف کار شیطان را می کند، کارهای قبیح را زینت می دهد، کارهای بد را خوب می نماید، این نفس همان شیطان داخلی است. ابلیس خارجی را هم خدا قدرت داده که در رگ و ریشه و خون انسانی و تفکرات او دخالت هایی داشته باشد. شیطان خارجی و داخلی همدست می شوند، دنیا هم مثل عروس، خود را آرایش می دهد. در این چهار روز عمر این دشمنان به جان بنی آدم افتاده اند. البته دسته ای فریب اینها را می خورند و عمرشان به خلاف و گناه صرف می کنند. از آن طرف برجی و بارویی در مقابل آنها قرار گرفته که در کمال استحکام و استواری است و آن نشانه های الهی است. آیات تکوینی را در برابر چشم آدمی گذاشته است. عقل هم به کمک انسان می آید و این دشمنی ها را خنثی می نماید. ضمن اینکه خداوند انبیا را با معجزاتی و اولیا را با کراماتی فرستاده است تا آدمی را از خواب غفلت بیرون آورند و حجت را بر او تمام کند در روز قیامت نگوید شیطان ما را دعوت کرد که منحرف شویم» (۱).

روح و نفس آدمی

روح و نفس آدمی

«روح و نفس انسان مراتبی دارد، یک مرتبه اش عین بدن است که با آن اتحاد دارد، نه از قبیل ظرف و مظروف و نه از قبیل حال و محل و نه عرض است که حال در بدن باشد. وقتی از بدن مفارقت کرد، در مرتبه ای بالاتر قرار می گیرد.

احیا موتی یعنی عود دادن ارواح به سوی اجساد عنصری، در همین عالم در روی همین زمین و زیر همین سما. معاد جسمانی یعنی عود ارواح به

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۳۶۴ و ۳۶۵؛ مجله حضور، تابستان و پاییز ۱۳۷۱، ش ۶۵ و ۶۶، صص ۳۶ و ۳۷.

سوی بدن در عالم قیامت که غیر از این دنیاست. رجعت یعنی برگشتن بعض ارواح به سوی پیکرهای عنصری بعد از مفارقت آنها وقتی قائم آل محمد ظهور فرمود که در همین عالم و روی زمین اتفاق می افتد»^(۱).

دنیا و آخرت

دنیا و آخرت

«زندگی دنیا بازیچه بیش نمی باشد، یعنی مثل سرگرمی های کودکان که لحظاتی به آنها شادمان می گردند و بعد از انقضای بازی کارشان هیچ نتیجه ای ندارد، دنیا طلبان نیز به جاه و مال دنیا مسرورند اما وقتی چشم خود را می گشایند، نه از طالب اثر می بینند و نه از مطلوب خبری دارند، اما دار آخرت زندگی جاوید است و زوالی در آن راه ندارد و مرگی برای آن نمی باشد، چه انسان متنعم باشد و چه نعوذ بالله معذب، زنده است و هرگز موتی ندارد؛ کسانی که خداوند چشم بصیرت آنان را گشوده است.

همت خود را صرف تعمیر زندگانی دنیوی و سراچه لهو و لعب نمی نمایند، بلکه تمامی توان خود را برای حیات حقیقی و جاودانی به کار می گیرند. پس هر کس ادعا دارد که من به خدا و رسول و صدق قرآن اعتقاد دارم، ولی شب و روز در پی دنیا و زخارف آن است، دروغ گو می باشد، زیرا جمع بین آن باور و این عمل نشاید»^(۲).

هشدار جدی

هشدار جدی

«ای کسی که اشتغال به علوم رسمی داری، چه وقت عقیده ات نسبت به پروردگار کامل می شود تا این قدر به امور موهوم پردازی و خلق را با خالق

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۵۳۲ و ۵۳۳.

۲- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۵۰۳ و ۵۰۴.

یکسان مپنداری، بلکه تمام نظر به خلق می نمایی، این از شیوه موحدین دور است و از عالم قبیح تر. زهی غفلت. عمرت گذشت و هر چه بالا-تر می رود عوض آنکه عقیده ات ارتقا پیدا کند، تنزل می یابد. اول به اصلاح این مرض مهلک باقی مانده در روح و روان پرداز، بعد از آن به امورات جسم و قوت و بدن و خواب و خوراک، بلکه هیچ وقت همی و غمی از امورات دومی در دل مکن، توکل تام پیدا کن به خدای خود»^(۱).

سبب عقب افتادگی انسان ها

سبب عقب افتادگی انسان ها

«غرض از خلقت این عالم تکمیل و ترقی بنی نوع آدم و رسیدن اوست به اوج مقامات دنیوی و اخروی، پس چرا اکثر افراد در بوته جهل باقی مانده، نه از امکانات مادی بهره ای گرفته اند و نه رتبه و امتیازی به دست آورده اند و دست احتیاج به سوی اجانب دراز نموده اند و نه با خودسازی و تهذیب نفس به کمالات اخروی و کرامت های انسانی رسیده اند. مدت یک عمر انواع عبادت ها را نموده اند، اما ترقی در ایمان پیدا نکرده اند، اگر پست تر نشده باشند، آیا سبب چیست؟ اول آنکه حس حاجت و احتیاج در خود نموده ایم، بیماری که احساس می نماید ناگواری مرض را دنبال طیب و دوا می رود. سبب دوم تقلید است به این معنا که در امور مادی و دنیایی و کیفیت تحصیلات ادبی و علمی و طاعات و عبادات قوه متصرفه ما از بس به هم چشمی دیگران و تقلید این و آن پرداخته و خود در مقام تمیز نیک و بد بر نیامده ایم، جامد شده و از کار افتاده است. خداوند متعال عقل را در مملکت وجود انسانی به منزله پیغمبر داخلی مقرر فرموده که در امور غیر تعبدی آن را به کار گرفته و نفع و ضرر را خودمان

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۵۱۰ - ۵۱۱.

تشخیص دهیم. وقتی عقل منعزل است و دست بسته، ما از ترقی بازمانده و روی سعادت نخواهیم دید. سبب سوم آنکه طریقه سعی و حرکت مجدانه را در کارهایمان نداریم. سبب چهارم آنکه در هر کاری برای ما ثبات و استقامت نمی باشد. همواره طالب نفع فعلی و عاجل هستیم و چشم خود را به راحتی کنونی دوخته ایم، چون عزم راسخی نداریم به کوچک ترین چیزی از کار آزرده می شویم، اما آنان که اهل کارند مدام در اعمال خود مراقبت دارند و شبانه روز به حسابرسی می پردازند» (۱).

قم، حرم اهل بیت

قم، حرم اهل بیت

«خداوند تعالی همیشه نسبت به قم نظر رحمت داشته است و ستمکارانی که قصد اذیت به قم را داشته اند، خداوند شرارت آنها را قطع کرده است و این قم حرم اهل بیت و آشیانه شیعیان آنهاست، همیشه پیروان اهل بیت در قم اجتماع می کردند و سکونت داشتند و اولاد ائمه هم نظر به اینکه اینجا مجمع شیعیان به آن عنایت بیشتری داشته اند شیعیانی که محب اهل بیت بوده اند، و به تمام معنا، تا می توانستند این خاندان را یاری می کردند خصوصاً در حق امامزاده ها کمال احترام و تعظیم را به جای می آوردند، اخبار زیادی در احترام این شهر و مدح اهلس وارد گردیده است، از جمله آنکه: اگر تمام اطراف را فتنه فرو گیرد بر شما باد به قم و حوالی آن که بلا از این منطقه دفع گردیده است».

روحانیت

روحانیت

«گرد و غبار بر لباس سیاه بنشیند آن را تغییر نمی دهد، ولی لباسی که مثل برف سفید است، اگر قدری غبار روی آن بنشیند، نمایش می دهد. نمایش خلاف شرع

در زمان رژیم پهلوی اول و دوم مثل غبار نشستن بر روی لباس سیاه بود، ولی بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی، لباس سفید است و اگر امتحان سخت تر نباشد، آسان تر نیست. لباس اهل اسلام امروزه روحانیت و اسلامیت است، ولی باید امتحان داد، آزمونی بزرگ تر و بیشتر از زمان طاغوت. اگر خلاف شرعی صورت گیرد اثر خود را به خوبی آشکار می سازد. امروز خلاف ها غیر از خلاف های قبلی است. باید مراقب بود چنین اتفاقی بروز ندهد»^(۱).

میرزای شیرازی عالم اولوالعزم

میرزای شیرازی عالم اولوالعزم

«مقام علمی میرزای شیرازی در حدی بود که میرزا محمدتقی شیرازی و سید محمد فشارکی از شاگردان ارشد او محسوب می شدند و در درس سید محمد فشارکی هم حاج شیخ عبدالکریم حائری و میرزا محمدحسین نائینی تربیت شدند. حاج شیخ عبدالکریم معتقد بود که کفایه الاصول آخوند خراسانی در عقلیات به رسایل شیخ انصاری مستند است ولی مباحث الفاظش از تقریرات درس میرزای شیرازی در مباحث الفاظ می باشد. میرزای شیرازی در زمان خودش متوجه شد که استعمارگران می خواهند با امتیاز تنباکو به ایران مسلط شوند و کفر را به اینجا منتقل کنند، فرمود: اگر به ریختن خون هم منجر شود، این توطئه نباید انجام گیرد. از این روی فتوای معروف خود را صادر کرد که در تمام ممالک شیعه پیچید و مردم قلیان ها را کنار گذاشتند و به طور کامل از دخانیات اجتناب کردند. میرزای شیرازی از علمای اولوالعزم شمرده می شود. این اولین تدبیر سیاسی میرزای شیرازی بود که تمام علما از آن پیروی کردند و همین اقدام بقیه توطئه ها را هم سد کرد و دیگر نتوانستند اقدامی انجام دهند. در سامرا وقتی که از نقشه ایجاد اختلاف بین شیعه و

۱- یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، صص ۳۳۹ و ۳۴۰.

سنّی اطلاع یافت، اعلام کرد که ما با هم دشمنی نداریم و برادر یکدیگریم و به ایادی بیگانه فرمود: شما حق ندارید آنها را سرکوب کنید. اقدام میرزا در دفاع از اهل سنت باعث تعجب همه شد و تا مدت مدیدی آنان محب میرزای شیرازی بودند»^(۱).

منابعی برای پژوهش افزون تر

منابعی برای پژوهش افزون تر

۱. جزوه اهل الله (شرح حال برخی از مشاهیر اراک)، اراک، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
۲. نامداران اراک، حسن صدیق، به کوشش: محمدرضا محتاط، اراک، طرفه، ۱۳۷۲.
۳. مرجعیت، محمد واعظ زاده خراسانی، مجله مشکوه (نشریه بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی)، زمستان ۱۳۷۳ ش.
۴. سیری در سیره شیخ الفقها آیت الله اراکی، به کوشش: واحد معارف اسلامی ماشین سازی اراک، اراک، ۱۳۷۳ ش.
۵. تاریخ علمای خراسان، میرزا عبدالرحمن مدرس، با مقدمه، تصحیح و تحشیه: محمدباقر ساعدی خراسانی، مشهد، کتاب فروشی دیانت، ۱۳۴۱ ش.
۶. فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، آذر تفضلی و مهین فضایی جوان، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۷. جزوه لمحّه من حیاة الشیخ الاراکی، بدون نام مؤلف و تاریخ و محل نشر.
۸. هفته نامه بعثت، دوره جدید، آذر ۱۳۷۳ خورشیدی، ش ۱۷۳۳.
۹. شرح حال آیت الله العظمی اراکی، سید ابوالحسن مطلبی، قم، در راه حق،

۱- «گفت و گو با حضرت آیت الله العظمی شیخ محمدعلی اراکی درباره میرزای شیرازی»، حماسه فتوا (ویژه نامه یک صدمین سالگرد رحلت میرزای شیرازی) جمهوری اسلامی، ۷/۱۲/۱۳۷۰، صص ۷ و ۸.

۱۰. تاریخ قم، محمدحسین ناصرالشریعه، قم، دارالفکر، ۱۳۵۰.

۱۱. گنجینه دانشوران، احمد رحیمی، قم، بی نا، ۱۳۳۹ ش.

۱۲. دیدار با ابرار، ج ۳۳، ناصرالدین انصاری قمی، به کوشش: پژوهشکده باقرالعلوم تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.

۱۳. مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، تهیه و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳.

۱۴. چشم اندازی بر مدرسه علمیه امام خمینی اراک در گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین الهی مدیر این مدرسه، نشریه افق حوزه، ۱۱/۹/۱۳۸۸، ش ۲۵۰، ص ۷.

۱۵. «مصاحبه با آیت الله اراکی (درباره تأسیس حوزه علمیه قم)»، فصلنامه یاد، ش ۴، پاییز ۱۳۶۵.

۱۶. «در محضر استاد (مصاحبه با آیت الله اراکی)»، روزنامه کیهان، ۱۵/۹/۱۳۷۳، ش ۱۵۲۲۷.

فصل نهم: با برنامه سازان

اشاره

فصل نهم: با برنامه سازان

زیر فصل ها

سخنی با برنامه سازان

سوژه های برنامه سازی

گفت و گو با چه افرادی صورت گیرد؟

پرسش های مسابقه

پرسش های کارشناسی

سخنی با برنامه سازان

سخنی با برنامه سازان

آیت الله اراکی در زمره شخصیت های نادری است که می تواند مصداق بارزی برای همت عالی و تلاش مداوم باشد. کوشش این فقیه فرزانه در چندین محور، ستودنی است. وی حدود شصت سال به تحصیل، آموزش، مباحثه و تقریر مباحث استادان پرداخت. متجاوز از سه دهه از عمر بابرکت وی به تدریس و تربیت کاروانی از اهل فضل و فضیلت اختصاص یافت که بسیاری از آنان به عنوان مدرس، مجتهد و حتی مرجع تقلید و نیز ائمه جمعه و جماعات، قاضی و مدیر بلندپایه فرهنگی، منشأ خدمات علمی و ارشادی فراوانی هستند. وی هم زمان با آموختن و آموزش دادن، حتی لحظه ای از خودسازی، تهجد، عبادت، راز و نیاز با خداوند، غافل نبود و کسب رضای حق و اخلاص و صدق و صفا، مهم ترین ویژگی اخلاقی، بود.

معمولاً افراد وقتی به سنین بالا می رسند، دچار فرسودگی در امور زیستی، اختلال در فعالیت اندام ها، سستی و بی حالی، خستگی و ناتوانی می شوند و حتی از نظر فکری، حافظه و فعالیت های ذهنی، مشکل پیدا می کنند، ولی آیت الله اراکی با اینکه از نظر فیزیکی با ناگواری هایی روبه رو بود، در عرصه های فکری و فرهنگی بسیار فعال و بانشاط بود و در سال های واپسین عمر به مقام مهم

مرجعیت رسید که مسئولیت سنگین و سترگی است.

آیت الله اراکی به دلیل برخورداری از عمر بابرکت، حوادث و رویدادهای تاریخی بسیاری را مشاهده کرد یا به گونه ای با شخصیت های اثرگذار در مسائل سیاسی _ اجتماعی در ارتباط بود. این ویژگی برای ساخت برنامه های مستند صدا و سیما ارزنده است. با تکیه بر مصاحبه ها، خاطره ها و یادداشت های ایشان که به یادگار مانده و نیز خاطره یابی از فرزندان، نوادگان و شاگردان و آشنایان وی، می توان واقعیت های مهم تاریخ معاصر را که در ارتباط با این مرجع بزرگوار بوده است، در معرض دید علاقه مندان قرار داد.

سوژه های برنامه سازی

سوژه های برنامه سازی

۱. نیاکان آیت الله اراکی که از ایل افشار بوده و از خراسان به اراک مهاجرت کرده اند.
۲. زندگی فردی و اجتماعی پدرش حاج میرزا احمد فراهانی که زهد، شجاعت و توکل در آن موج می زده است.
۳. ماجرای تربت حضرت سیدالشهدا که مایه برکت این خانواده بوده و حتی به شفای بیماران و گرفتاران کمک کرده است. این تربت را پدرش از کربلا آورده بود.
۴. هم مباحثه بودن با فقیه مبارزی چون سید احمد خوانساری.
۵. انس و الفت ویژه ایشان با سید محمدتقی خوانساری و علاقه بسیار به وی و امداد رساندن به او در فعالیت های علمی، همکاری با ایشان در مسائل مربوط به مرجعیت و شرکت در درس او برای تقویت آن مرحوم و اینکه دو دخترش را برای رفع گرفتاری های آیت الله خوانساری به عقد ازدواج وی درآورد.

۶. ارتباط با امام خمینی از آغاز نهضت اسلامی به رهبری ایشان و مشاهده تصویر امام در خیابان ارم و بر زبان آوردن این نکته که امام خمینی اگر در کربلا بود، جزو اصحاب ویژه امام حسین علیه السلام بود.

۷. دیدار با امام در کربلا و نجف و نمونه هایی از ارادت او به امام خمینی.

۸. همکاری آیت الله اراکی با مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در تأسیس حوزه علمیه و سامان دادن اوضاع طلاب و رونق بخشیدن به فعالیت های آموزشی در حوزه قم.

۹. حافظه شگفت که تا آخرین لحظات زندگی مختل نشد.

۱۰. رسیدن به مقام مرجعیت در ۹۷ سالگی که پنج سال طول کشید. ایشان در این دوره با وجود سن بالا، به استفتائات پاسخ می گفت و با قشرهای گوناگون دیدار داشت و بیانیه هایی در موقعیت های گوناگون، مثل انتخابات خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس خبرگان و حوادث دیگر صادر کرد و گفت و گوهایی با رسانه ها در این دوران داشت؛ و موضع گیری های بجا و مناسب در حمایت از نظام اسلامی و رهبری حضرت آیت الله خامنه ای، تأیید فتاوی امام در مسائل قضایی و امور دیگر.

۱۱. خواندن زیارت جامعه کبیره در حرم ائمه هدی در مشهد مقدس، عتبات عراق و مدینه مکرّمه با آن قد خمیده و به حالتی که به عصای خود تکیه می داد و هنگام خواندن زیارت نامه به شدت و خالصانه گریه می کرد.

۱۲. زندگی ساده، خانه ای معمولی، قناعت و یکسانی شیوه زیستن وی قبل و بعد از مرجعیت.

۱۳. ماجرای آمدن حاج شیخ عبدالکریم حائری به خانه ایشان و معم شدن آیت الله اراکی و فراهم سازی زمینه های ازدواج وی.

۱۴. توسل همسر آیت الله اراکی به امامزاده سید محمد عابد برای بهبودی فرزندشان، شیخ ابوالحسن، که منجر به شفای کامل وی شد.

۱۵. ماجرای توسل آیت الله اراکی به ائمه هدی علیهم السلام در درمان بیماری ناگواری که به آن مبتلا شده بود.

۱۶. اقامه نماز جماعت آیت الله اراکی در برخی مساجد و حرم قم.

۱۷. بنیان گذاری نماز عبادی _ سیاسی جمعه توسط آیت الله اراکی در قم، به ویژه در زمان اختناق رژیم ستم شاهی و بیان مطالبی آموزنده با تکیه بر خطبه های نهج البلاغه.

گفت و گو با چه افرادی صورت گیرد؟

گفت و گو با چه افرادی صورت گیرد؟

۱. فرزندش دکتر علی مصلحی و نوه هایش سید علی فرحی، سید محمد مهدی فرحی و سید محمد حسین فرحی و حاج شیخ احمد، آقا حامد و آقا محمد (فرزندان میرزا ابوالحسن اراکی).

۲. شاگردان و مآنوسین: آیات محترم و حجج اسلام سید محسن خرازی، رضا استادی، آقا محمد شاه آبادی، علی کریمی جهرمی، محمد یزدی، محمد حسن فقیه احمدی، قربانعلی دری نجف آبادی، محمد محمدی ری شهری، غلام حسین رحیمی، سید کاظم نور مفیدی، سید محمد علی موسوی جزایری، سید محمد باقر خوانساری (فرزند سید محمد تقی خوانساری)، مرتضی مقتدایی، سید علی هاشمی بجنوردی، سید محمد علی علوی گرگانی، عباس علی عمید زنجانی.

پرسش های مسابقه

پرسش های مسابقه

۱. نیاکان آیت الله اراکی در کدام مناطق استان مرکزی می زیسته اند؟

(الف) فراهان* (ب) ساوه (ج) تفرش (د) اراک

۲. بارگاه امامزاده سید واقف، جد مادری آیت الله اراکی در کدام شهر قرار دارد؟

(الف) قم (ب) نیشابور (ج) نطنز* (د) شازند

۳. محل تولد آیت الله اراکی کجاست؟

(الف) مصلح آباد (ب) عباس آباد اراک* (ج) تفرش (د) چرمهین

۴. کدام یک از استادان آیت الله اراکی در جبهه نبرد با استعمار، تفسیری برای قرآن نوشت؟

(الف) آقا نورالدین عراقی* (ب) اراکی (ب) سید محمدتقی خوانساری

(ج) سید احمد خوانساری (د) سلطان العلماء اراکی

۵. آیت الله اراکی در حرم حضرت ابوالفضل در شهر کربلا با چه کسی دیدار کرد؟

(الف) سید علی قاضی طباطبایی (ب) سید ابوالقاسم خویی

(ج) امام خمینی* (د) شهید سید مصطفی خمینی

۶. آیت الله اراکی پس از درگذشت کدام شخصیت اقامه نماز جمعه و جماعت را در قم عهده دار شد؟

(الف) حاج شیخ عبدالکریم حائری (ب) مرعشی نجفی

(ج) سید محمدتقی خوانساری* (د) ملکی تبریزی

۷. فتوای آیت الله اراکی درباره نماز جمعه چگونه است؟

(الف) واجب عینی (ب) احتیاط واجب* (ج) واجب تخیری (د) واجب کفایی

۸. آیت الله اراکی امام خمینی را ... معرفی کرد.

(الف) احیاگر قرن معاصر (ب) مجدد مذهب

(ج) فداکار به تمام معنا (د) تمام موارد*

۹. مقام معظم رهبری، آیت الله اراکی را چگونه شخصیتی معرفی کرده است؟

(الف) عالم زاهد و پارسا (ب) عبد ممتحن خداوند

(ج) ذخیره گران بهای الهی (د) تمام موارد*

۱۰. آیت الله اراکی بر خواندن چه دعایی مداومت داشت؟

(الف) دعای کمیل (ب) دعای ندبه

(ج) دعای فرج (د) دعای امین الله*

۱۱. آیت الله اراکی در چه سنی مرجع شد و چند سال مرجع تقلید بود؟

(الف) ۹۷ سالگی، پنج سال* (ب) ۸۷ سالگی و هفت سال

(ج) ۹۰ سالگی و نه سال (د) هیچ کدام

۱۲. آیت الله اراکی در چه سالی رحلت کرد؟

(الف) آذر ۱۳۷۳* (ب) اسفند ۱۳۶۸

(ج) آذر ۱۳۷۱ (د) بهمن ۱۳۷۲

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. چرا آیت الله اراکی علاقه داشت از محضر علمای مبارز بهره مند شود و با آنان مأنوس باشد؟

۲. ارتباط های آیت الله اراکی با امام خمینی چگونه بود و ایشان درباره امام چه دیدگاهی داشت؟

۳. شیوه تدریس آیت الله اراکی از دیدگاه علمی، تربیتی و شیوه بحث چگونه

بوده است؟

۴. چه عواملی سبب شد آیت الله اراکی به حضور در صحنه های اجتماعی و پذیرش مسئولیت هایی چون مرجعیت و تدریس خارج فقه و اصول کمتر رغبت نشان دهد؟

۵. ویژگی های آیت الله اراکی را برشمارید.

۶. در آثار و نوشته های آیت الله اراکی چه ویژگی هایی دیده می شود؟

۷. روابط آیت الله اراکی با مؤسس حوزه علمیه قم چگونه بود و این دو شخصیت درباره یکدیگر چگونه فکر می کردند؟

۸. دیدگاه و موضع گیری های آیت الله اراکی درباره مسائل سیاسی عصر پهلوی چگونه بود؟

کتاب نامه

اشاره

کتاب نامه

زیر فصل ها

الف) کتاب ها

ب) مقالات

ج) سخنان و مصاحبه ها

د) نشریات و جراید

الف) کتاب ها

الف) کتاب ها

اراکي، محمدعلي، کتاب بيع، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۶۴.

استادی، رضا، گروهی از دانشمندان شیعه، قم، مؤلف، چاپ اول، ۱۳۸۳.

_____، نوزده ستاره و یک ماه، قم، قدس، چاپ اول، ۱۳۸۲.

_____، یادنامه حضرت آیت الله العظمی اراکی، اراک، انجمن علمی فرهنگی و هنری استان مرکزی، چاپ

اول، ۱۳۷۵.

اعظم واقفی، سید حسین، میراث فرهنگی نطنز، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.

آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، نَقَّحه و زاد فیہ احمد المنزوی (ابن المؤلف)، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۷ ق.

_____، محمد محسن، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر (طبقات اعلام الشیعه)، مشهد، دار المرتضی للنشر، چاپ

سوم، ۱۴۰۴ ق.

امینی، علیرضا، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، تهران، صدای معاصر، ۱۳۸۱.

انصاری قمی، ناصرالدین، اختران فقاہت، با تعلیقات: آیت اللہ شبیری زنجانی، قم، دلیل ما، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

_____، اختران فضیلت، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۸.

ایدرم، حسن، سید محمدتقی خوانساری بر چشمه ساران حضور، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

آینه داران حقیقت (مصاحبه های مجله حوزه با عالمان و دانشوران حوزوی)، ج اول، تهیه و تدوین: هیئت تحریریه مجله حوزه، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۲.

بروجردی، مهدی، درد بی درمان، قم، بی نا، بی تا.

بصیرت منش، حمید، علما و رژیم رضاخان، تهران، عروج، چاپ اول، ۱۳۷۶.

جواهر کلام، عبدالحسین، تربت پاکان قم، قم، انصاریان، چاپ اول، ۱۳۸۲.

حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۴.

حائری، مرتضی، سر دلبران، به کوشش: رضا استادی، قم، انصاری، ۱۳۷۷.

حسن زاده، صادق، طیب دل ها، قم، انتشارات استاد احمد مطهری، چاپ اول، ۱۳۷۹.

حسینی، سید نعمت الله، مردان علم در میدان عمل، قم، مؤلف، چاپ اول، ۱۳۷۴.

خاتم معرفت (یادنامه حضرت آیت الله حاج سید خاتم یزدی)، تهیه و تنظیم: مؤسسه فرهنگ منہاج، قم، فرهنگ منہاج، چاپ اول، ۱۳۸۱.

خاطرات آیت الله حاج شیخ رضا استادی، تدوین: عبدالرحیم اباذری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

خاطرات آیت الله شیخ مرتضی بنی فضل، تدوین: عبدالرحیم اباذری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.

خاطرات آیت الله محمدعلی گرامی، تدوین: محمدرضا احمدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱.

- خاطرات آیت الله نور مفیدی، جلد اول، تدوین: غلامرضا خارکوهی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- خبرگان ملت (شرح حال نمایندگان مجلس خبرگان رهبری)، تهیه و تنظیم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- خرازی، سید محسن، روزنه هایی از عالم غیب، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۳.
- خوارزمی، اخطب، المناقب، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
- دانش نامه قرآن پژوهان ایران، جلد اول، به کوشش: سعید بهمنی، تهیه: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر: محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷.
- دهگان، ابراهیم، تاریخ اراک، اراک، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.
- _____، دائرهالمعارف تشیع، زیر نظر: احمد صدر حاج سید جوادی، بهاءالدین خرمشاهی و کامران فانی، تهران، نشر شهید سعید محبی، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
- _____، گزارش نامه یا فقه اللغه اسامی امکنه و کرج نامه یا تاریخ آستانه، اراک، بی نا، چاپ اول، ۱۳۴۲ ش.
- دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران (جلد ۳ و ۴)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- روحانی، سید حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱.
- ریحان یزدی، سید علی رضا، آیینه دانشوران، با مقدمه و تعلیقات و اضافات: ناصر باقری بیدهندی، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۷۲.

- ستوده، امیررضا، پا به پای آفتاب (گفته ها و ناگفته هایی از زندگی امام خمینی)، تهران، چاپ دوم و ویرایش دوم، ۱۳۸۱.
- سرگذشت های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی به روایت جمعی از فضلا، مصاحبه و تنظیم: رضا شعرآباف، تهران، پیام آزادی، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- سعیدیان، عبدالحسین، سرزمین و مردم ایران، تهران، مؤلف، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
- سلوک معنوی (گفتارها، مصاحبه ها و خاطره هایی از فقیه وارسته و عارف فرزانه حضرت آیت الله سید رضا بهاءالدینی)، تدوین و ویرایش: اکبر اسدی، قم، پارسایان، ۱۳۷۷.
- شیری زنجانی، حاج سید موسی، جرعه ای از دریا (جلد اول)، قم، مؤسسه کتاب شناسی شیعه، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- شریف رازی، محمد، آثار الحجه یا تاریخ و دائرهالمعارف حوزه علمیه قم، قم، دارالکتاب، چاپ سوم (از روی چاپ سال ۱۳۳۲ ش).
- _____، گنجینه دانشمندان، تهران، اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۵۴.
- شکوری، ابوالفضل، سیره صالحان، قم، انتشارات شکوری، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- _____، فرهنگ رجال و مشاهیر تاریخ معاصر ایران، قم، عالمه، ۱۳۷۷.
- صدرایی خویی، علی، دیدار با ابرار، (جلد ۸۲: آیت الله اراکی یک قرن وارستگی)، با همکاری: ابوالفضل حافظیان و به کوشش: پژوهشکده باقرالعلوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- عباس زاده، سعید، شیخ عبدالکریم حائری نکهبان بیدار، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- عراقی، آقا سیدنورالدین، القرآن و العقل، مقدمه و تصحیح: آیت الله شیخ محمدعلی اراکی، با تعلیقات و اصلاحات: موسوی کرمانی و شیخ علی پناه اشتهاردی، تهران، مؤسسه کوشان پور، [بی تا].

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، فقهای نامدار شیعه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، [ابی تا].

فاطمی نیا، سید عبدالله، شرح و تفسیر زیارت جامعه کبیره، تدوین و تحقیق: محمدرضا رحمتی شهرضایی، قم، انتشارات کریمه اهل بیت علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۳.

فیض، عباس، گنجینه آثار قم، قم، مهر، ۱۳۵۰.

کاظمینی، میرزا محمد و سید محمد کاظم مدرسی، دانشنامه ائمه جمعه کشور، به کوشش: بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانه الرسول یزد، تهران، برگ رضوان، چاپ اول، ۱۳۸۴.

کاظمینی، میرزا محمد، دانشنامه مشاهیر یزد، بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانه الرسول، چاپ اول، ۱۳۸۲.

کریمی جهرمی، علی، آیت الله مؤسس، قم، دارالحکمه، چاپ اول، ۱۳۷۲.

کشوری، احمدرضا، فرزندگان خوانسار، قم، کنگره محقق خوانساری، چاپ اول، ۱۳۸۸.

کوثر (مجموعه سخنرانی های امام خمینی همراه با شرح وقایع انقلاب اسلامی) با تجدید نظر و اضافات، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.

گروهی از نویسندگان، جغرافیای کامل ایران، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، ۱۳۶۶.

لُسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه: محمود عرفان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۷.

مؤسس حوزه (یادنامه حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی)، به کوشش: سید محمد کاظم شمس و دیگران، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۳.

محتاط، محمدرضا، سیمای اراک (جامعه‌شناسی شهری)، تهران، نشر آگه، ۱۳۶۸.

محمدی اشتهاوردی، محمد، خورشید حوزه‌های علمیه، قم، مؤسسه انتشاراتی امام عصر، ۱۳۷۹.

مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.

مدنی بجستانی، سید محمود، میرزای شیرازی احیاگر قدرت فتوا، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

مرسلوند، حسن، زندگی نامه رجال و مشاهیر ایران، تهران، الهام، ۱۳۶۹.

مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین، الاجازه الکبیره او الطريق المحجّه لثمره المهجه، به کوشش: محمد سمایی حائری، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۴ ق.

مستوفی، حمدالله، نزهةالقلوب، به کوشش و تصحیح: گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۲.

مشکور، محمدجواد، تاریخ ایران زمین، تهران، اشراقی، ۱۳۶۳.

مقدس زاده، محمد، رجال قم، تهران، بی نا، ۱۳۳۵ ش.

میرمحمدی، حمیدرضا، اختران فروزان خوانسار، خوانسار، انتشارات ارمغان معلم، چاپ اول، ۱۳۷۸.

_____، ستارگان خوانسار، قم، نشر جمال، چاپ اول، ۱۳۸۲.

مینایی، ساغر، (گزارش و یادبود اولین شب شعر فیضیه)، به کوشش: محمود شاهرخی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.

نعیمی، داوود، افتخارآفرینان استان مرکزی، قم، کومه، چاپ اول، ۱۳۸۵.

_____، آیات سرمد (زندگانی اولاد میر علی محمد جدّ اعلای سادات کرهرود)، اراک، مؤلف، چاپ اول، ۱۳۷۹.

_____، شمس الفقها، (یادواره آقا ضیاءالدین عراقی (اراک))، اراک،

مؤلف با همکاری مرکز فرهنگی باقرالعلوم علیه السلام، بی تا.

_____، نورالباقی (در تاریخ و کرامات آقا نورالدین عراقی)، اراک، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مرکزی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

نورمحمدی، محمدجواد، شیخ مناجاتیان، قم، مهر خوبان، چاپ اول، ۱۳۸۲.

_____، ناگفته های عارفان، قم، آفتاب خوبان، چاپ اول، ۱۳۸۳.

هفتاد سال خاطره از آیت الله سید حسین بدلا، تدوین: مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

واعظ خیابانی، حاج میرزا علی، علمای معاصر، به کوشش و تکمیل: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۲.

وکیلی، محمدرضا، تاریخ عراق عجم، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۲ ش.

ولاشجردی فراهانی، غلامعلی، نام های ماندگار (سیری در زندگانی مشاهیر استان مرکزی)، اراک، انتشارات پیام دیگر، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

یاقوت حموی رومی بغدادی، شهاب الدین ابی عبدالله، معجم البلدان، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ ه. ق / ۱۹۷۹ م.

(ب) مقالات

(ب) مقالات

«تقلید مقلدین پس از رحلت امام خمینی»، مجله پاسدار اسلام، تیر ۱۳۶۸، ش ۹۱.

«جلوه هایی از حیات آیت الله العظمی اراکی»، مجله پیام حوزه، سال اول، پاییز ۱۳۷۳، ش ۳.

«در سوگ حضرت آیت الله العظمی اراکی»، ناصرالدین انصاری، مجله آینه پژوهش، سال ۵، آذر و دی ۱۳۷۸، ش ۲۸.

«در سوگ مهر»، مجله بصائر، آذر و دی ۱۳۷۴، ش ۱۴ و ۱۵.

«روحانی کیست»، شهید آیت الله دکتر سید محمدحسینی بهشتی، مجله حوزه،

سال اول، اردیبهشت ۱۳۶۳، ش ۴.

«شیخ الفقها و المجتهدین آیت الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی»، مجله مسجد، سال سوم، ش ۱۷، آذر و دی ۱۳۷۳.

«عالمان اسوه در نگاه امام خمینی»، مجله حوزه، سال نهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱، ش ۴۹.

«فقیه پارسا و ذخیره گرانها»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷/۹/۱۳۸۱، ش ۶۷۹۰.

«معرفی کتاب القرآن و العقل»، مجله حوزه، فروردین ۱۳۶۴، ش ۹.

«نجوم امت (۳) آیت الله سید محمدتقی خوانساری»، مجله نور علم، مهر ۱۳۶۳، ش ۶.

«یادی از عالم وارسته آیت الله آقا نورالدین اراکی»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵/۱۱/۱۳۶۹، ش ۳۳۸۷.

آقا نورالدین عراقی فروغ شریعت، غلامرضا گلی زواره، گلشن ابرار، ج ۳، قم، نشر معروف، چاپ اول، ۱۳۸۲.

سید محمدجواد مهری، «پاسداران اسلام (حاج شیخ عبدالکریم حائری بنیان گذار حوزه علمیه قم)»، مجله پاسدار اسلام، مرداد ۱۳۶۲، ش ۶.

ج) سخنان و مصاحبه ها

ج) سخنان و مصاحبه ها

«گزیده ای از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با مردم اراک»، روزنامه اطلاعات، ۲۵/۸/۱۳۷۹، ش ۲۲۰۶۰.

«مصاحبه با آیت الله العظمی اراکی»، مجله پاسدار اسلام، ۱۷/۹/۱۳۶۳، ش ۱۲۵ و ۱۰/۱۰/۱۳۶۳، ش ۱۲۶.

«گفت و گو با آیت الله مصلحی اراکی»، روزنامه رسالت، ۱۰/۹/۱۳۷۳، ش ۲۵۷۸.

«مصاحبه با استاد آیت الله اراکی»، مجله حوزه، دی ۱۳۶۴، ش ۱۲.

«مصاحبه با آیت الله مصلحی»، روزنامه کیهان، ۱۰/۹/۱۳۷۴.

«گفت و گو با حضرت آیت الله العظمی شیخ محمدعلی اراکی، حماسه فتوا، ویژه نامه روزنامه جمهوری اسلامی به مناسبت یکصدمین سالگرد رحلت میرزای شیرازی، ۷/۱۲/۱۳۷۰.

آرشیو خاطرات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، پرونده حضرت آیت الله شیخ محمدعلی اراکی، بخش مصاحبه.

«مصاحبه با استاد حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی»، مجله حوزه، تیر ۱۳۶۵، ش ۱۵.

«مصاحبه با حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی»، مجله کیهان فرهنگی، سال دوم، آذر ۱۳۶۴، ش ۹.

لوح فشرده سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان مرکزی درباره ویژگی های تاریخی، فرهنگی و زیستی اراک، ویرایش سال ۱۳۸۹.

(د) نشریات و جراید

(د) نشریات و جراید

فصلنامه تحقیقات فرهنگی هنری استان مرکزی (راه دانش)، بهار و تابستان ۱۳۷۷، ش ۷.

آن موج آرام (ویژه هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی)، خرداد ۱۳۷۶ ش.

حضور، یادمان بزرگداشت چهارمین سالگرد رحلت امام عارفان، خرداد ۱۳۷۲.

فصلنامه حضور، تابستان ۱۳۷۱، ش ۵ و ۶.

مجله پیام حوزه، سال اول، تابستان ۱۳۷۳، ش ۲.

آینه پژوهش، خرداد و تیر ۱۳۷۶، ش ۴۴.

نشریه کیهان هوایی، ۱۴/۴/۱۳۶۸، ش ۸۳۵.

مجله نور علم، اسفند ۱۳۷۴، ش ۵۴.

مجله حوزه، سال نهم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱، ش ۴۹.

روزنامه رسالت، ۱۰/۹/۱۳۷۳، ش ۲۵۷۷.

روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲/۳/۱۳۶۸، ش ۲۹۰۶ و ۲۳/۳/۱۳۶۸، ش ۲۹۰۷.

روزنامه کیهان، ۱۵/۷/۱۳۶۹، ش ۱۴۰۱۶.

ویژه نامه رحلت حضرت آیت الله العظمی اراکی، روزنامه کیهان، ۹/۹/۱۳۷۳.

مجموعه حکمت (مجله)، سال اول، ش ۱۲.

روزنامه ابرار، دوره دوم، ۲۳ خرداد ۱۳۶۸، ش ۱۷۳.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹